



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

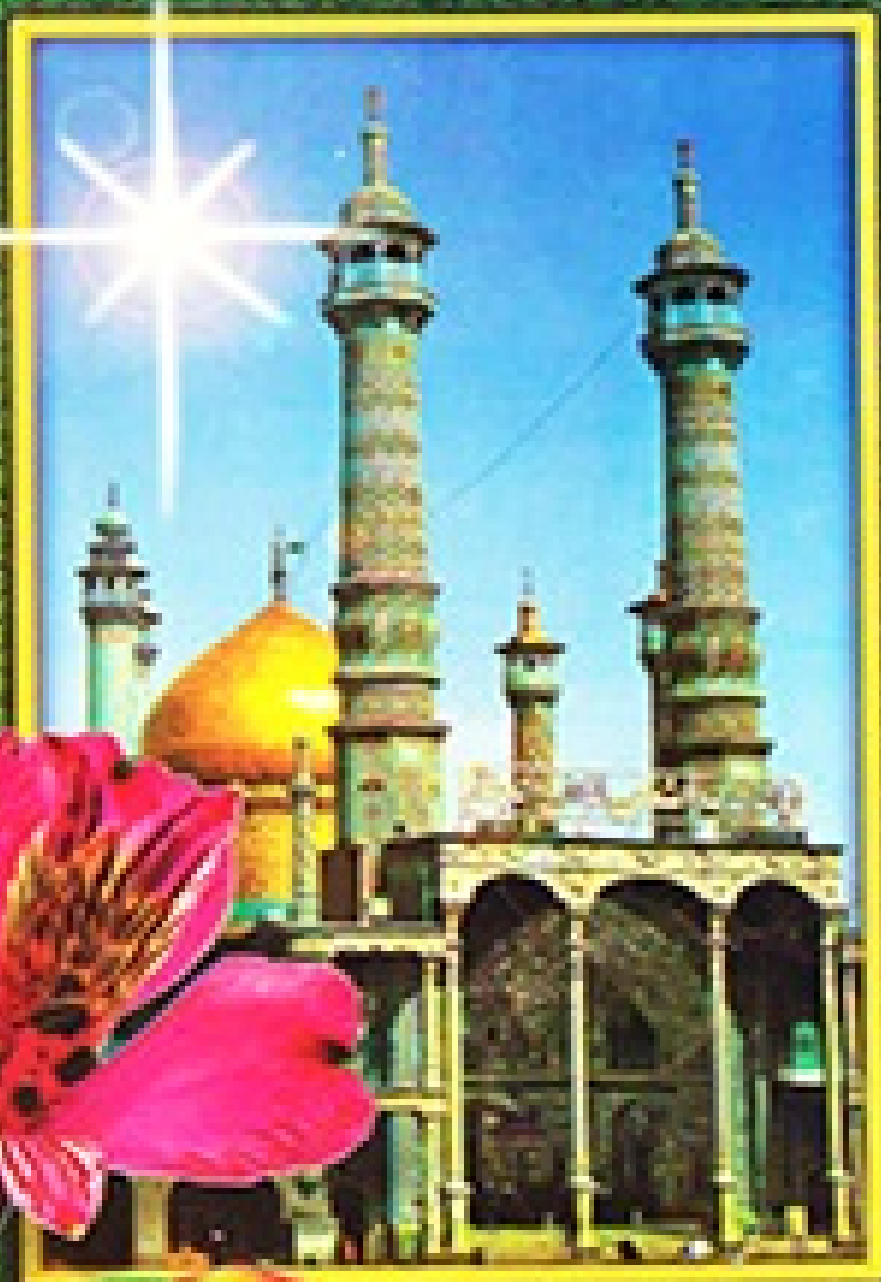


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



ستارگان حرم



گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۴

نویسنده:

ماهنامه کوثر

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۴
۱۶	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۲۹	سید غلامرضا سعیدی (قامت غیرت) / اسماعیل محمدی کرمانشاهی
۲۹	مصلح نوزاد
۳۲	استاد سعیدی و اقبال لاهوری
۳۳	استاد سعیدی و احمد کسروی
۳۶	سیری در آثار و افکار استاد سعیدی
۳۶	سال ۱۳۲۲ هجری شمسی
۳۷	سال ۱۳۲۶ هجری شمسی
۳۷	سال ۱۳۳۴ هجری شمسی
۳۸	سال ۱۳۳۵ هجری شمسی
۳۸	اشاره
۳۸	شرمندگی اسدالله علم
۳۹	سال ۱۳۳۶ هجری شمسی
۴۰	سال ۱۳۳۷ هجری شمسی
۴۰	سال ۱۳۳۸ هجری شمسی
۴۱	سال ۱۳۳۹ هجری شمسی
۴۱	سال ۱۳۴۰ هجری شمسی
۴۱	سال ۱۳۴۲ هجری شمسی
۴۲	سال ۱۳۴۵ هجری شمسی
۴۳	سال ۱۳۴۶ هجری شمسی
۴۴	سال ۱۳۴۷ هجری شمسی

۴۵	سال ۱۳۴۸ هجری شمسی
۴۶	سال ۱۳۵۰ هجری شمسی
۴۷	سال ۱۳۵۱ هجری شمسی
۴۷	سال ۱۳۵۲ هجری شمسی
۴۸	سال ۱۳۵۳ هجری شمسی
۴۸	سال ۱۳۵۴ هجری شمسی
۴۹	سال ۱۳۵۵ هجری شمسی
۵۱	استاد سعیدی و اهدای کتاب
۵۱	اشاره
۵۱	۱ - اسلام و طب جدید
۵۱	۲ - رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میدان جنگ
۵۱	۳ - پیشرفت سریع اسلام
۵۱	۴ - نقش اسلام در برابر غرب
۵۱	۵ - جنگ و صلح در قانون اسلام
۵۲	۶ - عمار یاسر
۵۷	سید محمد صادق لواسانی (یار دیرین امام) / علی احمد پورترکمانی
۵۷	خاندان علم و سیادت
۵۸	تولد
۵۸	سفر به همدان
۵۹	سفر به اراک
۵۹	مهاجرت به قم
۶۰	آشنایی با امام
۶۱	عزیمت به نجف
۶۱	تصدی مدارس حوزه علمیه قم
۶۲	اقامت در تهران
۶۲	سرآغاز مبارزات

۶۳	نقش آیت الله لواسانی بعد از تبعید امام
۶۴	استمرار مبارزات
۶۶	سنگ صبور انقلاب
۶۷	ویژگیهای اخلاقی
۶۷	عروج
۶۷	اشاره
۶۸	پیام رهبر معظم انقلاب
۶۹	پیام آیه الله هاشمی رفسنجانی
۷۰	پیام تسلیت حجه الاسلام حاج سید احمد خمینی به فرزند آن مرحوم
۷۷	عبدالله بن جعفر حمیری قمی (محدث فرزانه) / ابوالحسن ربانی
۷۷	اشاره
۷۷	لقب حمیری
۷۷	تاریخ تولد
۷۸	حمیری از منظر اهل نظر
۷۹	صحابی معصومین (علیهم السلام)
۷۹	اساتید
۸۰	شاگردان
۸۲	آثار و کتب
۸۴	خوشه هایی از خرمن حمیری
۸۴	اشاره
۸۴	میزان شناخت مؤمن و منافق
۸۴	نشانه ریا کاران
۸۴	نماز اول وقت
۸۵	خاندان و فرزندان
۸۵	رحلت
۸۶	مرقد حمیری

۹۱	احمد بن ادریس قمی (معلم حدیث) / عبدالکریم پاک نیا
۹۱	اشاره
۹۱	القاب و اسامی
۹۲	فعالیت های گسترده
۹۲	ویژگی درخشان
۹۳	اساتید برجسته
۹۳	در نگاه دانشمندان
۹۴	آثار و تألیفات
۹۵	شاگردان با فضیلت
۹۵	اشاره
۹۵	۱ - تقه الاسلام کلینی
۹۶	۲ - ابو علی برفری
۹۶	۳ - ابو عبدالله بزوفری (سفیر امام زمان علیه السلام)
۹۷	۴ - علی ابن حاتم قزوینی
۹۸	فرزندان محدث
۹۸	اشاره
۹۸	۱ - حسن ابن احمد ابن ادریس قمی
۹۸	۲ - حسین ابن احمد ابن ادریس قمی
۹۹	آرزوی خدایی
۹۹	سفر به سوی ابدیت
۹۹	نمونه ای از روایات احمد ابن ادریس
۱۰۵	عبدالحسین غروی تبریزی (شکوه و ارستگی) / علی احمد پورترکمانی
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	تولد مبارک
۱۰۵	خاندان
۱۰۶	هجرت از نجف به تبریز

- ۱۰۷ هجرت به قم
- ۱۰۷ هجرت به تبریز
- ۱۰۸ دلداده اهل بیت (علیهم السلام)
- ۱۰۸ یار دیرین امام (قدس سره)
- ۱۰۹ نا گفته ها
- ۱۱۰ روزگار جهاد و مبارزه
- ۱۱۰ مبارز آگاه
- ۱۱۱ ره توشه
- ۱۱۱ روزگار غیبت
- ۱۱۱ آیةالله غروی و ولایت
- ۱۱۲ پشتیبان امت حزب الله
- ۱۱۲ اجازات
- ۱۱۳ آثار
- ۱۱۳ عروج
- ۱۱۹ احمد ابن اسحاق قمی (سفر نور) / عبدالکریم پاک نیا
- ۱۱۹ سفیر امامت
- ۱۲۰ خاندان بزرگ
- ۱۲۰ پدر نیکوکار
- ۱۲۱ احمد ابن اسحاق در محضر حضرت هادی علیه السلام
- ۱۲۲ محرم راز حضرت عسکری علیه السلام
- ۱۲۲ جانشین حضرت عسکری (علیه السلام)
- ۱۲۴ سیمای احمد در دیدگاه امام زمان (عج)
- ۱۲۴ در نگاه دانشمندان
- ۱۲۵ هدیه حضرت مهدی (عج)
- ۱۲۵ بهترین شهروند قمی و شوق وصال یار
- ۱۲۶ داستان صد و شصت کیسه پول

- ۱۲۸ شخصیت علمی
- ۱۲۹ تألیفات
- ۱۲۹ اساتید
- ۱۲۹ شاگردان احمد ابن اسحاق
- ۱۳۱ شخصیت اجتماعی
- ۱۳۲ افول ستاره قم
- ۱۳۲ نمونه هائی از روایات احمد ابن اسحاق
- ۱۳۲ اشاره
- ۱۳۲ ایمان حضرت ابی طالب علیه السلام
- ۱۳۳ نام های نیک خداوند
- ۱۳۳ خوشبخت ترین انسان
- ۱۳۹ میرزا علی آقا شیرازی (واعظ وارسته) / غلام رضا گلی زواره
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۳۹ دوران کودکی
- ۱۴۰ استادان
- ۱۴۳ غواص اقیانوس علوی
- ۱۴۶ معرفت و تربیت
- ۱۴۸ احیای آثار
- ۱۴۹ اخلاق و رفتار
- ۱۵۵ سعد بن عبدالله اشعری (استاد محدثان) / علی اکبر رضایی
- ۱۵۵ مقدمه
- ۱۵۵ سعد بن عبدالله اشعری کیست؟
- ۱۵۶ فعالیتهای علمی
- ۱۵۶ اساتید
- ۱۵۶ استادان شیعی اشعری
- ۱۵۷ شاگردان

۱۵۷ اشاره
۱۵۷ ۱ - ابوالحسن علی بن حسین بن بابویه قمی (متوفی ۳۲۹ ه ^ق)
۱۵۸ ۲ - محمد بن یعقوب کلینی (متوفی، شعبان ۳۲۹ ه ^ق)
۱۵۸ ۳ - جعفر بن محمد بن قولویه قمی
۱۵۸ ۴ - احمد بن محمد بن یحیی عطار
۱۵۸ ۵ - ابویعلی حمزه بن قاسم علوی عباسی
۱۵۸ آثار
۱۶۰ مناظره های علمی
۱۶۰ منزلت روایی
۱۶۱ گرایش روایی
۱۶۲ وجوب جهاد
۱۶۲ انواع قتل
۱۶۲ تأثیر روایات اشعری در مبانی و احکام فقه
۱۶۳ حکومت های عصر اشعری
۱۶۴ اشعری شیفته ولایت
۱۶۶ دیدار با ماه و مشتری
۱۶۹ در مکتب اشعری
۱۷۲ وفات و مرقد اشعری
۱۷۸ آقا شیخ عباس قمی (حدیث اخلاص) / عبدالکریم پاک نیا
۱۷۸ اشاره
۱۷۸ عزیمت به حوزه علمیه نجف
۱۸۰ هجرت به مشهد
۱۸۰ در پناه حضرت رضا علیه السلام
۱۸۲ مبارزه با هوای نفس
۱۸۳ داستان شیخ عبدالرزاق
۱۸۳ تأثیر بیان

- ۱۸۵ اخلاق او جلوه ای از تعالیم اسلام
- ۱۸۵ تواضع و فروتنی
- ۱۸۶ صفا و اخلاص او
- ۱۸۶ مردی بزرگ در یک اتاق کوچک
- ۱۸۷ مرزبان ایمان و مبارزه با هجوم دشمنان
- ۱۹۰ در نگاه دانشمندان
- ۱۹۱ پرتویی از توسل حاج شیخ
- ۱۹۳ همگام با زائرین حرم
- ۱۹۳ نویسنده خستگی ناپذیر
- ۱۹۴ محدث قمی و قرآن
- ۱۹۵ محدث و سادات
- ۱۹۵ امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۹۵ آثار و تألیفات
- ۱۹۶ میراث جاودان
- ۱۹۸ شاگردان
- ۱۹۸ فرزندان
- ۱۹۹ لحظه های آخر و بیاد ماندنی
- ۲۰۴ محمد بن خالد برقی (حدیث کوشائی) / علی محمدی
- ۲۰۴ اشاره
- ۲۰۴ خاندان محمد
- ۲۰۴ صحابی ائمه علیهم السلام
- ۲۰۵ فعالیت سیاسی در مقابله با مخالفین ائمه علیهم السلام
- ۲۰۶ محمد بن خالد بر کرسی علم و دانش
- ۲۰۷ آثار
- ۲۰۷ اشاره
- ۲۰۷ معرفی کتاب النوادر

۲۰۸	شاگردان
۲۰۸	اشاره
۲۰۸	۱ - احمد بن محمد بن خالد برقی
۲۰۸	۲ - حسین بن سعید اهوازی
۲۰۹	موضوعات روایات
۲۱۲	اساتید و مشایخ
۲۱۳	محمد بن خالد در نگاه دانشمندان
۲۱۴	رحیل دیدار
۲۱۸	محمد علی مدرس تبریزی (صاحب ریحانه الادب) / اسماعیل محمد کرمانشاهی
۲۱۸	حیات طیبه
۲۱۹	علاقه به تحصیل و تألیف
۲۱۹	نماز شب
۲۲۰	شعر طلوع و غروب
۲۲۰	عطر سیب
۲۲۱	فرزندان
۲۲۳	مدرس تبریزی و ریحانه الادب
۲۲۳	صاحب کتاب مفاخر آذربایجان
۲۲۴	مدرس در آینه آثار
۲۲۴	اشاره
۲۲۴	الف: آثار چاپ شده
۲۲۵	ب) آثار چاپ نشده
۲۳۰	محمد جواد صافی گلپایگانی (اسوه شجاعت) / ناصر الدین انصاری
۲۳۰	مقدمه
۲۳۰	ولادت
۲۳۰	تحصیلات
۲۳۱	استادان

۲۳۲	تدریس
۲۳۲	مهاجرت به تهران
۲۳۳	بازگشت به گلپایگان
۲۳۴	مبارزه با خوانین
۲۳۶	هوشیاری
۲۳۸	مبارزه با رژیم پهلوی
۲۴۰	مبارزه با بهائیت
۲۴۱	ویژگیهای شخصی
۲۴۲	قدرت ادبی
۲۴۴	تألیفات
۲۴۵	درگذشت
۲۴۷	فرزندان
۲۵۱	حسین فاطمی قمی (معلم اخلاق) / جواد نور محمد، محمدرضائی
۲۵۱	مقدمه
۲۵۱	نسب سیادت
۲۵۴	حکایت پدر
۲۵۶	تحصیلات و استادان
۲۵۹	شاگردان
۲۶۰	پشتیبان امام خمینی (قدس سره)
۲۶۱	تألیفات
۲۶۵	شعر
۲۶۶	مواعظ
۲۶۶	اشاره
۲۶۷	توصیه به تقوی
۲۷۰	همت بلند
۲۷۱	توبه واجب فوری

۲۷۷	رحلت
۲۷۸	حاج سید صادق قمی (آیت تدبیر) / ناصر الدین انصاری قمی
۲۷۸	مقدمه
۲۷۸	ولادت
۲۷۸	تحصیلات
۲۷۸	هجرت به نجف
۲۸۰	بازگشت به قم
۲۸۱	مرجعیت امور
۲۸۳	شاگردان
۲۸۴	تألیفات
۲۸۴	بنای مسجد مدرسه
۲۸۵	درگذشت
۲۸۷	فرزندان
۲۸۷	اشاره
۲۸۷	۱ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمود روحانی
۲۸۷	۲ - مرحوم آیت اله حاج میرزا ابوالحسن روحانی
۲۸۸	۳ - مرحوم آقای میرزا فخرالدین روحانی
۲۸۸	۴ - آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم روحانی
۲۸۸	۵ - مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا احمد روحانی
۲۸۹	دامادها
۲۹۶	درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان قراردادادی: فرهنگ کوثر (مجله)

عنوان و نام پدیدآور: ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) / تالیف گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۷۷ -

مشخصات ظاهری: ج.: مصور، نمونه، عکس.

شابک: دوره ۹۶۴-۶۴۰۱-۵-۰۱-۵؛ ۵۰۰۰ ریال (ج. ۱)؛ ۶۰۰۰ ریال: ج. ۲. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۰-۶؛ ۵۵۰۰۰ ریال: ج. ۳. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۱-۲؛ ۶۰۰۰ ریال: ج. ۴. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۴-۷؛ ۵۵۰۰ ریال: ج. ۵. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۵-۵؛ ۶۵۰۰۰ ریال: ج. ۶. ۹۶۴-۶۴۰۱-۲۰-۱؛ ۸۵۰۰ ریال (ج. ۱۱)؛ ۸۰۰۰ ریال (ج. ۱۲)؛ ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۵. ۹۶۴-۶۴۰۹-۸۷-۲؛ ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۷. ۹۶۴-۸۵۶۷-۰۸-۵؛ ۱۷۰۰۰ ریال: ج. ۲۰. ۹۶۴-۸۵۶۷-۹۰-۵؛ ۱۶۰۰۰ ریال: ج. ۲۱. ۹۶۴-۸۵۶۷-۹۵-۶؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۶. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۱۲۲-۱؛ ۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۲۷)؛ ۲۸. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۲۳۵-۸؛ ۲۹. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۴۱۷-۸؛ ج. ۳۰. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۴۴۴-۴:

وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری (فاپا)

یادداشت: ج. ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۳۷۷).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۵ (چاپ اول: بهار ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۶ (چاپ اول: پائیز ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۸ (چاپ اول: زمستان ۱۳۷۹).

یادداشت: ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۱).

یادداشت: ج. ۱۲ و ۱۵ (چاپ اول: ۱۳۸۲).

یادداشت: ج. ۱۷ (چاپ اول: ۱۳۸۵).

یادداشت: ج. ۲۰ و ۲۱ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۲۶ و ۲۷ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت : ج. ۲۸ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیپا).

یادداشت : ج. ۲۹ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیپا).

یادداشت : ج. ۳۰ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع : قم -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۵۵/۲ س ۲۵ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۶

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۸-۸۷۸۷

ص: ۱

اشاره

مصلح نوزاد

از آغاز دوران غیبت کبری تا کنون اندیشمندان دینی در حالی رهبری مردم به سوی چشمه هدایت را به عهده گرفته اند که قدرتمندان همواره بر طبقه زیر دست خویش ستم روا داشته اند. قدرتمندانی که باطل را با ظاهری حق نما آراسته و جوامع را به سوی بی عدالتی و دنیا پرستی سوق داده اند.

عالمان اصلاح طلب نیز در مقابل این سلطه ظالمانه مسئولیت تفکیک حق از باطل را بر عهده گرفته اند.

این مصلحان در جهات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... قیام کرده و اصلاح گر جامعه خویش شده اند. البته اندیشمندانی نیز بوده و هستند که در ابعاد فراگیر مصلح شناخته می شوند که نمونه روشن آن را می توان در شخصیت کم نظیر امام خمینی (قدس سره) و افرادی همانند سید جمال الدین اسد آبادی و اقبال لاهوری یافت.

بی گمان ارزش و تأثیر گذاری انقلاب مصلحان نیز آنگاه روشن خواهد شد که بدانیم آنان زمینه سازان واقعی قیام بزرگ امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، برای اصلاح کامل جامعه بشری هستند.

در تاریخ معاصر کشور ما یکی از اندیشمندانی که با قلم خویش در اصلاح ساختار فرهنگی جامعه بر پایه ترویج مبانی اسلام ناب و در زمره پیشروان نهضت اسلامی (۱) قرار گرفته است، مرحوم استاد سید غلام رضا سعیدی بیرجندی است. شخصیت کم نظیری که با تسلط و آشنایی به زبانهای «عربی، انگلیسی، فرانسه و اردو» (۲) در زمانی که طاقت بستر مناسب برای ابتدال نویسان را فراهم می کرد، به خلق آثار قلمی پرداخت.

۱- - رک: پیام مقام معظم رهبری درباره فوت ایشان .

۲- - میراث ماندگار، سال دوم، سازمان انتشارات کیهان، صفحه ۱۰۴، ۱۳۶۹ هجری شمسی .

مقام معظم رهبری با واژه هایی مانند: عنصر صدیق، دلسوز، خدمتگزار اسلام، از پیشروان نهضت اسلامی، انسان وارسته، پاکدامن، متواضع، غیور، مبارز و ...»^(۱) شخصیت برجسته استاد را معرفی می نماید و به نظر می رسد آگاهی جوانان با آثار و افکار استاد که از پیشروان نهضت اسلامی است، یکی از نیازهای فرهنگی جامعه امروز ماست.

آگاهی، احساس وظیفه و تعهد کم نظیر دستمایه های اصلی استاد بود که توانست آثار وی را فراموش نشدنی سازد. تا آنجا که برخی آثار او پس از گذشت حدود سه دهه از تألیف آن نه تنها طراوت و شادابی خود را حفظ کرده اند، بلکه نیاز به نشر مجدد را می طلبند. از جمله این کتابهای شایسته «فریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی» است که در زمره کارهای بزرگ سیاسی، فرهنگی استاد به شمار می رود.

«فریاد فلسطین» ... شامل مباحث مهمی است از قبیل آرزوهای خطرناک اسرائیل و آتش سوزی مسجد الاقصی که به نام روز اقصی و توسط کنفرانس اسلامی به عنوان روز عزا اعلام شد.

در مقدمه کتاب که تاریخی فروردین ۱۳۵۰ ثبت شده، استاد می نویسد: «یکی از قوی ترین موجباتی که در میان ملت‌های اسلامی جدایی به وجود آورد نغمه ناسیونالیسم یا ملت پرستی بود که از اروپا سرچشمه گرفت.

مفهوم نا مبارک ناسیونالیسم پس از چند قرن خرابی و لطمه ای که به وجود آورد، مبدل به کلمه «انترناسیونالیسم» گردید. خوشبختانه ملت‌های متنوع اسلام در برابر آرزوهای تازه بشریت، یعنی مفهوم «انترناسیونالیسم» به

زنده کردن معنای بوند و رسای امت پرداخته و رهبران دل آگاه همه ملت‌های اسلامی می کوشند تا از نو در پناه «توحید» عنوان مقدس «اخوت اسلامی» را زنده

کنند.

از آغاز قرن ۱۴ هجری این آرزوهای شیرین هدف مطلوب متفکران جهان اسلام واقع شد و در این راه تلاشها کردند ولی قدرت استعمال و سیطره نیروهای اروپایی در متلهای شرق مجال نداد تا به این آرزوی شیرین جامعه عمل بیوشاند... تا اینکه پس از وقوع فاجعه حریق مسجد الاقصی (که قلوب همه مسلمانان را جریحه دار ساخت و دشمنان بشریت به معبد عظیم قبله اولای اسلام اهانتی روا داشتند) اولین کنفرانس برای التیام این جراحت که بر پیکر اسلام وارد آمده و سپس به منظور ادامه همکاری در زمینه های مختلف جلساتی در شهر رباط تشکیل شد...»^(۱)

استاد سید غلامرضا سعیدی که در سال ۱۳۱۴ ه ق؛ مطابق با ۱۲۷۶ ه.ش^(۲) در روستای نوزاد مؤمن آباد بیرجند به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در زادگاه و شهر بیرجند سپری کرد و به قول خود «از سال ۱۳۲۰ ش یکسره تهرانی شد».

پس از سالهای ۱۳۲۰ ه.ش در صحنه فرهنگ ایران به طور محسوسی ظهور می یابد. و با تألیف آثار ارزنده خوب می درخشد. حتی آثارش در کشور الجزایر ترجمه شده و در روند مبارزات مردم الجزایر تأثیر بسیار بر جای می گذارد.^(۳)

آثارش در افغانستان نیز طرفداران زیادی پیدا می کند تا آنجا که در خاطرات استاد می خوانیم: روزی سید ضیاء الدین به من گفت: شاه پس از دیدار با ظاهر شاه، از او شنیده است که آثار فارسی شما در افغانستان خوانندگان زیادی دارد و مایل است شما را ببیند و من در بادی امر، این دیدار را پذیرفتم، ولی روزی که سید ضیاء الدین به من خبر داد که در فلان تاریخ

۱- فریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی، سید غلامرضا سعیدی، قم انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۰ ش .

۲- تقویم طبیعی یک صد و چهل و یک ساله، حسام سرلتی، تهران انتشارات زوار .

۳- میراث ماندگار، صفحه ۱۰۶ .

باید به دیدار شاه برویم، ناگهان جرقه ای در روحم زد و با خود گفتم: مرا با شاه چه کار؟ پُست و مقام دنیا که نمی خواهم، آخرت هم که به دست او نیست و تاهز به اصطلاح «شرفیاب» شدم، باید به او تعظیم کنم و آن وقت در پیش جدم شرمسار خواهم شد که سعیدی، در برابر ناسیدی به تعظیم پرداختی؟ و شعر اقبال باز به دادم رسید که:

آدم از بی بصری بندگی آدم کرد *** گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد

یعنی از خوی غلامی ز سگان پست تراست *** من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد

به خود نهیب زدم، گوهر سیادت را نذر قباد و جم نمی کنم و به سید ضیاء الدین اطلاع دادم که از شرفیابی معذورم و نرفتم. (۱)

استاد سعیدی و اقبال لاهوری

استاد سعیدی تعدادی از آثار اقبال لاهوری را ترجمه کرد و در بسیاری از افکار خود تحت تأثیر وی قرار گرفته. او که خود از اقبال شناسان ایرانی است، می گوید: اقبال بنده را از غریزدگی نجات داد و گفت:

بیا که ساز فرنگ از نوا در افتاد است *** درون سینه او نغمه نیست فریاد است (۲)

... خدا بر درجات اقبال بیفزاید. همانجور که او به ملای رومی می گوید: مرشد من اوست، بنده هم با افتخار تمام باید عرض کنم که اقبال حقی بزرگ؛ بیش از هر کس دیگر به گردن من دارد. البته معلمین و پدران فکری ما خیلی زیاد بودند ولی بنای شکسته خورده و ترک برداشته را اقبال محکم و سیمان

۱- - مفخر شرق، سید جمال الدین اسد آبادی، با کوشش سید هادی خسروشاهی، دفتر فرهنگ اسلامی صفحه ۱۲.

۲- - میراث ماندگار، صفحه ۱۰۸.

کاری کرد.

من به اقبال از این زاویه نگاه می‌کنم. خود او میگوید :

جز عشق حکایتی ندارم *** پروای ملامتی ندارم

از جلوه علم بی‌نیازم *** سوزم گریم تیم گدازم

یا اینکه :

چه می‌پرسی میان سینه دل چیست *** خرد چون سوز پیدا کرد دل شد

دل از ذوق تپش دل بود، لیکن *** چو یکدم از تپش افتاد گل شد

استاد سعیدی و احمد کسروی

حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسرو شاهی به نقل از استاد سعیدی می‌نویسد : در سال ۱۳۱۲ ه. ش در روزنامه «شفق سرخ» مقالاتی بر ضد اروپایی‌گری به قلم احمد کسروی خواندم که بسیار برایم جالب بود. از بیرجند نامه‌ای به وی نوشتم و تأکید نمودم که برای نشر این قبیل اندیشه‌ها، باید نشریه یا مجله‌ای مستقل منتشر گردد. کسروی در پاسخ ضمن ارسال یکی دو تا از کتابهایش، نوشت که به زودی مجله «پیمان» را منتشر خواهد ساخت و از من هم دعوت به همکاری کرد. پیمان در سال ۱۳۱۳ منتشر شد و من هم مقالاتی در زمینه‌های اسلامی، ترجمه و برای آن می‌فرستادم که چاپ می‌شد، تا آنکه من به تهران آمدم و او عاشقانه از اسلام صحبت می‌کرد و یک بار هم مرا برای افطار دعوت کرد، اما وقتی دو سال بعد انحرافات در مجله پیمان و پرچم و نشریات وی دیدم، روزی به سراغ وی رفتم و پس از مباحثاتی که دیدم

تأثیری ندارد، به او اخطار کردم که «هَذَا فِرَاقٌ بَيْنِي وَبَيْنَكَ» ... عضویت در انجمن علمی سلطنتی لندن، انجمن پطروگراد و انجمن علمی واشنگتن، او را سخت مغرور کرد، شذوذاتی هم خود داشت که دچار آن انحراف بزرگ شد و آن ظلم را بر اسلام و تشیع روا داشت و خداوند بیمار زد نواث صفوی را که جواب مردانه به او داد و او را از سر راه اسلام برداشت. چون واقعا راه دیگری براس اصلاح باقی نمانده بود. چقدر مرحوم حاج سراج انصاری و خود مرحوم نواب و دیگران با او بحث کردند، فایده نداشت و اگر گروهی مانده بوده در افساد نسل جوان نقش خاصی را ایفا می کرد که خوشبختانه چنین نشد(۱).

استاد سید غلامرضا سعیدی پس از عمری تلاش در راه تبلیغ و تبیین معارف اسلامی و با بر جای نهادن آثار ارزشمند و ماندگار، شمع وجودش به خاموشی گرایید و جامعه فرهنگی ما، یکی از خدمتگزاران صدیق خویش را از دست داد. البته نور افشانی آثار استاد سعیدی که نتیجه یک عمر تلاش و تکاپو در عرصه اندیشه دینی است و ایشان را در زمره نویسندگان دردمند و متعهد اسلام قرار داده، برای همیشه جویندگان حقیقت را راهما خواهد بود.

پس از درگذشت استاد سعیدی، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری که در آن زمان رئیس جمهوری اسلامی ایران بود، پیامی بدین شرح منتشر کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت نویسنده و مترجم نامدار مرحوم آقای سید غلام رضا سعیدی را به بازماندگان و دوستان و ارادتمندان ایشان و به جامعه علمی و فرهنگی کشور، تسلیت می گویم.

این عنصر صدیق و دلسوز و خدمتگزار اسلام، در طول سالهای با برکت عمر خویش، با فحص و تحقیق و نگارش و ترجمه، آثاری پدید آورد که بی شک در نشر افکار نوین اسلامی، دارای تأثیر بود و به خاطر همین آثار است که حقا باید او را در زمره پیشروان نهضت اسلامی در ایران شمرد. او همچنین انسانی وارسته و پاکدامن و متواضع و غیور و مبارز بود. به مسائل جهان اسلامی اهتمام می ورزید و در راه تشکیل نظام اسلامی تلاش فرهنگی ارزنده ای می کرد. عمر طولانی و پر برکت و پر ماجرای او با پاکی و پاکدامنی سپری شد، پاک ریست و پاک به جوار الهی پر گشود، رحمت خدا بر او و یاد او گرامی باشد.

سید علی خامنه ای،

رئیس جمهوری اسلامی ایران،

۲۴ آذرماه ۱۳۷۶ تهران

بر سنگ مزار این نویسنده بزرگ قطعه شعری از آقای دکتر سید جعفر شهیدی داماد استاد سعیدی نگاشته شده است که چنین است.

اوستاد ماسعیدی، عالمی فرزانه بود *** سالیانی درس دین در مکتب اسلام خواند

خامه اش جز در ره ارشاد بر کاغد نرفت *** توسن فکرت مگر در راه حق هرگز نراند
تا به قرب صد، به پاکی برد عمری را بر *** نور دانش بر هزاران طالب معنی فشاند
چون ز کج بازی دوران بد بسی افسرده دل *** قامتش را چون گرانی محنت گیتی خماند
ز آسمانش دعوتی آمد که مشتاق تویم *** پیک حق، دعوت به آذر مه مه به گوش او رساند
از خراب آباد دنیا لاجرم یک باره دل *** بر گرفت و رخت را تا «جنهالمأوی» کشاند
جای او خالی چو دیدم می نبودی باورم *** کاو ناگه این چنین خود را ز جمع ما رهاند
جستجو می کردمش ناگه سروش غیب گفت *** چند می جویی زمن او را «دریغا او نماند»

سیری در آثار و افکار استاد سعیدی

سال ۱۳۲۲ هجری شمسی

در این سال کتاب «اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن تألیف دکتر عبدالعزیز اسماعیل پاشا توسط استاد ترجمه شد، تاریخ مقدمه کتاب بدین صورت است؛ تهران، آذر ماه ۱۳۲۲ ذی حجه ۱۳۶۲ در مقدمه کتاب، برای معرفی آن چنین آمده است علاوه از بحث در آنچه

نام کتاب بدان ناطق است موضوعات مهم دیگری از قبیل اسرار وضو و روزه و مضرات شراب بحث کرده است.

سال ۱۳۲۶ هجری شمسی

در این سال کتاب «پاکستان» توسط استاد نگارش یافت. تاریخ مقدمه کتاب چنین است: تهران ۱۰ آبان ۱۳۲۶، ۱۸ ذی حجه ۱۳۶۶.

در مقدمه چنین آمده است: «نگارنده با توجه به سابقه نفوذ ممتد تاریخی مسلمین در هندوستان، تقریباً ۲۵ سال پیش هنگام برخورد با نمونه هایی از آثار صنعتی و ادبی دوران درخشان حکومت اسلامی در موزه دهلی قطرات اشکی فرو ریخته و بر فتای آن همه عظمت و زیبایی شرقی ندبه ها کرده و عقده هایی در دل گرفته است.

اینک به شکرانه اینکه خوشبختانه توده ای از مسلمین آزادی از دست رفته خود را بدست می آورند و حکومتی به نام پاکستان تأسیس می نمایند، این کتاب را معرف مطاعه... قرار می دهیم»^(۱)

سال ۱۳۳۴ هجری شمسی

کتاب «غذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن»

تألیف: جان دیون پورت ترجمه استاد این کتاب در سال ۱۳۳۸ به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شد.

استاد در مقدمه آن که در اردیبهشت سال ۱۳۳۴ نگارش یافته، چنین آورده است، جان دیون پورت، دانشمند گرانمایه انگلیسی بعد از توماس کارلیل (تا جایی که نگارنده اطلاع دارد) بصیرترین و دقیق ترین و

منصف ترین محققى است که با فکرى روشن و قلبى پاک، خالى از شوائب تعصب... با کمال قدرت و جوانمردى از اسلام و شارع مقدس آن فاضلانه دفاع کرده است و این محقق عالی مقام قطعاً مشمول همان مضمونى است که خداى متعال مفادا در قرآن مجید فرمود «اگر آن ها در برابر نعمت تعليمات اسلامى نا سياسى کنند، اقوام ديگرى را براى آن مى گماريم که به اين نعمت کفران نورزند»^(۱)

سال ۱۳۳۵ هجرى شمسى

اشاره

«جنگ و صلح در قانون اسلام» تأليف: دکتر مجيد خدورى ترجمه استاد سعيدى.

«خطر جهود براى اسلام و ايران» که اين کتاب از جمله کارهاى فرهنگى و سياسى استاد است.

شرمندگى اسدالله علم

استاد سعيدى در خاطرات خود درباره کتاب «خطر جهود براى جهان اسلام و ايران» مى نويسد: وقتى آن را نوشتم و چاپ شد، توسط ساواک تحت تعقيب قرار گرفتم. «اسدالله علم» که در مدرسه «شوکتیه» بيرجند، چند صباحى شاگرد من بود، به سراغم آمد و از من خواست که ديگر درباره جهود (يهود)! حرفى نزنم و من به او گفتم: من انتظار داشتم که در کشورم آزادانه بتوانم از خطراتى که ما را تهديد مى کند، سخن بگويم و اگر امير شوکت الملمک بوده، شايد چنين شرطى به من پيشنهاده نمى کرد و علم شرمسار شد و گفت: مشکلات ما را که مى دايند؟^(۲)

۱- عذر تقصير به پيشگاه محمد و قرآن، جان ديون پورت، سيدغلامرضا سعيدى، قم، انتشارات دارالتبليغ اسلامى .

۲- مفخر شرق، صفحه ۱۲ .

در مقدمه این کتاب که در تهران مورخه ۱۴ دی ماه ۱۳۳۵ هجری شمسی رقم خورده است، می خوانیم: «تشکیل این دولت غارتگر به وسیله خطرناکترین عناصر قوم عنود و لجوج به نام «صهیونیست» نه فقط فاجعه ای است که جهان اسلام را سوگوار نموده است؛ بلکه بلیه ای بشری و مخصوصه ای است که برای جهان انسانیت به صورت علاج ناپذیری درآمده است»

کتاب دیگری که محصول این سال بود و در ۷ آذر مقدمه آن رقم خورده است، «جنگ و صلح در قانون اسلام» است استاد در مقدمه آن چنین می آورد: «محتویات این تألیف با توجه به آن همه مآخذ و مدارکی که مؤلف مورد استناد قرار داده است، در حکم یک منحنی دقیق و روشنی است که در طی چهارده قرن صورت گرفته است.»

سال ۱۳۳۶ هجری شمسی

«رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میدان جنگ»

تألیف: پرفسور دکتر محمد حمیدالله، ترجمه: استاد سعیدی.

استاد در مقدمه آن به تاریخ ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۳۶ چنین نوشته است «... غلبه مشتی مظلوم بر گروهی ظالم و ستمکار در مدتی کوتاه از این لحاظ مورد اعجاب است که فرمانده کل قوای اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط در معرکه بدر دست تضرع و دعا به آسمان بلند کرد و با راز و نیاز از قدرت لایزال الهی استمداد نمود. ولی در سایر موارد با فکر و اندیشه و درایت و بصیرت و با شور و مشورت و زحمت و مشقت و طرح نقشه جنگی دقیق، آن همه موفقیت احراز کرد و راه اصلاح را به روی همه گشود، تا پیروان حضرتش با توجه به این سابقه بتوانند این طریق را دیده و دانسته طی کنند و نگویند «او پیغمبر بود و توانست و ما

نمی توانیم، آری به «قاب قوسین» آن را برد خدای که او سبک شمارد در چشم خویش وحشت غار...

محقق عالی مقام؛ دکتر محمد حمیدالله این اثر ابتکاری را در طی سه سفر به حجاز تهیه کرده بود(۱).

سال ۱۳۳۷ هجری شمسی

«پیشرفت سریع اسلام»

مؤلف: دکتر لورا واگلیا و انگلیری

ترجمه: استاد سعیدی. استاد در مقدمه، درباره کتاب و مؤلف آن نوشته است: «صرف نظر از تحقیقات فاضلانه و منصفانه ای که در تنظیم این رسانه محسوس و مشهور است، این معنی بسی جالب است که در یکی از مهمترین مراکز علمی کاتولیکی (ایتالیا) به وجود آمده و باز این نکته بر اهمیت آن می افزاید که پرفسور نامبرده، خانمی است مسیحی و محقق، و ای کاش خانم های تحصیل کرده ایرانی به خانم عالی قدر تاسی کرده و از معارف قرآنی به حد کافی بهره مند گردند(۲).

سال ۱۳۳۸ هجری شمسی

اقبال شناسی، هنر و اندیشه علامه دکتر محمد اقبال مقدمه این کتاب به تاریخ اسفند ماه ۱۳۳۸ ش، رمضان المبارک ۱۳۷۹ هجری قمری در تهران ثبت شده است.

۱- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میدان جنگ، پرفسور دکتر محمد حمیدالله، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی تهران، انتشارات کتاب فروشی محمدی، ۱۳۳۶ هجری شمسی .

۲- پیشرفت سریع اسلام، دکتر لورا واگلیا و انگلیری، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی .

سال ۱۳۳۹ هجری شمسی

«زندگانی حضرت محمد» یا بزرگترین مرد تاریخ جهان

«تاریخ مقدمه این کتاب اسفند ماه ۱۳۳۹، مطابق با رمضان المبارک ۱۳۸۰ هجری قمری است، استاد کتاب را به سبک رسانه ای که به زبان انگلیسی بوده، با تصرفانی مختصر ترجمه کرده است، مخاطب وی در این کتاب کودکان هستند، به همین خاطر کتاب را به سبکی روان ترجمه نموده است» (۱)

سال ۱۳۴۰ هجری شمسی

«برنامه انقلاب اسلامی»

تألیف: علامه شهیر سید ابوالاعلی مودودی.

در اسفند ماه ۱۳۴۰، مطابق ۱۳۸۱ هجری قمری در تهران مقدمه آن رقم خورده است. استاد سعیدی ارتباط نزدیکی با مودودی داشته و کتاب های از وی ترجمه کرده است.

سال ۱۳۴۲ هجری شمسی

«مبایدهای اسلام و فلسفه احکام»

تألیف سید ابوالاعلی مودودی، ترجمه استاد سعیدی

مقدمه کتاب در بهمن ماه ۱۳۴۲ هجری شمسی، مطابق رمضان المبارک ۱۳۸۳ هجری قمری در زادگاه استاد «قریه النوزاد» به نگارش در آمده است.

۱- - زندگانی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) یا بزرگترین مرد تاریخ جهان، سید غلامرضا سعیدی، قم، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی .

سال ۱۳۴۵ هجری شمسی

در این سال سه اثر از تألیفات استاد به ثمر رسید.

۱ - داستانهایی از زندگی پیغمبر ما،

مؤلف: ممتاز احمد پاکستانی، ترجمه: استاد سعیدی

تاریخ مقدمه: تیر ماه ۱۳۴۵ هجری شمسی.

مخاطب اثر کودکان هستند. کتابی است که مؤلف آن را به زبان انگلیسی تألیف کرده و استاد با تصرفاتی به فارسی ترجمه نمود.

۲ - عمار یاسر پیشاهنگ اسلام و پرچمدار علی (علیه السلام).

مؤلف: صدرالدین شرف الدین. ترجمه: استاد سعیدی

تاریخ مندرج در مقدمه: تهران، تیر ماه ۱۳۴۵ هجری شمسی.

مرحوم سعیدی در مقدمه کتاب درباره عمار یاسر چنین می نویسد: «این گوهر گرانبهای انسانیت یکی از هفت نفر پیشاهنگ نهضت مقدس اسلام و یکی از بزرگترین شخصیهایی است که تاریخ انسانیت همیشه به وجود او مفخر خواهد بود و این گوهر تابناک برای همیشه بر تارک انسانیت خواهد درخشید... کار این مرد نامدار به جایی رسید که شخصیت بی نظیری مانند، حضرت علی (علیه السلام) در سوگواری او اشک ریخت و در فراق او چکاکه دردناکی سرود و پس از شهادت این صحابی بزرگ مزگ خود را از خدا خواست (۱).

۳ - فرد و اجتماع: مؤلف: محمد قطب. ترجمه: استاد تاریخ مقدمه: بهمن ماه ۱۳۴۵ هجری شمسی.

مرحوم سعیدی در مقدمه چنین نگاه داشته است: «جنبشهای فکری عصر ما و

۱- - عمار یاسر پیشاهنگ اسلام و پرچمدار علی (علیه السلام) صدرالدین شرف الدین، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی، تبلیغات و انتشارات آیین محمدی .

تصادم اندیشه های گوناگونی که اجتماع بشری را متزلزل و بحرانی ساخته امری است محسوس و مشهود. در این میان ایدئولوژی یا طرز تفکر اسلامی که بدون تردید تنها طریق نجات بخش بشر است در برابر سیطره غرب مورد تعرض دستگاههای مختلف سرمایه داری غرب و کلیسا قرار گرفته و چه بسا که افکار خام بسیار از افراد نسل جدید هر روز به نحوی از این رهگذر مسموم می شود.

از طرف دیگر فکر مخرب ما تریالیزم به عناوین دیگری جوانان ما را به وادی ضلالت و گمراهی سوق می دهد. با توجه به احساس همین خطرات مهیب است که در گوشه و کنار جوامع اسلامی رجال جهان شناس فکوری و امن همنت به کمر زده و می کوشند تا راه هدایت را به روی نسل جدید بر اساس منطق علمی و بحث دقیق بگشایند(۱).

سال ۱۳۴۶ هجری شمسی

منشور جهانی اسلام

تألیف: دکتر محمد رفیع الدین، ترجمه استاد سعیدی

در مقدمه کتاب می خوانیم:... شعاع تابش انوار قلب به طول لایتناهی است، بدین جهت یسویان واقعی و رهبران حیقی بشر به این منبع بیشتر نظر دارند و از آن سرچشمه بیشتر بهره مند می شوند و مردم را بهره مند می سازند و انگیزه این منظور را ناشی از «حب» یا «عشق» می دانند و به عبارات گوناگون مردم را تشویق می نمایند تا از این عالم اصیل حیاتی هر چه بیشتر استفاده کنند. این مفهوم در قرآن کریم به کلمه «حب» تعبیر شده و حکما و دانشمندان آن را به لفظ عشق تعبیر می کنند و نه فقط حیات بشر؛ بلکه عالم وجود را مولود

۱- - فرد و اجتماع، محمد قطب، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی، ۱۳۴۶ هجری شمسی .

این عامل می داند. وحشی بافقی می گوید:

خدایا سینه ای ده آتش افروز*** در آن سینه دلی و آن در همه سوز

هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست*** دل بی سوز غیر از مشت گل نیست

امیر خسرو دهلوی می گوید:

روح پدرم شاد که فرمود به استاد*** فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ(۱)

استاد در مصاحبه با مجله کیهان فرهنگی درباره این بیت می گوید «این شعر هم خیلی به درد کارم خورد»(۲) و این از اشعاری بوده که استاد را به وجد می آورده است.

سال ۱۳۴۷ هجری شمسی

۱ - «ماجرای سقیفه یا اولین توطئه در اسلام»

تألیف: علامه محمد رضا مظفر، ترجمه: استاد سعیدی

مرحوم سعید در مقدمه ای کوتاه چنین می گوید: رساله حاضر که در زمینه مهمترین حادثه تاریخی اسلام نوشته شده، بدون تردید یکی از معجزات بلاغت است و هیچ مقدمه ای در خور معرفی آن نیست؛ زیرا شخصیت مؤلف آن بسی بالاتر و والاتر از آن است که قلمهای معمولی قادر به معرفی ایشان باشد و مندرجات رساله نیز که درباره اساسی ترین و مهمترین مباحث فرقه ای در اسلام بحث می کند، صرف نظر از اینکه مستند است بر اساس دو علم روانشناسی و جامعه شناسی نوشته شده است و چون مشکی

۱- منشور جهانی اسلام، دکتر محمد رفیع الدین، سید غلامرضا سعیدی .

۲- میراث ماندگار، صفحه ۱۰۹ .

است که خود می‌بوید پس مستغنی از آن است که گوینده ای بگوید.

تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

۲ - کتاب «اسلام و غرب»

تألیف: پرفسور دکتر احمد خورشید، ترجمه: استاد سعیدی.

این کتاب به ضمیمه دو مقاله دیگر تحت عنوان اسلام در برابر مسیحیت و تحریف تاریخ اسلام چاپ شد.

استاد سعیدی در قسمتی از مقدمه می‌گوید:

«... از خدای متعال توفیق می‌طلبیم تا ما را از خطا مصون نگاه داشته و به مبشرین و پدران روحانی مسیحی نیز انصای مکرمت کند تا به جای گمراه کردن جوانان مسلمان با بودائیان و گاوپرست‌ها و ماده پرستان مبارزه کنند و این قدر نیرو و پول را در راه گمراه کردن خدا پرستان بیهوده مصرف نکنند (۱)».

سال ۱۳۴۸ هجری شمسی

«نقش اسلام در برابر غرب»

مؤلف: مارگرت مارکوس، ترجمه: استاد سعیدی

استاد در مقدمه می‌نویسد: یکی از زشت‌ترین آثار تمایلات مادی که از اروپا ناشی شد، همان حس ناسیونالیسم یعنی ملت پرستی بود که به تقلید از اروپائیان در جوامع اسلامی رواج گرفت. خطر این معنی بیشتر ناشی از آن است که موج این اندیشه از منابع طبیعی سرچشمه می‌گیرد و سپس در عشق به خانه و لانه و سپس به مفهوم وسیع‌تری، در عشق به وطن و آب و خاک

۱- - اسلام و غرب، پرفسور دکتر احمد خورشید، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی .

جلوه گر شده و سپس قلوب مسلمانان را تبخیر کرده و در حقیقت این عشق جانشین عشق به خدا و عشق به اصول و اردکان ایمان گردید، در نتیجه وطن پرستی جانشین خدا پرستی شد و بسیار از مسلمانان در برابر «ناسیونالیسم» به سجده افتادند و به تدریج مراسم و شعائر ملی جانشین اصول و ارکان تعلیمات قرآنی گردید!...

... باید دانست که انحراف مسلمانان از رعایت آداب و شعائر کلی اسلامی و بسط موج ناسیونالیسم امر اتفاقی و تصادفی نبوده است، بلکه نتیجه فعالیت های مستمر ماهرانه کشیشهای مسیحی در کشورهای اسلامی بوده، که به موجب امیر مفامات عالی کلیسا این برنامه به وسیله کشیشها در همه جا اجراء شده است. عدوات و تعصب قوم یهود نسبت به اسلام از قدیم الایام آفتابی روشن بوده و علاوه بر اینکه از آن همه احسان و محبت و تساهل و تسامح مذهبی که این قوم قرنها در مجامع اسلامی برخوردار بوده اند، قدرشناسی ننموده اند، از هیچ گونه خصومت و تحریک و افساد خودداری نکرده اند و مخصصه فعلی خاورمیانه نتیجه همان مقدمات است. (۱)».

سال ۱۳۵۰ هجری شمسی

۱ - «فریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی» (در صفحات قبل درباره این کتاب بحث شد)

۲ - «۲۴ ساعت آخر زندگی جمال عبدالناصر»

تألیف: محمد حسنین هیکل، ترجمه: استاد سعیدی

استاد ترجمه مقدمه را در آبان ماه ۱۳۵۰، برابر با رمضان المبارک ۱۳۹۱ در قم به پایان برد.

۱- - نقش اسلام در برابر غرب، مارگرت مارکوس، سید غلامرضا سعیدی، قم دارالتبلیغ اسلامی با همکاری شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸ هجری شمسی .

استاد در مقدمه می گوید: «مصر سرزمین اهرام، طعمه ای که بیش از یک قرن در چنگال استعمارگران فریا می کشید، به خود جنبید و اراده گروهی از رادمردان پیکارگر به رهبری «جمال عبدالناصر» ملت مصر را بیدار ساخت. به طوریکه در جایی خواندم در حدود یک میلیون نسخه از متن عربی آن در «قاهره» مصرف شده است»^(۱).

سال ۱۳۵۱ هجری شمسی

«با روشنفکر مسلمان»

استاد سعیدی در مقدمه کتاب هدف از نگارش آن را تبلیغ فکر اسلامی و راهنمایی و ارشاد غربیها می داند.

تاریخ پایان کتاب و مقدمه ذی حجه ۱۳۹۳ - بهمن ۱۳۵۱ است.

سال ۱۳۵۲ هجری شمسی

«کمونیسم و اخلاق»

این کتاب در اردیبهشت سال ۵۲ به پایان رسید، در مقدمه آن آمده است: «... نظر به اینکه حامل اصلی و انگیزه حقیقی ایدئولوژی کمونیستی در آغار امر اخلاق بود و موضوع علاقه و دلسوزی به حال کارگردان، پایه گذاران مکتب کمونیستی را وادار به قیام کرد تا آن ها را نجات دهد!»

بعد از سوار شدن مرکب مراد، این معنی فراموش شد، بلکه به جنگ اخلاق برخاسته اند و به لحاظ اینکه از طرف دیگر مسأله اخلاق رکن اساسی حیات اجتماعی و وجدانی است؛ لذا این دو مبنا در رساله مورد بحث قرار گرفته است^(۲).

۱- - جمال عبدالناصر، محمد حسنین هیکل، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی .

۲- - کمونیسم و اخلاق، سید غلام رضا سعیدی .

سال ۱۳۵۳ هجری شمسی

«اسلام به زبان ساده (برای کودکان و نوجوانان)

استاد می نویسد: از آنجا که این رساله برای عموم کودکان مسلمان مفید و آم و زنده بود، ترجمه فارسی آن با اضافاتی در دسترس کودکان و نوجوانان ایرانی قرار داده می شود تا استفاده از آن برای همگان مقدور باشد، قم، ج ۱ / ۱۳۹۵ هجری قمری

سال ۱۳۵۴ هجری شمسی

«مفخر شرق، سید جمال الدین اسدآبادی»

این کتاب با کوشش، مقدمه، پاورقی و توضیحات حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسرو شاهی به انجام رسیده است.

۲ - تربیت از دیدگاه قرآن»

تألیف: دکتر محمد فاضل جمالی

ترجمه این کتاب در اسفند ماه ۱۳۵۴ هجری شمسی، مطابق با ربیع الاول ۱۳۹۶ انجام پذیرفت.

استاد در مقدمه آورده است: «... از آنجایی که با توجه به اعترافات دانشمندان غرب وضع عمومی جهان به نقطه خطرناکی نزدیک شده و پژوهشگران با کمال نگرانی می کوشند تا راه نجاتی برای بشر کشف کنند، موقع آن فرا رسیده که مسلمانان از این فرصت بهتر استفاده نمایند و امر موقع آن فرا رسیده که مسلمانان از این فرصت بهتر استفاده نمایند و امر مبارک پیشوای انسانیت را به کار بندند که فرمود: «هر وقت پرده های تاریک بر اجتماع سایه افکند، به قرآن روی آورید و از راهنمایی آن بهره مند شوید»(۱)

۱- - تربیت از دیدگاه قرآن، دکتر محمد فاضل جمالی، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی .

سال ۱۳۵۵ هجری شمسی

«داستانهایی از تاریخ اسلام»

ترجمه: استاد سعیدی

استاد در مقدمه کتاب می گوید: داستان سرایی در ادبیات همه ملتها چه شرقی و چه غربی یکی از ارکان مبادی ادب و یکی از ستونها تحکیم اخلاق شناخته شده است؛ بویژه برای طبقات عادی اجتماع این زمینه از سودبخش ترین مباحث ذهنی و فکری شمرده شده است، تا جایی که قرآن کریم برای ارشاد مردم از این وسیله در موارد بسیار سود جسته و تصریح کرده است که «در داستانهای آن ها (مردم قدیم) برای مردم صاحب عقل فهمیده درس و عبرتی وجود دارد (۱)».

مرحوم استاد سعیدی آثار فراوان دیگری دارد که در مصاحبه کیهان فرهنگی با ایشان آنها را نزدیک بر ۶۰ جلد دانسته، بیش از ۴۰ عنوان آن ها را نام می برد. تلاش برای یافتن آثار استاد سعیدی در اکثر کتاب خانه های شهر مقدس قم بیش از ۲۵ اثر وی را در بر نداشت و آنچه معرفی شد، نتیجه همین تلاش و کوشش است. ضمناً تاریخ تالیف برخی کتاب ها به خاطر آنکه مقدمه ای از استاد بر آن ها نوشته نشده بود مجهول مانده است که به همراه کتاب هایی که فقط نامی از آن ها داشتیم، و کتاب هایی که در کتاب خانه های قم یافت نشد در پی می آید.

۱ - پیمان جوانمردان

که در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی منتشر شد.

۲ - مجموعه مقالات (۱)

۱- داستانهایی از تاریخ اسلام، سید غلامرضا سعیدی خاندان علم و سیادت .

- ۳ - مسأله کشمیر و حیدرآباد یا (مبارزه گاو پرستان با خداپرستان) در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی منتشر شد.
- ۴ - چهار مقاله درباره بزرگترین مرد تاریخ یا نجات دهنده بشر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) تاریخ انتشار: ۱۳۹۷ هجری قمری
- ۵ - اول اخلاق ما بعد تمدن آنها
- این کتاب اثری است از سید ابوالاعلی مودودی که استاد آن را به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی توسط شرکت سهامی انتشار منتشر کرد.
- ۶ - مقدمه ای بر کتاب جاذبه اسلام
- ۷ - اسلام و جاهلیت (مودودی)
- ۹ - در جنگ پاکستان متجاوز کیست؟
- ۱۰ - قائد اعظم محدم علی جناح (هکتور بولیتو)
- ۱۱ - فلسفه و تربیت (پرفسور احسان الله)
- ۱۲ - عایشه همسر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (نبیا ابوت)
- ۱۳ - جلوه حق در اندونزی
- ۱۴ - فلسفه اقبال
- ۱۵ - الجزایر پیروز
- ۱۶ - مسائل اسلامی
- ۱۷ - انگیزسیون یا محکمه تفتیش عقاید
- ۱۸ - مبانی اخلاقی برای جنبش اسلامی
- ۱۹ - توطئه خاورشناسان
- ۲۰ - شالوده علوم جدید در اسلام

۲۱ - مصاحبه (مجموعه گفتگوی محمود حکیمی با استاد)

استاد سعیدی و اهدای کتاب

اشاره

استاد برخی از تألیفات خویش را به افرادی که به صورتی حقوقی برگردنش داشتند، هدیه می کرد. این کتاب ها عبارتند از:

۱ - اسلام و طب جدید

«ترجمه این کتاب را به روان پاک علامه جلیل مرحوم آیهالله سید حسن تهامی (رضوان الله علیه) تقدیم می کنم»

۲ - رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میدان جنگ

«اهداء کتاب: به روح پاک استاد فقید مرحوم آمیرزا محمد حسین بیرجندی مدرس مدرسه شوکتیه بیرجند که فکر نگارنده و محصلین ادوار اولیه آن مدرسه را به معارف اسلامی رهبری فرمود.»

۳ - پیشرفت سریع اسلام

«به همسر عزیزم! که در تمام دوران زندگی مایه سکون خاطر و آرامش فکرم بوده است، اهداء می کنم»

۴ - نقش اسلام در برابر غرب

«اهداء به جوانان تحصیلکرده مسلمانان به امید اینکه آنها را در تشخیص مبانی اسلام در برابر اندیشه های ویرانگر این عصر کمک کند.»

۵ - جنگ و صلح در قانون اسلام

«به محضر استاد بزرگوار جلیل، حضرت آقای احمد مدیر نراقی، پایه گذار فرهنگ جدید و رهبر آزادی و استقلال فکر در شهرستان بیرجند اهداء می شود.»

۶ - عمار یاسر

«به روان پاک اولین آموزگاری که الفبای قرائت و الفبای تعلیمات اسلامی را به من آموخت و به یاد مؤسس مدرسه شوکتیه بیرجند؛ مرحوم امیر شوکت الملک و استادان آن مدرسه در دوران اول تأسیس که روح تعلیمات اسلامی را در ما تزریق کردند و به جوانان غیور و فکوری که در این عصر گمشدنه خود را در ایدئولوژی (طرز فکر) اسلامی جستجو می کنند و از پیروی عمار یاسر به خود می بالند».

...

سید محمد صادق لواسانی (یار دیرین امام) / علی احمد پورترکمانی

خاندان علم و سیادت

پدر آیه الله سید محمد صادق لواسانی آیت الله سید محمد صادق برخاسته از خاندان علم و سیادت بود، پدرش با آیه الله حاج سید ابوالقاسم حسینی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در خانواده علم و سیاست دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و سطح رادر مکتب دانشمندان آن دوره فرا گرفت. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات عظام آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ه.ق) و آقا سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (متوفی ۱۳۳۷ ه.ق) استفاده کرد و به دریافت درجه اجتهاد موفق شد. سید در عتبات از محضر بزرگانی گون فقیه وارسته آیه الله حاج شیخ محمد بهاری همدانی (متوفی ۱۳۲۵ ه.ق) و آیه الله حاج سید احمد تهرانی کربلایی (متوفی ۱۳۳۲ ه.ق) که از شاگردان مرحوم آیه الله آخوند حسینقلی همدانی (متوفی ۱۳۱۱ ه.ق) به شمار می رفتند بهره برد؛ مدارج عالی اخلاقی را کسب کرد. آنگاه به ایران بازگشت. هنگام ورود به همدان و استقبال شایسته ای از طرف مردم آن سامان صورت گرفت و بنا بر درخواست آنها در همدان رحل اقامت افکند. وی سرانجام بعد از یک عمر خدمت در ۲۸ ماه رمضان سال ۱۳۶۳؛ در سن ۸۷ سالگی دعوت حق را بیک گفت و به دیار باقی شتافت و پیکر پاکش رادر تهران با شکوه ویژه ای تشییع و بعد به نجف اشرف منتقل کردند و در جوار صحن حضرت علی (ع) به خاک سپردند. آیه الله سید ابوالقاسم لواسانی (۱). از خود ده فرزند به یادگار گذاشتند همه از بزرگان و علماء بودند. نامهام آنها چنین است: آیه الله سید محمد صادق، آیه الله سید احمد، سید علی، سید زین العابدین، سید محمود،

حاج سید رضا، سید یحیی، سید حسین، سید حسن و سید محسن لواسانی، در این مقاله به بخشی از زندگی و فعالیت های آیهالله سیدمحمد صادق لواسانی می پردازیم،

تولد

سید محمد در ماه صفر ۱۳۲۴ هجری قمری، مطابق با ۱۲۸۰ هجری شمسی در شهر نجف اشرف و جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی (ع) (۱) دیده به جهان گشود. وی در محیط آرام و صمیمی تحت تربیت پدر و مادر مؤمنه اش روزهای کودکی را سپری کرد. او از همان ایام نبوغ و استعداد شگرفش را نمایاند. با تشویق و راهنماییهای پدر تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش شروع کرد و به مدت هفت سال در نجف در محضر پدرش، آیت الله سید ابوالقاسم لواسانی و برادر بزرگش سید احمد لواسانی دروس حوزوی را فرا گرفت.

سفر به همدان

سید محمد در سال ۱۲۹۵ ه.ش در حالی که پانزدهمین بهار زندگی را پشت سر می گذاشت، به همراه پدر به ایران آمد (۲). پدر چون بیشتر درسهای اخلاقی و عرفانی را از اساتید به نام حوزه نجف که از دیار همدان برخاسته بودند، آموخته بود به همراه فرزندش وارد همدان شد و محمد صادق در حدود یک سال در کنار پدر ماند و از محضر او و برادر استفاده برد.

۱- - گنجینه دانشمندان، جلد ۴، ص ۵۵۰.

۲- - گنجینه دانشمندان، جلد ۴، ص ۵۵۰.

سفر به اراک

هنگامی که در سال ۱۳۳۲ ه.ق مطابق با ۱۲۸۸ آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، از مجتهدین به نام حوزه نجف به شکر اراک وارد شد، از مکتبخانه و حوزه های علوم دینی پر رونق خبری نبود اما با ورود حاج شیخ در مدتی اندک آوازه مکتبش به بسیاری از شهرهای ایران رسید و دیری نپایید که شیفتگان دانش از سراسر کشور به سوی اراک رهسپار شدند و به این ترتیب حوزه علمیه اراک به عنوان بزرگترین مجمع علمی ایران شناخته شد (۱). همین دوران بود که سید محمد به همراه برادرش سید احمد باری ادامه تحصیل از همدان به اراک آمد. در این سالها نیز سید محمد بیشتر از محضر برادرش کسب فیض می کرد.

در سال ۱۳۴۰ ه.ق؛ مطابق با ۱۲۹۶ ه.ش حاج شیخ عبدالکریم برای زیارت به قم آمده بود، با دعوت علماء از جمله آیت الله بافقی (متوفی ۱۳۶۵ ه.ق) مبنی بر ماندن در حوزه قم با توجه به مشکلات زیادی که حوزه علمیه قم را تهدید می کرد، موافقت کرد و حوزه اراک را به شهر مقدس قم انتقال داد.

مهاجرت به قم

با هجرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم به شهر مقدس قم سید محمد نیز در سال ۱۲۹۷ ه.ش در سن ۱۷ سالگی در حالی که به مدت نه سال مقدمات و سطح حوزه را از محضر پدر و برادرش در نجف، همدان و اراک فراگرفته بود، مانند دیگر طلاب و فضلا به قم عزیمت کرد.

۱- - شیخ عبدالکریم حائری نگهبان بیدار، سعید عباس زاده .

آشنایی با امام

سید محمد بعد از ورود به قم در مدرسه علوم دینی فیضیه و دارالشفاء ساکن شد و در همان روزهای ورود با حاج آقا روح الله آشنا و پس از مدتی هم بحث و هم حجره ایشان شد. سید با شروع دروس حوزه در درس خارج فقه و اصول بزرگانی همچون آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم (۱) حائری (۲) سید محمد تقی خوانساری (۳) (متوفی ۱۳۷۱ ه.ق) (۴) و مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای (۵) (متولد ۱۳۱۰ ه.ق و متوفی ۱۳۷۲ ه.ق) (۶) شرکت کرد. همچنین از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد علی شاه آبادی (۷) (متولد ۱۲۹۲ و متوفی ۱۳۶۹ ه.ق) دروس عرفان، سیر و سلوک، حکمت، فلسفه، «مفاتیح الغیب»، «شرح فصوص» و «منازل السائرین» را آموخت. دو سال نیز از درس اخلاق عارف الهی، مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (۸) (متوفی ۱۳۴۳) (۹) بهره مند شد. سید محمد در طول نه سال اقامت خود در قم اکثر این دروس را با حاج آقا روح الله خمینی مباحثه کرد. خود در این باره میگوید: حتی در سفرها و زیارت که گاهی مشاهد مشرف می شدیم، در راه و هر فرصتی که حاصل می شد مشغول مباحثات علمی فلسفی می شدیم... در مدرسه فیضیه صبحهای زود در کنار رودخانه ساحلی مشغول مباحثه می شدیم؛ حتی روزهای سرد هم این کار انجام می شد و چقدر زیبا با لطف و صفا صورت میگرفت. (۱۰)

-
- ۱- - متولد ۱۲۶۷ ه ق و متوفی ۱۳۵۵، مدفن حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام .
 - ۲- - متولد ۱۲۶۷ ه ق و متوفی ۱۳۵۵، مدفن حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام .
 - ۳- - دیدار با ابرار، زندگینامه آیه الله خوانساری .
 - ۴- - مدفن حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام .
 - ۵- - علمای بزرگ از کلینی تا خمینی، جلد اول، ص ۴۲۰ .
 - ۶- - مدفن مدرسه حجتیه .
 - ۷- - سیمای فرزنانگان، جلد سوم، ص ۸۸ .
 - ۸- - سیمای فرزنانگان، جلد سوم، ص ۷۰ .
 - ۹- - مدفن قبرستان شیعیان صاحب کتب ارزشمند امرار الصلوه - المراقبات - اعمال السنه - رساله لقاء الله .
 - ۱۰- - مصاحبه با آیه الله لواسانی، روزنامه رسالت، ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۰ .

عزیمت به نجف

آیت الله سید محمد صادق لواسانی به شوق زیارت بارگاه امام علی (ع)، تجدید میثاق با جد بزرگوارش و استفاده بیشتر از علمای آن حوزه، در سال ۱۳۰۴ ه.ش عازم عراق شد و از مکتب درسی اساتید بزرگی همچون، مرحوم آیه الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی، (متوفی ۱۳۵۸ ه.ق مدفن نجف اشرف) (۱) و آیه الله آقاضیاءالدین عراقی (۲)، عالم بزرگ علم اصول و فقه (متوفی ۱۳۵۹ ه.ق) استفاده کرد و بعد از مدتی به خاطر کسالت و به امر پدر به شهر مقدس قم بازگشت.

وی در سن ۳۲ سالگی (سال ۱۳۱۲ ه.ش) در نتیجه سالها تحقیق و فعالیتهای علمی به مدارج عالیة اجتهاد دست یافت. در این فاصله زمانی مدتی هم در مشهد دروس فقه و اصول و حکمت را از محضر آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی (۳) (متولد ۱۲۸۲ ه.ق و متوفی ۱۳۶۶) خارج فقه و اصول تفسیر را نزد آیه الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی (۴) (متولد ۱۳۸۱ ه.ق) آیه الله میرزا محمد آقازاده کفائی (۵) (متوفی ۱۳۵۶) فراگرفت.

تصدی مدارس حوزه علمیه قم

در سال ۱۳۱۴ ه.ش (۶) به جهت توطئه های گوناگونی مانند اعلام کشف حجاب، به گلوله بستن مردم در مسجد گوهر شاد، تبعید علماء و بزرگان مشهد، مصوبه های اتحاد شکل لباس، لزوم جواز پروانه و گواهینامه و تفتیش و رسیدگی به امور روحانیون و دهها مورد دیگر که از سوی رضا خان علیه حوزه های علمیه، خصوصا حوزه قم انجام می گرفت. از طرف آیات ثلاث

۱- - گنجینه دانشمندان، جلد هفتم، ص ۷۵.

۲- - گنجینه دانشمندان، جلد سوم، ص ۵۴.

۳- - حاج آقا حسین قمی، قامت قیامت، ص ۱۷۰.

۴- - گنجینه دانشمندان.

۵- - گنجینه دانشمندان.

۶- - تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول.

عظام، سید محمد حجت، سید محمد تقی خوانساری و سید صدر الدین صدر به تولیت مدارس فیضیه، دار الشفاء و عبدالله خان^(۱) منصوب شد. این دو حوزه علمیه در طول شش سال مدیریت ایشان به بهترین وجه اداره شد و در روزگاری که طلاب حق پوشیدن لباس روحانی را نداشتند، زیر نظر بزرگان ضمن حل و فصل امور طلاب به تدریس دروس سطح حوزه پرداخت و تا سال ۱۳۲۰ ه.ش مشغول این امر مهم شد.

اقامت در تهران

آیت الله لواسانی در سال ۱۳۲۱ ه.ش برای نشر معارف الهی عازم تهران شد و در مسجد مدرسه میرزا ابوالحسن معمار^(۲) به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخت. با این حال همچنان با امام که در قم بود، ارتباط نزدیک داشت. دکتر محمد تقی لواسانی؛ فرزند آیت الله لواسانی از آن ایام چنین یاد می کند: «آیت الله لواسانی به تهران مهاجرت می نمایند. از همان سال مرحوم امام (قدس سره) سالی دو تا سه بار به تهران تشریف و میهمان آیت الله لواسانی بودند^(۳)».

سرآغاز مبارزات

در سال ۱۳۴۱ ه.ش که حضرت امام برای دیدار با آیت الله لواسانی به تهران آمده بود، موضوع لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی مطرح شد. امام اولین مرجع تقلید جهان اسلام بود که به مخالفت با آن لایحه برخاست. بعد از سخنرانی تاریخی اما در مدرسه فیضیه در سال ۴۲، رژیم پهلوی امام را دستگیر کرده، به تهران منتقل کرد. مدتی بعد که امام آزاد شد، سراغ یار

۱- آثار الحجّه، جلد دوم، ص ۲۵۶، محمد شریف رازی .

۲- واقع در محله امامزاده یحیی .

۳- مصاحبه با آید الله لواسانی، نقل از دکتر محمد تقی لواسانی، روزنامه رسالت، ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۰ .

دیرین و مجاهد خود را گرفت. حجه الاسلام سید محمد رضا لواسانی در این رابطه می گوید :

«امام پس از آزادی به اولین کسی که تلفن زدند و خواستار ملاقات با ایشان شدند، آیت الله لواسانی بود و از همین تاریخ هم بود که حضرت امام و کالت تام الاختیاری را در تهران به ایشان واگذار نمودند، به صورتی که وقتی افرادی به حضرت امام مراجعه می نمودند و سؤال می کردند در تهران به چه کسی مراجعه می نمایم، امام می فرمود: به آقای لواسانی مراجعه نمایید. دست ایشان دست من است و توهین به ایشان توهین به من است و این مطلب را حضرت امام قبل از تبعید به ترکیه و نجف می فرمودند و هم بعد از آن که نامه های کتبی افراد در این رابطه گویای این مطلب است (۱)».

نقش آیت الله لواسانی بعد از تبعید امام

چند ماه بعد از آزادی امام قانون کاپیتولاسیون و مصونیت قضایی اتباع آمریکایی در ایران مطرح شد. امام در سخنرانی خود در قم ارکان دولت شاهنشاهی را به لرزه در آورد. در پی آن در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دژخیمان پهلوی به خانه امام هجوم آورد، ایشان را دستگیر و به تهران منتقل و بلافاصله به ترکیه تبعید کردند.

نقش آیت الله لواسانی در حفظ و حمایت از امام و انقلاب در این دوران آنچنان برجسته است که همه یاران امام و انقلاب بر آن شهادت داده ند. در این بین یادگار امام (قدس سره) می نویسد: حاج سید احمد. او (آیت الله لواسانی) به

۱- - حجه الاسلام محمد رضا لواسانی؛ فرزند آیه الله لواسانی کیهان، ۱۳۶۹ / ۸ / ۱۷.

حق در زمان تبعید امام (قدس سره) پدری دلسوز و مربی ای صادق برایم بود. محبت‌های خالصانه او در تنهایی‌هایم موجب دلگرمی بود. در مدت تبعید و زندانی امام، آیت الله لواسانی در مقابل طاغوت و طاغوتیان ایستاد و از امام دفاع کرد و زمانی که نام امام مساوی با زنان و اعدام بود، یک تنه مسئولیت نمایندگی علی‌الاطلاق حضرت امام را پذیرفت و مسئول شهریه در قم و تهران و سایر حوزه‌ها شد و با شهادت تا دم مرگ از این مسئولیت دفاع کرد و پذیرای زندان و شکنجه و تبعید و دربدری شد. او کسی بود که امام بارها گفته بود؛ دست او دست من است. او رفیق بی بدیل من است، توهین به او توهین به من است و او راستی چنین بود... (۱).

در زمان تبعید امام به دست شاه‌خائن او راهی ترکیه شد، از این شهر به آن شهر، تا بلکه یارش را بیابد ولی دون صفتان نامرد به هیچ وجه به او یاری نکردند. تا با دلی آکنده از درد و رنج از ترکیه مراجعت کرد. (۲)

استمرار مبارزات

بعد از بازگشت آیت الله لواسانی در سال ۱۳۴۳ از ترکیه به ایران، رژیم ستم‌شاهی ایشان را ممنوع‌الخروج کرد و در تهران تحت نظر نگهداری می‌کنند (۳). وجود ایشان در تهران و مساعدت‌های فکری و مالی به خانواده‌های زندانیان و تبعیدیها و تقویت نیروها توجه آحاد مردم به ایشان. ارتباط نزدیک از تهران با تبعیدگاه امام در نجف و پیوند امام با امت و وکالت تام الاختیاری امام، باعث حساسی ویژه رژیم پهلوی به معظم له و متعاقب آن فشارهای مختلفی بود که به ایشان می‌آوردند. با این همه آیت الله لواسانی همچنان به انجام مسئولیت‌های خود ادامه می‌داد تا اینکه رژیم در بهمن

۱- یادگار امام، رسالت، ۹ / ۸ / ۶۹.

۲- یادگار امام، رسالت، ۹ / ۸ / ۶۹.

۳- دکتر محمد تقی لواسانی، فرزند آیه الله لواسانی، رسالت، ۲ / ۴ / ۱۳۶۸.

۱۳۵۱ ه. ش ایشان را در سن ۷۱ سالگی دستگیر(۱) و به زندان انفرادی کمیته شهربانی تهران انتقال داده اما مدتی بعد با وساطت مراجع عظام از زندان آزاد شد. پس از آزادی به خاطر استمرار مبارزه برای دومین بار در سال ۱۳۵۳ تیر ماه، دستگیر و به مدت سه سال به «هشت پر» تالش تبعید شد. لواسانی کیفیت دستگیری و منطقه تبعید خود را اینگونه ترسیم می کند: «روز جمعه ۱۳۵۳ / ۴ / ۷ مطابق جمادی الثانی ۱۳۹۴ نیم ساعت به ظهر چهار نفر به منزل ما ریختند و مرا به شهربانی جلب و در سلول انفرادی بازداشت نمودند. روز بعد، شنبه ساعت ۱۰ صبح به بنده گفتند که شما اخلال در نظم می کنید و تبعید هستید. پس دستبند به دست من زده و بدون این که بگویند به کجا می برند سوار ماشین کرده و حرکت نموده و در شهر هشت پر از توابع تالش واقع در هیجده فرسخی رشت و نزدیک آستارا که اکثریت اهل محل از اهل تسنن بودند و تناسبی با یک عالم شیعی نداشت، فرود آوردند در آنجا به بنده گفتند که به مدت سه سال تبعید هستید. بنده چون در آنجا کسیرا نمی شناختم و جایی برای سکونت نداشتم، رفتم و در مسجد آنجا اقامت کردم.

هشت روز در این مسجد به سر بردم، سپس روز ۱۶ / ۴ / ۵۳ چون در مسجد راحت نبودم، منتقل به مسافرخانه شدم و یک ماه نیز در آن مسافرخانه ماندم و از آنجا نیز روز چهارده رجب سال ۱۳۹۴ قمری به دعوت آقای سید فضائل خلخالی به منزلایشان رفته، تا اینکه در بیست و چهار شعبان مطابق ۴۳ / ۶ / ۲۱ خانه ای اجاره اجاره و به آنجا منتقل شدم و ۳۱ ماه مدت اقامت و تبعید طول کشید(۲)».

آیت الله لواسانی به دلیل نامناسب بودن هوا و اقامت دچار بیماری شد به این

۱- تاریخ و فرهنگ معاصر، جلد اول، ص ۶۲۷.

۲- نهضت روحانیون، جلد شش، ص ۱۹۹، علی دوانی.

جهت ایشان به تهران منتقل شد. شش ماه تحت درمان قرار گرفت. وقتی در بیمارستان از طرف ساواک به ایشان اعلام شد که اگر می‌خواهید به تبعیدگاه برنگردید، دست از حمایتی خمینی بردارید. ایشان در جواب به یک جمله بسنده کرد و گفت: به تبعیدگاه بر می‌گردم (۱). آیت الله لواسانی در سال ۱۳۵۷ در سن هفتاد و هفت سالگی بعد از زیارت عتبات عالیات برای تجدید دیار با امام، عازم فرانسه شد و پس از تبادل اندیشه پیرامون حکومت اسلامی و آینده ایران و ... قبل از امام به ایران مراجعت کرد.

سنگ صبور انقلاب

آیت الله لواسانی بعد از ورود امام به ایران اسلامی بی هیچ نام و عنوانی در کنار امام قرار گرفت هاو در طول ده سال بعد از پیروزی انقلاب نیز تا آخری لحظه با امام همراه شد. حجه الاسلام سید محمد رضا لواسانی فرزند آیت الله لواسانی در این باره می‌نویسد:

«پس از انقلاب آیت الله لواسانی حد اقل هفته ای یکبار بدون هیچگونه تشریفاتی به ملاقات حضرت امام می‌رفتند و اگر به واسطه عذری نمی‌توانستند بروند، حضرت امام توسط یادگارشان جناب آقای حاج احمد آقا از حال آیت الله لواسانی سؤال می‌کردند و علت نیامدن را می‌پرسیدند (۲).»

یادگار امام، حجه الاسلام آقای حاج احمد آقا در پیرامون این موضوع می‌نویسد:

«.. با اینکه او نماینده ام‌الاختیار حضرت امام بود، هرگز از زندگی زاهدانه اش دست نکشید و تا آخر در همان منزل که

۱- - حجه الاسلام سید محمد رضا لواسانی؛ فرزند آیه الله لواسانی، کیهان، ۶۹ / ۸ / ۱۷ .

۲- - حجه الاسلام سید محمد رضا لواسانی؛ فرزند آیه الله لواسانی، کیهان، ۶۹ / ۸ / ۱۷ .

قریب پنجاه سال پیش خریده بود، زندگی کرد و در آخر عمر با آنکه تمامی دوستانش او را به زندگی ای بهتر فرامی خواندند، ولی او با خدای خود عهد کرده بود تا چون محرومین و پا برهنه ها زندگی کند. او هشتاد سال با خمینی بود و برای همه کسانی که او را می شناختند بوی امام را می داد هر هفته در تمامی مدت بعد از انقلاب یک روز از آن ملاقات او با امام بود و او در برف و سرما هم این ملاقات را ترک نکرد. آخر دل امام به او خوش بود(۱)...

ویژگیهای اخلاقی

با نگرش اجمالی به نظریات امام (قدس سره) آیت الله خامنه ای، یادگام امام (قدس سره) فرزندان و نزدیکان آیت الله لواسانی می تون به خصوصیات ویژه این مرد الهی پی برد که از جمله آنهاست: عمل به تکلیف، ساده زیستی، انجام فرائض در اول وقت، تقید به نماز شب، خلوص در زندگی، سعی در حل مشکلات مردم، صلح و فروتنی، قرائت چند نوبت قرآن در روزها، شهادت دفاع از حق، سلام دادن به کوچک و بزرگ، حسن خلق در زندگی با همسر و فرزندان و مردم، احترام به بندگان خدا، شنیدن نظریات دیگران و ...

عروج

اشاره

آیت الله لواسانی قبل از رحلت امام در بیمارستان بار دیگر با دوست دیرین خود ملاقات کرد. ارتحال امام اثر عمیقی بر روح آن عزیز می گذارد و سرانجام بعد از یک دوران بیماری نسبتاً طولانی شانزده ماه بعد از ارتحال

امام (قدس سره) روز هشتم مهر ۱۳۶۹ در ۸۹ سالگی دارفانی را وداع گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

بیکر مطهرش با حضور هزاران نفر از مردم عزادار تهران و نماینده های هربر معظم انقلاب، رئیس جمهور و با حضور یادگار امام، حضرت حجه الاسلام آقای حاج احمد آقا در میان حزن و اندوه امت حزب الله از مسجد ایشان تشییع و به شهر مقدس قم منتقل گردید. آنگاه در جوار حرم حضرت فاطمه معصومین (س) به خاک سپرده شد.

پیام رهبر معظم انقلاب

به مناسبت ارتحال آیت الله سید محمد صادق لواسانی پیامهای متعددی از سوی شخصیت های مختلف (۱) صادر شد. متن پیامهای رهبر معظم انقلاب، ریاست جمهوری و یادگام امام (قدس سره) چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون.

عالم ربانی و فقیه پرهیزکار و بزرگوار، آیت الله آقای حاج سید محمد صادق لواسانی رضوان الله تعالی علیه دعوت حق را لبیک گفته و به لقاء الله پیوست. آن روحانی عالیقدر هم به موجب مدارج و مقامات عالیله علم و عمل و عمر طولانی و پربرکتی که تماماً در صراط مستقیم حق سپری شد و هم به خاطر پیوند مودت و صداقت با امام عزیز و بزرگوارمان که حدود هفتاد سال استمرار و استحکام داشت، یکی از

۱- پیام رهبر فرزانه انقلاب به مناسبت ارتحال آیهالله لواسانی، حدیث ولایت، جلد پنجم، ص ۲۰۹، ۶۹/۷/۸.

شخصیتهای محبوب و چهره های شاخص به شمار می آمد و فقدان ایشان ضایعه ای تأسف انگیز و خسارت بار است. این جانب که خود سالیان متمادی آن شخصیت عزیز را از نزدیک به طهارت و صداقت و وارستگی می شناختم، این مصیبت را به خانواده محترم، مخصوصاً فرزندان مکرم ایشان و نیز به جامع علمی و مردم تهران عسلیت عرض می کنم و رحمت و فضل الهی را برای روح مطهرشان مسئلت می نمایم.

۶۹/۷/۸

سید علی خامنه ای

پیام آیه الله هاشمی رفسنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

رحلت عالم جلیل القدر، آیه الله آق ای حاج سید محمد صادق لواسانی رحمه الله علیه که عمر پر برکتش در راه خدمت به اسلام و ترویج اهل بیت اطهار سپری شد، را به حوزه های علمیه مردم تهران و خانواده آن مرحوم بویژه فرزندان گرامیشان تسلیت می گویم. آن روحانی خدمتگزار با پیوند علمی، فکری و عملی که با حضرت امام قدس سره الشریف داشت، خدمات بسیاری به انقلاب اسلامی نمود. (۱)

از خدای متعال برای آن عالم عامل علو درجات و برای

بازماندگان صبر و مسئلت دارم

اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور

پیام تسلیت حجه الاسلام حاج سید احمد خمینی به فرزند آن مرحوم

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجه الاسلام و المسلمین حاج سید محمد رضا لواسانی (دامت افاضاته) با قلبی خسته و پر اندوه خبر عروج ملکوتی یار وفادار امام، زاهدی عالیقدر پرسانی مبارز و پرهیزکاری عزیز؛ حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد صادق لواسانی را شنیدم، او به حق در زمان تبعید امام (قدس سره) پدری دلسوز و مربی ای صادق برایم بود. محبت های خالصانه او در تنهایی هایم موجب دلگرمی بود. در طول مدت تبعید و زندان امام در مقابل طاغوت و طاغوتیان ایستاد و از امام دفاع کرد. (۱)

در زمانی که نام امام مساوی با زندان و اعدام بود؛ یک تنه مسئولیت نمایندگی علی الاطلاق حضرت امام را پذیرفت و مسئول شهریه در قم و تهران و سایر حوزه ها شد و با شهامت تا دم مرگ از این مسئولیت ها دفاع کرد و پذیرای زندان و شکنجه و تبعید و در بدری شد.

او کسی بود که امام بارها گفته بود: دست او دست من است. او رفیق بی بدیل من است. توهین به او توهین به من است. و

۱- پیام حجه الاسلام حاج احمد آقا خمینی، یادگار امام، به مناسبت ارتحال آیه الله لواسانی، ۶۹ / ۷ / ۸ رسالت .

او براستی چنین بود. در زمان تبعید امام به دست شاه خائن، او راهی ترکیه شد. از این شهر به آن شهر تا بلکه یارش را بیابد، ولی دون صفتان نامرد به هیچ وجه به او یاری نکردند تا با دلی آکنده از درد و رنج از ترکیه مراجعت کرد.

با اینکه او نماینده تام الاختیار حضرت امام بود، هرگز از زندگی زاهدانه اش دست نکشید و تا آخر در همان منزل که قریب پنجاه سال پیش خریده بود، زندگی کرد و در آخر عمر با آن که تمامی دوستانش او را به زندگی ای بهتر فرا می خواندند، ولی او با خدای خود عهد کرده بود تا چون محرومین و پابرهنه ها زندگی کند.

او هفتاد سال با خمینی بود و برای همه کسانی که او می شناختند بوی امام را می داد هر هفته در تمامی مدت بعد از انقلاب یک روز از آن ملاقات او با امام بود و او در برف و سرما هم این ملاقات را ترک نکرد. آخر دل امام به او خوش بود. باور کن که من در حد تو و برادرانت متأثرم و اگر نبود که سنت (الله) بر این تعلق گرفته است، هیچ چیز و کس نمی توانست آرامم کند.

من به شما که دوست عزیز و برادرم هستی و به برادران بزرگوار و شریف؛ جناب آقای دکتر محمد تقی لواسانی و جناب آقای دکتر محمد حسین لواسانی و برادران و خواهران و فامیل شریف و بزرگوارتان تسلیت عرض می کنم و از

خداوند می خواهد که به همه ما تحمل این درد و رنج را عطا فرماید.

و السلام علیکم احمد خمینی

...

عبدالله بن جعفر حمیری قمی (محدث فرزانه) / ابوالحسن ربانی

اشاره

عبدالله بن جعفر حمیری قمی یکی از بزرگانی است که در شما مزداران مکتب شیعه محسوب می شود، و در این مقاله سعی بر آن داریم تا قدر منزلت این مرد «عظیم القدر» را برای نسل جوان روشن سازیم.

لقب حمیری

لقب عبدالله را «حمیری» ذکر کرده اند که به، حمیر، است و حمیر آن گونه که در کتب لغت ذکر شده، نام محلی در غرب صنعا (مرکز یمن) و نیز نام پدر قبیله ای است (۱).

در مجمع البحرین (۲) می خوانیم «ابو قبیله فی الیمن کان منهم الملکومک فی الزمن القدیم»، نام پدر قبیله ای در یمن است که در قرنهای گذشته پادشاهانی از آن ظهور کرده اند.

بنابراین اجداد عبدالله بن جعفر حمیری از اهل یمن بوده اند.

البته به عبدالله بن این دلیل که برخاسته از قم بود، لقب «قمی» نیز داده بودند (۳) و مشهورترین کنیه اش را «ابوالعباس» دانسته اند (۴).

تاریخ تولد

از قراین این گونه استفاده می گردد که عبدالله در اوائل در اوائل قرن سوم هجری قمری به دنیا آمده. از جمله این قراین سال وفات مشایخ اوست، یکی از این مشایخ محمد بن الحسین ابی الخطاب است که در سال ۲۶۲ ه ق از دنیا رفت (۵) بنابراین می توان گفت که زمان تولد حمیری بین سالها ۲۲۰ تا ۲۴۰ است.

۱- قاموس اللغه، ج ۲ ص ۱۴.

۲- مجمع البحرین، ماده حَمَر.

۳- رجال نجاشی، ص ۱۵۲ و فهرست شیخ، ص ۱۰۲.

۴- رجال نجاشی، ص ۱۵۲ و فهرست شیخ، ص ۱۰۲.

۵- رجال نجاشی، ص ۲۳۶.

حمیری از منظر اهل نظر

اولین بار از حمیری در رجال کشی (یکی از بزرگترین منابع شناخت بزرگان و اصحاب ائمه اطهار) یاد شده است. در این کتاب می‌خوانیم: «قال نصر بن الصباح ابو العباس الحمیری عبدالله بن جعفر کان استاد ابی الحسن ...» از قول (استاد خود نقل می‌کند که حمیری استاد ابوالحسن است) (۱) و ظاهراً مراد از «ابوالحسن» در اینجا پدر بزرگوار شیخ صدوق به نام علی بن الحسین بن بابویه است که یکی از شاگردان راویان «حمیری» بود.

شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه.ق) می‌نویسد: «عبدالله بن جعفر حمیری قمی مکنی به ابوالعباس و شخص ثقه و مورد اطمینانی است» (۲) و نجاشی درباره ایشان معتقد است (۳) که عبدالله بن جعفر حمیری بزرگ‌گِ علمای قم و شخصیت برجسته آنها که در سال ۲۹۰ و اندی از قم به شهر کوفه رفتند بزرگان و علما کوفه از حمیری اخبار و روایات ائمه را زیاد شنیدید و کتابهای زیادی تصنیف کردند.

نجاشی تعبیرهایی درباره این استاد رجال راوی شناس بزرگ می‌آورد که بسیار جالب توجه است. ویاز عظمت و جلالت محدث و فقیه شیعه سخن اینگونه می‌گوید.

«جناب حمیری در قم و بلکه در جهان شیعه، معروف و مشهور بود. وقتی به کوفه می‌رفت، اعظام در پای منبر حدیث او جمع می‌شدند در حالیکه کوفه خود از مراکز اصلی معارف احادیث اهل بیت عصمت و طهارت بود، جالب اینکه تعریف و تمجیدهایی که توسط علمای رجال درباره شخصیت عبدالله صورت گرفته، همانند عبارتی است که در حق شیخ صدوق ذکر شده است.

۱- - رجال کشی، ج ۲، ص ۸۶۴.

۲- - فهرست شیخ، ص ۱۰۲.

۳- - رجال نجاشی، ص ۱۵۲.

عبارت مرحوم نجاشی چنین است :

محمد بن علی بنالحسین ابن بابویه ساکن شهر ری، شیخ، فقه و چهره برجسته شیعه در ناحیه خراسان در سال ۳۵۵ ه.ق وارد بغداد شد. بزرگان طایفه و شخصیت‌های فقه و فقاقت و درایت از او روایت شنیدند در حالی که صدوق هنوز «جوان» بود(۱).

اما علامه حلی در کتاب «خلاصه» خویش همین عبارتها را در شأن عبدالله بن جعفر حمیری ذکر کرده است.

صحابی معصومین (علیهم السلام)

عبدالله این افتخار بزرگ را داشت که در جرگه یاران امام هادی و امام حسن عسکری (ع) وارد شود. در بعضی از اخبار می خوانیم عبدالله به خدمت امام هادی (ع) نامه نوشت و از حضرت با عنوان الرجل نام برد(۲). البته در موارد زیادی نیز با عنوان ابی محمد (۳) نامه می نوشت و به خدمت امام حسن عسکری (ع) می فرستاد. شیخ در رجال(۴) ایشان را از اصحاب حضرت هادی و امام عسکری (علیهم السلام) می داند(۵) همچنین همه عالمانی که در علم رجال تألیف دارند، این نکته را تأیید کرده اند.

اساتید

عبدالله در طول عمر خود از مکتب بزرگانی استفاده کرد و از آنها روایت نقل نمود.

این اساتید عبارتند از :

۱- - رجال نجاشی، ص ۲۷۶.

۲- - الرجل اصطلاح محدثین شیعه به امام هادی (ع) اطلاق می شود .

۳- - رجال محقق اردبیلی، ج ۱ ص ۴۷۹.

۴- - رجال شیخ طوسی، ص ۴۱۹.

۵- - رجال شیخ طوسی، ص ۴۳۲.

- ۱ - ابراهیم بن مهزیار اهوازی، برادر جناب علی بن مهزیار، که از بزرگان یاران امام علیهم السلام بود (۱).
- ۲ - حسین بن مالک (شیخ در رجال او را ثقه از اصحاب امام هادی (ع) می داند (۲).
- ۳ - محمد بن جزک (از یاران امام هادی (ع) و مورد وثوق است) (۳).
- ۴ - حسن بن علی بن کیان (۴).
- ۵ - ایوب بننوح (۵).
- ۶ - احمد بن خالد برقی (۶).
- ۷ - هارون بن مسلم (۷).
- ۸ - ابراهیم بن هاشم قمی (۸).
- ۹ - احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (۹).
- ۱۰ - محمد بن الحسین ابی الخطاب (۱۰).
- ۱۱ - محمد بن عبدالجبار القمی (۱۱).
- ۱۲ - محمد بن عیسی یقطینی (۱۲).

شاگردان

جمعی از افراد برجسته از محضر عبدالله کسب فیض و معرفت کرده اند که شمار معاریف آنها تقریباً به ۱۲ نفر می رسد و اما به برخی از آنان به این صورت است:

- ۱ - علی بن الحسین بابویه (۱۳)
- ۲ - محمد بن الحسن بن الولید (از مشایخ مرحوم صدوق است) (۱۴)
- ۳ - محمد بن موسی بن متوکل (از شایخ صدوق است) (۱۵)

۱- تنقیح المقال، ماقانی، ج ۱ ص ۱۳۶ و جامع الروات ج ۱، ص ۴۷۹.

۲- رجال شیخ، ص ۴۱۳.

- ٣- - رجال شيخ طوسي، ص ٤٢٣.
- ٤- - جامع الروات، ج ١، ص ٤٧٩ و تنقيح المقال ج ١ ص ٣٠٠.
- ٥- - تنقيح المقال، ج ١، ص ١٦٠.
- ٦- - امالي صدوق، مجلس ١٠، ص ٤١.
- ٧- - امالي صدوق، مجلس ٣٦، ص ١١٦.
- ٨- - امالي صدوق، مجلس ٣٧، ص ١٧١.
- ٩- - امالي صدوق، مجلس ٣٨، ص ١٧٨.
- ١٠- - امالي صدوق، مجلس ٣٩، ص ١٨١.
- ١١- - امالي صدوق، مجلس ٤٨، ص ٢٣٨.
- ١٢- - امالي صدوق، مجلس ٤٨، ص ٢٣٨.
- ١٣- - شرح مشيخه، ج ٤، ص ١٢٢.
- ١٤- - شرح مشيخه، ج ٤، ص ١٢٢.
- ١٥- - شرح مشيخه، ج ٤، ص ١٢٢.

۴ - محمد بن الحسن الصفار (متوفی سال ۲۹۰ [\(۱\)](#) و صاحب کتاب بصائر الدرجات) [\(۲\)](#)

۵ - محمد بن یحیی العطار القمی [\(۳\)](#)

۶ - احمد بن محمد یحیی [\(۴\)](#)

۷ - سعد بن عبدالله الاشعری (متوفی به سال ۳۰۱ یا ۲۹۹) [\(۵\)](#)

۸ - محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری (فرزند عبدالله حمیری بود) [\(۶\)](#)

آثار و کتب

این محدث عظیم الشأن کتابهای زیادی تصنیف کرد. مرحوم شیخ در فهرست [\(۷\)](#) پانزده کتاب برای ایشان ذکر می کند و می نویسد: له کتب، و منها «کتاب الدلائل»، «کتاب الطلب»، «کتاب التوحید...» و «قرب الاسناد» و نجاشی نیز ۲۶ کتاب برای وی می شمارد. [\(۸\)](#)

البته این کتابها از بین رفته ند و یا تا کنون به دست ما نرسیده اند و تنها یک کتاب از این محدث بزرگ به یادگار مانده است و آن کتاب معروف «قرب الاسناد» است که یکی از منابع و مآخذ کتب اربعه شیعه را تشکیل می دهد.

مرحوم صاحب وسائل از این کتاب بسیار نقل روایت می فرماید [\(۹\)](#) و نیز علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار این کتاب را مورد عنایت قرار داده است. [\(۱۰\)](#)

این کتاب شریف در زمان حیات آیت الله بروجردی (قدس سره) با عنایت و اشراف و مقدمه ایشان چاپ شد.

و اخیرا هم به ضمیمه کتاب «جعفریات» به وسیله آقای احمد صادقی

۱- - نجاشی، ص ۲۵۱.

۲- - جامع الروات، ج ۱، ص ۴۷۸.

۳- - نجاشی، ص ۲۵۰ و خلاصه علامه، ص ۱۵۷.

۴- - رجال نجاشی، ص ۱۵۲.

۵- - رجال نجاشی، ص ۱۲۷ و جامع الروات، ج ۱، ص ۴۷۱.

۶- - جامع الروات، ج ۱، ص ۴۷۱.

۷- - فهرست، ص ۱۰۲.

۸- - نجاشی، ص ۱۵۲.

٩- - وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٤٠.

١٠- - بحار الانوار، ج ١، ص ٦.

اردستانی تصحیح و تنقیح و چاپ شده است.

خوشه هایی از خرمن حمیری

اشاره

در این بخش روایتی چند از کتاب حمیری را نقل می کنیم و شما را به استفاده بیشتر از مکتب این راوی بزرگ فرا می خوانیم.

میزان شناخت مؤمن و منافق

جناب حمیری به سند خود از امام باقر (ع) نقل می کند «قال عبدالله بن عمر و الله ما كنا نعرف المنافقين في زمان رسول الله (ص) الا ببغضهم عليا».

عبدالله بن عمر گفت: به خدا قسم ما در زمان رسول اکرم (ص) افراد منافق را نمی شناختیم مگر به وسیله دشمنی که با علی (ع) داشتند، که هر کس دشمن علی (ع) بود منافق بود. (۱)

نشانه ریا کاران

رسول اکرم (ص) فرمود: «للمرائي ثلاث علامات يكسل اذا كان وحده و ينشط اذا كان عند الناس و يحب ان يحمد جميع اموره». (۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: ریا کار سه نشانه دارد، در تنهایی بی علاقه به عبادت است و در حضور دیگران با نشاط، ریا کار دوست دارد در تمام کارهایش او را ستایش کنند.

نماز اول وقت

قال الصادق (ع): «الفضل الوقت الاول على الاخير خیر، للمؤمن من

۱- - قرب الاسناد به تحقیق صادق اردستانی، ص ۳۹.

۲- - قرب الاسناد به تحقیق صادق اردستانی، ص ۴۱.

ولده و ماله» (۱)

حضرت صادق (ع) فرمود: فضیلت نماز اول وقت در مقابل آخر وقت، برای مؤمن از فرزند و مال و ثروت بهتر است.

خاندان و فرزندان

حمیری (قدس سره) چهار فرزند به نامهای محمد، جعفر، حسین و احمد داشت، که همه چهار نفر با امام هادی، عسکری و صاحب الزمان (علیهم السلام) مکاتبه داشتند (۲) کل کان له مکاتبه از کلام نجاشی چنین استفاده می شود که فرزندان عبدالله بن جعفر در شمار بزرگان دانشوران بودند. البته در میان این چهار برادر فقط محمد بن عبداللهبن جعفر توثیق شده است (۳). گاهی در کتب روایت مانند پدر بزرگوارش با عنوان «حمیری» از او یاد می شود.

رحلت

هر چند می دانیم تولد عبدالله در اوائل قرن سوم هجری قمری است اما زمان دقیق آن مشخص نیست، با این حال زمان رحلتش نیز نامعلوم است و نمی توان قاطعانه درباره زمان رحلت ایشان ابراز نظر کرد.

ولی از قرائن به دست می آید که زمان وفات ایشان اواخر قرن سوم هجری بود. به این دلیل که یکی از شاگردانش سعد بن عبدالله اشعری بود که در سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ درگذشت.

محمد بن حسن صفار نیز که از دیگر شاگردان وی بود، در سال ۲۹۰ رحلت کرد. از این رو سن استاد از شاگرد بیشتر است و طبیعتاً زودتر از شاگرد از این دنیا رحلت کرده است.

۱- - قرب الاسناد به تحقیق صادق اردستانی، ص ۵۱.

۲- - رجال نجاشی، ص ۲۵۱.

۳- رجال نجاشی، ص ۲۵۱.

بر این اساس شاید بتوان گفت رحلت عبدالله بین سالهای ۳۰۰ تا ۳۰۵ ه.ق اتفاق افتاد.

روحش شاد و راهش پر روهر و باد.

مرقد حمیری

درباره رحلت و محل دفن عبدالله هر چند به اشاره چیزی در کتابهای مربوطه ذکر نشده است. اما به نظر می رسد در قم از دنیا رفته، در کنار بی بی حضرت معصومه (س) مدفون شده باشد.

...

احمد بن ادريس قمی (معلم حدیث) / عبدالکریم پاک نیا

اشاره

احمد بن ادريس اشعری قمی فقیه نامدار، محدث عالیقدر و یکی از چهره های درخشان شهر مقدس قم است. وی در قرن سوم هجری زندگی می کرد و توفیق یافت به محضر پیشوای یازدهم، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) شرفیاب شود. از اطلاعات به دست آمده، از منابع معتبر، چنین برمی آید که وی در نیمه اول قرن تا سال ۳۰۶ هجری قمری می زیسته.

احمد ابن ادريس دانشهای مختلف را از محضر اساتید و دانشوران نامدار امامیه عصر خویش، همچون احمد بن اسحاق قمی (سفیر امام زمان «عج» در شهر قم)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (که دانشمندان علم رجال قداست نفس و عظمت روحش را به نیکوترین وجه ستوده، به عدالتش تصریح کرده اند) و ده ها تن از چهره های درخشان شیعه، فرا گرفت و موفق به تألیف کتاب های ارزشمند فقهی و حدیثی شد.

او روایات متعددی را از ائمه اطهار علیها سلام نقل کرده است. شاگردان دانشمندی در مکتب تربیت شده اند و او به آنان اجازه روایت داد. از مهمترین و مشهورترین شاگردان وی می توان ثقه الاسلام، محمد بن یعقوب کلینی را نام برد که صاحب مطمئن ترین کتاب حدیثی شیعه یعنی «کافی» است و کلینی در آن روایات ابن ادريس را بدون واسطه نقل کرده است.

القاب و اسامی

در کتاب های روایی و رجالی و در اسناد روایات از وی با نامهای، ابو علی اشعری، احمد ابن ادريس قمی، احمد ابن ادريس بن احمد یاد می شود. به نظر صاحب کتاب «معجم رجال الحدیث» مراد از همه اینها احمد ابن ادريس

اشعری قمی است (۱).

فعالیت های گسترده

چنانکه از گفته دانشمندان بر می آید، احمد ابن ادریس فقه و حدیث شناس شیعه، فعالیت های وسیعی در نشر حقایق و معارف قرآن و اهل بیت علیه السلام در سال های ۲۵۰ تا ۳۶۰ انجام داد شخصیت های ممتازی همچون ابو عمر و کشی با یک واسطه و محمد بن یعقوب کلینی مستقیماً و سایر محدثین از وی حدیث آموخته، به نسل های بعد منتقل کردند.

درخشش این شخصیت و الامقام زمانی بیشتر احساس می شود که بدانیم ایشان دویست و هشتاد حدیث ارزشمند از ائمه اطهار (ع) برای ما به یادگار گذاشته است.

او علاوه بر فراگیری و انتقال علم حدیث به شاگردان و فرزندان فرزانه خویش به شهرهای کوفه، بغداد و کشور حجاز مسافرت کرد تا با ترویج، تبلیغ و نشر احکام نورانی اسلام وظیفه الهی خود را انجام دهد (۲). وی همچنین با عموزاده های قمی خویش (احمد ابن اسحاق و محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد) در همین رابطه همکاری نزدیک داشته.

ویژگی درخشان

از ویژگیهایی که در زندگی این مرد ممتاز قمی به چشم می خورد، رقم بالای اساتید و شاگردان اوست. صاحب «معجم رجال الحدیث» حدود ۲۹ نفر از اساتید و ۱۵ نفر از شاگردان او را نام می برد (۳)، که این خود امتیاز مهمی برای او محسوب می شود.

۱- - معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۶.

۲- - مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳- - معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۷.

اساتید برجسته

احمد علاوه بر اینکه از فیض تشریف به حضور حضرت امام حسن عسکری برخوردار بود، از بزرگان و دانشمندان امامیه در نیمه دوم قرن سوم بهره های فراوانی برد. در کتاب «معجم الرجال» تعدادی از اساتید روایی وی معرفی شده اند که مهمترین آنها عبارتند از احمد ابن اسحاق قمی، بنیانگذار مسجد امام حسن عسکری و سفیر امام زمان (عج) در شهر قم، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، احمد بن ابی عبدالله برقی، ابراهیم ابن هاشم قمی، محمد ابن احمد بن یحیی عطار قمی، محمد بن حسین ابن ابی الخطاب، حسن بن علی دقاق کوفی، محمد ابن عبدالجبار قمی (که همان محمد بن ابی صهبان است)، محمد ابن حسان رازی، محمد ابن حمدان کوفی، محمد ابن پندار قمی و محمد ابن علی بن محبوب قمی^(۱).

در نگاه دانشمندان

شیخ طوسی می نویسد: احمد ابن ادریس ابو علی اشعری قمی در میان علمای ما دانشمندی موثق و فقیه و دارای احادیث صحیح بسیار بود. او کتاب بزرگ و پرفایده «النوادر» را تألیف کرد و شیخ در کتاب رجال ضمن شمارش یاران امام عسکری (علیه السلام) می نویسد: احمد بن ادریس قمی معلم، به خدمت حضرت عسکری (علیه السلام) رسید ولی از وی روایت نکرده است^(۲).

شیخ ابو عمر کشی در گزیده رجال احادیث زیادی را با یک واسطه از احمد ابن ادریس نقل می کند. از جمله در شرح حال «فضیل بن یسار» از ابراهیم بن محمد بن عباس روایت می کند که (وی گفت: برای من احمد ابن

۱- - معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۷.

۲- - فهرست شیخ طوسی، ص ۲۶، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۷، رجال شیخ، ص ۴۲۸.

ادریس معلم قمی نقل کرد از محمد بن احمد بن یحیی... (۱)

علامه حلی بعد از شرح حال وی می گوید: خدا او را رحمت کند. من به روایت او اعتماد دارم (۲)

ابن شهر آشوب مازندرانی می نویسد: احمد ابن ادریس، ابو علی اشعری قمی مورد اعتماد و صاحب کتاب های پر فایده «نوادری» و «المقت و التویخ» است.

ابو العباس نجاشی می گوید: وی دانشمندی موثق و در میان علمای ما فقیه، صاحب احادیث بسیار و روایات صحیح می باشد. (۳)

آیت الله خوئی می نویسد: «ابو علی اشعری، احمد ابن ادریس قمی که همان احمد ابن ادریس ابن احمد است، در اسناد بسیاری از روایات قرار دارد و تعداد آن به دویست و هشتاد روایت می رسد.» آنگاه وی اساتید، شاگردان و روایات او را به تفصیل بیان می کند (۴).

آقابزرگ تهرانی می نویسد: احمد ابن ادریس بن احمد، ابو علی اشعری قمی، استاد ثقه الاسلام کلینی و استاد ابن قولویه است. وی دو فرزند به نام های حسن و حسین دارد که هر دو استاد شیخ صدوق، محدث معروف و صاحب کتاب «من لا یحضره الفقیه» است (۵).

آثار و تألیفات

احمد ابن ادریس، محدث فداار و فقیه پرهیزگار خاندان اشعری، نتیجه یافته های علمی خویش را در قابل تألیفات و روایات، برای عالم تشیع عرضه کرده است.

احتمال دارد این فقیه تلاشگر کتاب ها و آثار دیگری غیر آنچه ذکر شده

۱- - مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۱، به نقل از رجال کشی، ص ۱۸۵، معلوم می شود احمد ملقب به «معلم» بوده است و این شاید به جهت استادی وی نسبت به علمای عصر بوده است .

۲- - خلاصه الاقوال، ص ۱۶ .

۳- - اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰ .

۴- - معجم رجال الحدیث، ص ۴۷۷ .

۵- - مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۴، بنقل از اعلام الشیعه، نوابغ الروایات فی رابعه المات، ص ۱۹ .

داشته باشد (۱) وی علاوه بر تحویل کتاب های مفید، بیشترین تلاش و همت خویش را در تربیت شاگردان و نقل روایات از ائمه اطهار علیها سلام به کار برد. و آنچه را محضر بزرگان فقه و حدیث و مفاخر فن اندوخته بود، در قالب احادیث و روایات به شاگردان فاضل و روایان عرضه کرد. آثارش را می توان در کتاب «الکافی» و «تهذیب» «استبصار» «وسائل الشیعه» و سایر کتب روایی یافت. آثار وی در موضوعات مختلف همچون احکام صلوه، عقود، ولادت و زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، سیره ائمه علیها سلام، تفسیر اخلاق و آداب اجتماعی است.

شاگردان با فضیلت

اشاره

احمد ابن ادريس سرمايه علمي - معنوی اش را به دانشمندان اوایل قرن چهارم عرضه کرد و بسیاری از محدثان، مؤلفان، فقها و دانشمندان نامی شیعه در آن عصر از وی روایت کردند، حدیث شنیدند، اجازه نقل حدیث گرفتند یا کتب حدیثی بر وی قرائت کردند. برای آشنایی بهتر با مقام علمی احمد بن ادريس به معرفی چند نفر از شاگردان معروف وی می پردازیم:

۱ - ثقه الاسلام کلینی

مشهورترین شاگرد احمد ابن ادريس ثقه الاسلام محمد ابن یعقوب کلینی (۲) رازی است. وی محدث نامدار و موثق شیعه در عصر غیبت صغری و مؤلف کتاب «کافی» است. شیخ مفید درباره این کتاب می نویسد: مجلترین کتاب امامیه به شمار می رود و دارای هشتاد هزار بیت (۳) و شانزده هزار و صد و نود و نه حدیث است و در مدت بیست سال تحقیق و تفحص کرده، سپس

۱- - مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۴

۲- کلین بر وزن زیبر روستایی در نزدیکی شهر ری می باشد که پدر وی یعقوب ابن اسحاق در آنجا مدفون است .

۳- - احتمالا مراد از «بیت» در عبارت مرحوم محدث قمی «سطر» باشد .

تألیف فرموده است. وی مرجع فتوای خاص و عام بود^(۱)، این این اثر، دانشمند معروف اهل تسنن، در «جامع الاصول» از وی به عنوان مجدد مذهب امامیه در سال سیصد هجری نام می برد^(۲) و فیض کاشانی ضمن تمجید از کتب اربعه، می فرماید: کافی شریفترین، مطمئن ترین، کاملترین و جامعترین آن ها است^(۳). کلینی در سال ۳۲۹ اول غیب کبری در شهر بغداد وفات کرد و در «باب الکوفه» به خاک سپرده شد. شیعیان مرقدی روی قبرش بنا نمودند و به عنوان زیارتگاه عموم مردم شناخته شد. کتاب های دیگری نیز از کلینی به نام های «رد برقرامطه» کتاب «تعبیر رؤیا»، «رسائل الائمة علیها سلام» به یادگار مانده است^(۴).

۲- ابو علی برفری

ابو علی برفری^(۵)

ابو علی احمد ابن جعفر ابن سفیان بزوفری، معروف به ابو علی بزوفری، شاگرد مخصوص و ممتاز احمد بن ادریس و یکی از محدثین و راویان پر تلاش شیعه در عصر خویش بود. او شاگردانی همچون: شیخ مفید، حسین ابن عبیدالله غضائری و شیخ ابو عبدالله تلکبری (متوفی؛ ۳۸۵ ه ق) تربیت کرده. شیخ طوسی می نویسد: تلکبری از او روایت کرده و در سال ۳۶۵ از وی حدیث شنید و اجازه گرفت. شیخ مفید و حسین ابن عبیدالله غضائری (که شاگردان وی می باشند) نیز از او به ما روایت نقل کرده اند^(۶).

۳- ابو عبدالله بزوفری (سفير امام زمان علیه السلام)

ابو عبدالله حسین ابن علی بزوفری مانند پسرعموی خویش، ابو علی بزوفری، از شاگردان احمد ابن ادریس بود و همانند او مقام استادی تلکبری،

۱- فوائد الرضویه، ص ۶۵۸.

۲- جامع الاصول، ج ۱۱، ۳۲۳، د با تلخیص .

۳- مقدمه وسائل الشیعه، ص ۶۵.

۴- فوائد الرضویه، ص ۶۵۸.

۵- بزوفری به فتح با وفاء، روستایی بزرگ نزدیک منطقه واسط واقع در غرب بغداد است.

۶- رجال شیخ، ص ۴۴۳، و فوائد الرضویه، ص ۱۴.

شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری داشت، ولی شخصیت علمی وی به مراتب بالاتر از ابوعلی است و کتاب هایی همچون «حج» - «ثواب الاعمال» - «احکام صید» - «رد بر واقفیه» و «سیره النبی و الائمة علیها سلام فی المشرکین» از تألیفات او است. شیخ طوسی با یک واسطه، و شیخ مفید (شاگرد وی) بدون واسطه از او روایت نقل کرده اند. محدث قمی (قدس سره) می نویسد: از روایت کمال الدین تظاهر می شود، او یکی از سفراء امام زمان علیه السلام بوده است که از امتیازهای درخشان در زندگی این شخصیت فرزانه این است که سند دعای ندبه به فرزند دانشمند و محدث او، محمد بن حسین بزوفری^(۱) می رسد.

۴ - علی ابن حاتم قزوینی

آثار و تألیفات زیادی از علی ابن حاتم قزوینی بجا مانده است. شیخ طوسی می گوید: «ابو الحسن علی ابن حاتم قزوینی» دانشمندی موثق و مورد اعتماد است. او کتاب های متعددی به رشته تحریر در آورد که بسیار نیکو و مورد اعتماد است. کتاب های او در موضوعات مختلف فقهی همچون، وضوء، صلوه، صوم، زکات، حج، عمل شهر رمضان، توحید و... است. علاوه بر کتاب های فوق نجاشی کتاب های «شناخت اذان»، «قبله»، «وقف»، «سهو»، «یوم و ليله»، «فرائض»، «مصایح النور»، «بیان و ایضاح»، «مصایح موازین عدل»، «علل»، «الصفوه فی اسماء امیر المؤمنین (علیه السلام)، «صفات انبیاء»، «رد بر قرامطه»، «رد بر اهل بدعتها و حدود دین» را نیز بر تألیفات او می افزاید و می نویسد: این کتاب ها را ابو عبدالله بن شاذان به نقل از ابوالحسن علی ابن حاتم به ما نقل کرد^(۲).

مانند احمد بن جعفر بن محمد ابن قولویه، جعفر بن محمد ابن قولویه، علی ابن الحسین بن بابویه قمی و... و در کتاب «معجم رجال الحدیث»، اسامی ۱۵

۱- با استفاده از فوائد الرضویه، ص ۱۴۴، و مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۱۱۴، و ص ۱۱۶، به نقل از نوابغ الروات .

۲- رجال نجاشی، ص ۱۸۶ و مفاخر اسلام، ج ۲ (به نقل از رجال شیخ) ص ۴۸۲ و فهرست ص ۹۸ .

نفر از آنان ذکر شده است.

فرزندان محدث

اشاره

احمد ابن ادريس دو فرزند دانشمند از خود به يادگار گذاشته که هر دو از محضر پدر بهره مند شده اند.

۱ - حسن ابن احمد ابن ادريس قمی

او از محدثين مورد اعتماد اماميه است، و عموماً از پدرش حديث نقل می کند. آثارش را می توان در کتاب های «کمال الدین» (باب ۳۳ و ۴۲)، «عیون اخبار الرضا» (باب ۵، ج ۱) «تهذیب» (ج ۶، ح ۱۶۸) در موضوع زیارت امام هشتم علیه السلام یافت، حسن ابن احمد استاد حديث شيخ صدوق نیز می باشد و بارها از استادش، حسن بن احمد روایت نقل کرده، از وی تجلیل می کند، محمد ابن احمد بن داود هم یکی دیگر از شاگردان حسن ابن احمد محبوب می شود (۱).

۲ - حسين ابن احمد ابن ادريس قمی

حسين ابن احمد هم مثل برادرش حسن از محدثين مورد اعتماد و عنایت علمای بزرگ اماميه است. وی مکنی به ابو عبدالله و استاد شخصیت هایی همچون شيخ صدوق، تلکبری، حسين ابن علی ابن بابویه (برادر شيخ صدوق) و حيدر ابن محمد ابن نعیم سمرقندی (دانشمند جلیل القدر شیعه) است که بعضی از آنان از محضر وی استفاده کرده، اجازه روایتی دریافت کردند.

در عظمت شخصیت وی و برادرش همین کافی است که شيخ صدوق،

۱- - معجم، ج ۴، ص ۲۹۱، و مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۶.

زئیس محدثین شیعه هر کجا از ایشان اسم می برد و یا روایت نقل می کند، رحمت فرستاده و از آنان اظهار رضایت می کند، صاحب «اعیان الشیعه» نیز می فرماید: این نکته، می تواند دلیل بر مقبولیت روایت و شخصیت وی نزد علمای شیعه باشد (۱)، اینک نمونه ای از روایت حسین ابن احمد را به نقل از شیخ صدوق در امالی، مرور می کنیم.

آرزوی خدایی

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) من تمنى شیئا و هو لله رضا کم یخرج من الدنيا حتی یعطاه (۲).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس چیزی را آرزو کند که رضای خدا در آن است قبل از اینکه از دنیا برود، خداوند متعال او را به آرزوی خویش می رساند.

سفر به سوی ابدیت

احمد ابن ادریس که در قرن سوم و اوائل قرن چهارم زندگی سراسر افتخار خویش را می گذرانید، بعد از یک عمر کوشش در راه تحقق اهداف عالی اسلام و آثاری مدون و شاگردانی مبرز و احادیث نورانی از اهل بیت (علیه السلام) در سال ۳۰۶ در منطقه «قرعاء» در راه مکه از مسیر کوفه، دعوت آسمانی را لیبیک گفته و روح بلندش به ملکوت اعلاء پر کشید (۳).

نمونه ای از روایات احمد ابن ادریس

نمونه هایی از احادیث احمد بن ادریس را به عنوان حسن ختام این نوشتار

۱- - اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۱۷ .

۲- - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۴، به نقل از امالی صدوق ۱۲ / ۴۶۳ .

۳- - رجال نجاشی، ص ۶۷ .

ذکر می کنیم.

۱ - عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: من صدق لسانه زکا عمله، و من حسنت نیته زاد الله فی رزقه، و من حسن بره باهله زاد الله فی عمره(۱).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنکه زیانش راستگو است، عملش پاکیزه می شود و آنکه نیتش خوب است، خداوند متعال روزی او را زیاد خواهد کرد و هر کس با خانواده خویش خوشرفتاری کند، خداوند عمرش را افزایش می دهد.

تجدید وضو

۲ - عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: الظهر علی الظهر عشر صفات(۲).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: تجدید وضو، بدون اینکه حدثی صادر شود، ده حسنه دارد.

نور نخستین

۳ - عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: ان الله كان اذ لا كان، فخلق الكان و المكان، و خلق نور الانوار، الذي نورت منه الانوار و اجرى فيه من نوره الذي نورت منه الانوار و هو النور الذي خلق منه محمدا و عليا، فلم يزالا- نورين، اولين، اذ لاشىء كون قبلهما، فلم يزالا- يجريان طاهرين مطهرين في الاصلاب الطاهره حتى افترقا في اطهر طاهرين في عبدالله و ابى طالب عليها سلام(۳).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدا بود، آنگاه که هیچ پدیده ای نبود، سپس پدیده

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۵، ج ۱۹.

۲- وسائل الشیعه، ص ۳۷۶، ج ۳.

۳- اصول کافی، جزء ۱، کتاب الحججه، باب مولد النبى، ج ۹.

و مکان و نور الانوار را آفرید، که همه نورها از او نور گرفت و از نور خود که همه نورها از آن نور یافت در آن (نور الانوار) جاری ساخت و همان نوری است که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) را از آن آفرید، پس محمد و علی (علیه السلام) دو نور نخستین بودند، زیرا بیش از آنها چیزی پدید نیامده بود و آن دو پاک و پاکیزه در صلبهای پاک جای بودند تا آنکه در پاک ترین آنها (عبدالله و ابوطالب) از یکدیگر جدا گشتند.

دامان پاک و بهشتی

۴ - عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: نزل جبرئیل (علیه السلام) علی النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) فقال: یا محمد! ان ربک یقرئک السلام و یقول انی قد حرمت النار علی صلب انزلک و بطن حملک و حجر کفلک، فالصلب صلب ایبک عبدالله بن عبدالمطلب و البطن الذی حملک فآمنه بنت و هب و اما حجر کفلک فحجر ابی طالب - و فی روایه ابن فضال - و فاطمه بنت اسد (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل علیه السلام بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و گفت: ای پیامبر پروردگارت سلام می رساند و می فرماید: من آتش دوزخ را بر پستی که ترا فرود آورد شکمی که بر تو آبستن شد و دامانی که ترا پرورید حرام کردم: آن پشت، پشت عبدالله بن عبدالمطلب است و شکمی که به تو آبستن شد، آمنه دختر وهب می باشد و اما دامانی که تو را پرورید، دامان ابی طالب است، - و طبق روایت ابن فضال - فاطمه بنت اسد است.

...

عبدالحسین غروی تبریزی (شکوه و ارستگی) / علی احمد پورترکمانی

اشاره

بسمه تعالی

حضرت آیه‌الله آقای حاج سید علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) یگانه تحفه و ذخیره جامعه روحانیت در این زمان می‌باشد و این جانب با کمال افتخار به مرجعیت دینی ایشان در تمشیت امور مسلمانان جهان معتقد هستم، ذریه بعضها این بعض. السلام علیه.

الاحقر عبدالحسین غروی

۲۶ / ج ۱۴۱۵ / ۲

تولد مبارک

در سال ۱۳۲۸ ه ق، در (شهر نجف اشرف) و جوار بارگاه ملکوتی امیر مؤمنان کودکی دیده به جهان گشود که نامش را عبدالحسین نهادند، وی ایام کودکی را در آن شهر سپری ساخت و در شش سالگی وارد مدرسه علوی در نجف اشرف شد. عبدالحسین بعد از گرفتن گواهی نامه ششم ابتدائی بود که پا به مدرسه دینی نهاد و چنانچه خود می‌گوید:

«پدرم از تبریز نوشت خوب است ایشان همان روش آباء و اجداد خود را پیشه کند و به تحیل علوم دینی بپردازد (۱).»

سفارش پدر بزرگوارش او را مصمم ساخت و تصمیم گرفت و در نجف کنار بارگاه ملکوتی حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) دروس حوزوی را آغاز کند. عبدالحسین بعد از تحصیل دروس مقدماتی، قوانین را در محضر آقا شیخ حسین اهری، و مقداری از مکاسب را در محضر مرحوم شیخ ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه بر کفایه خواند و جلد اول کفایه الاصول را در محضر آیت الله محمد باقر زنجانی فرا گرفت.

خاندان

آیت الله عبدالحسین غروی بیش از سیصد سال از بزرگان و علما بودند و در منطقه انزاب نام آشنایی داشتند. انزاب منطقه‌ای بین تبریز تا دو فرسخی سلماس را گویند. سرزمین بسیار وسیع و مهمی که مردمان فهمیده و عالمان بزرگی داشته و دارد و جد بزرگ ایشان سیصد سال پیش امام جمعه خامنه‌ای بوده است. پدر آیت الله غروی نیز از علمای بزرگ بود چنانکه استاد

محمد شریف رازی در مجموعه گنجینه دانشمندان درباره پدر آیت الله غروی می نویسد :

«ایشان پس از تحصیل و فراگیری علوم حوزوی در تبریز به نجف اشرف مشرف می شود و در آنجا از محضر بزرگانی همچون مرحوم سید یزدی صاحب عروه الوثقی، مرحوم شریعت اصفهانی و آخوند خراسانی بهره می برد و مورد لطف و توجه آن بزرگان قرار می گیرد اجازاتو تقریرات خوبی از آنان داشت (۱).»

از آیت الله شیخ مرتضی چهرگانی سه فرزند به نامهای عبدالحسین، محمد حسین، غلامعلی به یادگار مانده است.

هجرت از نجف به تبریز

عبدالحسین پس از سالها تحصیل و خوشه چینی در نجف اشرف از محضر بزرگان، بنا به امر پدرش در سن ۲۲ سالگی عزم سفر به تبریز کرده راهی ایران می شود. وی در این مورد می گوید :

«مشغول تحصیل بودم که مرحوم والد نوشت برای دیدار چند صباحی به تبریز بیایید (۲).»

عبدالحسین برای دیدار و صله رحم به تبریز می آید و این نظر جاری بود که ایران در آستانه تحولات قرار داشت و مرزها به دستور رضا خان بسته می شود. ایشان دیگر نمی تواند به نجف برگردد و به همین جهت اقامت وی در تبریز طولانی می شود. ایشان سه سال در تبریز از فیوضات آیت الله العظمی ابوالحسن انگجی بهره مند می گردد.

۱- - مجله حوزه، شماره ۶۲، ص ۳۸.

۲- - مجله حوزه، شماره ۶۲، ص ۳۸.

هجرت به قم

آقا عبدالحسین در سال ۱۳۵۳ هجری قمری در سن ۲۵ سالگی وارد شهر مقدس قم شد. جلد دوم «کفایه الاصول» را در محضر مرحوم آیت الله میرزا محمد همدانی که یکی از مدرسین برجسته آن زمان بود فرا یم گیرد و بعد از اتمام سطح در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی حائری و مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت شرکت می کند. عبدالحسین به مرحوم شیخ عبدالکریم حائری ارادت خاصی داشتند و از او به عظمت و بزرگی یاد می کردند و بقاء حوزه را مرهون زحمات حاج شیخ و عظمت او می دانست بعد از ارتحال حاج شیخ عبدالکریم در سنه ۱۳۵۵ حوزه به همت آیات ثلاث از جمله آیت الله العظمی سید محمد حجت از گزند حوادث مصون مانده عبدالحسین سالها در محضر پر فیض این عالم جلیل القدر تلمذ نمود و ارادت زیادی به حضرت ایشان داشت.

شیخ عبدالحسین بعد از ۱۲ سال تحصیل در سطوح عالی حوزه علمیه قم به درجه عالی اجتهاد نائل گشت.

هجرت به تبریز

آیت الله غروی در سال ۱۳۶۳ هجری قمری در سن ۳۴ سالگی به تبریز مراجعت نمود و در شهر تبریز رحل اقامت گزید و به رسالت الهی خود از جمله تدریس، امامت جماعت و عظ و تبلیغ و تعلیم و ارشاد و اهتمام به مباحث اخلاقی و تربیتی و علاوه بر اینها به تدریس فقه و اصول می پردازند.

دلداده اهل بیت (علیهم السلام)

آیت الله غروی در عشق به اهل بیت ذوب شده بود و دین و سیاست و تولی و تبری در رفتار و گفتار ایشان متجلی بود زمانی که سخن از فضائل اهل بیت (علیهم السلام) می گفت و به نام حضرات معصومین (علیهم السلام) می رسید احساس می شد که در درون این مرد الهی غلیان عجیبی ایجاد و اشک از چشمان نورانی و ملکوتی اش سرازیر می شد گریه همراه با تبسم ایشان آنقدر زیبا و قشنگ بود که هر بیننده را با آن اقیانوس ادب و معرفت نزدیک می ساخت به همین نسبت نزدیک با خاندان رسول خدا بود که گاهی می گفت: «حضرت فاطمه معصومه (س) خیلی مهمان نواز است ما باید خود را لایق مهمانی ایشان کنیم و الله با اینکه تعداد ما در زمان طاغوت ۵۳۰ نفر بود و تحت فشار پهلوی هم بودیم اما دلخوش بودیم که الحمد لله در جوار حضرت معصومه (س) هستیم. من به همه آقایانی که در قم تشریف دارند تبریک عرض می کنم که در عیش آل محمد هستند (۱)».

یار دیرین امام (قدس سره)

آیت الله غروی یکی از یاران و همراهان امام و پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی بود. این حمایت آنقدر قوت داشت که از مشاهده آن روحانی فرزانه شهید صدر به ذهن تداعی می کرد (ذوبوا فی الامام الخمینی کما ذاب هو فی الاسلام) وی در مورد امام می فرمود:

«امام به قدری بزرگوار بود که در یک جمله عرض می کنم من در

حدود ده سالی که با ایشان معاصر بودم و حتی دوستان نمی دانستیم که ایشان شعر می گوید. عصرهای پنجشنبه در مدرسه فیضیه درس اخلاق می گفتند و به احترام مرحوم حاج شیخ بر روی منبر نمی نشستند حتی بازاریان قم هم در درس اخلاق ایشان شرکت می کردند. اما با آن عظمتشان خیلی هم ظریف بودند و در عین اینکه با وقار بودند موقع مناسبش شوخی هم می کردند، واقعا وفات ایشان ضایعه بود (۱)».

نا گفته ها

آیت الله غروی همیشه توصیه می کرد که قدر این نظام و ولایت را بدانید و برای احیاء تمامی ارزشهای والای الهی انسان تلاش کنید و گرامی داشت یاد امام و شهیدان و ایثارگران را از شعائر بزرگ الهی می دانستند و می فرمودند :

«من بسیار متأسفم و گلایه مندم از کسانی که امروز نسبت به این عظمتی که برای اسلام و روحانیت پیش آمده بی تفاوتند، آنان که آن روزهای سخت و طاقت فرسا را دیده اند باید قدر این روزها را بدانند بر این نعمت بزرگ خدا را شکر کنند امام خمینی (قدس سره) با یاران ایثارگر و مجاهدش ما را از ذلت و بدبختی نجات دادند. آیا نباید از چنین پاکانی سپاسگذار باشیم و بر چنین نعمتی شکر گزار؟ با تساهل در حفظ این نعمت کفران نعمت نکنیم (۲)».

آیت الله غروی می فرمودند علما و روحانیت برای اسلام خون دادند، خون دل خوردند این همه شهداء، باید قدر این حرکت را بدانید. در این نهضت امام

۱- - مصاحبه در روزنامه جمهوری+ ۶ آب ۳۷۳ .

۲- - مجله حوزه، شماره ۲، ص ۴ .

عظمت اسلام و مسلمین نمایان شد انسانهایی به کمالات رسیدند اینها افتخارات اسلام هستند: شهداء عالم را می بینند و ما نمی بینیم.

روزگار جهاد و مبارزه

در زیر اکثر اعلامیه ها و تلگرافهای سالهای حساس انقلاب قبل از ۱۳۴۲ و بعد امضای آیت الله غروی دیده می شود و ایشان یا به قلم خود و یا زیر نظر و توجه ایشان متن اعلامیه ها و تلگرافها تنظیم می شد و نام آیت الله غروی برای همه مبارزین خط مقدم اسلام نامی آشناست. ایشان در مبارزات مردم تبریز به همراهی بزرگان دیگر همچون آیه الله قاضی طباطبائی و آیه الله سید محمد انگجی و آیه الله میرزا عبدالله مجتهدی). شرکت فعال داشت (۱).

مبارز آگاه

همچنان که آیه الله غروی در فعالیت های مبارزاتی و سیاسی پیشرو بودند در مبارزه با الحاد و القائات و رد شبهات نیز سهم بسزایی داشتند، و در کتاب مفاخر آذربایجان آمده زمانی که کسروی با دین و مذهب به نبرد برخاسته بود معظم له از جمله کسانی بود که به رد گفته های او پرداخت که بعدها به نام کتاب اسلام و شیعه به چاپ رسید (۲).

۱- - ر - ک به نهضت روحانیون ایران، علی دوانی .

۲- - مفاخر آذربایجان، جلد ۱، ص ۴۷۴ .

ره توشه

آیهالله غروی نمونه ای از ماعت طبع و بزرگواری بود با آنکه خیلی سختی و بی مهری و فشار کشیده بود اما با این حال همچنان مقاوم و بردبار بود و این منش و رفتار الهی را سفارش و در این جهت آیهالله شریانی را مثال می زد. در ماه رمضان شخصی پاکتی به ایشان می دهد آن مرحوم متوجه محتوای پاکت نمی شود در منزل پاکت را باز می کند می بیند محتوای پاکت مقداری پول است از طرف استانداری (رژیم سابق) از فرط ناراحتی تا صبح نمی تواند بخوابد، فردای آن روز پاکت را به فرد موثقی می دهد که تحویل استاندار بدهد (۱).

روزگار غیبت

آیهالله غروی از دوران گذشته خود خاطرات تلخ و شیرین دارد و این بار به خاطرات دوستان خود می پردازد. تبریز در زمان وفات آیهالله العظمی آسیدابوالحسن اصفهانی در حدود ۸۰ نفر عالم داشت که فقط ۵ نفر آنها در ثم تحصیل کرده بودند که ما بقی تحصیل کرده نجف اشرف بودند در حال حاضر یک نفر از آن طلاب اهل نجف در تهران ساکن است و دومی بنده هستم و بقیه همگی مرحوم شدند به همین جهت است می گویم در تبریز غریب هستم (۲).

آیهالله غروی و ولایت

آیهالله غروی از رهبر معظم انقلاب به عنوان پاسدار دین و فقاقت و سلاله

۱- - حوزه، شماره ۶۲، ص ۵۱.

۲- - جمهوری اسلامی، مصاحبه سال ۱۳۷۳، شماره آبان، ص ۱۶.

حضرت فاطمه علیها سلام یاد می کرد و می فرمود:

«نجات دهنده اسلام امروز ایشان هستند (۱)».

بعد از ارتحال حضرت آیهالله اراکی، آیهالله غروی از جمله علمایی بودند که در تأیید مرجعیت آیهالله خامنه ای نامه نوشتند و مسائل اجتهاد و ولایت را مطرح نمودند و لزوم مراجعه امت حزب الله در مسأله تقلید را به ایشان تأکید نمودند. رهبر معظم انقلاب نیز علاقه و ارادت زیادی نیست به آیهالله غروی داشتند و در همین اواخر سال ۱۳۷۱ که به تبریز تشریف آورده بودند جهت دیدار به منزل آیهالله غروی رفته بودند.

پشتیبان امت حزب الله

آیهالله غروی در همه تند بادهای روزگار پناهگاه و پشتیبان امت حزب الله تبریز بودند و در طول هشت سال دفاع مقدس، تقویت کننده رزمندگان و مخصوصاً لشکر همیشه پیروز و خط شکن ۳۱ عاشورا بودند و با آن کهولت سن در مراسم های سپاه و بسیج و اعزام حضور می یافتند.

آیهالله غروی حدود دو دوره در مجلس خبرگان حضور داشتند و تا آخذ عمر شریفشان امام جمعه موقت شهر تبریز بودند.

اجازات

آیهالله غروی اجازات اجتهاد از اساتید معظم خود از جمله مرحوم آیهالله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی، مرحوم آیهالله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم آیهالله العظمی آقا سید محمد حجت کوه کمری (رضوان الله تعالی علیهم) دریافت کرد. (۲)

۱- - خاطرات و مصاحبه از آیهالله غروی .

۲- - گنجینه دانشمندان، جلد ۳، ص ۳۱۰.

آثار

از آیه‌الله آقا شیخ عبدالحسین غروی آثار گوناگونی به اقتضای زمان به جای مانده که عبارتند از:

۱ - کتاب اسلام و شیعه به زبان فارسی مطبوع در تبریز در سال ۱۳۶۳ قمری.

۲ - کتاب تقریرات افادات مرحوم آیه‌الله العظمی حجت.

۳ - اصول و فقه.

۴ - مصلح جهانی یا مهدی موعود (عج).

۵ - اخلاق (۱).

عروج

این عالم ربانی و فقه صمدانی پس از عمری نزدیک به یک قرن خدمت و جهاد و مبارزه و سیر و سلوک الی الله و تدریس و پرورش انسانهای عالم و دانشمند و کمک به حوزه های علمیه و تقویت مساجد و محافل فرهنگی و دینی در بامداد روز چهارشنبه ۲۰ آذر ۱۳۷۴ هجری شمسی مطابق با هفتم رجب ۱۴۱۵ هجری قمری بر اثر سکته قلبی در سن ۸۷ سالگی در بیمارستان امام خمینی تبریز دار فانی را وداع گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

با ارتحال جانگداز این فقیه جلیل القدر شهر تبریز روز چهارشنبه یکپارچه تعطیل شد و مردم در تکایا و محلات و خیابانهای اصلی شهر به عزاداری پرداختند. از طرف نمایندگی ولی فقیه و امام جمعه و استانداری آذربایجان شرقی با صدور اطلاعیه ای به مناسبت وفات آیه‌الله حاج شیخ عبدالحسین

غروی روز چهارشنبه را در استان آذربایجان شرقی تعطیل و به مدت سه روز عزای عمومی اعلام کردند، پس از مراسم تشییع آن عالم فرزانه پیکر مطهرش به شهر مقدس قم انتقال یافت و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

مراسم های مختلفی در تبریز و قم و تهران و شهرهای دیگر برگزار شد و از آن عالم الهی تجلیل به عمل آمد و همچنین از سوی رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای به مناسبت ارتحال آن عالم فرزانه پیام تسلیتی صادر شد که با درج آن پیام این گفتار مختصر پایان می یابد:

پیام رهبر معظم انقلاب

بسمه تعالی

حضرت آیه الله شیخ مسلم ملکوتی امام جمعه محترم تبریز. خبر رحلت آیه الله حاج میرزا عبدالحسین غروی (رحمه الله علیه) موجب تأثر و اندوه اینجانب گردید ایشان یکی از علماء بزرگ تبریز و از یاران و از دوستان صمیمی این جانب بودند فقدان ایشان بی شک ضایعه ای بزرگ است، اینجانب رحلت آن بزرگوار را به همه مردم مؤمن و غیور و هوشمند و همیشه در صحنه آذربایجان و شهر پیش رو و مقاوم تبریز خصوصاً به علمای اعلام روحانیون و فضایی آن خطه علم پرور بالاخص به برادر محترم و خانواده معلم ایشان تسلیت می گویم و رحمت و فضل الهی را برای ایشان مسئت می نمایم.

سید علی خامنه ای

۱۳۷۳ / ۹ / ۲۴

...

احمد ابن اسحاق قمی (سفیر نور) / عبدالکریم پاک نیا

سفیر امامت

احمد ابن اسحاق محدث بزرگوار قرن سوم از چهره های درخشان شهر قم است که مورد عنایت امام زمان (علیه السلام) خویش قرار گرفت. او عالمی جلیل القدر فقیهی پرهیزگار نماینده و مورد اعتماد ویژه امام عسکری (علیه السلام) در شهر قم بود.

افزون بر آن مرجعیت دینی ویژه ای نیز در قم داشت، حتی زمانی متولی اوقاف و روزگاری هم کارگزار پیشوای یازدهم شد، احمد به عنوان دوست خصوصی و محرم راز امام عسکری (علیه السلام) و رابط بین حضرت و شیعیان قم بود. او وجوهات جمع آوری شده را در سفرهای متعدد به حضور امام (علیه السلام) تقدیم می کرد. همچنین برای تحصیل علم و کمال از محضر پیشوایان معصوم مسافرت‌هایی به سامره و ناحیه حجاز داشته است. او به محضر سه امام (امام جواد و امام هادی و حضرت عسکری (علیه السلام))، نیز نائل آمد. معجزاتی را از آن بزرگوار مشاهده کرد و جواب نامه هایی هم از طرف آن حضرت (که اصطلاحاً توقیع گفته می شود) دریافت داشت (۱).

برای شناخت شخصیت احمد بن اسحاق ناچاریم تأملی در عصری که وی در آن زندگی می کرد و فعالیت های حضرت عسکری علیه السلام داشته باشیم چرا که حضرت مهمترین تأثیر را در افکار و آرمان های وی داشت.

آن حضرت با وجود سخت ترین تدابیر امنیتی و فشارهای سیاسی از هیچ کوششی در راه انجام وظیفه خطیر امامت فرو گذاری نمی کرد. از جمله فعالیت های آن حضرت می توان به تربیت انسان های کار آمد اشاره کرد. امام (علیه السلام)

۱- - رجال شیخ طوسی، اصحاب امام علیه السلام، ص ۴۲۷، و رجال نجاشی، ص ۹۱، شماره ۲۲۵.

با اقدامات سری، بین شیعیان مناطق مختلف ارتباط ایجاد می کرد و از طریف نمایندگان و سفراء و اعزام پیک ها و نامه ها به آنان، در نگهبانی از شریعت آسمانی می کوشید. شیخ طوسی (قدس سره) در کتاب رجالش حدود صد نفر را نام می برد که با حضرت ارتباط داشته، از یاران و شاگردان برجسته اش محسوب می شدند که یکی از آنان احمد ابن اسحق است (۱).

خاندان بزرگ

بسیاری از خویشاوندان از اصحاب ائمه (علیه السلام)، از محدثین بزرگ و مؤلفین برجسته بوده و از ائمه هدی (علیه السلام) روایات بسیاری نقل کرده اند که در کتاب های معتبر حدیث از جمله در کتب اربعه و سایر کتاب های روایتی به چشم می خورد (۲). اجداد و آباء این مرد پر تلاش و ممتاز قمی در شهر کوفه سکونت داشته و از طایفه مشهور و معروف اشعری بوده اند، جد چهارم احمد بن اسحاق، احوص بن سائل اشعری در سال (۱۲۱ ق) در قیام زید فرزند امام زین العابدین (علیه السلام) شرکت کرد و فرماندهی سپاه او را بر عهده گرفت و بعد از شهادت زید مثل دیگر یاران زید دستگیر شد. بعد از چهار سال حبس، در زندان حجاج، با شفاعت برادرش عبدالله، آزاد شد و همراه برادرش به قم هجرت کرد و در این شهر اقامت گزیده، طایفه بزرگ شیعیان اشعری را بنیان نهادند (۳).

پدر نیکوکار

اسحاق بن عبدالله بن سعد از راویان مورد اعتماد و محدثان عادل قم است. او به محضر امام صدق و امام کاظم (علیه السلام) شرفیاب شد و از محفل الهی شان توشه برچیده است. بزرگان علم رجال از او به نیکی یاد کرده و به دالتش

۱- رجال شیخ طوسی، اصحاب امام علیه السلام، ص ۴۲۷، و رجال نجاشی، ص ۹۱، شماره ۲۲۵.

۲- منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۱۳.

۳- احمد بن اسحاق، امین امامت، ص ۱۵.

تصریح نموده ند، بنابر نظر شیخ طوسی، اسحاق بن عبدالله دارنده کتابی بوده است. احمد ابن زید، محمد بن ابی عمیر، علی ابن بزرگ و افرادی دیگر از اسحاق - که تا قبل از سال ۱۸۳ هجری زنده بوده است روایت نقل کرده اند(۱).

برای شناخت این خاندان به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می کنیم. عیسی ابن عبدالله قمی، یکی از افراد ممتاز خاندان اشعری ملاقاتی با حضرت صادق علیه السلام داشت. امام بعد از استقبال گرم، میان دو چشم عیسی را بوسید و فرمود: «عیسی از ما اهل بیت است» یکی از حاضران پرسید: عیسی از اهل قم است، است؛ چگونه می تواند از شما اهل بیت علیها سلام باشد؟ حضرت در پاسخ فرمود: عیسی ابن عبدالله، مردی است که زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ ما در آمیخته است.

احمد ابن اسحاق در محضر حضرت هادی علیه السلام

بعضی مواقع که احمد با زحمات زیاد از قم به سامراء می آمد، به علت پیش آمدها و موانع سیاسی و... نمی توانست به حضور حضرت هادی علیه السلام شرفیاب شود. روزی نزد امام علی آم د و از دوری راه و کم سعادت خویشتن گلایه کرد و پرسید: آقای من! من بعضی وقت ها می توانم به حضور شما رسیده، بهره مند شوم ولی گاهی هم از این فیض محروم می شود. زمانی که نتوانستم به حضور شما بیایم، از چه کسی پیروی کنم؟ امام علیه السلام فرمود: این ابو عمر و عثمان ابن سعید نائب اول امام زمان (عج) مورد اعتماد من است. هر آنچه او برای شما بگوید: از طرف من می گوید و هر چه به شما برساند، از جانب من می رساند(۲). البته ارجاع احمد ابن اسحاق بن عثمان ابن سعید توسط امام علیه السلام به خاطر ملاحظات زمانی و موقعیت سیاسی بود.

۱- معجم الرجال الحدیث، ج ۳، ص ۷۷.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۲۴، ج ۱؛ باب ۱۶ (هذا ابو عمر و الله الامین ما قاله لكم ففی بقوله).

محرم راز حضرت عسکری علیه السلام

چنانکه گفتیم احمد ابن اسحاق از نزدیکترین یاران امام عسکری علیه السلام نیز محسوب می شد و با اینکه در شهر قم می زیست امام علاقه اش ه ائمه او را از قم به سامراء می کشانید به این ترتیب از دریای کمالات یازدهمین کوب فروزان امامت توشه ها برگرفت. او به عنوان محرم اسرار امام از برخی رازها آگاه می شد که یکی از آنها خبر ولادت با سعادت حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) است که امام عسکری علیه السلام توسط پیک ویژه خویش احمد را از تولد فرزندش آگاه ساخت. متن نامه حضرت با دست خط مبارک خویش خطاب به احمد ابن اسحاق، چنین گفت:

«فرزند ما متولد شد. باید آن را از دیگران پوشیده بداری زیرا ما به جز دوستان نزدیک خویش کسی را از آن آگاه نکرده ایم و ما دوست داشتیم که به تو خبر دهیم تا خداوند تو را به وسیله این خبر خوشحال گرداند، همان طور که ما هم خوشحال شده ایم» (۱)

و السلام

جانشین حضرت عسکری (علیه السلام)

در اثر اختناق سیاسی که از سوی حکمرانان عباسی اعمال می شد، موضوع جانشینی بعد از حضرت عسکری (علیه السلام) در هاله ای از ابهام قرار داشت و غیر از دوستان مورد اعتماد کسی از آن آگاه نبود، شیعیان در این باره از احمد ابن اسحاق که نماینده حضرت بود، سؤالاتی کردند و او برای اینکه در این باره اطلاعات بیشتری کسب کند و جانشین حضرت را با چشم خود ببیند، عزم سفر کرد و در شهر سامراء به محضر حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب شد. قبل از

اینکه لب به سخن بگشاید و در مورد جانشین سؤال کند، امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود:

«ای احمد ابن اسحاق! خداوند متعال از اول خلقت آدم تا امروز زمین را خالی از حجت قرار نداده است و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت؛ حجتی که به واسطه او گرفتاری ها از اهل زمین دفع می کند و به سبب او باران نازل می شود و به میمنت وجود وی برکات نهفته در دل زمین را آشکال می سازد.»

احمد پرسید: یا بن رسول الله! حجت خدا بعد از شما کیست؟ حضرت به درون خانه رفت و لحظه ای بعد کودکی سه ساله را که رخسارش همچون ماه شب چهارده می درخشید، در آغوش گرفته، بیرون آورد و فرمود:

«ای احمد ابن اسحاق! اگر در نزد خداوند متعال و ائمه اطهار (علیه السلام) مقامی والا نداشتی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم، این کودک هم نام و هم کینه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و همین کودک است که زمین را بعد از آنکه از ظلم پر شد پر از عدل خواهد کرد. ای احمد ابن اسحاق! فرزندم همانند خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند او غیبتی خواهد داشت و در زمان غیبت غیر از شیعیان ثابت قدم و دعا کنندگان در تعجیل فرجش کسی اهل نجات نخواهد بود.»

احمد از امام (علیه السلام) پرسید: سرورم! آیا نشانه ای هست که مطمئن شوم این کودک همان قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است؟ در این هنگام کودک لب به سخن گشود، گفت: انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه فلا تطلب اثرا بعد عین یا احمد بن اسحاق. من آخرین حجت خدا بر روی زمین ام و از دشمنان او انتقام خواهم گرفت. ای احمد وقتی حقیقت را با چشم خود دیدی،

دیگر نشانه ای نخواه.

احمد از اینکه توانسته بود هم پاسخ سؤال خویش را دریافت کند و هم آخرین سفیر خداوند را مشاهده کند چهره اش از شادی بسیار شگفته شد. فردای همان روز با اشتیاقی افزونتر به دیدار امام عسکری (علیه السلام) شتافت و پاسخ بقیه سؤالات خویش را دریافت کرد(۱).

سیمای احمد در دیدگاه امام زمان (عج)

حضرت ولی عصر (عج) در موارد گوناگونی این فقیه فرزانه را مورد عنایت قرار داد. ابو محمد رازی می گوید: به اتفاق احمد بن ابی عبدالله برقی در محله عسکر بودیم(۲) که بیک ویژه حضرت امام زمان علیه السلام از طرف ایشان نزد ما آمد و بعد از اینکه چند نفر از یاران امام علیه السلام را نام برد، خطاب به ما گفت؟ حضرت می فرماید: همه این افراد و احمد ابن اسحاق مورد اعتماد ما هستند(۳) همچنین در نامه ای که از ناحیه مقدسه حضرت قائم (صلوات الله علیه) به عنوان احمد ابن اسحاق صادر شد، عباراتی در تأیید وی به چشم می خورد از جمله این که حضرت فرموده بود: خداوند نگهدار تو باشد و ترا پاینده بدارد. نامه ات به همراه ضمیمه اش به من رسید... ای احمد ابن اسحاق خدا تو را رحمت کند... خداوند توفیقات تو را افزون گرداند(۴).

در نگاه دانشمندان

شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) می نویسد: احمد ابن اسحاق قمی مورد اعتماد ماست. او مقامی بزرگ دارد و از یاران نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام است. احمد که پیشوای علمای قم بود. بارها به محضر ائمه معاصرش مشرف شد و مسائل دینی اش را از آنها پرسید(۵).

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳، ج ۱۶ (با تلخیص).

۲- عسکری منطقه ای نظامی در شهر سامراء بود که امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام در زمان زمامداران عباسی مجبور به سکونت در آن منطقه بودند.

۳- رجال کشی، ص ۴۶۶، شماره ۴۳۲.

۴- مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۱۰۷۸.

۵- رجال و فهرست شیخ طوسی، اصحاب امام جواد و امام عسکری علیه السلام.

این شهر آشوب، یکی دیگر از نظریه پردازان علم رجال است، وی می نویسد: احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری قمی از نزدیکان امام یازدهم علیه السلام بود و به افتخار دیدار حضرت صاحب الزمان علیه السلام نائل آمد (۱).

ابو العباس نجاشی، متوفی ۴۵۰ ق و یکی از اعلام نامدار امامیه معتقد است: احمد ابن اسحاق قمی رابطه بین شیعیان قم و ائمه بود. وجوہات مردم را پیش آنان می برد و پاسخ مسائل شرعی را هم گرفته، به شیعیان می رساند او از امام جواد و حضرت هادی علیه السلام روایت دارد و یکی از یاران ویژه حضرت امام عسکری علیه السلام به شما می آید (۲).

هدیه حضرت مهدی (عج)

محمد ابن حمد قمی نامه ای به ناحیه مقدسه حضرت مهدی عج نوشت و در ضمن آن یادآور شد که احمد بن اسحاق قمی می خواهد همراه من به سفر حج برود و به هزار دینار نیاز دارد، اگر صلاح بدانید این مبلغ پول را به عنوان قرض به احمد بپردازم تا پس از به جای آوردن مراسم و بازگشت به دیار خویش قرضش را بپردازد. امام علیه السلام در جواب چنین مرقوم فرمود: این مبلغ را به عنوان هدیه به او می دهیم و پس از بازگشت از زیارت خانه خدا نیز مبلغ دیگری به او خواهیم داد (۳).

بهترین شهروند قمی و شوق وصال یار

سعد ابن عبدالله اشعری یکی از محدثین نامدار شیعه می گوید: سؤالات زیادی را یادداشت کرده بودم تا از احمد ابن اسحاق بپرسم: زیرا او بهترین همشهری من و نزدیکترین دوست امام حسن عسکری علیه السلام بود. وقتی به دنبال

۱- - معالم العلماء، ص ۱۴ .

۲- - رجال نجاشی، ص ۹۱، شماره ۲۲۵ .

۳- - رجال کشی، ص ۴۶۶ .

او رفتیم. معلوم شد به قصد سفر به سامراء از شهر خارج شده است. بی درنگ به راه افتادم، در بین راه او را ملاقات و علت دیدار او را بیان کردم و گفتم طبق معمول پرسشهایی آورده ام که جواب بگیرم. وی در حالی که از این دیدار خوشحال بود. به من گفت: خوب شد آمدی همراهم باش. زیرا من به شوق دیدار مولایمان حضرت عسکری علیه السلام به سامراء می روم و سؤالاتی در رابطه با تأویل و تنزیل قرآن دارم. با هم برویم و پاسخ هایمان را از منبع وحی بگیریم؛ زیرا اگر به محضر آقا برسی، با دریایی از شگفتی های تمام ناشدنی و غرائب بی پایان روبرو خواهی شد.

وقتی وارد سامراء شدیم، یک راست به منزل امام عسکری علیه السلام رفتیم و بعد از کسب اجازه یکی از خدمتگزاران ما را به داخل منزل راهنمایی کرد. وقتی وارد شدیم، صحنه ای دیدیم که رخسارش مانند ماه شب چهارده می درخشید و کودکی روی زانویش نشسته بود که در شکل و زیبایی به ستاره مشتری شباهت داشت. موس سرش از دو سوتابنا گوش می رسید و میان آن باز بود، مانند الفی که در بین دو واو قرار گیرد.

به حضرت سلام کردیم. آقا که مشغول نوشتن نامه بود، با مهربانی جواب فرمود و ما را به حضور پذیرفت.

داستان صد و شصت کیسه پول

احمد ابن اسحاق امانت های ارسالی را که شامل صد و شصت کیسه درهم و دینار مهور به نام صاحبانشان بود و در داخل یک کیسه بزرگ قرار داشت. به محضر حضرت تقدیم کرد. امام عسکری علیه السلام رو به کودک کرد و فرمود: فرزندم! هدایای دوستان و شیعیان را تحویل بگیر. کودک لب به سخن

گشود، عرضه داشت: آقای من! آیا سزاوار است دست های پاکم را به این هدایای آلوده که حلال آن به حرامش مخلوط شده است دراز کنم؟

امام علیه السلام به احمد فرمود: ای فرزند اسحاق! محتویات کیسه را خالی کن تا فرزندم (مهدی علیه السلام) حلال را از حرام جدا کند. احمد کیسه ها را یکی پس از دیگری بیرون آورد و آن کودک آنها را با نام صاحب سکه و محل سکونت مقدار سکه ها، چگونگی به دست آوردن آن مال و علت حلال و حرام بودنش را مشخص فرمود. در این میان مهر کیسه ها را می شکست و احمد که آنها را باز می کرد همان طور می یافت که آن کودک فرموده بود تا اینکه کیسه ها تمام شد...

امام عسکری علیه السلام فرمود: راست گفתי فرزندم! آنگاه حضرت خطاب به احمدن گفت: ای پسر اسحاق! تمام این پولها را جمع کن و به صاحبانشان برگردان و یا سفارش کن به آن ها برسانند. ما نیازی به آن ها نداریم، فقط پارچه آن پیرزن را بیاور! احمد که آن پارچه را در خورجین جا گذاشته بود، خواست به بیرون از خانه برود و آنرا بیاورد، امام عسکری علیه السلام رو به من کرد و فرمود: ای سعد! تو برای چه آمده ای؟ عرض کردم احمد مرا به زیارت شما تشویف کرد. حضرت فرمود: مسائلی را که می خواستی بپرسی، چه شد؟ گفتم: آقا! همچنان بدون جواب مانده اند. فرمود: از نور چشم من سؤال کن و به کودک خردسال اشاره نمود.

من سؤالهایم را مطرح کرده و جوابهای کافی از او گرفتم، تا اینکه وقت نماز رسید، در این موقع امام عسکری علیه السلام با فرزند گرامی اش برخاسته، آماده نماز شدند. من نیز از خدمت آن ها اجازه گرفته، بدنیا احمد بن اسحاق رفتم. وقتی او را پیدا کردم دیدم گریه می کند. پرسیدم چرا گریه می کنی؟ گفت: پارچه امانتی را که امام علیه السلام از من خواست گم کرده ام. گفتم ناراحت نشو، برو واقعیت را به حضرت بگو. او رفت و لحظه ای بعد در حالی که صلوات می فرستاد و

شادی در صورتش موج می زد، برگشت. پرسیدم چه شد؟ گفت: پارچه امانتی زیر پای امام پهن بود و حضرت روی آن نماز می خواند(۱).

شخصیت علمی

احمد ابن اسحاق افزون بر اینکه امین، ثوکیل و سفیر حضرت عسکری علیه السلام بود و بعد از ایشان نمایندگی امام زمان علیه السلام در شهر مقدس قم را بر عهده داشت به عنوان یک محدث راستگو و مورد اعتماد دانشمندان امایه مشهور است بنا به نقل «معجم رجال الحدیث» او در سلسله اسناد ۶۷ روایت قرار گرفته است و روایاتش در کتب حدیث شیعه مثل کتب اربعه و «غیبت» شیخ چیره دستی در علم حدیث و احکام که مرجع خاص و عام بود و مردم برای حس مسائل دینی به او رو می آوردند، سفرهای متعددی به عراق و حجاز داشته که در این سفرها مسائل مختلف کلامی، علوم قرآنی و اطلاعات تاریخی را از ائمه آموخته بود و اطلاعات جامعی در این زمینه ها داشت(۲).

موقعیت علمی و مرجعیتش مقبولیت همگانی داشت و روزی محمد ابن ابی العلاء و یحیی ابن محمد که از دانشمندان شیعه بودند، در بحث تاریخی اختلاف پیدا کردند و بعد از مجادله و بحث های طولانی تصمیم گرفتند برای حل مسئله و یافتن حقیقت به احمد ابن اسحاق قمی که از یاران برجسته امام دهم و یازدهم علیه السلام بود، مراجعه کنند.

آن دو به قم سفر کرده، به منزل احمد ابن اسحاق رفتند، امد پاسخ صحیح را به صورتی بیان کرد که آن دو اظهار کردند: حمد و شکر خداوند را که تو را در دسترس ما قرار داد(۳).

روایت ها و سؤال و جواب های این محدث عالیقدر از حضور ائمه علیه السلام به

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۸۰، ح ۱ (با تلخیص) و مهدی موعود، ص ۶۴۹.

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۴۰.

۳- «فلما تصافحنا قال لخير لحا قك بی قلت الشوق ثم العاده فی الاسئله».

قدری اهمیت دارد که امروزه مدرک فقهی، فقهای بزرگ شیعه محسوب می شود.

تألیفات

او نتیجه آموخته هایش از ائمه طاهرین علیه السلام را در قالب کتاب های متعدد و در موضوعات مختلف جمع آوری کرد که بعنوان نمونه می توان از کتاب ۱ - «علل الصوم» ۲ - «علل الصلوه» ۳ - «مسائل الرجال» نام برد.

اساتید

احمد ابن اسحاق از مکتب دانشمندان عصرش استفاده کرد و از آنان حدیث نقل کرد از جمله، عبدالله ابن میمون، زکریا ابن آدم، زکریا ابن محمد یا سر خادم و دیگر محدثین که در کتاب های معتبر شرح مفصل ان بیان شده است.

شاگردان احمد ابن اسحاق

۱ - احمد ابن ادريس قمی «ابو علی اشعری» (متوفی؛ ۳۰۶ ه ق)

احمد سرآمد فقها و محدثان امین امامیه در نیمه دوم سده سوم هجری و از اصحاب امام حسن عسکری است و حضرت با عنوان «معلم» از وی یاد کرده است.

کلینی و تلعبیری از شاگردان برجسته اش به شمار می آیند.

نامش در سند بیش از دویست و هشتاد حدیث به چشم می خورد و معروفترین اثر احمد ابن ادريس، کتاب «نوادر» است (۱).

۲ - احمد ابن علی بن ابراهیم

از راویان مورد اعتماد است و شیخ صدوق روایت های فراوان با استناد به او

نقل می کند.

۳ - احمد بن محمد بن عیسی اشعری

فقیه و محدث نامدار قم بود و به توفیق دیدار با امام رضا، امام جواد و امام عسکری علیه السلام دست یافت. دانشمندان علم رجال نه تنها از وسعت اطلاعو مهارتش در حدیث خبر می دهند بلکه قداست نفس و عظمت روحش را می ستایند، نامش در سند بیش از دویست و بیست و نه حدیث قرار دارد، آثار فراوانی چون «التوحید، المتعه، فضل النبی، فضائل العرب و کتاب المنسوخ و...» از احمد ابن محمد بجا مانده است (۱).

۴ - حسین بن محمد اشعری قمی

بزرگان علم رجال او را ثقه و مورد اعتماد دانسته اند. کتاب «نوادر» از اوست و کلینی روایات فراوانی را با استناد به وی نقل کرده است.

۵ - سعد بن عبدالله اشعری

ابو القاسم سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری بزرگ فقهای شیعه در نیمه دوم قرن سوم و معاصر با حضرت عسکری علیه السلام، عالمی مورد اعتماد و والامقام بود. در سلسله سند نزدیک به ۱۱۴۲ حدیث قرار دارد و چهل اثر (سی و هفت کتاب وی در اعیان الشیعه یاد شده است) از او به جا مانده است.

«بصائر الدرجات» معروفترین نوشته سعد بن عبدالله به شمار می رود.

۶ - سهل بن زیاد آدمی رازی، عبدالله بن جعفر حمیری، عبدالله بن عامر اشعری، علی بن ابراهیم قمی، علی بن سلیمان زراری، محمد بن حسن فروخ صفار، محمد بن عبدالجبار قمی، و محمد بن یحیی عطار قمی از دیگر شاگردان احمد هستند که در کتب معتبر به تفصیل از آنان یاد شده است (۲).

۱- معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۰۴.

۲- مدرک، احمد بن اسحاق «امن امامت» ص ۶۴.

شخصیت اجتماعی

احمد و کیل ائمه در شهر قم بود و تبلیغات دامنه داری در دفاع از اهل بیت علیه السلام انجام می داد. پاسخگوی مسائل فقهی و اعتقادی مردم بود. وجوهات آنان را جمع آوری می کرد و به محضر امام عسکری علیه السلام می رسانید، در مورد موقوفات اقدامات لازم را انجام می داد و برای اینکه فعالیت هایش را در کانونی متمرکز کند، به دستور امام در قرن سوم ه ق شروع به ساخت مسجد مهمی کرد. که به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معروف است این مسجد امروزه یکی از بناهای قدیمی به شمار می آید و سالهاست که شیعیان مخلص برای اقامه نماز، عزاداری و مراسم مذهبی - اجتماعی از آن استفاده می کند.

ادیب الممالک فراهانی در قصیده ای طولانی این مسجد را توصیف کرده است و بخشی از ابیاتش چنین است:

ای فلک لاجورد، گر بزمین بنگری *** تن به تواضع دهی، سر بسجود آوری

ور فلک آرد بطاق، مهر و مه اندر نطق *** کوفته بر این رواق، رأیت پیغمبر

از حسن عسکری علیه السلام ماند بجا این بنا *** معنی ام القری، زاده شاه غری

مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در مراسم های مختلف همچون ایام اعتکاف و غیره مملو از انسان های وارسته و خداجو می شود و از زمان های گذشته تا به حال همیشه علمای بزرگ و متقی مانند آیهالله اراکی در این مسجد که شبستان های متعدد دارد امامت نموده اند.

افول ستاره قم

ستاره تابناک قم بعد از یک عمر تلاش در راه احیاء ارزشهای اسلامی و معنویات ائمه اطهار علیه السلام، خبر رحلت خویش را همراه با کفن از حضرت ولی عصر (عج) دریافت کرد، شیخ ابو عمر و کشی می گوید: ابو عبدالله بلخی طی نامه ای که به من نوشت از حسین ابن روح قمی سخن به میان آورد و از جمله در آن نامه نوشته بود که حسین ابن روح می گوید احمد ابن اسحاق نامه ای به ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام نوشت و اجازه خواست که به حج برود. حضرت نیز به وی اجازه داد و پارچه ای هم برایش فرستاد. احمد وقتی پارچه را دید گفت: امام علیه السلام خبر مرگ مرا داده است و هنگام بازگشت از سفر حج در حلول سر پل ذهاب در گذشت (۱) و به این ترتیب احمد بن اسحاق در حدود سال های ۲۶۰- تا ۲۶۳ در استان کرمانشاه دیده از جهان فرو بست و مقبره اش امروزه در کنار شهر زیارتگاه شیفتگان اهل بیت علیه السلام شده است (۲).

نمونه هائی از روایات احمد ابن اسحاق

اشاره

به عنوان حسن ختام روایاتی چند از احمد بن اسحاق را می آوریم.

ایمان حضرت ابی طالب علیه السلام

۱ - عن اسحاق بن جعفر عن، ابیه علیه السلام، قال: قیل له: انهم یزعمون ان ابا طالب کان کافرا فقال: کذبوا کیف کون کافرا و هو یقول: الم تعلمو وجدنا محمدا نبیا کموسی خط فی اول الکتاب (۳)

اسحاق ابن جعفر از پدر بزرگوارش، حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که به آن

۱- رجال کشی، ۴۶۶.

۲- گفتنی است که در مورد وفات احمد ابن اسحاق در میان رجال شناسان اتفاق نظر وجود ندارد بعضی از روایات دلالت می کند که وفات او در زمان حیات حضرت امام حسین عسکری علیه السلام اتفاق افتاد و خبر فوت، دفن و کفن وی توسط آن حضرت بود که تحقیق آن از عهده این نوشتار خارج است و همچنین در مورد محل دفن وی بعضی ها معتقدند که در منطقه طیس می باشد علاقه مندان را به منابع مفصل مراجع کنند.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۹.

حضرت عرض شدا آن ها (مخالفین ما) گمان می کنند حضرت ابو طالب کافر بود: فرمود: دروغ می گویند، چگونه او کافر است در حالی که می گوید: مگر نمی دانند که ما محمد را مانند موسی پیغمبر یافته ایم که در کتاب های نخستین و قبل از ما نامش نوشته شده است (۱)،

نام های نیک خداوند

۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عز و جل «و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها» قال: نحن والله الاسماء الحسنی التي لا يقبل الله من العباد عملا بمعرفتنا.

امام صادق علیه السلام (در رابطه با آیه شریفه که می فرماید: خدا را نام های نیکوست او را به آنها بخوانید) فرمود: به خدا سوگند آن نام های نیکو ما هستیم که خدا عملی از بندگان نپذیرد مگر آن که همراه با شناخت ما باشد (۲).

۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام: قال: ما زار مسلم اخاه المسلم فی الله و لله الا ناده الله عز وجل: ايها الزائر طبت و طابت لك الجنة (۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مسلمانی نیست که از برادرش مسلماننش به خاطر خدا دیدن کند مگر آنکه خداوند می فرماید: ای زائر خوش باش و بهشت گوارایت باد.

خوشبخت ترین انسان

۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: (قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) قال الله عز و جل: ان من اغبط اولیائی عندی عبدا مومنا ذاحظ من صلاح، احسن عبادة ربه و عبدالله فی السریره، و كان غامضا فی الناس فلم یشر الیه بالاصابع و كان رزقه كفافا، فصبر علیه فعجلت به المنیه، فقل تراثه و قلت

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۹.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۱، باب نوادر توحید، ح ۴.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۱۰.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند می فرماید: رشک برانگیزترین دوستانم نزد، من بنده مؤمنی است که بهره ای از شایستگی دارد و عبادت پروردگارش را نیکو انجام می دهد. مرا در نهان عبادت می کند و در میان مردم گمنام است. با انگشت به او اشاره نمی شود، روزیش به قدر کفاف است و بر آن صبر می کند، مرگش زود می رسد و میراث و گریه کننده هایش اندک هستند.

...

میرزا علی آقا شیرازی (واعظ وارسته) / غلام رضا گلی زواره

اشاره

حاج میرزا علی آقا شیرازی؛ فاضل مشهور، ادیب محقق، فقیه فرزانه، طیب صاحب نفس و سرآمد عارفان عصر خویش بوده اند و استاد شهید مطهری وی را «نهج البلاغه مسلم» می دانست.

آنچه که به زندگی این شخصیت بزرگ امتیاز خاصی یم دهد، حالات ویژه اخلاقی و تأثیر آن بر رادمردانی چون شهید مطهری و دیگر انسانهای جویای تهذیب نفس است. افکار میرزا در علوم متداول آن زمان تحول آفرید، وی مبنای درس اخلاق و جلسات وعظ خویش را بر محور نهج البلاغه قرار داد و گروه کثیری از شهرهای مختلف، حتی عتبات عالیات در محضرش گرد آمدند.

دوران کودکی

«محمد قاسم شیرازی» چهره شناخته شده و تاجر معتبر شیراز به شمار می رفت (۱). بعد از وفات حاج علی اکبر فرزند محمد قاسم شغل پدر را پی گرفت، اما مدتی بعد اشتیاق به تحصیل او را به نجف اشرف رساند. البته در نجف نیز فعالیت‌های تجاری را ادامه داد.

کشش درونی و همنشینی با اهل دانش سبب شد تا حاج علی اکبر سعادت حضور در مکتب دانشورانی گرانمایه، چون علامه مولا حسین بن محمد اسماعیل اردکانی، معروف به فاضل اردکانی (۱۲۳۵ - ۱۳۰۵ ه.ق) راه یابد (۲).

حاج علی اکبر پس از فراغت از تحصیل، پژوهشی را در روایات و احادیث انجام داده و کتاب معروف «شرح الاربعین حدیثا فی فضیله الصلوه علی النبی و

۱- - نقباء البشر فی اعلان قرن الرابع عشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۱۴۸۸.

۲- - الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۰ مؤلف «الذریعه» مکان این تلمذ را معین نموده ولی سید مصلح الدین مهدوی ضمن آن که حاجی علی اکبر شیرازی را در جمله فاضلان معرفی کرده، می افزاید نامبرده نزد مولی محمد حسین کاظمینی در نجف تحصیل نموده است، اما چون فاضل اردکانی در نجف حوزه درسی نداشته شاید حاج علی اکبر سید نجف تا کربلا را طی می نموده تا در جوار بارگاه حضرت امام حسین (ع) از مقامات علمی استادش بهره مند گردد.

آله صلی الله علیه و آله را نوشت. این کتاب ضمن تأیید کمالات علمی این بازرگان اهل فضل، گویای علاقه وی به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) نیز هست (۱).

اولین مکتب درسی علی در خانه تشکیل شد و نخستین معلم پدرش بود، حاج علی اکبر برای تربیت چنین فرزندی از جان و دل کوشید (۲) و سرانجام در سال ۱۳۰۴ ه. ق جان به جان آفرین تسلیم کرد (۳). بعد از فوت پدر، آیت الله میرزا حسین شیرازی که این خانواده را به خوبی می شناخت، سید عبدالله نثقه الاسلام را قیم و وصی وی قرار داد (۴).

استادان

حاج میرزا علی آقا در سال ۱۳۱۶ ه. ق راهی اصفهان شد و بخشی از تحصیلاتش را در مدرسه نیم آورد - واقع در انتهای بازار بزرگ اصفهان - گذراند.

جاذبه معنوی مدرسان این مدرسه، خصوصاً آقا سید محمد باقر درچه ای، موجب شده بود تا علی به این مکان روی آورد. مرحوم درچه ای یکی از علما و فقهای مشهور اصفهان بود. به طوری که پس از درگذشت آیت الله سید اسماعیل صدر در کاظمین (۱۳۳۸ ه. ق) اهالی اصفهان و برخی نقاط ایران به ایشان

۱- - الذریعه، ج ۱۳ ص ۷۰، تذکره القبور، ص ۴۳۶.

۲- - الذریعه، ج ۱۳ ص ۷۰، تذکره القبور، ص ۴۳۶.

۳- - تذکره القرو، ص ۴۳۶.

۴- - طیب جسم و جان، ص ۳۷.

رجوع کردند(۱).

و بزرگانی چون مرحوم آیت الله بروجردی و شهید مدرس نزد وی شاگردی کرده اند.

زمانی که حاج میرزا علی آقا از مکتب آیت الله درجه ای استفاده می کرد، دو نام آور عرصه اندیشه آخوند ملامحمد کاشی و جهانگیر خان قشقایی مشغول تربیت شاگردان در میدان حکمت و فلسفه بودند، نیم قرن فلسفه ملا صدرا را در اصفهان تدریس می کردند. مرحوم آیت الله بروجردی آخوند کاشی را مجتهد در معقول و منقول معرفی کرده است و م یگویند: هنگام شب و سحر ذکر ملکوتی «یا سبوح» «یا قدوس» از حجره این حکیم بلند بود و شخص موثقی خاطر نشان ساخته است. احساس می نمودم درختان با این ذکر گویی با وی هم نوا می باشند(۲). فیلسوف، فقیه و حکیم ربانی جهانگیر خان قشقایی استاد دیگر حاج میرزا علی آقا است که حاج شیخ عباس قمی از وی به عنوان عالم جلیل و فاضل نبیل و صاحب مهارت در معقول، منقول و عرفان یاد کرده است(۳).

حاج میرزا علی آقا در بوستان شیخ اسدالله قمشه ای (۱۲۹۷ - ۱۳۳۴ ه.ق) که بهاری کوتاه داشت، گشت و گذاری کرد و ذهن مشتاق خود را از رایحه دانش و تقوای این مرد الهی، عطر آگین ساخت(۴).

شیخ عبدالحسین محلاتی (۱۲۷۰ - ۱۳۱۲ ه.ق) (۵) بود و در مدرسه صدر اصفهان دروس خارج را تدریس می نمود، یکی دیگر از اساتید حاجی میرزا علی آقا بود(۶).

آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۱ ه.ق) مرجع عظیم الشأن قرن اخیر در اصفهان، به دلیل تسلط بر منابع، تشریح مبانی فقه و

۱- شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، ج ۳، ص ۳۰۲.

۲- مصاحبه با آیت الله حیدر علی محقق، مجله حوزه، شماره ۵۳ ص ۵۱ - ۵۲.

۳- فوائد الرضویه، حاج شیخ عباس قمی، ج اول، ص ۸۸.

۴- علوم و عقاید (بررسی در عقاید مذهبی، سیاسی و فلسفی) ابراهیم جواهری، ص ۸.

۵- زندگینامه شیخ انصاری، ضیاء الدین سبط الشیخ، ص ۲۱۸.

۶- تاریخ شهر سامراء، و شمه ای از زندگی آیت الله بروجردی، سید مصلح الدین مهدوی ص ۱۱۲.

اصول با زبانی رسا و قابل فهم، حوزه درسی گرم و پر رونقی داشت و یکصد نفر در آن حضور می یافتند حاج میرزا علی آقا شیرازی علاوه بر آنکه از شاگردان برجسته آیت الله بروجردی محسوب می شد، رابطه ای تنگاتنگ با آن فقیه داشت و استادش از همت عالی، علو طبع و حالات اخلاقی وی بر خویشتن می بالید.

حاج میرزا علی آقا شیرازی مباحثی، چون فقه، اصول، رجال و درایه را نزد حاج آقا میرزا کمال الدین ابوالهدی کرباسی (متوفی ۱۳۵۶ ه.ق) که عالمی فقیه و زاهدی مجتهد بود، فرا گرفت (۱).

شیخ محمد حکیم خراسانی گنابادی اصفهانی، از مفرسان و حکمای معاصر است که بعد از درگذشت آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی، استاد مسلم فلسفه در اصفهان بود. شهید مطهری می نویسد: «حاج میرزا علی آقا از نظر سنی با حکیم خراسانی تفاوت چندانی نداشته و با معظم له و حاج آقا رحیم ارباب دوستی در کمال صمیمیت داشته اند اما با توجه به اینکه فلسفه را از بزرگسالی تحصیل کرده به احتمال زیاد از محضر دوست صمیمی اش بهره مند شده است (۲). چون حاج میرزا علی آقا از دوران نوجوانی به آموزش طب علاقه داشت و احساس می کرد با فراگیری آن می تواند خدمتی به جامعه انجام دهد، به محضر حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی (متوفی ۱۳۲۷ ه.ق) از اطباء معروف راه یافت (۳).

حاج میرزا علی آقا شیرازی که مدتی از جوار باراه مقدس مولای متقیان دور مانده بود، نگاه مشتاقش همیشه راه نجف را می کاوید، گویی این ندا از نجف گوشش را نوازش می داد:

گرفتم این که ز ما چند گاه ماندی دور *** دوباره باز به آغوش ما در آیی زود

۱- مجله حوزه سال چهاردهم، شماره ۸۳، ص ۳۶.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری، ص ۶۱۷، پاورقی.

۳- تذکره القبور، ص ۶۷ - ۶۸.

هنگامی که وی وارد نجف شد، حوزه های علمیه این شهر در اوج شکوه و مزین به وجود فقیهانی فرخنده و فرزانه‌گانی والا مقام بود. از شخصیت هایی که حاجی به محضرشان شتافت و از اندوخته های علمی آنان استفاده کرد، شیخ الشریعه اصفهانی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ ه.ق) (۱). ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ه.ق) و سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۸ - ۱۳۳۷ ه.ق) که از مفاخر شیعه و استونه های عظیم فقاقت به شمار می آیند، می توان نام برد.

احتمال قوی حاج میرزا علی در سال ۱۳۲۳ ه.ق به اصفهان عزیمت نمود، و خود می گوید: «در جریان مشروطه خواهی به اصفهان آمدم (۲)».

غواص اقیانوس علوی

موقعی که حاجی به اصفهان قدم نهاد، با تلاش علما و استادان حوزه علمیه که شهید آیت الله مدرس در دین آنان چون ستاره ای می درخشد، آرامش نسبی به اصفهان بازگشته بود. حاج میرزا علی آقا با کمال فروتنی و به رغم توانایی های علمی، در اصفهان به امور بازرگانی مشغول شد تا آن که روزی به درس نهج البلاغه مرحوم مدرس حاضر شد. شهید مدرس وقتی وی را دید، چون از سوابق علمی حاجی آگاهی داشت، به او گفت: «آقا حیف است، با آن کمالات، به چنین اموری بپردازید. مسیر خودتان را عوض کنید و به تجارت آخرت روی آورید، و به این ترتیب حاجی گام در مسیر جدید گذاشت. آری نسب نامه تدریس نهج البلاغه در حوزه های علمیه ایران به شهید مدرس می رسید و حاجی این تبارنامه را روشن می کند و فراگیری این کتاب را مدیون مدرس می داند، زیرا وی سپس از تذکر مدرس به تدریس و کاوش در آثار علمی و نیز ارشاد مردم از طریق و عظم و خطابه روی می آورد (۳).

حاج میرزا علی آقا چنان در اقیانوس نهج البلاغه به غواصی پرداخت که

۱- - در مورد وی بنگرید به کتاب ملا فتح الله اصفهانی شیخ شریعت، محمد علی محمدی .

۲- - مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۱۵۹.

۳- - مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۱۶۰.

گویی با نهج البلاغه زندگی می کرد.

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری می نویسد: «قبل از برخورد با وی این کتاب (نهج البلاغه) را نمی شناخت ... یک نهج البلاغه مجسم بود. مواعظ نهج البلاغه در اعماق جاننش فرو رفته بود. برای من محسوس بود که روح این مرد با روح امیرالمؤمنین پیوند خورده و متصل شده است (۱)».

و در جای دیگر می نویسد:

«نهج البلاغه به او حال می داد و روی بال و پر خود می نشانند و در عوالمی که ما نمی توانستیم درک کنیم، سیر می داد. جمله های این کتاب ورد زبانش بود و به آنها استشهاد می نمود. غالباً جریان کلمات نهج البلاغه بر زبانش با جریان اشک از چشمانش بر محاسن سپیدش همراه بود (۲)».

وقتی آیت الله سید محمد رضا خراسانی، رئیس حوزه علمیه وقت اصفهان، از حاجی خواست برای طلبهای مدرسه، مباحث اخلاقی مطرح کند، به تدریس نهج البلاغه روی آورد. او وقتی سخن می گفت، تسلط و تبخرش آشکار می شد (۳). یکی از شاگردانش، سید رضا سیادت موسوی می گفت:

«غیر ممکن بود حاجی لب به سخن بگشاید و از نهج البلاغه چیزی بر زبان نیاورد (۴)».

آیت الله سید اسماعیل هاشمی نیز گفته است:

«آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی از بزرگ علمایی است که در میان اهل علم و همه مردم قداست و افری داشت در همان اوقات نخستین که برای تحصیل علوم دینی به اصفهان آمدم، از محضر این بزرگمرد استفاده می کردم به خصوص که در خطب

۱- - عدل الهی، شهید مطهری، ص ۲۵۱.

۲- - سیری در نهج البلاغه، ص ۱۰ و ۱۱.

۳- - طیب جسم و جان، ص ۶۰ - ۶۱.

۴- - طیب جسم و جان، ص ۹۰.

و بیان نهج البلاغه تخصصی خاص داشتند و قطع نظر از تبحر در ادبیات و خطب شریف، آن معنویتی که در خطبه ها نهفته بود، از سیمای این انسان وارسته مشاهده می گردید (۱).

استاد مهدی خلف زاده که از سال ۱۳۲۴ ه.ق در درس نهج البلاغه حاجی شرکت می نمود و هم حجره ایشان بود، از انقلاب درونی استاد در حال شرح نهج البلاغه سخن گفته است (۲). عالمان بزرگی مانند شیخ جواد جبل عاملی و سید روح الله خاتمی نیز در درس و تفسیر نهج البلاغه این عارف متعبد شرکت نموده اند. از حالت روحانی استاد و تأثیر بخشی بر خلق و خوی شاگردان سخن گفته ند (۳).

آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی که در سال ۱۳۲۷ ه.ش حاجی را در اصفهان دیده، می گوید: یکبار او را در بیت آیت الله برجردی (در قم) دیدم. فرمود: سید رضی در نهج البلاغه خطبه ها را تقطیع کرده و دارم قطعات حذف شده را جمع می کنم و متوجه شده ام که این تقطیعات گاه مغل مقصود است (۴).

این عالم عامل غیر از نهج البلاغه تفسیر قرآن، شرحی کبیر و شرح نفیسی را درس می گفت. او به کتب روایی نیز نظر خاصی داشت و طلاب را به مطالعه آنان تشویق می کرد. گرچه از اهل معقول به شمار می رفت ولی حکمت و فلسفه تدریس نکرد و در تدریس سایر علوم از اندیشه های حکیمان بی بهره نبود. در ادبیات عرب و ادبیات فارسی در بین متأخرین از نوادر بود و علم طب خود را خوب می دانست. شهید مطهری می نویسد: «این مرد در عیناین که فقیه (در حد اجتهاد) و حکیم و عارف و طیب و ادیب بود و در بعضی قسمت ها؛ مثلاً- طب قدیم و ادبیات طراز اول بود و قانون بوعلی را تدریس می کرد. از خدمتگزاران آستان مقدس حضرت سید الشهداء (ع) بود (۵).

۱- - طیب جسم و جان، ص ۴۲.

۲- - طیب جسم و جان، ص ۸۰.

۳- - مجله حوزه، سال سوم، شماره مسلسل ۱۶۵ (گفتگو با آیت الله جبل عاملی) و مجله پیام انقلاب، شماره ۷۲ ص ۲۴.

۴- - سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۳، ص ۳۵.

۵- - عدل الهی، ص ۲۵۲، پاورقی.

جلال الدین همایی می گوید قسمت معالجات قانون ابو علی سینا را خدمت مرحوم، حاج میرزا علی آقا شیرازی فرا گرفتم (۱).

معرفت و تربیت

یکی از فرزاندگانی که به محفل نورانی این عالم ربانی راه یافت، شهید آیت الله مطهری است. وی در تابستان سال ۱۳۲۱ ه.ش یعنی چهار سال پس از اقامت در قم ایشان به اصفهان رفت، با این مرد بزرگ آشنا شده و از محضرش استفاده کرد. این آشنایی تبدیل به ارادت زیاد از سوی وی و لطف استاد از طرف آن مرد بزرگ شد. به طوری که بعدها حاج میرزا علی آقا به قم می آمد و در حجره شهید مطهری اقامت می گزید و علمای بزرگ در آنجا با ایشان دیدار داشتند (۲) و آن متفکر شهید درک محضر این استاد را از ذخائر گرانبهای عمر خود می دانست و حاضر نبود با هیچ چیزی معاوضه کند (۳). فقیه عارف، حکیم و ادیب معاصر آیت الله حاج آقا رحیم ارباب (۱۲۹۷ - ۱۳۹۶ ه.ق) از شاگردان خاص حاج میرزا علی آقا است، وی به آقا رحیم احترام بسیاری می گذاشت و در اصفهان به نماز جمعه او حاضر می شد (۴). حسن نیت و خلوص از سراسر وجود این دانشمند گرانمایه نمایان بود (۵). آیت الله سید روح الله خاتمی (متوفی ۱۳۶۷ ه.ق) در این باره می گوید:

«در مدرسه صدر اصفهان از استادانی استفاده کردم که از حیث مقام اخلاق، زهد و عرفان معروف بودند و یکی از آنها حاج میرزا علی آقا شیرازی است که از ابتدا با ایشان مانوس شدم و استفاده هایی از محضرش کردم. شرح شمسیه و قسمتی از نهج البلاغه را نزدشان خواندم و اساسا با هم مانوس بودیم و ایشان به حجره من می آمدند و می رفتند (۶).

۱- - همایی نامه، ص ۲۳.

۲- - عدل الهی، ص ۲۵.

۳- - سیری در نهج البلاغه، مقدمه.

۴- - طیب جسم و جان، ص ۶۱.

۵- - کیهان فرهنگی، آذر ۶۵، ص ۳۳.

۶- - مجله پیام انقلاب، شماره ۷۲، ص ۲۵.

استدا سید جلال الدین همایی (۱۲۸۷ - ۱۳۵۹ ه.ق) یکی دیگر از پرورش یافتگان برجسته حوزه درسی و تهذیب حاج میرزا علی آقاست. رابطه این استاد و شاگرد نیز به مرور زمان به اشتیاق و ارادت متقابل مبدل شد. استاد منوچهر قدسی می نویسد:

«مرحوم همایی به حاجی عشق و ارادتی مالا کلام داشت و تا او آخر عمر آن مرحوم هر گاه به ایشان بر می خورد، عاشقانه و صداقانه می گفت: دلم می خواهد یک بار دیگر قانون را در خدمت شما دوره کنم. از استعداد حاجی سخن ها داشت (۱).

وقتی همایی در تابستان از تهران به اصفهان می آمد، با حاجی دیدار تازه می کرد و این ملاقات همه افاضه و استفاضه بود (۲).

آیت الله احمد فیاض (متولد ۱۳۲۴ ه.ش) این توفیق را به دست آورد تا در اصفهان از محضر پر فیض حاج میرزا علی آقا شیرازی بهره مند شود. وی می گوید: حجره ایشان در جوار حجره من بود. نهج البلاغه تدریس می نمود و افراد زیادی در درسش شرکت می کردند. در زهد، تقوا و حالات معنوی شهرت داشت و چون به نماز می رفت و طلبه ها متوجه می شدند، به وی اقتدا می نمودند. با وجود آن که در علوم متعدد صاحب نظر و متبحر بود، ولی جنبه اخلاقی وی این توانایی ها را تحت الشعاع قرار می داد. آیت الله فیاض، مدرس پاک سیرت و بدون پیرایه ای است که در نهایت سادگی و قناعت زندگی می کرد و از مدرسان مشهور حوزه علمیه اصفهان به شمار می رود (۳).

آیت الله مشکوه (متوفی ۱۳۶۹ ه.ش) شاگرد میرزا حاجی میرزا علی آقاست که بسیاری از کمالات را نزد وی آموخته. آیت الله مشکوه او که در اصفهان و نجف تحصیلات خویش را تکمیل کرده بود، در زادگاهش «خمینی شهر» مدرسه ای تأسیس کرد و به تربیت طلاب دینی پرداخت. وی در

۱- رساله شعوبیه، جلال الدین همایی .

۲- مجله پیام انقلاب، شماره ۷۲، ص ۴.

۳- مجله حوزه، سال سوم، دی ماه ۱۳۶۵، شماره ۱۸، ص ۳۶.

مشکلات درسی به اهل بیت توسل می جست (۱). آیت الله شیخ جواد جبل عاملی می گوید: خدمت حاج میرزا علی آقا که مرد مذهبی بود، درس تفسیر قرآن و نهج البلاغه می رفتیم که واقعا کم نظیر بود و برای کسانی که این جلسات علمی را درک نکرده اند، تصورش مشکل است. آنچه می گفت، از دل بر می خاست و بر دل می نشست (۲). از دیگر شاگردان مرحوم حاج میرزا علی آقا، می توان حاج شیخ عبدالرحیم ملکان (متولد ۱۳۰۲ ه.ش)، آیت الله سید اسماعیل هاشمی (متولد ۱۳۳۳ ه.ق)، مرحوم حسین عماد زاده (متوفی ۱۳۶۹ ه.ش) (صاحب تألیفات متعدد در شرح حال اهل بیت (علیهم السلام)، استاد فضل الله ضیاء نور (متوفی ۱۶۰۴ ه.ق) و پروفیسور علی شیخ الاسلام (متولد ۱۳۰۲ ه.ش) نام برد.

احیای آثار

حاج میرزا علی آقا شیرازی به موازات تدریس، از کاوش در منابع قرآنی، روایی و نیز آثار سلف غافل نبود و ضمن تلاشهای علمی به ارزش والای «تفسیر تبیان» پی برد و پس از تحقیق و تفحص و تصحیح علمی و چاپ اصلاح شده این اثر نفیس را عهده دار شد. در این راستان از اهتمام آیت الله سید محمد حجت کوه کمری و جهد برخی شاگردان فاضل خود از جمله حسین عماد زاده، حاج آقا رحیم ارباب و جلال الدین همایی بهره برد و سرانجام تفسیر تبیان شیخ طوسی در سال ۱۳۶۵ ه.ق با چاپ سنگی در دو مجلد رحلی انتشار یافت (۳).

احیاء انتشار کتاب «زادالمعار» علامه مجلسی و تصحیح و منقح نمودن این کتاب ارزشمند نیز به عهده حاج میرزا علی آقا شیرازی بود که با هزینه مرحوم روغنی زاده بازرگانی خیر در سال ۱۳۲۴ ه.ش به چاپ رسید.

۱- - مصاحبه با آیت الله مشکوه، مجله حوزه، سال ششم، شماره ۳۱، ص ۵۳ - ۵۴.

۲- - مجله حوزه، شماره ۱۵، ص ۲۶ - ۲۷.

۳- - بیست مقاله، آیت الله رضا استادی، ص ۲۱۱.

همچنین کتاب «من لا یحضره الطیب» مربوط به زکریای رازی نیز پس از تحقیق لازم به ضمیمه کتاب برء الساعه (بهبودی آنی) با دستیاری آقا جمال الدین معارف پرور به زیور طبع آراسته کرد(۱).

اخلاق و رفتار

حاج میرزا علی نسبت به ارشاد و هدایت جامعه احساس وظیفه می کرد و بر فراز منبر به موعظه حاضران می پرداخت. از این رو محضر مرحوم آقا سید علی نجف آبادی (متولد ۱۲۸۷ ه.ق) و آیت الله حاج شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی (متوفی ۱۳۸۴ ه.ق) بهره برد(۲). وقتی که مرجع عالیقدر - آیت الله بروجردی - جهان تشیع تصمیم گرفت کلاسی اخلاقی در حوزه علمیه قم برگزار کند، با وجدو آن که اشخاص برجسته ای در قم بودند، حاج میرزا علی آقا را که با مراتب فضل و کمالش از قبل آشنایی داشت برای این منظور به قم فراخواند(۳).

طهارت روح، قداست نفس و صفای ضمیرش سبب شد تا آوازه اش حتی عتبات عالیات بیچید. شهید مطهری درباره اش می گوید:

«یکی از بزرگترین اهل معنایی است که من در عمر خود دیده ام (۴).»

آیت الله فاضل لنکرانی در وصف وی گفته است. مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی ... انصافا اخلاقی علمی و عملی متجسم بود و هر کس که با ایشان برخورد می کرد، تحت تأثیر و جاذبه او قرار می گرفت. مدتی هم از محضر ایشان از نظر اخلاق استفاده کردیم(۵).

از عوامل عمده توفیق حاجی در رسیدن به کمالات معنوی انجام فرائض دینی، عبادات و مستحبات و پرهیز از محرّمات، مداومت بر ادعیه و زیارات

۱- - مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، دکتر محمود نجم آبادی، ص ۷۱.

۲- - مجله پیام انقلاب، شماره ۷۲، ص ۱۷.

۳- - شهید مدرس ماه مجلس، از نگارنده ص ۵۴.

۴- - گفتارهای معنوی، شهید مطهری ص، ۱۲۰.

۵- - مجله پیام انقلاب، شماره ۹۰، ص ۲۵.

بود، در مدرسه صدر چون به نماز می ایستاد، با وجود اینکه می خواست در اختفا نماز بخواند و از امامت جماعت پرهیز داشت، هنوز در رکعت اول بود که صحن و ایوان مدرسه از نماز گزار پر می شد (۱).

شهید مطهری می گوید: این پیرمرد با حالی عجیب سوره و الفجر را می خواند. وقتی به این آیه می رسید؛ «و جی ء یومئذ بجهنم» دیگر منقلب می شد و اشکهایش می ریخت، درست مثل مرغی که پرپر بزند (۲).

حاجی به دنیا اعتنایی نداشت، اما حالات زاهدانه او را از وضع محرومان غافل نمی کرد و رسیدگی به دردمنان جزو برنامه هایش بود (۳). اقدار گوناگون مبالغی را به عنوان سهم امام به وی می دادند ولی در مسیر بین محل درس تا منزل همه پولها را به نیازمندان می داد و چون به خانه می آمد، دیگر دیناری در جیبش نبود (۴). وقتی مشغول تدریس شد گاه در باغچه مدرسه صدر و روی خاکها می نشست. خانه مسکونیش به عیالش که از سادات بود، تعلق داشت (۵). آیت الله میرزا اسد الله جوادی گفته است: وقتی حاجی از مشهد بازگشت و به دیدنش رفتیم، در خانه ای محقر ساکن بود که درب اتاقهایش شیشه نداشت و با کاغذ جای قاب شیشه ها را پوشانیده بودند. سرانجام دردهای جانگداز در گذرگاههای دشوار وادی ایمن به کمین نشستند و بدن نحیف این پیر پارسا را در بند بستر گرفتار ساختند با آشکار شدن هلال ماه جمادی الاول که مقارن با اوایل فصل زمستان بود، اندک اندک ستاره فروزان فضیلت در چهار دواری خانه محقرش محصور شد تا آنکه در بین الطلوعین روز یکشنبه هفدهم دیماه سال ۱۳۳۴ ه.ش مطابق با ۲۴ جمادی الاول ۱۳۷۵ ه.ق تن خاکی را به خاک باز پس داد و میهمان عرشیان شد (۶). پیکرش را با احترام فراوان از اصفهان به قم انتقال داده، بنابر وصیتش در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه (س) و مزار شیخان، ضلع جنوبی شرقی دفن کردند (۷).

...

-
- ۱- - مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۱۵۹ و سیری در نهج البلاغه مقدمه .
 - ۲- - تفسیر سوره فجر و قیامت، شهید مطهری، ص ۲۹.
 - ۳- - روزنامه رسالت، شماه ۲۷۷۸، شماره ۱۳۷۶ / ۶ / ۵.
 - ۴- - طبیب جسم و جان، ص ۸۸.
 - ۵- - علوم و عقاید، ابراهیم جواهری، ص ۸.
 - ۶- - لمعاتی از شیخ شهید، ص ۱۵ و تاریخ حکما و عرفای متأخرین صدر المتألهین، منوچهر صدوقی، ص ۸۳.
 - ۷- - ناصح صالح، غلمرضا گلی زواره، ص ۲۲۹.

سعد بن عبدالله اشعری (استاد محدثان) / علی اکبر رضایی

مقدمه

در طول تاریخ حیات بشر، ستارگان علم و معرفت از افق هستی طلوع کرده اند و با نور خود انسانها را به طریق هدایت رهنمون شده اند.

ستارگانی که دانش را از منبع الهی فرا گرفتند و برای حفظ و بشر آن تلاش فراوان از خود نشان دادند. پاداش این تلاش و جهاد جاودانگی دین و ماندگاری یاد و اثر آنهاست. دانشمندان قم بیشترین نقش را در میان این گروه بزرگ ایفا کرده اند، زیرا قم به عنوان محل پرورش استعدادها و مهد انتشار حدیث بارها مورد ستایش ائمه (علیهم السلام) قرار گرفته است (۱)، و بین آنان اشعریان نمونه راویان نور بوده اند.

اشعریان که پس از سرکوبی قیام ابن اشعث و سخت گیری حجاج بر علیه شیعیان کوفه به قم کوچیدند، در ترویج مذهب تشیع کوشش فراوان کردند به طوری که شمار محدثان اشعری که با امامان معصوم (علیهم السلام) دیدار کرده، از آن بزرگواران حدیث شنیده اند، به بیش از یکصد تن می رسد (۲).

سعد بن عبدالله اشعری کیست؟

ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری قمی، ملقب به شیخ الطائفه، از محدثان بزرگ شیعه (۳) در قرن سوم هجری بود (۴). وی مدتی در بغداد سکونت داشت (۵) اما احتمالاً اقامت دائمی اش در قم بود (۶).

سعد اشعری دوران امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) و دوران غیبت صغری و حضرت صاحب الزمان (عج) را درک کرد. پدرش نیز از راویان و محدثان شیعه بود، اما رجال شناسان از او با عنوان «محدث قلیل الحدیث» یاد کرده اند (۷).

۱- اقتباس از مقدمه کتاب «من لا یحضره الفقیه» ج ۱.

۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۹۸ زندگی برخی از این ستارگان پرفروغ در همین مجموعه «ستارگان حرم» آمده است.

۳- رجال نجاشی، ج ۱ ص ۴۰۱.

۴- الاعلام، ج ۳ ص ۸۳.

۵- هدیه العارفین، ج ۵ ص ۳۸۴.

۶- از سلاله سعد بن عبدالله در قرن اخیر بزرگانی مانند ملا محمد باقر اشعری، عبدالله اشعری و ملا محمد طاهر اشعری، از اساتید امام خمینی و مدفون در زرنند ساوه.

۷- حاوی الاقوال، ج ۱، ص ۴۰۹.

فعالتهای علمی

اشعری به تحصیل دانش و جمع آوری حدیث اشتیاق زیادی داشته و همت بلندش برای کسب معارف او را بر آن داشت تا ضمن سفر به شهرهای مختلف از علوم دانشمندان بهره گیرد.

اساتید

سعد از محضر بزرگان حدیث بهره مند گشته. او استادان متعدد داشته است که عبارتند از:

۱ - ابو علی حسن بن عرفه عبدی بغدادی (متوفی ۲۵۷ ه^ق) ادیب و محدث و صاحب آثاری در حدیث و ... از جمله کتاب الجزء است وی در سال ۲۵۷ در سامراء در گذشت. (۱)

۲ - ابو جعفر محمد بن عبدالملک دقیقی واسطی (متوفی ۲۶۶ ه^ق) او ساکن بغداد بود و تا زمان مرگش به کسب حدیث پرداخت. (۲)

۳ - ابو حاتم محمد بن ادريس رازی (متوفی ۲۷۷)

محمد در شهر ری به دنیا آمد. او به عراق و شام و مصر و شهرهای روم سفر کرد و در فهم حدیث و شناخت سند تبحر یافت. آنگاه به جمع آوری روایات و بررسی رجال آن پرداخت. آثاری نیز از وی در زمینه های تفسیر و فقه بر جای مانده است. (۳)

استادان شیعی اشعری

۱ - ابو مقاتل سیل دیلمی (نقیب ری)

او راوی از امام هادی (ع) و مؤلف کتاب «الاحتجاج فی الامامه» مشتمل

۱- - معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۲۴۵.

۲- - تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۴۶.

۳- - معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۳۵.

بر حدیث و بحثهای کلامی است (۱).

۲ - ابومقاتل ضریر

از شاعران بزرگ عصر خود بود، او قصیده مشهوری درباره حسن بن زید که در طبرستان قیام کرد (۲۵۰ - ۲۷۰) و به حکومت رسید سرود (۲).

۳ - احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفی ۲۷۴ یا ۲۸۰ ه' ق)

راوی بزرگ و معروف شیعی و از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) بود و در قم سکونت داشت. احمد نزدیک به یکصد کتاب قهی، تاریخی، انساب و رجال و غیره تألیف کرد (۳).

۴ - علی بن مهزیار

۵ - ابراهیم بن مهزیار

۶ - ابو ایوب مکی

شمار محدثانی که سعد اشعری از آنها روایت نقل کرده، به بیش از ۳۴ نفر می رسد (۴).

شاگردان

اشاره

تربیت شاگردان بزرگ از فعالیت‌های دیگر سعد بود. او عمر خود را در راه به دست آوردن حدیث و سخنان و علوم امامان معصوم (ع) سپری کرد و برای حفظ و نشر آن به تشکیل محافل علمی و حوزه های فرهنگی روی آورد. در این مجامع علمی به گفت و شنود حدیث و تبادل اندیشه ها پرداخت، عاشقان فقه جعفری و علوم علوی را تربیت کرد، کثرت شاگردان و تألیفات فراوان او از وجود چنین حوزه‌هایی خبر می دهد. از میان شاگردان اشعری می توان به این افراد اشاره کرد:

۱ - ابوالحسن علی بن حسین بن بابویه قمی (متوفی ۳۲۹ ه' ق)

۱- طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲- طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳- معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۶۱.

۴- معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۷۴.

پدر شیخ صدوق بود. فرزنداش، جعفر بن محمد بن قولویه و احمد بن داوود قمی از جمله شاگردان او بودند و از وی حدیث نقل کرده اند. ابوالحسن نزدیک به صد کتاب تألیف کرد(۱).

۲ - محمد بن یعقوب کلینی (متوفی، شعبان ۳۲۹ ه' ق)

اهل ری و از بزرگان فقهای شیعه بود و کتابهای «کافی» (۹ جلد) «تعبیر الرؤیا و الرجال» از آثار اوست. کلینی بعد از وفات در «باب الکوفه» به خاک سپرده شد. قبر او در بغداد زیارتگاه شیعیان است(۲).

۳ - جعفر بن محمد بن قولویه قمی

استاد شیخ مفید و راوی موثق و در فقه حدیث از بزرگان شیعه بود. درباره او گفته اند: «هر ه مردم به فقاقت و علم توصیف شوند، او برتر از همه آنهاست». «کامل الزیارات از جمله آثار اوست(۳).

۴ - احمد بن محمد بن یحیی عطار

احمد از پدرش محمد بن یحیی، عبدالله بن جعفر حمیری و سعد بن عبدالله روایت نقل کرده است. او استاد شیخ صدوق بود و دانشمندانی چون تلکبری و غضائری از او حدیث نقل کرده اند(۴).

۵ - ابویعلی حمزه بن قاسم علوی عباسی

راوی، از محمد بن اسماعیل برمکی و جعفر بن محمد فزاری و صاحب کتابهای حدیثی است. کتاب «المنتخبات» اثر استادش، سعد بن عبدالله اشعری را روایت کرده است(۵).

آثار

مجموعه روایتهای سعد در کتابهای چهارگانه روایی شیعه (التهذیب، الاستبصار، الکافی و من لا یحضره الفقیه) به ۱۱۴۲ مورد می رسد (۶)، افزون

۱- طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۵۰.

۳- طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۷۶.

۴- طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۵۷.

۵- طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۳.

۶- معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۷۹.

بر آن روایت‌هایی از او در «بحار الانوار» «وسائل الشیعه» «کمال الدین» و ... ثبت شده است.

وی بیش از ۳۶ عنوان کتاب در موضوعات مختلف (فقه، کلام، تفسیر، رجال و ...) نوشته که تعداد اندکی از این آثار در لابلاهای کتاب‌های روایی و حدیثی موجود است. از جمله «بصائر الدرجات» گویا سعد این کتاب را به پیروی از کتاب بصائر الدرجات تألیف محمد بن حسن الصفار قمی معاصر خود تألیف کرد و موضوع آن هم فضائل و مناقب ائمه اطهار (ع) است. اصل کتاب در دسترس نیست و آنچه که اکنون موجود است، مختصری از آن است که توسط شیخ حسن بن سلیمان حلی، شاگرد شهید اول انتخاب شده است. ذکر این نکته ضروری است که «بصائر الدرجات» مذکور غیر از آن کتابی است که مرحوم علامه مجلسی در «بحار» از آن نقل می‌کند زیرا منظور از آن کتاب که علامه با رمز (یر) نشان می‌دهد، بصائر الدرجات تألیف محمد بن حسن صفار قمی است (۱). تنها کتابی که تا کنون به صورت مستقل به چاپ رسیده، «المقالات و الفرق» است که به گفته محقق به تازگی نسخه‌ای از آن به دست آمده و پس از اصلاح، اضافات و توضیحات به زیور چاپ آراسته شده است. وی در این کتاب به بیان فرقه‌های مختلف شیعی (از زمان حضرت رسول (ص) تا زمان تألیف) پرداخته، ادله و دیدگاه‌های آنان را طرح و گاه نقد کرده است (۲).

فهرست تعدادی از کتابهای سعد به این صورت است

الرحمه، بصائر الدرجات، الضیاء، فرق الشیعه (المقالات و الفرق)، کتاب الرد علی الغلاة، ناسخ القرآن و منسوخه و محکم و متشابهه، فضل الدعاء و الذکر، مناقب، رواه الحدیث، فضل قم و الکوفه،

۱- ماهنامه کوثر، ش ۷، ص ۷۶، ص ۳۶.

۲- المقالات و الفرق - مقدمه .

الامامه، فضل النبي (ص) و مناقب الشيعة (۱).

مناظره های علمی

سعد برای نشر فرهنگ تشیع و نقد مکتبهای غیر شیعی، به برگزاری مجالس بحث و مناظره روی آورد. خود به تشکیل چنین محافلی اشاره می کند و می نویسد:

«اشتیاق فراوانی به جمع آوری کتابهایی مشتمل بر مباحث دقیق داشتیم. علاقه ام به این جهت بود که دانشهای مفید را بیاموزیم و مسائل پیچیده را در نشستهای علمی با مخالفان مطرح سازیم. اعتقاد کامل به مذهب امامیه داشتیم. به راحتی و سلامتی و امنیت خود نمی اندیشیدم و بیشتر به نقد دیدگاههای آنان در مبانی ولایت و خلافت پرداخته، از ستمهای پیشوایانشان سخن می گفتم (۲)».

البته کتابهای سعد که درباره فرقه های مختلف شیعه، مناقب شیعه، الامامه و ... نوشته شده، خود گویای این است که او اهل بحث، استدلال و مناظره بود.

منزلت روایی

سعد نزد دانشمندان، محدثی معتبر به شمار می آید، شیخ طوسی می نویسد:

«او محدثی جلیل القدر، مورد اعتماد بود، راوی اخبار و نویسنده چندین کتاب است (۳)».

شیخ در کتاب رجال نیز از سعد به نیکی یاد می کند:

۱- - رجال نجاشی ج ۱ ص ۴۰۱.

۲- - بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۷۸.

۳- - فهرست طوسی، ص ۷۵.

«سعد اشعری از اصحاب امام حسن عسکری (ع) و معاصر آن حضرت بود، اما به روایتش از امام (ع) دسترسی ندارم (۱)».

و به همین دلیل نام سعد را در ردیف کسانی که از امامان معصوم (ع) روایت نقل نکرده اند، آورده است (۲).

نجاشی درباره اش می نویسد :

«ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری، فقیه و محدثی جلیل القدر و موثق، از بزرگان خاندان اشعری و از استادان آن بود».

آنگاه نجاشی به فهرست کتابهای او پرداخته، می نویسد :

«سعد حدود ۳۶ تألیف از خود بر جای گذاشت (۳)».

بسیاری از رجال شناسان همچون کشی (۴)، ابن شهر آشوب (۵)، علامه مجلسی (۶)، علامه حلی (۷) و ... نیز از سعد به نیکی یاد کرده اند.

گرایش روایی

در روایات که سعد نقل کرده است موضوع، تاریخ و فرق برجستگی خاص دارد، البته وی در زمینه فقه تلاش بیشتری صرف کرده است و باید اذعان کرد که در عموم دانشها (فقه، تاریخ، تفسیر، کلام، رجال و ...) مهارت داشته.

برخی از روایات فقهی او را که در کتب فقهی شیعه ثبت شده است، می خوانیم :

در فضیلت نماز امام صادق (ع) به نقل از رسول اکرم (ص) فرمود :

«ما من صلاه يحضر وقتها الا نادى ملك بين يدي الله، ايها الناس قوموا نيرانكم التي او قد تموها على ظوركم فاطفئوها بصلاتكم»
هر گاه زمان برپایی نماز فرا رسد،

۱- رجال طوسی، ص ۴۳۱.

۲- رجال طوسی، ص ۴۷۵.

۳- رجال نجاشی، ج ۱، ص ۴۰۱ اعیان الشیعه، ج ۷ ص ۲۲۵ شهید ثانی در حاشیه بر رجال ابن داوود معتقد است بین علمای شیعه درباره ثقه بودن، بزرگی و دانش او اتفاق نظر وجود دارد.

۴- رجال کش، ص ۵۲۸.

۵- معالم العلماء، ص ۵۴.

۶- الوجیزه، ص ۵۰.

۷- الخلاصه، ص ۷۸.

فرشته ی ندا می دهد این مردم بپا خیزید و با برپایی نماز، آتش هایی را که به وسیله گناهانتان بر افروخته اید خاموش سازید(۱)».

وجوب جهاد

امام صادق (ع) از قول رسول خدا فرمود :

«جبرئیل بر من نازل شد و گفت : ای محمد هر کس از امت تو در راه خدا بجنگد و در این راه بلایی به او برسد، یا دچار سردردی شود، خداوند برای او ثواب شهادت می نویسد (پاداش شهید به او می دهد)(۲)».

انواع قتل

امام باقر (ع) فرمود :

«قتل دو گونه است : قتلی که کفار گناهان است و قتلی که موجب بالا رفتن مرتبه می شود. جنگ نیز دو گونه است، نبرد با کفار برای آنکه به اسلام روی آورند و جنگ با گروهی که به مسلمانان تجاوز کنند(۳)».

تأثیر روایات اشعری در مبانی و احکام فقه

عمده احادیث موجود در کتابهای حدیث در زمینه احکام عملی دین (اعمال واجب و حرام، مستحب و مکروه) است. البته در فقه شیعه و پذیرش روایات و عمل به مفاد آنها مبتنی بر رعایت قواعد و اصولی است که فقیه و مجتهد بر آنها آگاهی کامل دارد و بر این اساس فقیهان روایاتی را که از لحاظ

۱- - التهذیب، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲- - وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸.

۳- - وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۸.

سند و مضمون با عقاید و مبانی فقهی شیعه مغایرت ندارد، می پذیرند و بر پایه آن فتوا می دهند.

با نگاهی گذرا به روایتهای اشعری در می یابیم که وی در نقل روایاتی که مورد استناد فقیهان شیعی قرار گرفته، سهم بزرگی دارد و روایات فراوان او در کتب اربعه افزون بر ۷۷۰ حدیث است که در کتاب وسائل الشیعه ذکر شده است. بیشتر این روایات از امام معصوم (علیهم السلام) درباره احکام طهارت، صلوه، صوم، حج و ... نقل شده است.

حکومت های عصر اشعری

احتمالا سعد در عراق با شش تن از حاکمان عباسی معاصر بود. نقطه مشترک خلیفه های عباسی با خاندان پیامبر (ص)، فشار بر جامعه فرهنگی، حبس و تهدید و شکنجه ائمه بود. در این میان یاران و شیفتگان علوم ائمه (علیهم السلام) از هر گونه تماس با معادن علم علوی (علیهم السلام) منع می شدند.

شاید به همین دلیل نجاشی می نویسد:

«سعد اشعری از امام حسن عسکری (ع) روایتی ندارد» (۱).

از سوی دیگر دوران حیات سعد بن عبدالله اشعری در ایران با دستیابی طاهر سردار ایرانی به حکومت ایالات شرقی جهان اسلام مصادف بود. طاهر که به مأمون در مبارزه با برادرش، امین یاری رساند، حکومت ایالات شرقی اسلام را از جانب خلیفه به دست آورد. او سلسله طاهریان را بنیان گذارد و تا سال ۲۶۱ بر این نواحی با استقلال نسبی حکومت کرد.

در این عصر بابک خرمدین در آذربایجان و مازیار و حسن بن زید در طبرستان قیام کردند و صفاریان نیز در سیستان قدرت را به دست گرفته، به تدریج هرات و بلخ را در شمال و کرمان و فارس را در غرب تصرف کردند.

آنان در سال ۲۵۱ ه^ق خراسان را از تسلط طاهریان خارج ساختند و با پیروزمایی در گرگان و طبرستان تمام نواحی شرقی و مرکز ایران را در اختیار گرفتند. آنگاه سامانیان در سال ۲۸۷ ه^ق سیستان و خراسان را از صفاریان و گرگان و طبرستان را از علویان گرفتند تا مناطق ری و کرمان پیش رفتند (۱).

بنابراین سعد بن عبدالله با تنشهای سیاسی واجتماعی در ایران و عراق مصادف بود. با این حال سعد از رسالت خود (نشر حدیث و تألیف کتاب) دست نکشید.

اشعری شیفته ولایت

با بررسی روایتهای سعد به روشنی در می یابیم که او به خاندان اهل بیت (ع) عشق می ورزید. در روایتی خود از این عشق اینگونه سخن می گوید.

«در یکی از جدلهایی که با گروهی از ناصبیها داشتم، سخنان آنها مرا آشفته کرد. تا جایی که گویی جگرم پاره پاره شد (۲).»

شمار زیادی از روایتهای اوست که در باب عشق و دل بستگی به ائمه (ع) شاهد بر این مدعی است.

او از امام باقر (ع) اینگونه روایت می کند :

«حضرت فرمود : اسلام بر پنج امر استوار است : اقامه نماز، ادای زکات، حج، روزه و ولایت ما اهل بیت، خداوند به جز ولایت در چهار امر دیگر رخصت داده است (۳).»

در حدیثی دیگر از امام کاظم (ع) نقل می کند که :

۱- - اطلس تاریخی جهان، ص ۲۷۶ و ۲۷۲ و ۲۷۰.

۲- - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۷۸.

۳- - خال صدوق، ص ۲۷۸، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳.

«فرمودند: خداوند در همه اوقات نماز، این مردم مخالفان عترت را نفرین می کند، زیرا آنان حقوق ما را پایمال و ولایتمان را تکذیب کردند(۱)».

تألیف کتاب «فرق الشیعه» یا «المقالات و الفراق» هم که به بحث درباره فرقه های مختلف شیعی و جدا کردن آنها از شیعه اثنی عشری می پردازد، نشان دیگری از شیفتگی او به ولایت است. در قسمتی از کتاب می نویسد: «اولین گروه فرقه شیعه، فرقه علی بن ابیطالب (ع) است. یاران آن حضرت در زمان پیامبر نیز به «شیعه» معروف بودند. این گروه که تنها امامت آن حرصت را پذیرفته، از ایشان اطاعت کردند، شخصیت های برجسته ای مانند مقداد، سلمان، ابوذر و عمار در میانشان بودند. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) شیعه به سه گروه تقسیم شدند، فرقه ای از آنان عقیده دارند که علی (ع) امام و پیشوا است و به فرموده خدا و رسول اطاعت از او واجب است و تبعیت دیگران بر مردم جایز نیست کسی که از فرمانهای او اطاعت کند به فرمان الهی گردن نهاده و هر که از او سرپیچی کند خدا را عصیان کرده است، زیرا فرستاده خدا او را با همه اسم و نسبش در میان مردم معرفی کرد و زمام مردم را به او سپرد ولایت و دوستی او را واجب گردانید و او را از خود مردم نسبت به ایشان شایسته تر دانست علم رجال و حرام معارف، دین، علوم آثار و غیبی و همه آنچه را که مردم بدان نیازمندند در سینه او به ودیعه گذارد(۲)».

۱- وسائل الشیعه، ج ۱ ص ۱۲۳.

۲- المقالات و الفراق، ص ۱۵ - ۱۷.

دیدار با ماه و مشتری

دیدار اشعری با امام حسن عسکری (ع) و حضرت حجت (عج) از سوی دانشمندان علم رجال و حدیث مورد توجه و بحث قرار گرفته است. نجاشی معتقد است: اصحاب دیدار او با امام عسکری (ع) را ضعیف دانسته اند (۱) و دانشمندی همچون شهید ثانی (۲)، آیت الله خویی (۳) و ... نیز حدیث دیدار او با امام حسن عسکری (ع) را مورد نقد قرار داده و رد کرده اند.

در این بین دسته ای از دانشمندان همانند، شیخ صدوق (۴)، علامه مجلسی (۵)، مرحوم مامقانی (۶) و شیخ علی نمازی (۷) این روایت را پذیرفته اند دلایلی را به این صورت ارائه می کنند. راوی حدیث موثق و مورد تأیید رجال شناسان است.

متن حدیث، استدلالهای محکمی درباره اصل ولایت و ائمه (ع) مطرح می سازد و ناگفته پیداست که این پاسخها برگرفته از علوم غیبی است.

مسائل دیگری همچون، بازی کودکانه حضرت ولی عصر (عج) را که به عنوان نقض این حدیث مطرح گردیده، نمی توان پذیرفت، زیرا شواهد فراوانی نشان می دهند، امامان معصوم (ع) در کودکی و بزرگسالی، رفتاری همانند انسانهای عادی دارند. به هر حال به این دلیل گروهی از بزرگان به نقل از حدیث پرداخته اند، به گوشه هایی از آن اشاره می کنیم.

سعد بن عبدالله اشعری می گوید :

«با گروهی از ناصبیه‌های تندرو به بحث نشستیم، در جدل سؤالاتشان دشمنی بیشتر از گروههای دیگر بود. من پاسخهای گوناگون به آنان دادم اما همه را رد کردند. حدود ۴۰ سؤال از مسایل مشکل را نوشتم تا پاسخ آنها را از احمد بن

۱- - رجال نجاشی، ج ۱ ص ۴۰۱.

۲- - اعیان الشیعه، ج ۷ ص ۲۲۵.

۳- - معجم رجال الحدیث، ج ۸ ص ۷۹.

۴- - کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۵۴.

۵- - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۷۹.

۶- - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۷۹.

۷- - مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۷.

اسحاق قمی داناترین دانشمند قم، جویا شوم. او به طرف سامرا حرکت کرده بود، من نیز به راه افتادم و در بین راه ملاقاتش کردم. گفتم: شوق دیدارتان و پاسخ به سؤالهایم مرا تا اینجا کشانیده است. پاسخ داد: برای دیدار با امام حسن عسکری (ع) و طرح سئلهایی درباره قرآن، به سامراء می روم. تو نیز با من باش تا به دیدار حضرت برویم. وقتی به سامرا رسیدیم، احمد بن اسحاق گفت: دیدار مبارکی است، بزودی بر ساحل دریایی می نشینی که عجایب دانشهای فناپذیر است. آن دریا امام ماست.

آنگاه به سوی منزل امام عسکری (ع) حرکت کردیم و پس از کسب اجازه وارد منزل حضرت شدیم. وقتی وارد اطاق شدیم، امام را دیدیم. درخشش چهره اش که بسان ماه کامل بود، وجود ما را فرا گرفت. کودکی به درخشندگی و زیبایی ستاره بر روی زانوان مبارکش نشسته بود. امام (ع) در حال نوشتن بود، سلام کردیم. ایشان جواد داد و اشاره فرمود که بنشینیم. ساعتی بعد از نوشتن فارغ شده احمد بن اسحاق نزدیک شد و کیسه ای از زیر لباس بیرون آورده در مقابل امام (ع) گذارد. امام حسن (ع) به کودک فرمود: عزیزم مَهْر هدایایی را که شیعیان و دوستان فرستاده اند، باز کن.

لبهای کودک مانند غنچه ای شکفت: آیا جایز است دست پاکم به هدایای آلوده و اموالی بزنم که حلال و حرامشان به هم آمیخته شده است؟

امام عسکری (ع) به احمد بن اسحاق فرمود: آنچه در توشه داری، بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند...

آنگاه امام رو به من کرد و فرمود: ای سعد! برای چه آمده ای؟

- احمد بن اسحاق شوق دیدار شما را به دلم انداخت - پس سؤالهایت که می خواستی بپرسی، چه شد؟

- آری آن سؤالها نیز هست.

- از نور چشمم بپرس.

از حضرت صاحب الامر (عج) پرسیدم: مولای من و ای فرزند مولایم، چرا خداوند به پیامبرش موسی فرمود: فاخلع نعلیک انک بالواد مقدس طوی (۱) کفشهایت را در آورد که اینجا مکانی مقدس است. علمای فریقین گمان می کنند که چون کفشها از پوست حیوان مردار بود، خداوند این چنین فرمود.

حضرت فرمود؟ هر کس نظری داده، بر موسی (ع) دروغ بسته و نبوت او را نشناخته است. موسی (ع) در آن مکان مقدس با پروردگارش مناجات کرد و گفت: خدایا محبتم را نسبت به تو خالص کرده ام و قلبم را از غیر تو شسته ام

و چون موسی (ع) علاقه بسیاری به اهل و خانواده اش داشت، پروردگار فرمود: اخلع نعلیک اگر دوستی تو با من خالص و قلبت از تمایل به غیر من پاکیزه است، محبت خانواده ات را از دلت بیرون کن.

از امام (ع) درباره تفسیر کلمه کهیعض پرسیدم، فرمود: معنی این حروف از خبرهای غیبی است که خداوند بنده اش

زکریا را بر آن آگاهی داد. سپس آن را بر پیامبر گرامی اسلام (ص) باز گفت. تأویل آن چنین است که روزی زکریا از پروردگارش خواست تا اسمهای پنجگانه را به او بیاموزد. جبرئیل آنها را به او یاد داد و از آن پس هر گاه نام محمد (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را به خاطر می آورد، نگرانش بر طرف می شد اما هر زمان که نام حسین (ع) را به یاد می آورد، روحش پریشان و از دیدگانش اشک سرازیر می شد.

سبب آن را از پروردگار پرسید. جبرئیل به او خبر داد که «کاف» به اسم کربلا اشاره دارد. «هاء» به معنای هلاکت عترت، «یاء» «یزید، کسی که به حسین (ع) ستم می کند است. «عین» به معنی عطش و «صاد» به معنی صبر اوست.

زکریا تا سه روز از عبادتگاهش بیرون نیامد و گریست.

سعد می گوید: پرسشهای دیگری را نزد حضرت صاحب الزمان (عج) مطرح کردم و ایشان نیز جواب فرمود. ما چند روزی هم در منزل امام حسن عسکری (ع) ماندیم اما دیگر آن کودک را ندیدم (۱).

در مکتب اشعری

درباره مجموعه روایتهای سعد موضوعاتی مختلف یافت می شود اما به نظر می رسد به مسائل اخلاقی و درسهایی همچون ایمان، تقوا، توجه به قیامت و .. عنایت ویژه ای داشته است. وی در حدیثی طولانی به نقل از امام علی (ع) می گوید: بهترین وسیله برای نزدیکی به بارگاه خداوندی چند چیز است:

- ۱ - ایمان به خدا و رسول (ص)
- ۲ - اقامه نماز (نشان شریعت و دین)
- ۳ - ادای زکات (از واجبات الهی)
- ۴ - روزه ماه مبارک رمضان (حافظ انسان از عذاب آخرت)
- ۵ - انجام فریضه حج (برطرف کننده فقر و بازدارنده از گناه)
- ۶ - پذیرش کلمه توحید تنها وسیله کسب قدرت برای تشخیص حق و باطل
- ۷ - رفت و آمد با خویشاوندان (عامل فزونی مال و تأخیر در مرگ)
- ۸ - جهاد در راه خدا
- ۹ - کمک به نیازمندان به صورت پنهانی (محو کننده گناهان و فرو نشاننده غضب الهی)
- ۱۰ - انجام کارهای خیر (نجات از مردن بد، حافظ از پرتگاه) پس صدقه بدهید، زیرا خداوند صدقه دهندگان را یاری می کند.
- ۱۱ - پرهیز از دروغ، زیرا دروغ در مقابل ایمان قرار دارد. راستگو در ساحل نجات و بزرگواری (سوق دهنده به سوی پرتگاه رسوایی و هلاکت)
- ۱۲ - گفتار نیک تا بدان معروف گردید و به این وسیله اهل خیر باشید.
- ۱۳ - امانتداری در مقابل کسی که به شما اعتماد کرده است.
- ۱۴ - معاشرت با کسانی که ارتباط با شما را قطع کرده اند و چشم پوشی بزرگوارانه از خطای کسی که به شما بدی کرده است (۱).

اشعری هم چنین در روایتی از امام باقر (ع) می گوید :

«من کان ظاهره ارجح من باطنه خف میزانه»

اگر ظاهر کسی آراسته تر از باطنش بود، کفه اعمالش در روز قیامت سبک تر است (۲).

١- - علل الشرايع، ص ٢٤٧.

٢- - امالي صدوق، ص ٣٧٩.

وفات و مرقد اشعری

سعد بن عبدالله اشعری پس از سالها کوشش در راه تحصیل، تعلیم معارف دین، نشر احکام شریعت و ارشاد مردم در روز چهارشنبه ۲۷ شوال سال ۳۰۰ (۱) ه' ق به دیدار معبود شتافت.

برخی معتقدند که سعد اشعری به هنگام وفات در منطقه «رستم» یا «رستمدار» در نزدیکی استان مازندران (۲) حضور داشت (۳) اما مرقدش در قم (قرستان شیخان) نزدیک مرقد زکریا بن آدم اشعری و زکریا بن ادیس اشعری قرار دارد (۴).

...

۱- - یا سال ۲۹۹ و یا ۳۰۱.

۲- - لغتنامه دهخدا، ج ۷ ص ۱۰۵۹۹.

۳- - الخلاصه، ص ۷۸.

۴- - مرقد المعارف، ج ۱ ص ۳۲۴.

آقا شیخ عباس قمی (حدیث اخلاص) / عبدالکریم پاک نیا

اشاره

حاج شیخ عباس قمی ستاره تابناک آسمان علم و فضیلت، محدث و حدیث یگانه دوران حضرت امام خمینی (قدس سره)، - چهل حدیث امام خمینی حدیث اول - محدث قمی از جمله، مشایخ روایت است که امام خمینی (قدس سره) از قم و در یک فضای معنوی به دنیا آمد. پدر بزرگوارش مرحوم کربلائی محمد رضا یکی از علاقه مندان و شیفتگان اهل بیت علیه السلام و مردی پرهیزگار و صالح بود و مادر وی زنی پارسا و مؤمنه بود که سعی تمام در انجام واجبات الهی داشت و یکی از ویژگیهای آن بانوی گرانقدر، اهمیت فوق العاده به نماز اول وقت بود. یقیناً یکی از عوامل موفقیت و آینده درخشان این شخصیت بزرگ شیعه، تربیت و نشو و نما در چنین محیطی و توسط چنین مربیانی بوده است. وی دوران کودکی را در جوی آکنده از معنویت و روحانیت پشت سر گذاشته و با عشق و علاقه سرشار به علم و اهل علم تحصیلات مقدماتی خویش را در همان شهر آغار کرد. ادبیات و فقه و اصول را در محضر اشاتید فن و علمای سرشنای آن روز همچون میرزا محمد ارباب قمی و سایر بزرگان آموخت.

عزیمت به حوزه علمیه نجف

بعد از طی مراحل تحصیل در زادگاه خویش، در سال ۱۳۱۶ و در سن ۲ سالگی به منظور تکمیل و ادامه تحصیل، عازم حوزه علمیه نجف اشرف گردید و در جلسه درس دانشمندان و مدرسین والا-مقام حوزه نجف حاضر اشرف شد. او که تشنه فراگیری علوم و معارف الهی بود خود را از چشمه زلال

حقیقت و معنویت حوزه نجف سیراب می کرد.

این جوان سعادت‌مند در ساحل نجف راه خویش را یافت و و بعد از تحلیلات رایج زمان خویش به علوم حدیث متمایل شد و عشق و علاقه خویش را به جمع آوری و نقل احادیث نورانی اهل بیت علیه السلام نشان داد^(۱). شور و شوق وصف ناپذیر این جوان قمی، وی را به محضر درس استاد حدیث، علامه بزرگوار حاج میرزا حسین نوری قدس سره کشاند او از همان سالها دلبسته استاد خویش گردید وی پیوسته ملازم و همراه استاد خویش بود و در سایه آم و زش های علمی و عملی آن بزرگوار، به مقامات عالی فرهنگی و معنوی رسید و علاوه بر اینکه از اندوخته های علمی و آموزش های عملی استاد ازجمنند خویش بهره مند می شد از کتاب خانه ارزشمند و کم نظیرش عملی استاد ازجمنند خویش بهره مند می شد از کتاب خانه ارزشمند و کم نظیرش نیز استفاده کرد. در سال ۱۳۲۰ با رحلت محدث نوری محدث نوری تحولی عمیق در روحیه حاج شیخ عباس ایجاد شد و چنان روح و جان او را متأثر ساخت که سال ها بعد از آن حادثه تلخی آن را در کامش احساس می کرد ایشان در این رابطه می نویسد:

«... مصیبتش بر عامه مسلمین، خصوص بر این داعی که در خدمتش منزلت اولاد داشتم، چنان تلخ گذشت که هنوز مرارت آن را در کام خود می بینم و بر فقدان آن جناب بسی تأسف می خورم و سزاوار است که بگویم بعد از استادم زندگیم مانند ماهی در خشکی بود و گذران روزگارم مانند برف در مقابل ^(۲) حرارت...»^(۳)

وی بعد از شش سال تحصیل مداوم، در محضر اساتید بزرگوار حوزه علمیه نجف و استفاده های فراوان از ارباب علم و معرف در سال ۱۳۲۲ق با

۱- - ریحانها الادب ج ۴، ص ۴۷۸، حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، ص ۱۷ .

۲- - و یحق لی ان اقول و لقد عشت بعد الشیخ عیشد الحوت فی البر و بقیت فی الدهر و لکن بقاء القلب فی الحر .

۳- - فوائد الرضویه، ص ۱۵۰ .

کوله باری از اندوخته های علمی و معنوی به زادگاهش مراجعت کرد. این جوان پر تلاش قمی، در نتیجه زحمات طاقت فرسای خویش، که اینک بعنوان دانشمندی فرزانه در عرصه علم و تحقیق و نویسنده ای زبر دست در سنگر تألیف و تصنیف و عارفی پرهیزگار در میدان عمل و ستایشگری عاشق در محراب عبادت و سخنوری توانا در منبر و عظمی و خطابه محسوب می شد. فعالیت های خویش را در سنگر تألیف و تبلیغ و در دفاع از حریم اهل بیت علیه السلام و نشر معارف نورانی اسلام آغاز کرد.

هجرت به مشهد

همزمان با هجرت مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی از عنایت عالیات به مشهد مقدس، ایشان هم از قم عازم مشهد رضوی علیه السلام شد و در آن جا به پیشنهاد آیه الله قمی با دختر برادر ایشان، ازدواج کرد و چهار فرزند او ثمره همین ازدواج می باشد. محدث قمی در مشهد برای سومین بار توفیق سفر به خانه خدا را پیدا کرد و این سفر او که با کشتی انجام گرفت شش ماه طول کشید. که در مجلس سخنرانی او جمعیت انبوهی از شیفتگان اهل بیت علیه السلام برای شنیدن کلمات گهربار و درک فیوضات معنوی از سخنان وی، عاشفانه کرد چراغ معرف او حلقه می زدند.

در پناه حضرت رضا علیه السلام

ایشان سالهایی که در مشهد مقدس رضوی علیه السلام بود بهره های فراوانی از آن آستان مقدس دریافت می کرد، آشنائی با علمای ابرار و انسان های پاک ضمیر همچون آیه الله آقا حسین قمی قدس سره، روحانی پاک سرشت و

صاحب کرامت حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، مرحوم آخ وند ملاعباسی تربتی (پدر بزرگوار آقای حسینعلی راشد)، آقای شیخ مرتضی عیدگاهی و آقا شیخ علی اکبر نوقانی و سایر علمای مشهد، تألیف کتاب «فوائد الرضویه» و تعدادی از تألیفات ایشان با استفاده از کتابخانه آستان مقدس رضوی، از جمله عنایات حضرت صئمان الحجج آقا علی ابن موسی الرضا علیه السلام، به مرحوم حاج شیخ عباس قمی بود (۱). ایشان در این زمینه چنین می نویسند: از دارالایمان قم بصوب ارض اقدس (بسوی سرزمین پا) توجه نمودم... و چندان مراحم و الطاف و نعمت از آن رحمت الهی و نعمت نامتناهی در خود مشاهده کردم که هوس مجاورت آن آستانه مقدسه را نمودم.. با آنکه در این قطعه از زمان که فتنه های بی پایان چون پاره های شب مظلم متراکم، و بر تمام بلاد و عباد متهاجم گسته و بحکم اذا عمت البلدان الفتن و البلیا فاعلیکم بقم و حوالیها و نواحیها فان البلیا مدفوع عنها (۲). شایسته است که هر کس بتوند مهاجرت بلده طایبیه قم نماید تا چه رسد بکسی که قم وطن او باشد. لکن این شکسته مهجور، چندان مغمور در نعمت مراجعت به وطن را در خود ندیدم بلکه سختیهای کشیده و تلخیهای چشیده را شکر گفتم و منتها پذیرفتم... و پیوسته سختی های کشیده و تلخی های چشیده را شکر گفتم و منتها پذیرفتم... و پیوسته عرضه می دارم:

شاهها اگر به عرض رسانم سریر فضل *** مملوک آن جنابم و محتاج این درم

ار بر کمنم دل از تو و مهر از تو بگسلم *** این مهر بر که افکنم این دل کجا برم

۱- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت .

۲- اشاره به فرمایش امام صادق علیه السلام در مورد قم می باشد که آن حضرت فرمود: زمانیکه فتنه ها و بلایا در شهرها گسترش یافت به قم و نواحی آن سفر کنید، زیرا آنجا از فتنه و بلا در امان است .

نامم ز کاخانه عشاق محو باد *** گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم

ای عاشقان کوی تو از ذره بیشتر *** من کی رسم بوصل تو کر ذره کمترم (۱)

مبارزه با هوای نفس

در همان سالهایی که محدث قمی در مشهد بود جمعی از مؤمنین و طلاب با اصرار از وی تقاضا می کنند که در ماه مبارک رمضان در مسجد گوهر شاد نماز جماعت برپا کند و ایشان هم می پذیرند و در یکی از شبستانهای مسجد، به نماز جماعت اقدام می کنند. هنوز ده روز نشده بود که جمعیت بسیاری در آن شرکت می کنند. یک روز پس از اتمام نماز ظهر به آقای شهابی که نزدیک وی بود می گوید: من نمی توانم نماز عصر را بخوانم! و بلافاصله به خانه برمی گردد و تا آخر ماه مبارک رمضان نماز جماعت تعطیل می کند. روزی مرحوم حاج میرزا علی اکبر نوقانی از ایشان می پرسند: چرا نماز جماعت را تعطیل گردید؟ ایشان در پاسخ می فرماید: «حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم متوجه شدم که صدای اقتدا کنندگان پشت سرم که می گفتند: «یاالله! ان الله مع الصابرين» از نقطه دوری بگوش می رسد همین که متوجه زیادی جمعیت شدم در من یک نوع خوشحالی ایجاد شد و من فهمیدم برای اقامه نماز جماعت مسلمانان اهلیت ندارم برای همین این بار را بگردن نگرفتم (۲). محدث قمی شخصیتی بود که در تمام لحظات زندگی در محضر خدا می زیست و این حضور را کاملاً احساس می کرد اخلاص و خدا محوری او در سرتاسر زندگی، وی را در ردیف بندگان مخلص قرار داده بود و تمام حرکات ریز و درشتش با نام و یاد خدا شکل می گرفت: نیت خالصش را چون

۱- - فوائد الرضویه، صی ۳.

۲- - مقدمه فوائد الرضویه، چاپ اول ۱۳۲۷ ه ش .

گوهری صاف و شفاف پاس می داشت. انگیزه های خود را با هوا و هوس، نام و آوازه، خودنمایی، لذت های دنیایی، توجیحات و باورها یناصواب، آلوده نمی ساخت داستان بالا و قضیه ای که در پی می آید شاهد مدعی ما است.

داستان شیخ عبدالرزاق

مرحوم محدث روزی برای فرزند بزرگش نقل کرد که: وقتی کتاب «منازل الاخره» را تألیف و چاپ کردم یک نسخه آن به دست شیخ عبدالرزق مسأله گو - که همیشه قبل از ظهر در صحن مطهر حضرت معصومه علیه السلام مسأله می گفت - افتاده، و او هر روز کتاب «منازل الآخ ر» را بدست گرفته و برای حاضرین می خواند. مرحوم پدرم کربلایی محمد رضا - که از علاقه مندان شیخ عبدالرزاق بود، و هر روز در مجلس او حاضر می شد - روزی به خانه آمد و گفت. شخی عباس! «کاش مثل این مسأله گو می شدی و می توانستی منبر بروی و این کتاب را که امروز برای ما خواند، بخوانی» چند بار خواستم بگویم آن کتاب از آن کتاب از اثر و تألیفات من است، اما هر بار خودداری کردم و چیزی نگفتم: فقط عرض کردم: «دعا بفرماوید خداوند توفیقی مرحمت فرماید (۱)»

تأثیر بیان

سنگربان صدیق اسلام شب های پنجشنبه و جمعه در مدرسه میرزا جعفر واقع در صحن مطهر رضوی علیه السلام به عنوان درس اخلاق برای طلاب علوم دینی منبر می رفتند. نزدیک به هزار نفر از طلاب و علماء شهر در آن مجلس شرکت می کردند منبر ایشان حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول می کشید و دذ مباحث مختلف اخلاقی سخن می گفت. واعظ دانشمند و مشهور جناب آقای راشد که در آن زمان یکی از طلاب حاضر در مجلس حاج شیخ بوده

است در رابطه با نفوذ سخنان ایشان چنین می گوید: اثر یک منبر ایشان در دو شب تا یک هفته در ما باقی بود. در طول یک هفته مضامین سخنان آن مرحوم در اعماق دل ما ریشه دوانیده و ما را به خود مشغول داشته بود! به طوری که تا هفته بعد کاملاً تحت تأثر آن بودیم! سخنان نافذ آن مرحوم چنان چنان بود که تا یک هفته انسان را از پندارهای ناروا و گناهان باز می داشت و به خداوند متعال متوجه می کرد(۱). در مورد تأثیر سخنان حاج شیخ عباس قمی و نورانیتی که از نقل کلام اهل بیت علیه السلام در دلها جا می گرفت به بیانات ارزشمند یکی از علمای اعلام نجف توجه کنید: وقتی که حاج شیخ عباس قمی در منبر حدیث نقل می کرد و سلسله سند روایان هر حدیث را ذکر نمی نمود و مختصری از شرح حال هر کدام را بیان می کرد پس از معرفی آخرین راوی به امام صادق علیه السلام می رسید، چنان بود که گوئی شنونده امام علیه السلام را می دید، با همان عظمت و مهابت و مقام شامخ امامت بود(۲). آقای محمود شهابی استاد دانشگاه تهران که در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ قمی ایشان را در مشهد درک کرده است در زمینه تأثیر کلام حاج شیخ می نویسد: مرحوم حاج شیخ عباس قمی بی مبالغه خود چنان بود که برای دیگران می خواست، و چنان عمل می کرد که به دیگران تعلیم می داد. سخنان و مواعظ او چون از دل خارج می شد و با عمل توأم بود لاجرم بر دل می نشست و شنونده را به عمل وادار می داشت. هر کس او را با آن حال صفا و خلوص می دید عالم بود یا جاهل، عارف بود یا عامی، بازاری بود یا اداری، فقیر بود یا غنی وقتی سخنان سر تا پا حقیقت را از او می شنید، بی اختیار انقلابی در حال وی پدید می آمد، و تحت تأثیر بیانات صادقانه و نصایح مشفقانه او واقع می شد و به فکر اصلاح حال خویش افتاد(۳).

-
- ۱- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت .
 - ۲- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت .
 - ۳- مقدمه فوائد الرضویه .

اخلاق او جلوه ای از تعالیم اسلام

محدث بزرگوار ما، نسبت به اهل علم و علما مخصوصاً کسانی که اهل حدیث و روایت بودند احترام خاصی قائل بود، هیچ گاه خود را بر دیگران مقدم نمی داشت، وقتی وارد مجلسی می شد، زیر دست همه می نشست و هنگام بیرون آمدن به دنبال همه راه می افتاد، اگر کسی از وی تعریف و تمجید می کرد مرحوم محدث خواهش می نمود که رشته سخن را تغییر دهد و اضافه می کرد که من خود می دانم که موجودی بی ارزش و حقیرم! در خانه چیزی را بر کسی تحمیل نمی کرد و از کسی خواهشی نمی نمود، در مقابل محبت دیگران سپاسگزاری می کرد از سخنان بیهوده و لغو همانطور که در تألیفاتش مکرر نکوهش کرده است سخت پرهیز داشت. هرگز در فکر خوستائی و گفتن خلاف واقع نبود، از غرور و خودپسندی دوری می کرد و خلاصه تمام حرکات و سکنات او جلوه ای از تعالیم عالیه اسلام بود و به دیگر سخن یک شیعه تمام عیار و تجسم ارزش‌های الهی بود (۱). هر کس با او همراه می شد شیفته اخلاق او شده و تحت تأثیر گفتارش قرار می گرفت، در سفرها اینکه مشغول عبادت، فکر، مطالعه، و نوشتن بود با همسفران مانوس بوده و از آنان غافل نمی شد.

تواضع و فروتنی

«از تو تواضع بزرگوار شوی *** وز تکبر ذلیل و خوار شوی»

محدث بزرگوار ما وقتی در کتاب ارزنده «فوائد الرضویه» (که در شرح زندگانی علمای شیعه می باشد) به نام خودش می رسد، چنین می نگارد: همانا چون این کتاب شریف، در بیان احوال علماست شایسته ندیدم که ترجمه خود

را که احقر و پست تر از آنم که در اعداد ایشان باشم - در آن درج کنم. از این رو از ذکر حال خود صرف نظر کرده، اکتفا می کنم به ذکر مؤلفات خود). این است تواضع انسانی که آثار زیبا و جالب و عمیقش بیش از نیم قرن است مورد استفاده خاص و عام می باشد(۱).

صفا و اخلاص او

در اواخر عمرش شخصی از همدمان به نجف اشرف آمده و در منزل ایشان او را ملاقات کرد. در ضمن صحبت از زندگی شخصی وی سؤال کرد حاج شیخ عباس واقعیت را بیان کرد آن شخص در موقع رفتن پول به ایشان داد ولی محدث نپذیرفت، هر چه اصرار کرد قبول ننمود پس از رفتن فرزندش گفت: پدر! چرا نپذیرفتید؟ جواب داد: «گردنم نازک و بدنم ضعیف است، طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم.» سپس داستان امیر مؤمنان علیه السلام در شب نوزده رمضان را بیان کرد که آن حضرت خطاب به دخترش ام کلثوم فرمود: دخترم! برای من در یک طبق دو نوع خورشت حاضر کرده ای؟ مگر نمی دانی که من تابع برادر و پسر عموی خویش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم، دخترم! هر کس خوراک و پوشاک او در دنیا نیکوتر باشد ایستادن و معطل شدن او در روز قیامت نزد خداوند متعال بیشتر خواهد بود. دخترم! در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عذاب. و بعد حاج شیخ عباس گریسته و اهل خانه را موعظه کرد(۲).

مردی بزرگ در یک اتاق کوچک

یکی از فضیلتی نجف که در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی آقا سید محمد کاظم یزدی (قدس سره) تحصیل می کرده است می گوید: مرحوم حاج آقا

۱- - سیمای فرزندگان، ۳۰۸.

۲- - منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۲۵، و حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت.

باقر طباطبائی یزدی (تولیت مدرسه و نوه سید) روزی ضمن نصیحت به طلاب مدرسه چنین می گفت: چرا این همه اصرار می کنید که اتاق های خوب و نورگیر در مدرسه داشته باشید و به هر اتاقی که به شما می دهند راضی نمی شوید؟ حاج شیخ عباس قمی در اتاق بسیار کوچک و تاریک راهرو همین مدرسه سکونت داشت، و در همان جای تنگ و تاریک دو جلد کتاب «غایه القصوی» را نوشت (۱) هر بار از آن مرحوم خواستیم اتاقش را عوض کند و اتاق بهتر و بزرگتری انتخاب نماید، می فرمود: «نه! همین جا کفاف کار مرا می کند به راحتی می توانم کارم را انجام دهم. چرا اتاق دیگری را که سایر می کند به راحتی می توانم کارم را انجام دهم. چرا اتاق دیگری را که سایر طلاب احتیاج به آن دارند اشغال کنم (۲) و این چنین است که مردان بزرگ کارهای مهم را با امکانات کم انجام می دهند و اینان ستارگانی هستند که در تاریکیها می درخشند و جامعه خویش را به نور ایمان روشن می کند و نمونه ای از زندگی ساده و زاهدانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه علیه السلام را ارائه می کنند، (۳) و بنا به فرموده امام باقر علیه السلام شمع بدستانی هستند که به مردم روشنائی زندگی کردن در میان علمای ما در محدث قمی خلاصه نمی شود بلکه اکثر اندیشمندان موفق شیعه ساده زیست بوده اند.

مرزبان ایمان و مبارزه با هجوم دشمنان

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: عالمان پیرو ما، مرزبانان و سنگردارانی هستند که مراقب هجوم لشکر شیطان بر مرزهای ایمانند و آن را از تسلط بر مستضعفان فکری باز می دارند. بدانید! از پیوان ما کسانی که برای چنین مهمی پیاخیزند از کسانی که در روم برای گسترش اسلام جهاد می کنند، هزار مرتبه برترند، چرا که ایشان اینان از عقائد پیروان ما دفاع می کنند و آنان از جسم

۱- - غایه القصوی: ترجمه عروه الوثقی در ۲ جلد، ج اول از طهارت تا اموات، ج دوم از کتاب صلوه تا بحث ستر و ساتر می باشد .

۲- - حاج شیخ عباس مرد تقوا و فضیلت .

۳- - حوزه ۵۳ / ۴۹ به نقل از محجبه البیضاء، ج ۱، ص ۳۱ .

حاج شیخ عهباس قمی به حق یکی از مصادیق بارز عالمان دین باور مرزبان صدیق ایمان بود چرا که او در عصر خویش شاهد یکی از دورانهای هجوم فرهنگی دشمنان دین، به قلب اسلام و روحانیت بود. برای همین در برابر حوادث و وقایع تلخ زمان خویش قد علم کرده و بعنوان یک روحانی راستین، خود را از نظر علمی و فرهنگی آماده مقابله با توطئه های مخالفین نمود. او در عصر مشروطیت از سوئی قیام مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت آگاه، در مقابل سمتگریها و خونریزی های حاکمان ستمگر را می دید و از سوی دیگر فعالیت روشنفکران غربزده و اسلام ستیز را مشاهده می کرد که چگونه دین و فرهنگ معنویت را کم رنگ کرده و فرهنگ مبتدل غرب را به ملت بزرگوار ایران به ارمغان می آورند.

در چنین شرایطی حاج شیخ عباس همچون یک عالم متعهد وارد صحنه شد و مانند یک طبیب دوره گرد روح و قلب مسلمین را شفا بخشید او با نگارش کتاب جاوید «مفاتیح الجنان» و «منازل الاخره» مردم را به سوی دعا و معنویت دعوت کرد و با تألیف «فوائد الرضویه» و «تحفه الاحباب» و «الکنی و الالقاب» و «هدیه الاحباب»، بزرگان دین و دانشمندان وارسته شیعی را به جوانان مسلمان معرفی کرد. و به عنوان الگو به آنان مطرح نمود و شخصیت های کاذب غرب و شرق را نفی کرد. وی با تنظیم کتاب «منتهی الآمال»، شیعیان را با تاریخ چهارده معصوم علیه السلام آشنا کرده و مردم خودباخته و بیگانه از فرهنگ خودی را، با رهبران آسمانی خویش پیوند داد. او همچنین با ترجمه «غایه القصوی» جوانان مؤمن را با درس احکام و دستورات شرعی مأنوس نمود، بالأخره محدث قمی مانند: ستاره ای تابناک در عصری تاریک درخشید، عصری که رژیم ضد خدائی رضاخان بر ملت

ایران حاکم بود و تاریکی ستم و بی دینی و مبارزه با ارزش های الهی همه جا را فرا گرفته بود و ملت مسلمان ایران در گرداب فساد و بدبختی غوطه ور شده بودند، در حالی که مبارزه با روحانیت و حوزه های علمیه، ضدید با حجاب و عمامه و روضه خوانی به عنوان یک ارزش ملی تلقی می شد او کشتی نجات، از گرداب هلاکت و فساد را به ملت مسلمان عرضه کرد یعنی با تدوین کتاب ارزشمند «سفینه النجاه»، مسلمانان گرفتار دربند فرهنگ بی دینی و بی بند و باری را به ساحل نجات رهنمون شد آنان را با احادیث نورانی اهل بیت علیه السلام پیوند داد و به دریای نور متصل کرد و در یک کلام حاج شیخ عباس با تألیف کتاب های متعدد در موضوعات مورد نیاز جامعه آن روز، توانست در مقابل هجوم فرهنگی دشمنان اسلام به ارزشهای الهی و اسلامی، سدی پولادین بسازد و به جوانان و نسل جدید تفکرات و اندیشه های ائمه اطهار علیه السلام سیراب نماید و آنان را در برابر دین ستیزان، بیمه کند.

او علاوه بر اینکه در سنگر قلم از کیان تشیع سرسختانه دفع می کرد و در این مسیر لحظه ای آرامش نداشت مجالس درس و سخنرانی هایش نیز هدایت آفرین بود. وی با مسافرت هایش به شهرهای قم و تهران و مشهد به سخنرانی و موعظه می پرداخت و در فراز منبر منکرات روز افزون جامعه را به مردم گوش زد می کرد.

در همان زمانی که مقدسات اسلام مورد هجمه دشمنان قسم خورده اسلام قرار گرفته بود، آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، کانون اندیشه شیعه را، با تأسیس حوزه علمیه قم، بنیان نهاد و برای پربار نمودن بنیه فکری طلاب حوزه علمیه، علما و بزرگان دینی را به آنها دعوت کرد. یکی از کسانی که به وجود او بیش از همه نیاز داشت و به عنوان بازوی توانمند او محسوب

می شد حاج شیخ عباس قمی بود. وقتی از وی دعوت شد مرحم محدث با تمام عشق و علاقه به جواز ملکوتی امام رضا علیه السلام به دعوت آن بزرگوار لبیک گفته و در خلال اقامه در مشهد به عنوان همکار و همفکر مرحوم حائری را همراهی کرد سفرهای محدث قمی در آن دوران به قم، بسیاری از طلاب را از شهرهای دیگر مخصوصاً شهرهای مقدس مشهد و نجف به سوی قم روانه کرد(۱).

شیخ آقا بزرگ تهرانی می فرماید: هنگامی که حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه وارد قم شد و علمای قم از حاج شیخ عبدالکریم درخواست کردند در آن شهر اقامت کند و سر و سامانی به حوزه علمیه و آن مرکز دینی بدهد، حاج شیخ عباس یکی از معاونان و یاوران او بود با اینکه آن موقع در مشهد زندگی می کرد سهم زیادی در این کار داشت و یکی از بزرگترین مروجین حاج شیخ عبدالکریم به شمار می رفت و با دشت و زبا ناو را تأیید می کرد(۲).

در نگاه دانشمندان

۱ - علامه امینی (متوفای ۱۳۹۰ ق). در کتاب گرانقدر الغدیر در رابطه با کتاب «فیض القدیر» می نویسد:... مؤلف از نوابغ و بزرگان علم حدیث است و در فن تألیف در عصر حاضر، مقام ارجمندی را احراز نموده و خدمات او در این راه بر احدی پوشیده نیست.

۲ - مرحوم مدرس تبریزی در کتاب «ریحانه الادب» می گوید: حاج شیخ عباس بن محمد رضا بن ابی القاسم، از افاضل علمای عصر حاضر ما که عالم، فاضل، کامل، محدث، متتبع ماهر بوده و(۳)...

۳ - علامه کتابشناس، شیخ آقا بزرگ تهرانی همدرس و هم حجزه مرحوم

۱- - حدیث اخلاص، ص ۵۸.

۲- - طبقات اعلام الشیعه، جزء اول - قسم سوم ص ۹۹۸.

۳- - نور علم، دوره ۲، ش ۲، ص ۱۲۰.

محدث قمی در مورد شخصیت ایشان می فرماید: رابطه من با شیخ عباس قمی محکمتر از دیگران بود زیرا ما دو نفر در اتا یکی از مدارس نجف با هم زندگی می کردیم حتی دو سال بعد از فوت استادمان محدث نوری (قدس سره) با هم بودیم و نزد سایر اساتید درس می خواندیم. من همان موقع به خوبی او را شناختم، انسانی کامل و دانشمندی فاضل، آراسته به اخلاقی ستودنی و صفاتی پسندیده بود مدت‌ها به هم نشینی او انس گرفتم و جانم با جان او در آمیخت (۱).

۴ - مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در مورد شخصیت محدث قمی و کتاب مفاتیح اش می نویسد: علامه نقاد، نویسنده کتاب های فراوان، عالم بلند مرتبه راهنمای دانا در دانش حدیث، مرحوم مبرور، معشوق و یار بهشت وفور، حاج شیخ عباس قمی فرزند محمد رضای قمی از بزرگان اساتید ما در فن روایت می باشد. مفاتیح او را بهترین کتابی یافتیم که در باب ادعیه و زیارات و آداب و سنن و مناجات نوشته شده است (۲).

پرتویی از توسل حاج شیخ

از رهگذر خاک سرکوی شما بود *** هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

بدون تردید یکی از علل موفقیت یک شخص مسلمان، توجه قلبی و توسل به ائمه اطهار علیه السلام و آثار آن بزرگواران می باشد داستانها زیر نمونه ای از اعتقاد عمیق این محدث مخلص به این مهم می باشد: ۱ - فرزند بزرگ ایشان آقای علی محدث زاده می گوید: فراموش نمی کنم زمانی که در نجف اشرف بودیم یک روز صبح در حدود سال ۱۳۵۷ ه ق یعنی دو سال قبل از وفاتشان از خواب برخاستند و اظهار داشتند امروز چشمم به شدت درد می کند بطوریکه قادر به مطالعه و نوشتن نیستم و بسیار ناراحت به نظر

۱- - طبقات اعلام الشیعه، جزء سوم، ص ۹۹۸ .

۲- - مقدمه مفاتیح الجنان، چاپ فراهانی، ص ۱۵ .

می رسید. گویا با نحالش این بود: شاید خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا از در خانه شهان طرد کرده باشند. آن مرحوم عادت داشتند که گاهی این مطلب را با تأثر می گفت و می گریست! آقای محدث زاده می افزاید: در آن ایام مشغول تحصیل بودم، رفتم به درس و ظهر که به خانه برگشتم دیدم ایشان مشغول نوشتن هستند. عرض کردم: درد چشمتان بهتر شد؟ فرمود: درد به کلی مرتفع گردید: پرسیدم: چطوری معالجه فرمودید؟ گفتند: وضو ساختم و مقابل قبله نشستم و کتاب (۱) «کافی» را به چشم کشیدم درد چشمم برطرف شد. و ایشان تا پایان عمر دیگر به درد چشم مبتلا نگردید، و آن کتاب کافی که آن را چشم کشیدند کتابی خطی، و به خط فقیه مشهور ملا عبدالله تونی صاحب کتاب «وافیه» بود و محدث قمی خیلی به آن علاقه داشت. ۲ - در زمانی که در مشهد اقامه داشته است، پسر کوچکش که کودکی سه ساله بوده بیمار می شود برایش داروی ایرانی جوشاندهد و صاف کرده و مختصری شکر در آن ریخته می آورند بیاشامد. با انگشت دست راست داروی مایع را به هم می زند، همسرش می گوید: صبر کنید قاشق بیاورم. حاج شیخ عباس در پاسخ می فرماید: «من در این کار قصد استشفاء داشته ام، چون با این دست هزاران حدیث از ائمه طاهرین علیه السلام نوشته ام (۲) و این چنین بود که دل بسته فرزانه ائمه اطهار علیه السلام در مدتی کوتاه توانست موفقیت های بزرگی کسب کند و در عصر خویش مشهورترین محدث عالم تشیع و محبوب دل هزاران شیفته و عاشق اهل بیت علیه السلام باشد.

هزار نقد به بازار کائنات آرند

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

۱- کتاب کافی تألیف علامه بزرگوار ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رئیس محدثین شیعه در گذشته به سال ۳۲۹ ق می باشد و این کتاب معتبرترین و مهمترین کتاب حدیث شیعه می باشد.

۲- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، ص ۵۷.

همگام با زائرین حرم

یکی از مؤمنین نقل می کند: روزی در کربلا حاج شیخ عباس قمی را دیدم که در صحمن مقدس حضرت امام حسین علیه السلام ایستاده و رفت و آمد سیل جمعیت را به حرم مطهر نگاه می کند و به آن مرحوم سلام کرده و احوالشان را پرسیدم با تأثر فرمودند: به واسطه تنگی نفس نمی توانم همراه جمعیت وارد حرم مطهر شوم. ایتساده ام شاید خلوت شود و بتوانم به حرم بروم.

گفتم: حاج شیخ! غصه نخورید اگر شما نمی توانید با انبوه جمعیت وارد حرم شوید، اینها که به حرم می روند هر کدام «حاج شیخ عباس قمی» را در بغل دارند(۱)!

بلی حاج شیخ عباس سالها بعد از رحلتش در محافل معنوی حضور دارد هر زائری که وارد یکی از زیارت گاهها و یا محافل معنوی و مساجد وارد می شود مفاتیح را که رایجترین کتاب مذهبی ما است به همراه دارد رمز این سعادت بزرگ را باید در خلوص نیت نویسنده آن جستجو کرد چرا که مؤلف آن گوهر گرانمایه اخلاص خویش را با ارادت خالصانه به اهل بیت علیه السلام عجین کرده و در این کتاب جلوه گر ساخته و این چنین است که اثر جاودانه او به ابدیت پیوسته و زینت بخش مجالس و محافل معنوی و روحانی قرار گرفته است.

نویسنده خستگی ناپذیر

محدث قمی علاقه شدیدی به مطالعه و تألیف داشت از فرصتها حداکثر استفاده را می کرد با اینکه مبتلا به یک بیماری ریوی بود و نشستن و برخاستن

برایش مشکل می شد ولی شبانه روز کار می کرد. او عاشق کتاب و مطالعه به ویژه نوشتن بود خوب و سریع و با خط زیبا و نستعلیق می نوشت تا آنجا که در اثر نوشتن دو طرف انگشتانش که قلم بدست می گرفت بر آمدگی داشت. شیخ آقا بزرگ تهران نزدیکترین یار او می فرماید:

«او پیوسته سرگرم کار بود. عشقی شدید به نوشتن و تألیف و بحث و تحقیق داشت، هیچ چیز او را از این شوق و عشق منصرف نمی کرد و مانعی در این راه نمی شناخت».

این نویسنده خستگی ناپذیر وقتی با دوستانش به مسافرت می رفت بعد از صرف غذا قلم و کاغذ و کتاب بر می داشت و در گوشه خلوتی مشغول می شد وقتی رفقاییش می گفتند: حاج شیخ! صبر کن قدری صحبت کنیم می گفت: «شما می روید ولی اینها می ماند»؛ برخی از تألیفات یادگار همین اوقات لحظات کوتاه سفر می باشد (۱).

محدث قمی و قرآن

این دانشمند عالیقدر در رشت های مختلف علوم اسلامی متبحر بود و از جمله در علوم قرآنی اطلاعات وسیعی داش تایشان نتیجه مطالعات و آموخته های قرآنی خویش را در قالب کتابی گرانسنگ بنام «الدر النظیم فی لغات القرآن العظیم» در موضوع واژه شناسی قرآن به رشته تحریر در آورده. حاج شیخ عباس کتابش را از آثار کهن و مورد اعتماد دانشمندان اسلامی همچون «صحاح اللغه» جوهری «مفردات» راغب - «اساس البلاغه» زمخشری - «قاموس المحيط» و سایر کتب مربوطه گلچین کرده و در طبقی بس وزین به شیفتگان معارف قرآن عرضه داشته است (۲).

۱- حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، ص ۳۳، و طبقات اعلام الشیعه، جزء اول، قسم سوم، ص ۹۹۹.

۲- میراث جاویدان، فروردین ۷۲، ص ۲۶.

محدث و سادات

مرحوم سلطان الواعظین شیرازی (مؤلف کتاب شبهای پیشاور) نقل می کند: زمانی که کتاب مفاتیح الجنان تازه منتشر شده بود، روزی در سرداب سامره آن را در دست داشتم و مشغول زیارت بودم. دیدم شیخی با قبای کرباس و عمامه کوچک نشسته و مشغول ذکر است. شیخ از من پرسید: این کتاب از کیست؟ گفتم: از محدث قمی آقای حاج شیخ عباس است. و شروع به تعریف وی نمودم، شیخ گفت: این قدر هم تعریف ندارد، بی خود تعریف می کنی! من نااحت شدم گفتم: آقات برخیز و برو! کسی که پهلوی من نشسته بود، دست زد به پهلویم و گفت: مؤدب باش! ایشان خدو محدث قمی آقای حاج شیخ عباس هستند! من برخاستم با آن مرحوم روبوسی کردم و عذر خواستم و خم شدم که دست ایشان را ببوسم، ولی آن مرحوم نگذاشت و هم شد دست مرا بوسید و گفت: شما سید هستید! (۱)

امر به معروف و نهی از منکر

محدث قمی در بازداشتن افراد از کارهای زشت و ناروا خیلی جدی بود و در اجرای امر به معروف و نهی از منکر فقط رضایت حق تعالی را در نظر می گرفت و از ملازمت مردم در عمل به تکلیف الهی نمی هراسید و ملاحظه کسی را نمی کرد.

آثار و تألیفات

کوکب فروزان آسمان تشیع، افزون پر تلاش های گسترده و تبلیغات دامنه دار سفرهای بسیار برای ترویج و تبلیغ در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام،

در عرصه کتاب نویسی و تألیف مانند ستاره ای می درخشید. در سن چهل سالگی در حدود هفتاد جلد کتاب در موضوعات مختلف علمی و ادبی و تاریخی و مذهبی، تألیف و ترجمه کرد و به دانش دوستان و شیفتگان علم و فرهنگ و عاشقان اهل بیت علیهم السلام عرضه داشت. ما در این نوشتار محدود به برخی از آنان اشاره می کنیم و علاقه مندان را به کتاب های مفصل ارجاع می دهیم. ۱- «سفینه البحار» که به منزله فهرست و مختصر «بحار الانوار» است و به صورت حرف تهجی ترتیب یافته است. ۲- «منتهی الامال» ۳- «مفاتیح الجنان» که بعد از قرآن شریف بیشترین تیراژ کتاب های چاپی دنیای شیعه را تشکیل می دهد ۴- «الانوار البهیه» ۵- «تتمه المنتهی» ۶- «منازل الاخره» ۷- «الفوائد الرضویه» ۸- «تحفها الاحباب» ۹- «الکنی و الالقاب» ۱۰- «غایه القصوی» ۱۱- «نزهه النواظر» ۱۲- «چهل حدیث» ۱۳- «الفوائد الرجیبیه» ۱۴- «بیت الاحزان و...» (۱)

و سایر کتاب های آن بزرگوار که به بعضی از آنان قبلا اشاره شد، ناگفته نماند تعدادی از کتاب های ایشان به زبانهای مختلف ترجمه شده است. علامه حاج آقا بزرگ تهرانی یار صمیم وی می نویسد: او دارای آثار باارزشی است که همگی دلالت بر مقام شامخ علمی و اطلاعات وسع ایشان دارد از کتابخانه محدث نوری استفاده فراوان برد. زیرا محتوی تعداد زیادی از ذخائر و نقاش بود که بیشتر آن را کتب خطی تشکیل می داد (۲).

میراث جاودان

امروز میلیونها زن و مرد با ایمان کتاب شریف «مفاتیح الجنان» را می شناسند، این اثر جاویدان زین بخش هر محفل و مجلس مذهبی و روحانی است. در هر فرصتی انسان های خداجو «مفاتیح» بدست، دست تضرع به درگاه

۱- - فوائد الرضویه، ۲۲۱ - ۲۲۲ .

۲- - طبقات اعلام الشیعه جزء اول، قسم سوم ص ۱۰۰۰ .

حضرت حق برداشته و با دعاها، مناجات‌ها و تعقیبات و زیارت‌های مفاتیح با معبود خویش به راز و نیاز می‌پردازند. راستی این چه عزت و عظمتی است که مفاتیح در کنار قرآن و صحیفه سجادیه قرار می‌گیرد و این چه سری دارد

که پدید آورنده بزرگترین انقلاب عصر ما حضرت امام خمینی (قدس سره) از تبعیدگاه ترکیه به فرزندش می‌نویسد:

«... کتاب مفاتیح، صحیفه سجادیه و... هم بفرستید(۱)»

و همین امام خمینی در جواب کسانی که می‌گفتند:

«اسلام فردا دیگر اسلام مفاتیح نیست اسلام قرآن است(۲) و ما نیاز به دعا و مفاتیح نداریم.»

می‌فرمود:

«همین مفاتیح الجنان همین کتاب‌های ادعیه هستند اینها کمک انسانست در اینکه انسان را آدم کند.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«آنهایی که ادعیه را می‌خواهد کنار بگذرانند و به اسم این که ما قرآن می‌خوانیم نه دعا، آن‌ها قرآن را هم نمی‌توانند به صحفه بیاورند... اگر قرآن هم می‌خوانید قرآن دارد از دعا تعریف می‌کند مردم را و دار به دعا کنید که اعتنا به شما نداشتیم اگر دعا (۳) نمی‌کردید.»(۴)

حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی در رابطه با مفاتیح می‌فرماید:

«مفاتیح بهترین کتابی است که در باب دعاها و زیارت‌ها و آداب و سنن و مناجات نوشته شده است... مؤلفش آن را از مدارک معتبر و اسناد مورد اعتماد گرد آورده است، به جانم سوگند که همانا آن اثر جاویدی است که در معابد و مشاهد مشرفه مورد

۱- - حوزه، ۱۸۵ / ۴۹.

۲- - با مخاطبهای آشنا، ص ۱۴۱، نوشته علی شریعتی.

۳- - اشاره به آیه: قل ما یعبا بکم ربی لولا دعاکم»، فرقان ۷۷.

۴- - تفسیر سوره حمد، امام خمینی، ۸۰ - ۸۲.

استفاده همگان قرار می گیرد چه مجموعه گرانها و شریفی؟! چه کتاب ارزشمند و منظم و آراسته ای! عاشقان خدا به آن توجه دارند و کمتر جایی است از خانه ها و مساجد و مشاهد شیعیان که در آن نسخه ای از مفاتیح یافت نشود.»

شاگردان

محدث قمی از مشایخ و اساتید بسیاری از علام و مراجع می باشد به طوری که در ۵۰ سال اخیر اکثر فقهای شیعه از آن مرحوم اجازه روایت دریافت کرده اند که از جمله آنها می توان از حضرت امام خمینی (قدس سره) آیةالله میلانی، آیةالله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله سید مرتضی مرعشی نجفی یاد نمود. محدث قمی در اجازه روایتی که در سال ۱۳۵۰ ق به آیت الله العظمی مرعشی داده است وی را با القاب و عناوین زیبایی مورد خطاب قرار داده است (۱).

فرزندان

از حاج شیخ عباس چهار فرزند به یادگار مانده است که دو پسر و دو دختر بودند. پسران ایشان مانند خودش عالم و عابد و مبلغ دین و مایه دلگرمی وی بودند. دو پسر ایشان عبارتند از آقای حاج میرزا علی محدث زاده آقای حاج میرزا محسن محدث زاده که هر دو از فرزندان روحانیت بودند آقای حاج میرزا علی فرزند بزرگ شیخ عباس در نشر آثار به جا مانده پدرش سعی فراوان از خود نشان داد و تا این اواخر از دانشمندان و وعاظ مانده پدرش سعی فراوان از خود نشان داد و تا این اواخر از دانشمندان و وعاظ به نام تهران به شمار می آمد او چند سال پیش ندای حق را لبیک گفته و به دیدار پروردگارش شتافت. پسر دوم ایشا آقای حاج شیخ محسن محدث زاده فعلا در تهران

۱- - شهاب شریعت ۱۰۸ - ۱۷۸ - ۱۸۶ و نور علم دوره ۲، ش ۲.

اقامه دارد و به تبلیغ معارف دین مشغول است (۱).

لحظه های آخر و بیاد ماندنی

محدث قمی حدود ۱۲ سال در مشهد مقدس اقامت کرد و بعد از مدتی به همدان و سپس به قم رفت و بعد از واقعه گوهر شاد به نجف عزیمت کرده و تا پایان عمر خویش در آنجا زندگی کرد - در اواخر عمرش روزی یکی از علماء به عیادتش می آید و از حالش جويا می شود حاج شیخ عباس می فرماید: چند روز است که نتوانسته ام حدیث بخوانم و بنویسم! و شروع به گریستن می کند و سخت می گرید مرحوم روحانی به فرزندش می گوید: کتاب بیاورید ج ۱۷ بحار می آورند و چند حدیث می خوانند و محدث قمی کمی خوشحال می شود». از مغرب شب آخر عمرش حالش غیر عادی بود و پس در پی اسامی ائمه اطهار علیهم السلام را تکرار می کرد مخصوصاً به اسم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می رسید بیشتر عرض ادب و اظهار ارادت می کرد و مکرراً می گفت: روحی له الفداء آن شب به علت عدم توانائی نمازها را نشسته خواند. نیمه های شب سه شنبه ۲۲ ذی الحجه سال ۱۳۵۹ ق بود که در سن ۶۵ سالگی دعوت حق را لبیک گفته و به لقاء الله پیوست. مرحوم آیه الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی بر جنازه مطهرش نماز خواند و بعد از تشییع با عظمتی که توسط بزرگان و مراجع عموم مردم انجام شد در صحن مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جنب استادش محدث نوری مدفون گردید. و این بود گوشه هایی از زندگی مردی که گوئی دوباره به دنیا آمده بود، یک بار برای کسب تجربه و یک بار برای بکارگیری آن، شخصیتی که نام و خاطره و آثارش در قرن حاضر زینت بخش محفل عاشقان اهل بیت علیهم السلام می باشد.

روحش شاد و با اولیاء الهی محشور باد.

...

۱- حاج شیخ عباس، مرد تقوی و فضیلت .

محمد بن خالد برقی (حدیث کوشائی) / علی محمدی

اشاره

زمانی که خلفای جور در سرزمین پهناور اسلامی سعی تمام در نابودی آثار ولایت داشتند، و هر نفسی را در گلو خفه می کردند، شهر مقدس قم پایگاه شیعیان به شمار می آمد. در اواخر قرن دوم هجری و در قریه ای از توابع این شهر (برقرود) (۱) کودکی دیده به جهان گشود که بعدها پرچمدار ارزشهای علوی شد و مانند ستاره در حریم ولایت درخشید.

او ابو عبدالله محمد، فرزند خالد برقی معروف بود (۲).

البته احتمال دارد نسبت «برقی» که به وی داده شد، به این علت باشد که او از اهالی «برقرود» قم بود.

خاندان محمد

خاندانی که محمد بن خالد برقی در آن پرورش یافت. پیشینه ای ممتاز در حمایت از ولایت و امامت داشتند، به گونه ای که جدش (محمد بن علی) در قیام حضرت زید بن علی بن الحسین علیه السلام در پی حمایت از آن انقلابی بزرگ به دست یوسف بن عمرو، والی کوفه، دستگیر و سرانجام پس از تحمل شکنجه های فراوان به شهادت رسید. در پی این حادثه عبدالرحمن، فرزند محمد بن علی، به همراه پسرش، خالد، که طفلی بیش نبود از کوفه به قم هجرت کرده (۳) و سالها بعد از آن محمد بن خالد برقی قدم به عرصه وجود نهاد.

محمد بن خالد در عصر امامان معصوم علیهم السلام

صحابی ائمه علیهم السلام

محمد بن خالد برقی به اعتراف بسیاری از دانشمندان اسلامی شیخ

۱- همان .

۲- رجال نجاشی، ص ۲۵۷ .

۳- رجال نجاشی، ص ۷۶ .

طوسی (۱) علامه حلی (۲) ابن شهر آشوب (۳)، و ابن ندیم (۴) از اصحاب سه امام معصوم (امام موسی الکاظم، امام رضا، حضرت جواد علیه السلام) بوده و توانست از مکتب خاندان هدایت نهایت فیض را برد.

محمد بن خالد که با سه تن از معصومین معاصر و از اصحاب آنها بود، در حوادثی که رخ می داد از محضر معصوم زمان خویش کسب تکلیف می کرد. البته دانشمندان رجال تنها به ذکر مختصری از شرح حال او می پردازند و به صحابی بودن وی اکتفا می کنند، اما نسبت به کیفیت و موارد ارتباط او با معصومین توضیحی نمی دهند.

بنابراین تحلیل روشنی از ملاقاتها و برخوردها و رابطه های وی با معصومین نمی توان ارائه کرد.

در میان روایات زیادی که محمد بن خالد به نقل آنها پرداخته است. در دو مورد وی با امام جواد علیه السلام ماتبه کرده است (۵) که این دلیلی بر ارتباط او با امام عصرش است.

فعالیت سیاسی در مقابله با مخالفین ائمه علیهم السلام

فضای تاریک و خفقان آلودی در جامعه آن روز به وسیله خلفای بنی عباس بر علیه پیروان مکتب امامت به وجود آمده بود و هر نوع موضع گیری علیه حکومت از جانب طرفداران ولایت با شدیدترین برخورد ممکن روبرو می شد.

در چنین شرایطی، شکوفایی شخصیت های شیعی، همچون محمد بن خالد دچار مشکل می شد.

ولی دانشمندان شیعه در طول تاریخ به اثبات رسانده اند که برای انجام

۱- - رجال شیخ طوسی، ص ۳۸۶ و ۴۰۴.

۲- - رجال علامه ص ۱۳۹.

۳- - معالم العلماء ص ۱۰۵.

۴- - فهرست ابن ندیم ص ۲۷۶، فن ۵، مقاله ۶.

۵- - معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۷۴، تا ۷۷.

رسالت خویش ذره ای بیم و وحشت از قدرتها و دستگاههای ستم به دل راه ندادند، محمد بن خالد برقی نیز به یقین در عرصه دفاع از حریم مکتب شیعه و پاسداری از آن هماره بعنوان سربازی لایق مطرح بود.

محمد بن خالد بر کرسی علم و دانش

محمد بن خالد از پیشگامان عرصه دانش و معرفت در عصر خود بوده، او در زمینه های رایج آن زمان (تفسیر علوم قرآن، تاریخ، روایت، ادبیات عرب، آشنائی با علوم عرب و علم رجال) صاحب نظر و صاحب تألیفات بود.

مقام والای علمی محمد بن خالد برقی بر هیچ یک از دانشمندان علم رجال پوشیده نبود و آنان هر اه به نام این عالم برجسته شیعی می رسیدند از او به بزرگی نام برده، به تعریف از مقام علمی اش می پرداختند. وی را چنین معرفی می کند: «محمد بن خالد برقی فقیه، ادیب و آشنا به علوم عربی و اخبار بود و کتبی دارد...»^(۱) شیخ طوسی^(۲)، و ابن ندیم^(۳) نیز در فهرست شان به نوعی به معرفی شخصیت علمی و تألیفات محمد بن خالد پرداخته اند، دانشمند معاصر، مرحوم سید حسن (متوفی ۱۳۵۴ هـ) صاحب تأسیس الشیعه نیز، به معرفی شخصیت علمی او می پردازد و محمد ابن خالد برقی را از پیشگامان شیعه در عرصه علم و رجال و روایت، تاریخ و سیره و... می شمارد همچنین در بخش مشاهیر شیعه در علوم قرآن و تفسیر تأویل نیز از او نام می برد^(۴).

محمد بن خالد به اعتراف بسیاری از شخصیت نگاران شیعی و غیر شیعه از جمله شخصیت های شیعی است که بر کرسی علم و دانش تکیه زد و در این راستا دارای درجات بالایی از علوم و معارف بود.

۱- - رجال نجاشی ص ۲۵۷ .

۲- - فهرست شیخ طوسی ص ۱۷۵ .

۳- - فهرست ابن ندیم ص ۲۷۶، فن ۵، مقاله ۶ .

۴- - تأسیس الشیعه ص ۲۵۹، ۳۳۰ .

یکی از عواملی که نشانگر شخصیت والای علمی فرد است، تصنیفات و تألیفات او است. محمد بن خالد برقی به اقرار بسیاری از علماء رجال نوشته های فراوان داشت، به طوری که مرحوم نجاشی، شیخ طوسی، ابن ندیم و دیگران هر یک به نوعی به معرفی کتاب های وی پرداخته اند. در این میان ابن ندیم به بیشترین مقدار کتاب های محمد بن خالد (۴۶ عنوان) اشاره کرده است. این کتاب ها عبارتند از: (۱)

العویص، البقره، المحاسن، الرجال، المحبوبات، المکروهات، طبقات الرجال، فضائل الأعمال، التحذیر، اخض الأعمال، التخوف، الترهیب، الجوه الصنوه، (علل) الأحادیث، معای الاحادیث و التحریف، الفروق، الأحتجاج، اللطائف، المصالح، تفسیر (تعبیر) الرؤیا، صوم الایام، السماء، الأرضین، البلدان، ذکر الکعبه، الأشکال، القرائن، البزائر، الریاضه، الأوائل، التاریخ، الأسباب، المآثر، الأصفیه، الأفانین، الروایه.

معرفی کتاب النوادر

از تألیفات محمد بن خالد تنها دو کتاب «المحاسن» و «الرجال» موجود است که آن دو هم به فرزندش (احمد بن محمد بن خالد) نسبت داده شده است از بقیه آثار وی هیچ اثری در دست نیست.

محمد بن خالد در حوزه درسی و تعلیمی خود به تربیت شاگردانی کار آمد همت گمارد و موفقیت‌های فراوان نیز کسب کرد.

شرح حال چند تن از شاگردان محمد بن خالد:

۱ - احمد بن محمد بن خالد برقی

احمد بن محمد بن خالد برقی (۱).

ابو جعفر احمد برقی، فرزند محمد بن خالد، در محضر پدر و استادش به کسب دانش و معرفت پرداخت. او در مکتب پدر حداکثر تلاش را برای فراگیری معارف به کار گرفت و سرانجام در شمار بزرگان و راویان عصر خویش جای گرفت.

احمد شاگردان، کتاب‌ها و آثار ارزشمندی از خود بر جای گذاشت و علماء و دانشمندان شیعه از او به عنوان راوی موثق و عالم جلیل‌القدر نام برده‌اند.

علاوه بر شخصیت علمی در سلسله اسناد روایات فراوانی قرار گرفت که شمار آنها به چند هزار حدیث می‌رسد.

نجاشی او را فردی مطمئن و موثق دانسته، به نوشته‌هایش (۹۰ عنوان) اشاره کرده است، (۲) و شیخ طوسی او را؛ در شمار اصحاب امام جواد و حضرت هادی علیه السلام آورده است (۳).

۲ - حسین بن سعید اهوازی

از اهالی کوفه بود که به همراه برادرش «حسن بن سعید» به اهواز و آن‌گاه به قم حرکت کرد و تا آخر عمر در آنجا به زندگی پرداخت (۴).

۱- شرح حال مفصل این راوی بزرگ در مجموعه ستارگان حرم جلد اول آمده است .

۲- رجال نجاشی ص ۷۶ .

۳- رجال شیخ طوسی ص ۳۹۸ و ۴۱۰ .

۴- فهرست شیخ طوسی ص ۵۸ .

حسین بن سعید تألیفات فراوانی در عرصه علوم و معارف اسلامی از خود به جای گذاشت. از مهمترین آنها می توان به احادیث و روایاتی که وی در سلسله اسناد آن ها قرار گرفته، و تعدادش نیز بسیار است، اشاره کرد.

شیخ طوسی (۱) و بسیاری از علماء رجال او را از اصحاب سه امام معصوم (امام رضا و امام جواد و حضرت هادی علیه السلام) دانسته اند.

روایات و احادیث محمد بن خالد برقی

آیه الله خوبی در «معجم الرجال» خود صفحات زیادی از کتابش را به شرح احوالات او اختصاص داده، به تعداد روایات او در میان کتب روایی شیعه اشاره می کند و می نویسد؛ «عنوان محمد بن خالد در سند بسیاری از احادیث و روایات، بالغ بر ۴۰۳ مورد، واقع شده است (۲)... روایات فراوانی تحت عنوان، ابی عبدالله و ابی عبدالله برقی نیز از او نقل شده است (۳)».

از این نظر که نام محمد بن خالد در اسناد بسیاری از اخبار ثبت شده است، جایگاه ویژه ای در میان علماء و فقها شیعه دارد.

موضوعات روایات

کثرت موضوعاتی که در روایت وی مشاهده می شود، به حدی است که عملاً بررسی یکایک آنها را دشوار می نماید، اما به طور کلی موضوعاتی را که وی در اخبار خود به آنها اشاره کرده، می توان به پنج بخش تقسیم نمود:

۱ - فقه

سهم بسیار زیادی از روایات وی به این بخش اختصاص یافته است، به نمونه ای روایات فقهی ذیلا اشاره می کنیم:

۱- رجال شیخ طوسی ص ۳۷۲، ۳۹۹، ۴۱۲.

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۶۲.

۳- معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۷۷.

«احمد بن محمد بن عیسی عن ابی عبدالله برقی قال: کتبت الی ابی جعفر علیه السلام جعلت فداک أیجوز الصلاه خلف من وقف علی ابیک و جدک صلواہ الله علیہما؟ فأجاب: لا تصل ورائه.

نامه ای به امام جواد علیه السلام نوشتم و درباره نماز جماعت به امامت کسی که فقط امامت پدر و جد شما را قبول دارد (و نسبت به امامت شما توقف نموده است) سؤال کردم: که امام علیه السلام در جواب نوشتند: پشت سر این شخص شما نخوانید (۱).

۲ - عقاید

در بخش های مختلف عقاید (خدانشناسی، امامت و دیگر بخش ها) به نقل خبر پرداخته اشد، از این میان می توان به روایتی که وی در سلسله سند آن قرار دارد و پیرامون امامت است، اشاره کرد:

علی بن موسی عن احمد بن محمد عن الحسن بن سعید و محمد بن خالد البرقی عن النضرین سوید رفعه عن سدير عن ابی جعفر علیه السلام قال: قلت له جعلت فداک ما انتم؟ قال نحن خزان علم الله و نحن تراجمه وحی الله و نحن الحجج البالغه علی من دون السماء و من فوق الأرض.

محمد بن خالد با چند واسطه (در مورد سؤال راوی) از امام باقر علیه السلام چنین روایت می کند:

راوی می گوید از امام علیه السلام سؤال کردم که شما چه سمتی دارید؟ فرمود: ما خزانه دار علم خداییم، ما مترجم وحی خداییم، ما بر هر که در زیر آسمان و رومی زمین است حجت رسانیم (۲).

۱- - تهذیب الاحکام ج ۳، ح ۹۸، ص ۲۸ .

۲- - کافی ج ۱، ص ۱۹۲، روایت ۳ .

این راوی توانا اگر چه در مباحث اخلاقی به نقل مستقیم روایت و حدیث از معصوم علیه السلام نیز پرداخته است، ولی در سلسله سند روایات قرار گرفته است. به نمونه ای از اخبار او در بخش اخلاقی اشاره می شود:

محمد بن خالد درباره ادخال سرور بر مؤمن با چند واسطه از امام صادق علیه السلام چنین روایت می کند: عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عن خلف بن حماد عن مفضل بن عمر عن ابي عبدالله عليه السلام قال: لا یری احمد کم اذا دخ علی مؤمن سرورا أنه علیه أدخله فقط بل والله علينا، بل والله علی رسول اله (صلی الله علیه و آله و سلم).

امام علیه السلام فرمود: هر گاه فردی از شما مؤمنی را شاد کرد، گمان نکند فقط همان شخص را مسرور کرده است؛ بلکه به خدا سوگند ما را، بلکه رسول خدا را شاد کرده است (۱).

گرایش روایی

محمد بن خالد بیشتر به نقل اخبار مربوط به فروع، مسایل فقهی (باب طهارت، صلوه، صوم، زکوه، خمس، حج، جهاد، نکاح، حدود، دیات، بیع و دیگر بابها) پرداخته است (۲).

همچنین محمد بن خالد در عصر خود فقیه لذایق و موفقی بود. بنابراین کثرت روایات فقهی وی (نسبت به سایر موضوعات) با مقام فقهی وی نیز مربوط می شود.

البته با توجه به این که وی در آن روزگار از فقهاء شهم قم به شمار می آمد،

۱- - کافی ج ۲، ک ۱، ب ۸۲ ح ۶.

۲- - جامع الرواه ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

میزان تأثیر گذاری اش در عرصه فقه روشن می شود و این مطلب را در نامه ای که وی خطاب به امام جواد علیه السلام نوشته، تقویت می کند.

در نامه دوم می خوانیم:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن محمد بن خالد البرقی قال: کتبت الی ابی جعفر الثانی علیه السلام هل یجوز أن یرخرج عما یرجب فی الحرث من الحنطه و الشعیر و ما یرجب علی الذهب دراهم بقیمه ما یسوی ام لا یجوز الا ان یرخرج من کل شیئی ما فیه؟ فاجاب علیه السلام: ایما تیسر یرخرج. محمد بن خالد در نامه ای به امام جواد علیه السلام در باب زکوه گندم، جو و طلا سؤال کرد: آیا به جای گندم، جو و طلا می توان قیمت آن را به عنوان زکوه پرداخت کرد یا نه؟

امام علیه السلام در جواب فرمود: هر چه میسر شد (واو قیمت آنها) باید بعنوان زکوه داده شود (۱).

اساتید و مشایخ

برخی از علماء رجال محمد بن خالد را از یاران سه تن از امامان به شما آورده اند. با توجه به این نکته می توان گفت بزرگترین اساتیدش خاندان امامت بودند.

محمد بن خالد از محضر اساتید بزرگ دیگری نیز استفاده برد که آنها نیز به نوبه توفیق شاگردی در مکتب امامت را یافتند.

از میان علماء علم رجال که به ذکر نام اساتید و مشایخ محمد بن خالد پرداخته اند می توان به مرحوم کشی (۲)، محقق اردبیلی (۳) و مرحوم خوئی (۴) اشاره کرد. این بزرگان نام کسانی را که محمد بن خالد از آنها نقل روایت کرده، به عنوان استاد و مشیخه وی ذکر کرده اند. این مشایخ و اساتید

۱- - کافی ج ۳، ص ۵۵۹ روایت ۱ .

۲- - رجال کشی «متن ص ۵۴۶» «فهرست ص ۲۴۹» .

۳- - جامع الرواه ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۰۹ چ .

۴- - معجم رجال الحدیث ج ۱۶، ص ۷۲ و ۷۳ .

عبارتند از: ابن ابی عمیر، ابی طالب قمی، احمد بن نصر جعفی، محمد بن سنان، علی بن مهزیار و... که هر یک در عصر خود از نامداران فقهاء و راویان برجسته به شما می آمدند.

محمد بن خالد در نگاه دانشمندان

هر کی از دانشمندان علم رجال درباره محمد بن خالد سخن به میان آورده اند و به طور عموم در کتب رجالی از او نام برده اند.

دیدگاه این دانشمندان در مورد شخصیت محمد بن خالد برقی را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

الف: گروهی از بزرگان علم رجال «شیخ طوسی (۱)»، علامه حلی (۲)، علامه مامقانی (۳)» او را شخصیتی مطمئن معرفی کرده اند.

ب: برخی نیز «کشی (۴)»، محقق اردبیلی (۵) و مرحوم خوئی (۶)» صرفاً به معرفی و ذکر اساتید و مشایخ، شاگردان و شرح حال مختصری از وی پرداخته، و نسبت به وثاقت و یا تضعیف او اظهار نظری کرده اند.

ج: بعضی دیگر از رجال نویسان (مرحوم نجاشی (۷) و ابن غضائری (۸)) با تضعیف قلمداد کردند محمد بن خالد به اظهار نظر پرداخته اند. که البته این نظریه توسط بسیاری از علماء رجال پاسخ داده شده است. می نویسد «تضعیف این دو مربوط به حدیث محمد بن خالد است نه خود او، بنابراین شخصیت این راوی مورد وثوق است (۹).

۱- رجال شیخ طوسی ص ۳۸۶ و ۴۰۴.

۲- رجال علامه حلی ص ۱۳۹.

۳- تنقیح المقال ج ۲ ص ۱۱۳، ۱۱۴.

۴- رجال کشی «متن ص ۵۴۶» «فهرست ص ۲۴۹».

۵- جامع الرواه ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۶- رجال نجاشی ص ۲۵۷.

۷- رجال نجاشی ص ۲۵۷.

۸- رجال ابن غضائری ج ۵، ص ۲۰۷.

۹- تنقیح المقال ج ۱۱۳ و ۱۱۴.

رحیل دیدار

آن گاه که صدای رحیل دیدار معبود گوش جان محمد بن خالد را نواخت و با دستانی پر از علم و عمل در قرن سوم هجری به دیگر سراقی باقی شتافت. یادش گرامی و نامش بلند.

...

محمد علی مدرس تبریزی (صاحب ریحانه الادب) / اسماعیل محمد کرمانشاهی

حیات طیبه

محمد علی مدرس در سال ه ق (۱) در تبریز، شهر دانشمدان با فضیلت پا به عرصه وجود نهاد.

مدرس تبریزی که به مدرس خیابانی (۲) نیز مشهور بود. مقدمات علوم عربی را در حوزه های دینی آن روز فرا گرفت آن گه به تحصیل کتب معمولی فقهی، اصولی و ریاضیات در مدرسه طالبیه تبریز روی آورد. وی علوم معقول را در محضر آیهالله میرزا علی لنکرانی، خارج فقه و اصول را در مکتب آیهالله حاج میرزا ابوالحسین مجتهد (مشهور به انگجی) آموخت همین در حوزه درسی آیهالله میرزا صادق مجتهد تبریزی (قدس سره) حاضر شد (۳).

حوزه درسی این دو عالم بزرگوار که از مراجع دینی بودند، مدرس تبریزی را به مراتب عالی فقهی و اصولی رهنمون شد و کمال نبوغ اجتهادی را در او به ظهور رساند و به این ترتیب مراجع بزرگ آن زمان حضرات آیات سد محمد حجت کوه کمره ای، سید صدر الدین صدر، میرزا محمد علی شاه آبادی تهرانی، محمد حسین کاشف الغطاء، میرزا عبدالحسین رشتی به وی اجازه اجتهاد دادند.

علاوه بر آن محمد علی مدرس تبریزی از محضر آیات عظام محمد علی هبهالدین شهرستانی، آقابزرگ تهرانی و سد محسن حکیم، محمد حسین کاشف الغطاء و میرزا عبدالحسین رشتی اجازه روایت گرفت.

۱- - مستدرک اعیان الشیعه، حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱، ۱۸۸.

۲- - فرهنگ فارس معین، ج ۶، ص ۱۹۳۷.

۳- - رک: ریحانه الادب، ج ۸، ص ۱۶.

علاقه به تحصیل و تألیف

مرحوم مدرس تبریزی در زندگینامه اش از شوق به تحصیل دانش و تألیف این گونه سخن می گوید: به اقتضای شوق فطری که در میراث اثر علمی اشم باب مرآده را بر روی خودم مسدود و با فضل غیر متناهی به تألیف آغار کردم.

و چه زیبا توانست این علاقه و شوق فطری را به مقصد برساند و تألیفات ارزنده ای به جامعه علمی تحویل دهد. توفیق حضرت حق، علاقه، پشتکار (۱) و امانت در نوشتار موجب شد که امروزه آثار گرانسنگی از وی به یادگار بماند و نامش جاودانه شود. آثاری که صدقه جاریه برای او و برای اهل تحقیق منبع شایسته ای شد، و چه زیباست توصیه او به فرزندش که خود مصداق بارز آن شد.

بگذار به گیتی اثری ز آنکه در آفاق *** تا چشم به هم بر زنی از ما اثری نیست (۲)

نماز شب

در حالاتش چنین ذکر کرده اند

«شبه مرتبا، وقت سحر و قبل از طلوع صبح، بیدار می شد، پس از ادای نوافل و فریضه صبح با پشتکار کم نظیری به مطالعه می پرداخت و برای این که از تألیف و مطالعه باز نماند، باب معاشرت و رفت و آمد با دیگران را حتی الامکان بر روی خود بسته بود (۳)».

۱- - نقباه البشر فی القرن الرابع عشر، الشیخ آغا بزرگ الطهرانی، مشهد، دالمرتضی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۴۵۷.

۲- - ریحانه الادب، ج ۸، ص ۶.

۳- - ریحانه الادب، ج ۸، ص ۱۲.

و از خصوصیات ویژه ای، مناعت طبع، عزت نفس، سربلندی، و سرافرازی را نام برده اند.

در بیان احوال او نوشته اند: «دوازده سال آخر عمر را در حجره ای در مدرسه سپهسالار تهران (مدرسه عالی شهید مطهری (قدس سره)) انزوا اختیار نمود و باب معاشرت را به روی خود بست و با فراغت بیشتر و با شوقی روزافزون به کار خود ادامه داد (۱). و سرانجام روح بلند این عالم جلیل القدر پس از یک عمر تحقیق و تألیف در ۱۶ فروردین سال ۱۳۳۳ ش (مطابق، اول شعبان امانت) به خاک سپرده شد. (۲).

شعر طلوع و غروب

فرزندش (محمد مدرس) سال ولایت و وفات پدر را ضمن شعری چنین ثبت نمود.

از این حسرت افسرده بودم که ناگه *** به گوشم چنین گفت هائف نهانی

«مدرس نمرده است هرگز (۳) نمیرد *** «که ماندست آثار وی جاودانی (۴)» (۵)

عطر سبب

آیهالله العظمی مرعشی نجفی (قدس سره) می فرمود:

و پس از فوت این عالم ربانی در تبریز، بر حسب وصیت آن مرحوم،

۱- - ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۳.

۲- - ریحانه الادب، ج ۸، ص ۱۵.

۳- - ۱۲۳۶ (ولادت)، این تاریخ با حساب ابجد به دست می آید.

۴- - ۱۳۷۳ (وفات) با جمع حروف ابجد، عدد مذکور حاصل می شود.

۵- - ریحانه الادب ج ۸، ص ۵.

جنازه اش را به قم منتقل نمودند، این جانب متصدی نماز و دیگر احکام شرعیه اش شدم.

«هنگامی که به قبر می سپردم، گفتنش کنار رفت. عطر وجودش که عطر خاص سیب را می داد، مرا مدهوش نمود، آن چنان بوی خوش سیبی سراسر وجود او را احاطه کرده بود که غرق در عالم عطریات بود، چنین منظره و چنین عطری را در عمرم جای دیگر مشاهده و احساس نکرده بودم (۱)».

مدفن این عالم جلیل القدر در قبرستان شیخان قم واقع است.

فرزندان

۱ - محمد مدرس

۲ - محمد علی مدرس، فارغ التحصیل از دانشگاه تهران در رشته حقوق و نویسنده کتابهای (تاریخ احوال اجتماعی عرب قبل از اسلام، تاریخ تشکیلات فضایی ایران، تاریخ ژاپن، تعالیم اسلام و حق و قانون) (۲) است. مرحوم مدرس تبریزی از عالمانی است که آشنایان با احوال و آثارش به بزرگی از وی نام برده اند او شخصیت کم نظیری است که سهم بزرگی در احیای نام بزرگان و عالمان داشته و در فرهنگ نگاری فارسی هم سهم مهمی را به خود اختصاص داد و اگر او را سرآمد « فرهنگ نگاران فارسی زبان» بشماریم، ادعای گزافی نکرده ایم.

ای کاش کتاب «قاموس» او هم به زیور چاپ آراسته می شد تا سهم او در

۱- - مفاخر آذربایجان، دکتر عقیبی، بخشایشی، تبریز، نشر آذربایجان، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲- - ریحانه الادب، ج ۵، ص ۲۷۱، و فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۸۸.

خدمت به فرهنگ و زبان فارسی بیشتر روشن می شد، به نظر می رسد قضاوتها و اظهار نظرهایی که درباره این مرد بزرگ انجام گرفته گویای تمام ویژگیهای این شخصیت کم نظیر نیست. زیرا تعدادی از آثار مهم وی هنوز چاپ نشده به همین خاطر زحمات و تلاشش تا کنون ناشناخته مانده است. در هر حال دیدگاه بزرگان درباره وی گویای عظمت این شخصیت جلیل القدر است.

آیت الله العظمی سید محمد حجت با این القاب (بحاث خبیر و نقاد بصیر، ثقه الاسلام و سندالاعلام^(۱)) او را وصف کرده است.

سید محمد علی روضاتی می گوید:

«... مدرس تبریزی را فوق آنچه تصور کرده بودم، یافتم. ملکات و صفات عالی و نیکوی آن مرد بزرگ به قدری مرا جذب نموده بود که غالب ایام توقفم در تهران به خدمتش می رسیدم حقا بزرگ مردی فوق العاده بود^(۲)...»

در لغت نامه دهخدا با عنوان دانشمند و مؤلف متأخر از وی یاد شده است.^(۳)

مؤلف علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی می نویسد:

«مدرس تبریزی... یکی از علماء و دانشمندان بزرگ آذربایجان در قرن اخیر و فقیهی محقق، حکیمی متکلم محدثی عالم به علم رجال و ادبیات و لغت عرب و عجم بود^(۴)...»

صاحب کتاب علمای معاصرین می نویسد:

«تبحرس بر ملل عالم مبرهن... در علم معقول منقول و ادب بهره کامل و نصیب وافر دارد، و امروز در حل مشکلات و معضلات هیئت و حساب از علمای علمای عصر معدود

۱- - ریحانه الادب، ج ۸، ص ۱۷.

۲- - ریحانه الادب، ج ۸، ص ۱۱.

۳- - لغت نامه دهخدا، چاپ جدید، ج ۱۲، ص ۱۸۱۳۶.

۴- - علمای بزرگ، شیعه از کلینی تا خمینی، م، جقادیانی، ص ۳۸۸ و ۳۸۹.

در کتاب فرهنگ بزرگان اسلام و ایران به «فاضل و عالم در رجال» متصف شده است (۱) و آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر او را «عالمی متتبع و مؤلفی معروف» (۲) می داند.

مدرس تبریزی و ریحانه الادب

«ریحانه الادب» محصول نه سال تلاش مرحوم مدرس تبریزی در سالیان آخر عمرش است، این کتاب ارزشمند که در ردیف کتب معتبر و منابع شرح حال نویسی به زبان فارسی است و شرح حال ۴۶۲۴ نفر را در خود جای داده است، در زمره منابع مهم شرح حال نویسی به زبان فارسی است و از جمله منابع مهم لغت نامه دهخدا می باشد.

آیهالله العظمی سید محمد حجت (کوه کمری) در تقریظی بر این کتاب می نویسد: «مجموعه نفیسی که در معروفین و کنی و القاب ملحوظ گردید و اثر قیم و تألیف مفید و جامع متتبع شهیر و بحاث خبیر و نقاد بصیر تفهالاسلام و سند الاعلام حضرت آقای آمیرزا محمد علی خیابانی تبریزی است. البته بر اهل اطلاع و بصیرت پوشده نیست که احیای تام و آثار علمای اعلام لازم و این گونه تألیفات از طرفی آثار علمای ابرار را احیاء نموده و از طرف دیگر جامعه اسلامی را بسیار فایده می بخشد و راه را بر طالبان تراجم سهل و آسان می گرداند...»

صاحب کتاب مفاخر آذربایجان

«ریحانه الادب را عصای دست خود در تألیف «طبقات مفسران شیعه» و آثار رجالی و تراجمی خود از جمله «مفاخر آذربایجان می داند» (۳).

۱- فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۵۵۷.

۲- نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۴، ص ۱۴۵۷.

۳- مفاخر آذربایجان، ج ۱، ص ۳۲۵.

و سرانجام محمد علی روضاتی می نویسد:

به تهران رفتم و از فرط ارادت غائبانه که به مؤلف «ریحانه الادب» پیدا کرده بودم، سراغ او رفته و در یکی از حجره های مدرسه سپهسالار به خدمتش رسیده و مدرس تبریزی را فوق آنچه تصور کرده بودم، یافتم (۱).

مدرس در آینه آثار

اشاره

مرحوم مدرس تبریزی از پیشروان فرهنگ نویسی در زبان فارسی به شمار می رود و آثارش منبع بسیاری از فرهنگ نویسان بوده است. به این نکته نیز باید توجه کرد که این فرهنگ نگار بزرگ از میان عالمان حوزه علمیه برخاسته است، با این وصف سهم حوزه علمیه در نگارش فرهنگ های امروزی در صدر جدول مراکز علمی، پژوهشی قرار دارد و به جاس فرهنگ نگاری فارسی را نشأت گرفته از افکار عالمان دینی از جمله مرحوم مدرس تبریزی دانست.

مجموعه آثار چاپی و خطی (۲).

الف: آثار چاپ شده

۱ - ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه اوللقب (۲) شرح حال (۴۶۲۴) نفر، تألیف این اثر ارزشمند از سال ۱۳۶۴ ه ق (مطابق؛ ۱۳۲۴ ه ق) آغاز و تا هنگام وفات مؤلف ادامه داشت.

۲ - الدر الثمین او دیوان المعصومین:

شامل اشعار و کلمات منظومه منسوبه به چهارده معصوم علیهم السلام جلد دوم این اثر در تبریز به چاپ رسیده است.

۳ - فرهنگ بهارستان: این کتاب با اسلوب «سر الادب ثعالبی» به نگارش

۱- - ریحانه الادب، ج ۸، ص ۱۱.

۲- - ریحانه الادب ج ۱، ص ۱۷، ص ۶ تا ۸ - فرهنگ بزرگان اسلام و ایران ص ۵۵۸ و فرهنگ تراجم نگاران، این کتاب به صورت مخطوط و تألیف محقق سخت کوش آقای ناصر باقری بیدهندی که اینجانب از آن بهره مند بوده ام).

۳- - الذریعه الی تصانیف الشیعه، العلامة الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، ج ۱۱، ص ۳۴۲.

در آمده، موضوع آن مترادفات زبان فارسی است و در شعبان ۱۳۴۸ ه ق در تبریز چاپ شده است (۱).

۴ - فرهنگ نوبهار؛ موضوع آن معانی لغت فارسی به فارسی است و در سال ۱۳۴۸ ه ق در تبریز در دو جلد چاپ (سربی) شد این کتاب شامل بیش از نوزده هزار لغت است.

۵ - کفایه المحصلین فی تبصره احکام الدین:

این کتاب شرح مزجی تبصره علامه حلی به عربی و در دو جلد است جلد اول در تبریز و به صورت سنگی چاپ و منتشر شده است.

۶ - نثر اللثالی در شرح نظم اللثالی:

موضوع آن تجوید و در شرح نظم اللثالی معروف میر ابو القاسم (قاری عهد شاه عباس ثانی صفوی) است. تألیف این کتاب فارس در سال ۱۲۶۳ هجری به پایان رسید و در ذی حجه ۱۳۷۸ با خط میرزا طاهر خوشنویس در ۱۲۹ صفحه چاپ شد.

۷ - التحفه المهدیه

این کتاب از کتاب الدراک بین استخراج شده و اشعار ائمه (از امام چهارم به بعد) را شامل می شود (۲).

(ب) آثار چاپ نشده

۸ - حیاض الزلائل فی ریاض المسائل

اولین تألیف مرحوم مدرس تبریزی است که در سن ۲۸ سالگی آن مرحوم در رجب سال ۱۳۲۴ ه ق تألیف آن به زبان عربی به پایان رسید، این کتاب شرح کتاب طهارت کتاب ریاض، (معروف به شرح کبیر سید علی طباطبائی)

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، العلامة الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، ج ۱۶، ص ۱۹۳.

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، العلامة الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، ج ۳، ص ۴۷۴.

است.

۹ - غایه المنی فی تحقیق الکنی

تألیف کتاب در شعبان ۱۳۳۱ ه ق به پایان رسید این کتاب که به زبان عربی نگارش یافته، به بیان کنیه های مستعمله در غیر انسان اختصاص یافته است.

۱۰ - فرهنگ نگارستان (۱).

تألیف کتاب در محرم ۱۳۵۹ ه ق به پایان رسید. این اثر ارزشمند در برگیرنده ۵۵/۰۰۰ لغت مفرد و مرکب است و در ۵ جلد و (دستویس) نگارش یافته است.

۱۱ - قاموس المعارف

تألیف کتاب قاموس در ربیع الثانی ۱۳۴۵ ه ق خاتمه یافته است، این کتاب به زبان فارسی و حاوی ۴۵/۰۰۰ لغت عصری معمولی و شاهکار مؤلفات آن مرحوم است، که علاوه بر استیفای لغات فارسی، اکثر لغات عربی و پاره ای از لغات بیگانه را هم که در زبان فارسی رایج است، شامل می شود. همچنین شرح اجمالی عقائد و مذاهب مختلفه و اصطلاحات دینی و فنون نجومی، ریاضی، عروضی، تاریخی، غیر آنها را در بر دارد.

رساله مستقلی در دستور زبان فارسی در اول کتاب قامو نگارش یافته است که می تواند به عنوان کتابی مستقل مورد استفاده قرار گیرد.

۱۲ - امثال و حکم ترکی آذربایجانی.

محمد جواد صافی گلپایگانی (اسوه شجاعت) / ناصر الدین انصاری

مقدمه

شهرهای کوچک و بزرگ ایران اسلامی همواره در گستره تاریخ خود، نظاره گر درخشش اختران تابناک آسمان علم و ایمان بوده است. یکی از این اختران که در گوشه ای از کشور اسلامیمان دامنه فیضش بر سر همگان سایه گستر بود، مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی (قدس سره) است، که بیش از ۶۰ سال در گلپایگان، مردم را هادی شد. در این مجاه کوتاه نگاهی کوتاه به زندگی سراسر افتخار او می افکنیم.

ولادت

آیت الله صافی در روز ۲۷ شعبان المعظم ۱۲۸۷ (۱) یا ۱۲۸۸ ه^۱ ق (۲)، در بیت علم و تقوا و فضیلت در گلپایگان دیده به جهان گشود. پدر وی مرحوم آخوند ملا عباس از بزرگان و شخصیت‌های مورد احترام مردم - که علاوه بر دانش پژوهی، به تجارت می پرداخت - مادرش زهرا خانم فرزند ملا محمد باقر ادیب گلپایگانی و دایی اش ملا محمد رضا قطب - عالم به علوم غریبه - بودند.

تحصیلات

وی به اقتضای شوق فطری و اقتضای سیره خانوادگی، از همان آغاز نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. آن فقیه بزرگوار مقدمات و سطوح را نزد پدرش و دیگر دانشوران گلپایگان - که در آن زمان مجمع علما و دانشمندان بود - فرا گرفت و سپس در سال ۱۳۰۵ ه^۱ ق (۳) به اصفهان کوچید،

۱- - المسلسلات فی الاجازات، ج ۲ ص ۲۶۹.

۲- - نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳- - نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۳۱.

و تا سال ۱۳۱۶ ه^ق نزد استادان بزرگ وقت علوم متداول را فرا گرفت. وی آنی از کوششهای علمی باز نایستاد تا پس از نگارش رساله‌هایی در مسائل فقهی، در سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ ه^ق به اخذ اجازات متعدد اجتهادی نایل آمد و مورد توجه وافر استادان خود قرار گرفت.

استادان

وی در حوزه علمیه اصفهان - که در آن زمان از پر رونق‌ترین و با اهمیت‌ترین حوزه‌های علمی شیعه به شمار می‌رفت - در محضر استادان ذیل همراه با بزرگانی همانند: آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، علامه حاج آقا رحیم ارباب و آیت الله آقا سید حسن چهارسوقی شرکت کرد.

۱ - آیت الله علامه سید محمد باقر درچه ای (م ۱۳۴۲ ه^ق)، صاحب حاشیه بر مکاسب و رسائل

۲ - حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (م ۱۳۲۶ ه^ق)

۳ - آیت الله حاج آقا نور الله اصفهانی (۱۲۷۸ - ۱۳۴۶ ه^ق) صاحب کتاب مقیم و مسافر و دیوان اشعار

۴ - آیت الله علامه آقا نجفی اصفهانی (۱۲۶۲ - ۱۳۳۲ ه^ق) صاحب تأویل الآیات الباهره و بحر المعارف

۵ - علامه شیخ محمد علی ثقة الاسلام (۱۲۷۱ - ۱۳۱۸ ه^ق) صاحب کتاب لسان الصدق و معاصی کبیره

۶ - میرزا محمد علی تویسرکانی اصفهانی (م بعد ۱۳۱۱ ه^ق)

۷ - علامه میرزا محمد علی درب امامی

۸ - آیت الله آقا میرزا محمد تقی مدرس (۱۲۷۳ - ۱۳۳۳ ه' ق) صاحب الرسائل التقویه

۹ - آقا میرزا هاشم چهارسوقی اصفهانی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۸ ه' ق) صاحب مبانی الاصول و اصول آل الرسول

۱۰ - آیت الله سید محمد باقر موسوی خوانساری (۱۲۲۶ - ۱۳۱۳ ه' ق) صاحب روضات الجنات

۱۱ - علامه آخوند ملا محمد کاشانی (۱۲۴۹ - ۱۳۳۳ ه' ق)

۱۲ - علامه آخوند ملا محمد باقر فشارکی (م ۱۳۱۴ ه' ق) صاحب عنون الکلام

تدریس

آن جناب تا زمانی که در اصفهان - در مدرسه نیم آورد - توقف داشت، فقه و اصول درس می داد. مجلس درس او زبانزد فضلا و طلاب بود، و بسیاری از افراد خوش استعداد در آن شرکت می جستند که آیت الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی از جمله آنان بود. وی در سال ۱۳۱۶ ه' ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس، تألیف، امامت جماعت و راهنمایی مردمان مشغول شد.

مهاجرت به تهران

در حدود سال ۱۳۲۵ ه' ق آیت الله صافی رهسپار تهران شد و مورد استقبال شایسته حضرات آیات: شیخ فضل الله نوری، سید محمد امام جمعه و حاج میرزا ابوالقاسم صاحب حاشیه بر مکاسب قرار گرفت. وی به دلیل داشتن روحیه اسلامخواهی و دین طلبی در آن ایام که مصادف با غوغای مشروطیت

بود، با آیت الله شهید حاج شیخ فضل الله نوری همصدا شد و در تمام مراحل با شیخ فضل الله همراهی کرد، و حتی در روزهای سخت و دهشتناک محاصره خانه شیخ به وسیله مجاهدان و فاتحان، دست از یاری و همراهی شیخ برنداشت و تا واپسین روزهای زندگی شیخ شهید در کنار او بود (۱). آن عالم مجاهد پس از شهادت شیخ و تغییر اوضاع به نفع دشمنان دین، دیگر تاب دیدن آن وضعیت و تسلط بیرم خان ارمنی، سردار اسعد بختیاری و محمد ولی خان تنکابنی را بر اوضاع نیاورد، و از طریق قم و اصفهان به گلپایگان بازگشت.

بازگشت به گلپایگان

در سال ۱۳۲۷ ه^ق آن مرد بزرگ به زادگاه خویش بازگشت، و تا پایان زندگی در آنجا ماندگار شد. وی از همه مناصبی که در حوزه های علمیه در انتظارش بود صرف نظر کرد، اوقاتش را صرح ترویج دین، تدریس، تألیف، دادرسی مظلومان، مبارزه با ستمگران، تهذیب اخلاق و آگاه کردن جامعه کرد. از جمله اقدامات به یاد ماندنی آن عالم بزرگوار، مبارزه بی امان با انحرافات و بدعتهای دینی مانند: مبارزه با بهائیت و تصوف، مخالفت با خانها و فنودالها، رویارویی با کشف حجاب و مفاسد دوران پهلوی و احیای شعائر دینی و بزرگداشتهای مذهبی است که با تلاش و کوشش وی جشنهای نیمه شعبان، و موالد ائمه اطهار (ع) و عزاداری عاشورا و ایام فاطمیه در گلپایگان رواج و رونق یافت. اینک به نمونه ای از هر کدام اشارتی می رود (۲).

۱- ر ک : صافی نامه، مقدمه، ص ۸.

۲- این نمونه ها از زبان فرزندشان، حضرت آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی، بیان شده است .

مبارزه با خوانین

از جریانهای جالبی که برای ایشان در طول مبارزاتشان با مستکبران و ستمگران واقع شد، مبارزه با امیر مفخم بختیاری بود. هنگامی که امیر مفخم بختیاری نفوذ و قدرت زیادی داشت، و بویژه شعاع نفوذش منطقه گلپایگان، خمین، و کمره را در بر گرفته و در این منطقه مطلق العنان شده بود، و دهات و قرای متعددی را با زور و اکراه تصاحب می کرد و قباله می نمود، و در موقعی که جرأت و گستاخی اش تا حدی رسیده بود که افرادش را مأمور می کرد قوام السلطنه را که وزیر داخله وقت بود، در هنگام رفتن یا بازگشت از وزارتخانه از درشکه پایین کشیدند و به منزل او که در خیابان حسن آباد بود بردند، و می خواست او را چوب بزند، آیت الله صافی بر خلاف توقع او که انتظار سکوت ایشان را داشت، با او مخالفت و از گسترش نفوذ و مظالم او جلوگیری کرد و قلمرو مظالم او را تقریباً حدود کمره (خمین) محدود نمود. امیر مفخم وقتی با انواع وسایلی که در اختیار داشت، توانست ایشان را لااقل به سکوت وادار کند، جدا در مقام تهدید و اذیت و توهین به ایشان بر آمد و شخصی را به نام شهاب لشکر با جمعی تفنگدار و مسلخ برای جلب ایشان به کمره و توهین حضوری فرستاد و به ظاهر نامه دعوتی هم به دستشان داده بود، متضمن اینکه چون حضور شما در کمره برای مذاکره در بعضی امور ضرورت دارد، تشریف بیاورید و شهاب لشکر هم با عده ای مأموریت دارند که در خدمت شما باشند.

وقتی این نامه و این جمعیت به گلپایگان رسید و به ایشان ابلغ شد، تمام طبقات نگران شدند و با حال عدم سازش و تسلیمی که در آیت الله صافی دیده

بودند، خطر جانی را برای ایشان پیش بینی می کردند. مأموران دولت با اینکه در آن موقع به ظاهر خیلی بسط و ید قدرت داشتند، در خود جرأت مقاومت با شخصی که به عنوان امیر معروف بود نمی دیدند، لذا سران طبقات، بویژه علمای بزرگ که در آن عصر در گلپایگان کم نبودند، جلساتی تشکیل دادند و شهاب لشکر را تا دو سه روز یا بیشتر به عذرهایی قانع ساختند و بالاخره تصمیم گرفتند که دو نفر دیگر از علمای بزرگ نیز ایشان را در رفتن به کمره و ملاقات «امیر» همراهی نمایند. اما در اثباتی که این جریان می رفت صورت عمل پیدا کند، شهاب لشکر که از تعلق و عدم انجام فرمان امیر سخت ناراحت شده بود و شاید برای اولین بار فرمان او را با این وضع رو برو می دید شخصا در منزل آیت الله صافی آمد و پیغام داد که جواب نامه امیر را بدهند. ایشان برای اینکه شخصا به او جواب نفی بدهد، با قرآن مجید استخاره کرد که این آیه آمد: «و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا من المجرمین و کفیرک هادیا و نصیرا» وی فوراً و بدون درنگ شخصا به منزل آمد و به شهاب لشکر گفت: چه می خواهی؟

او گفت: جواب نامه را.

آیت الله صافی فرمود: امیر غلط کرد که نامه نوشت، و تو هم غلط کردی که نامه را آوردی.

سپس آن فقیه وارسته به داخل خانه برگشت. به لطف خدا شهاب لشکر چنان مرعوب شد که از همانجا رفت، و مثل اینکه مأموریتش را فراموش کرد. این واقعه بسیار عجیب بود، زیرا اگر شهاب لشکر با سوارهایش وارد منزل می شد و ایشان را دستگیر می نمود، هیچ کس از مقامات دولتی و منتقدان محلی جرأت و جسارت معارضه با او را نداشتند.

هوشیاری

امیر مفخم تا آخر عمر، از ایشان بیمناک بود و حتی در اواخر که آن قدرت قبلی را نداشت و یک خان و فتودال ساده بود و سایط متعدد بر می‌انگیخت که بلکه با ایشان دیدار کند و ایشان نپذیرفت.

از همان موقعی که رضا خان برای تسلط به ایران به عنوان جمهوری طرح رئیس جمهوری خود را می‌ریخت، در مقام برآمد از علمای بزرگ به زور و تهدید امضا بگیرد. از این رو، این کار را در بروجرد، لرستان و گلپایگان به احمد امیر احمدی سپهبد جلاد که در آن موقع در خرم آباد و به اصطلاح امیر ناحیه غرب بود، سپرد. اما آیت الله صافی با او مخالفت کرد و نه تنها خود از امضا و تأیید رئیس جمهوری رضا خان سرباز زد بلکه علمای بزرگ دیگر همچون آیت الله آقا شیخ محمد سعید و حاج میرزا محمد باقر امامی را نیز به مخالفت برانگیخت که مخالفت آن دو موجب مشکلاتی برای آنان و هجرت آقا شیخ محمد سعید به اصفهان شد. بعد از اینکه پهلوی با زور اجنبی بر این کشور مسلط شد، آیت الله صافی همیشه او را یک عامل انگلیس می‌دانست و بر آن دلایلی اقامه می‌کرد. وقتی رضا خان به ظاهر امتیاز نفت داری را لغو کرد رئیس شهربانی گلپایگان که از مذاق ایشان مطلع بود و می‌دانست که ایشان آن همه هیاهو و سر و صداها را که درباره رضا خان سر داده اند خلاف واقع می‌داند و او را نه فقط منجی ایران نمی‌داند که نورک انگلیس می‌شمارد، نزد ایشان آمد و با ارائه روزنامه‌ها و اینکه شاه چگونه قرار داد محکمی را که قاجاریه بسته اند لغو کرده است و شخصیت‌های مختلف همه به او تبریک گفته اند خواهان آن شد که در آن موضوع برای شاه تلگرافی

بفرستند، وی در جواب سکوت کرد.

رئیس شهربانی گفت: مثل اینکه در این هم تردید دارید.

آن فقیه هوشیار جواب داده بود: در آنچه که نوشته اند عمل شده است، تردیدی ندارم.

رئیس شهربانی گفته بود: پس دیگر در گفتن تبریک چه مسامحه ای دارید؟

وی در جواب گفت: من هر چه می اندیشم، نمی توانم بپذیرم که رضا خانی که خودش نوکر انگلیس می باشد و به زور و دسیسه آنها به سلطنت رسیده است، بدون اذن آنان و در مخالفت با آنان چنین اقدامی بکند!

رئیس شهربانی گفت: پس می فرمایید حقیقت چیست؟

وی فرمود: بعدها معلوم می شود.

بعد در جریان دعوای مصنوعی حکومت ایران و انگلیس و ارجاع داوری لاهه و رفتن هیئتی به ریاست علی اکبر داور به آنجا و تجدید قرار داد معلوم شد که علت آن اقدام به ظاهر جسورانه رضا خان این بود که به پایان امتیاز داری ۳ سال بیشتر باقی نمانده بود، و می بایست در پایان مدت شرکت داری تمام تأسیسات شرکت را در اختیار ایران بگذارد. و ایران به طور مستقل با امکانات فراهم شده نفت را اداره کند. برای جلوگیری این وضع، این صحنه سازی را کردند و قرار داد را برای مدت طولانی دیگر تمدید کردند. سپس در جریان ملی شدن نفت، یکی از ادله ایران همین بود که مجلس قلابی و فرمایش آن زمان، مجلس مردم نبود و لذا آن قرار داد هر چند به تصویب مجلس رسید اما بی ارزش است.

مبارزه با رژیم پهلوی

ایشان با توجه به سیاستهای استعمالی و اطلاعات تاریخی وسیعی که از اوضاع سیاسی جوامع اسلامی داشت، همواره مردم را از دسایس بیگانگان و تفرقه افکنیهای آنان در بین مسلمانان و الگوسازیهایش در مناطقی مانند ترکیه به نام مصطفی کمال آتاتورک و در ایران به نام رضا خان بر حذر می داشت، که گول ایناه را و همچنین متجدد مآبها و اروپا رفته های غربزده را نخورند. ایشان در ضمن اشعار بسیار، از این اوضاع بویژه از انگلیسیها شکایت کرده است. مثل این شعر :

انگلیسی در جهان افکنده دام مکر و فن *** ای خدایا مسلمین را سید و سالار کو

بحر پر موج و بلا در اوج و کشتی در خطر *** نوح کشتیان در این دریای محنت بار کو

صفحه روی زمین بگرفت دجال فتن *** مهدی صاحب زمان و تیغ آتشبار کو

همچنین در ضمن قصیده ای بسیار طولانی که اوضاع مسلمانان را تشریح کرده است و حیت از تبلیغاتی که پیش از اقدام پهلوی به کشف حجاب و آن مظالم بی حد و حصر برای کشف حجاب، اختلاف زن و مرد و بر چیدن سنن اسلامی می شد و غربزدگیهای نویسندگانو مجلاییت که در آن عصر بود و افکار جوانان را مسموم می ساخت، فرموده است :

هست در بعض زنان شوری پیش کشف حجاب *** خاک هر ذلت به سر این خلق بی سر کرده اند

روزی آید زین شب مظلّم که هر یک بی عفاف *** بهره ور از وصل خود رندان ابتر کرده ند

این جوانان وطن در معنی حب الوطن *** اشتباهی بوالعجب در خود مخمر کرده اند

وضع دوران اروپایی کنون سر مشق ماست *** گر چه ما را در حقیقت خوار و مضطر کرده اند

علم و صنعت را نسازد کس از آنها پیروی *** لیک لفظ مسیو و مرسی مکرر کرده اند

تا اینکه خطاب به پهلوی یا دیگری می گوید :

ای که داری آرزوی انخساف ماه شرع *** و ایکه زاول فطرت را بد مخمر کرده اند

هر چه می خواهی بگو و هر چه می خواهی بکن *** کار فرمایان عالم کار دیگر کرده اند

یک دو روزی گر مساعد گشت وقت ایمن مباشد *** صد هزاران چون تو را با خاک یکسر کرده اند

این همان خانه است کاندرا آن به جای عیش و نوش *** بستر از خاک ملکشه بهر سنجر کرده اند

با وجود آن بزرگ مرد در گلپایگان، کار کشف حجاب در آن خطه پیشرفت نکرد و این از تلگراف رئیس شهربانی گلپایگان به مرکز بر می آید. سر انجام، دوران پهلوی با آن همه مظالم و ستمگریها طی شد، و همان طور که این مرد دل آگاه مکرر خبر می داد، آن ملعون به ذلتی که عبرت همگان گردید گرفتار شد.

پس از فرار رضا خان محمد رضا به سلطنت رسید و دوران جدید استعماری با برنامه های ضد ایرانی، ضد انسانی و خلاف شرع، شروع شد. جالب اینکه آیت الله صافی این روزگار را نیز پیش بینی می کرده و در ضمن کتابی که به نظم و به نام کلمه الحق در تاریخ دوران سیاه پهلوی سروده است، از ملت ایران می خواهد تا هنگامی که این شاه جدید جایی و جانی نگرفته است، کنارش بگذارند و گرنه او نیز همان راه پدر را ادامه خواهد داد.

اگر چه رفت آن مردود گمراه *** ولی آوخ که شد فرزند او شاه

خواهد داشت جز ظلم و ستم کار *** مثل باشد نزاید مار جز مار

مبارزه با بهائیت

یکی از بزرگترین خدمات دینی ایشان، مبارزه با فرقه بهائیت بود. با اینکه آنان گلپایگان را به جهانی مطمحن نظر قرار داده بودند، و چندین مرتبه با کمک و تقویت مقامات دولتی نقشه ها کشیدند و اشخاص و جمعیت هایی را با بودجه های کلان در حمایت ادارت دولتی به گلپایگان فرستاد، و حتی شخصیت اسلامی گلپایگان در معرض خطر قرار گرفت (و این به دلیل وجود میرزا ابوالفضل گلپایگانی مبلغ بزرگ بهائیت و صاحب کتب فوائد بود) با پایمردی و فداکاریهای ایشان در آن دوران اختناق، از آن مفاسد جلوگیری شد. شرح این مبارزات، نیاز به تألیف رساله ای مستقل است تا هر چه بیشتر شخصیت ایشان بررسی شود. امر به معروف و نهی از منکر، دستگیری از ضعیفان و درماندگان آبادانی مساجد، اقامه مرتب نمازهای جماعت و تربیت مردمی صالح و شایسته و فرزندان دانشمند و شاگردانی ارجمند، از دیگر خدمات ارزنده ایشان بود.

ویژگیهای شخصی

آیت الله ملا محمد جواد صافی با سعه صدر و سماحت طبعش، فقیهی ادیب، عارف، مجاهد و نو اندیش بود. در نآ زمان که زنان کمتر سواد داشتند، همسر و دختران خویش را در کسب سواد و آشنایی با نگارش، مبانی دین، مباحث اسلامی و اخلاقی تشویق و ترغیب می کرد.

دارای ایشان به یک باغچه و زمین مختصری خلاصه می شد که خود نیز در آن کار می کرد و از آن امرار معاش می نمود و از محل سهم امام استاده نمی کرد. وی به غذایی ساده اکتفا می کرد و قناعت، زده و زندگی ساده و شیوه خود قرار داده بود و دانش و معنویت خویش را مظاهر مادی و زخارف دنیوی معامله نمی کرد. آیت الله صافی همواره در نهایت وارستگی، کرم، قناعت، آزادمنشی، دانش دوستی، خوشرویی و فروتنی زیست و هرگز کسی از وی ناشکری ندید و در قضاوت، حق را ملاک قرار می داد اگر چه بر زبان نزدیکترین افراد به وی بود. آیت الله صافی دارای حافظه ای غریب بود و تمام «مجمع الفصحا»، «حبيب السیر»، «روضه الصفا» و «تاریخ اسلام و ایران» را می دانست و بر دقایق زبان و ادب پارسی و تازی تسلط کامل داشت. وی به اندازه ای از منکر، دوری می جست که اگر خطیبی بر بالای منبر حدیثی را به اشتباه می خواند، او از پایین مجلس سخت بر می آشفته و بر او اعتراض می کرد و راه را بر تکرار خطا می بست.

قدرت ادبی

آیت الله صافی در شعر از شعرای متقدم و شیرین سخن نظیر مولوی، خاقانی، نظامی، سنایی، ناصر خسرو، انوری بویژه حافظ و سعدی متأثر بود، و بسیاری از اشعار این شاعران را تضمین کرد. طبع شعرش فوق العاده است و در هر نوع شعر از نوحه، مصیبت، غزل، غزل، مدح و قصیده سر آمد می نماید. در بسیاری از موارد فی البداهه شعر می گفت یا سخنانی مقفی و مسجع بیان می داشت.

اقتدار سخنوری این روحانین بزرگوار چنان بود که بنان و بیان در ادای رسای آن کوتاه می نماید. توابع معنا در تعبیرات وی در مرح حضرت ولی عصر (عج) با الفاظ و تعبیراتی بیان و تفسیر می شود که مستلزم امعان و دقت نظر و توجه تمام به ژرفای معنا و عمق الفاظ در احتوای بر مضامین است. در این مورد، قصیده ذوقافیتین ایشان را درباره حضرت ولی عصر (عج) با مطلع ذیل بنگیرد:

عید گشت و خواهیم از شاه فلک دربار بار *** تا زفیض باز یابد گوهر بار بار

آراستگی الفاظ توأم با صنایع بدیعی، چیرگی او را در مبانی ادبی با زمینه های وافر ذهنی و تسلط کامل او را بر ادب فارسی و عربی آشکار می سازد. انواع ادات تشبیه و صنایع ادبی در بیان کیفیات طبیعت و هر چه در آن است به کار می گیرد تا با تصویر زیباییها به ذکر ممدوح پردازد و انسان را به شادمانی و بهره گرفتن از زندگانی دعوت کند. در این مورد به قصیده ایشان درباره امام زمان (عج) که به صنعت جمع و تفریق - یکی از مشکلترین صنایع

شعری - و با مطلع زیر آمده است، اشاره می شود :

به فیروزتر زمان به زیباترین بهار *** به نیکوترین شبی به روشنترین نهار

یکی روح خرمی یکی جان آدمی *** یکی چون صبح وصل یکی چون رخان یار

که هر یک از ابیات این قصیده ۴ قطعه می باشد. شاعر هر قطعه شعر ول را تفریق کرده و صفتی از صفات یا تشبیهی از تشبیهات آن را در شعد بعد بیان کرده است .

وی به امامان هدایت (ع) سخت عشق می ورزید و بانهایت درجه به حضرت ولی عصر (عج) اعتقاد راستین و ارادت کامل داشت و در دفاع از حریم حق و صاحبان حق، با فصاحت و بلاغتی کم نظیر داد سخن می داد. آیت الله صافی اگر چه شاعری چیره دست و واقف به سبکهای مختلف شعری و قالبهای آن بود و با اشعار بسیاری از انس داشت، اما آنچه زمینه گرایش او را به شعر ترغیب می کرد و باعث سرودن هزاران شعر در محراب بیت شد، زمینه های اعتقادی وی بود که از جمله وجه ممیز او با شعرای دیگر، مورد مطالعه است.

از ویژگیهای دیگر او که نشان می دهد در خلق آثار مختلف، سبک خاصی داشته و مطالعات خود را نظم می داده است، شیوه تألیف و تبویت آثارش می باشد، وی از حافظه بسیار قوی برخوردار بود بسیار مطالعه داشت، خوشنویس و خط شناس ماهری بود و بر منابع مختلف تاریخی، فقهی سیره و کلام معصومان (ع) و علم جفر احاطه کامل داشت.

تألیفات

از آن مرد بزرگ تألیفات گوناگونی در فقه، اصول، حدیث، اخلاق، تاریخ و ادبیات به جای مانده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱ - رساله های متعدد فقهی و اصولی، شامل موضوعات: خیار غبن، اجاره، منجزات مریض، تعارض احکام ظاهریه و واقعیه، تعارض اصولی و قواعد فقهی، تعادل و تراجیح، اجزاء ظن مطلق، شبهه تحریمی، شبهه محصوره و تسامح در ادله سنن.

۲ - «اصول فقه منظوم» در بیش از ۲۰۰۰ شعر عربی (۱)

۳ - «مصباح الفلاح» و «مفتاح النجاج» (۲ جلد) (۲): این کتاب دو بار و از جمله در سال ۱۳۷۴ ه' ق به چاپ رسیده و یکی از بهترین کتابها در معارف مواعظ، عقاید و اخلاق است. مؤلف در این کتاب آیات قرآن، روایات صحیح و ادب پارسی را به هم آمیخته و مجموعه ای ساخته که اهل تفسیر، حدیث، تاریخ و شعر می توانند از آن بهره ور شوند. اگر تنها اشعار منتخب شعرای معروف را در زمینه مباحث فوق - صرف نظر از اشعار مؤلف و اشعار عربی - از دید بگذرانیم، می بینیم که از لحاظ ادبیات فارسی بسیار گرانبهاست. آیت الله سید صدر الدین صدر فرموده بود: من یک ماه رمضان در مشهد مقدس از روی این کتاب منبر رفتم و مردمان را موعظه کردم. مؤلف را بر من حقی است که هرگز فراموشش نمی کنم.

۴ - گنجینه گهر: ترجمه هزار سخنان پیامبر اکرم (ص) به نظم و نثر فارسی است که در ۱۳۲۶ منتشر شد (۳).

۵ - گنج عرفان: ترجمه هزار سخن از امیر مؤمنان علی (ع) به نظم و نثر

۱- - المسلسلات، ج ۲، ص ۲۷۰.

۲- - الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۱۶.

۳- - الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۴۷.

فارسی است که در ۱۳۲۷ به چاپ رسیده است. (۱)

۶ - گنج دانش، صد پند به فرزند برومند (۲): این کتاب دو مرتبه به طبع رسیده است.

۷ - اشعار شیوا در رد باب و بها (۳): این کتاب نیز به چاپ رسیده است.

۸ - صافی نامه و فیض ایزدی (۴): پاسخ به پرسشهایی در مورد امام زمان (ع) است، که در سال ۱۳۶۰ ه^ق ش منتشر شد.

۹ - التحف الجوادیه فی المناقب المهدویه (۵).

۱۰ - کتاب منظوم مراثی پیامبر و ائمه اطهار (ع) (۶).

۱۱ - دیوان اشعار در مدایح پیامبر و ائمه اطهار (ع) که اکثر آن در مدح امام مهدی (عج) است (۷). این کتاب در برگیرنده ۱۵۰۰ بیت است که در دقت و باریک بینی، فصاحت، بلاغت، لطافت، ظرافت، خیال و معانی بیان ممتاز است.

۱۲ - نفایس العرفان (۸)

۱۳ - کلمه الحق، تاریخ منظوم دوران سیاه پهلوی (۹)، که به چاپ رسیده است.

۱۴ - حاشیه بر رسائل شیخ انصاری (۱۰)

۱۵ - البشاره المیلادیه (۱۱)

درگذشت

سرانجام آن بزرگمرد پس از ۹۱ سال زندگی پربرکت و سرشار از خدمات دینی و اجتماعی، در شب ۲۵ رجب ۱۳۷۸ ه^ق شب شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) بدرود حیات گفت. پیکر پاکش ابتدا با شکوه

۱- - الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۳۹.

۲- - الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۳۷.

۳- - المسلسلات، ج ۲ ص ۲۷۰.

۴- - الذریعه، ج ۱۵، ص ۵ و ج ۱۶ ص ۴۰۶.

۵- - المسلسلات، ج ۲، ص ۲۷۰؛ گنجینه دانشمندان، ج ۶ ص ۴۲۱.

۶- - صافی نامه، مقدمه ص ۱۴.

۷- - الذریعه، ج ۹، ص ۵۸۵.

٨- - المسلسلات، ج ٢ ص ٢٧٠.

٩- - المسلسلات، ج ٢ ص ٢٧٠.

١٠- - المسلسلات، ج ٢ ص ٢٧٠.

١١- المسلسلات، ج ٢ ص ٢٧٠.

فراوان و با شرکت تمام طبقات مردم گلپایگان و شهرهای اطراف، در زادگاهش تشیع و سپس به قم انتقال داده شد و آن در شهر مقدس نیز با حضور مراجع تقلید و علمای بزرگ حوزه و رحانیت معظم تشیع و پس از نماز حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) بر پیکرش به امر ایشان در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در نزدیکی ضریح مطهر به خاک سپرده شد. جالب آنکه آیت الله بهجت می فرمودند:

«روزی آقای آخوند ملا محمد جواد صافی در مسجد بالاسر به من برخورد کرد و دست مرا گرفت و به سوی نقطه ای برد و فرمود: در آینده مرا در این قطعه زمین فراموش نکنید و این بعدها همان محل قبل او شد.»

از سوی آن مرجع بزرگ نیز مراسمی در مسجد بالاسر تشکیل گردید و سپس از سوی مراجع تقلید و مردم متدین در قم، تهران، نجف، اصفهان و گلپایگان تا چهلمین روز وفاتش مراسم بزرگداشت او بر پا بود، عاش سعیدا و مات سعیدا

فرزندان

ثمره ازدواج آن مرد بزرگ با صبیبه محترمه آیت الله آخوند ملا-محمد علی گلپایگانی - که معاصر همدوره و هم حجره مرحوم میرزای شیرازی بود - فرزندی شد که برخی از آنان عبارتند از:

۱ - آیت الله حاج شیخ علی صافی، نویسنده «ذخیره العقبی فی شرح العروه الوثقی (۳ جلد تا کنون) و کتابهای دیگر

۲ - آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی، نویسنده «منتخب الاثر

فی الامام الثانی عشر»، «نوید امن و امان»، «امامت و مهدویت»، «شهید آگاه»، «پرتوی از عظمت حسین (ع)»، «رمضان در تاریخ»، «سفرنامه حج» و «فقه الحج» (۳ جلد)، «توضیح المسائل»، «هدایه العباد»، «مناسک حج»، «دیوان اشعار» و دهها کتاب دیگر.

...

حسین فاطمی قمی (معلم اخلاق) / جواد نور محمد، محمدرضائی

مقدمه

عالم وارسته، عارف شیعی و زاهد پر سوز و گداز حضرت حجه الاسلام سید حسین فاطمی قمی از جمله آرمیدگان قبرستان با معنویت شیخان و از شاگردان عالم بزرگوار و مؤدب به اخلاق آیت الله حاج میرزا آقا ملکی تبریزی می باشد، وی در شب تاسوعای حسینی یعنی شب نهم محرم الحرام سال در شهر مقدس قم به دنیا آمد.

نسب سیادت

وی از سادات فاطمی قم بودند که اجدادشان همه در قم ساکن و مورد احترام اهل قم بوده اند نسبت شریفش به موسی مبرقع فرزند جواد الائمه امام محمد تقی علیه السلام می رسد سلسله نسب ایشان طبق شجره نامه ای که به خط مرجع بزرگ نسابه زبردست آیت الله مرعشی نجفی تنظیم شده چنین است:

الحاج سید حسین الفاطمی الرضوی القمی ابن حجه الاسلام سید اسحاق طاب مزیجعه ابن المرحوم المبرور السید محمد ابن المرحوم السید علی خادم حرم الست فاطمه المعصومه علیهم السلام ابن السیت محمد بن السید علی بن السید ابو محمد بن الحسن بن هاشم بن اسماعیل بن محمد بن احمد بن محمد الرشید ابن موسی نظام الدین ابن عبدالله شرف الدین ابن الحسن نورالدین ابن ابیطالب بن محمد بن محمد الباقر ابن ابی القاسم ابن جعفر ابن کاظم ابن عزالدین حسین بن علی بن ابی المعالی محمد الرضا ابن ابی البرکات موسی بن ابی المعالی اسماعیل بن ابی البرکات محمد تقی ابن جعفر محمد الطاهرین احمد بن ابی جعفر محمد النقیب بقم ابن ابی الحسن موسی النقیب بقم ابن احمد بن ابی

علی محمد الاعرج ابن احمد الکوفی ابن ابی جعفر موسی المبرقع ابن الامام الهمام جواد آل الرسول سیدنا و مولینا ابی جعفر محمد التقی الجواد سلام الله علیه و علی آبائه و ابنائه المیامین الطاهرین.

درباره سیادت آن بزرگوار دو حکایت نقل شده است که ما در اینجا یکی را ذکر می کنیم. آن بزرگوار فرمودند: مرحوم حاج ملا- حاجی که از اخیار و زهاد تهران و مورد عنایت عموم اقشار مردم در صحت عمل بود وی پدر حجه الاسلام آقای حاج شیخ عباس حائری تهرانی و جد پدری حاج اقا مهدی حائری بودند. خانواده ما با خانواده ایشان رفت و آمد داشتند. فرزند بزرگشان به نام حاج شیخ احمد که غالباً حجره پدرش را در بازار اداره می کرد با رجال و اعیان بیشتر تماس داشتند، نقل کردند روزی در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار درب حجره نشسته بودم دکتر فیلسوف الدوله که با من بسیار دوستی داشت با اوقات تلخ و چهره گرفته وارد شده گفت. حاج شیخ احمد می آیی برویم قم؟ گفتم قم برای چه؟ گفت دختر شاه را می برند برای پسر امیر همدانی، در این سن پیری به من هم امر شده تا قم در رکاب عروس باشم فعلاً من در کالسکه تنها هستم. بیا برویم، من مهیا شدم و در خدمت ایشان به قم آمدم همین که وارد شدیم بر خلاف معمول همیشه که به منزل حاج آقا سید اسحاق فاطمی وارد می شدیم چون مهمان فیلسوف الدوله بودم در خیابان حضرتی منزل کردیم و می دانستیم که حاج سید اسحاق شبهای جمعه روضه دارند اتفاقاً آن شب، شب جمعه بود رفتیم خدمتشان تعجب کردند و فرمودند: حاج شیخ احمد کجا بودی؟ کی آمدی؟ چرا اینجا نیامدی؟ من نیز قضیه همراهی با دکتر را به عرضشان رساندم چون اسم دکتر را شنیدند فرمودند: حاج شیخ احمد ما یک خانم مریض داریم که از معالجه اطبای اینجا مأیوس

شدیم ممکن است ایشان را بیاورید تا عیادتی از مریض ما بکنند، این خانم مریض دختری بود به نام ربابه خانم که خواهر حاج آقا حسین فاطمی بودند و در همان مریضی سخت فوت شد.

حاج شیخ احمد با اطمینان می گوید بله ایشان را می آورم اما چون این مطلب را به دکتر اظهار می دارد ایشان با برافروختگی می گویند؟ مگر من برای معالجه و عیادت به قم آمده ام. حاج شیخ احمد نیز برای اطمینانی که به حاج سید اسحاق داده بودند بسیار متأثر می شوند به طوری که شام نمی خورند و علی رغم اصرار دکتر با اظهار بی میلی بدون صرف شام به خواب می روند. دکتر نیز شام خورده و خوابیدند.

پس از مدتی که از شب گذشته بود برخاستم دیدم فیلسوف الدوله لا اله الا الله گویان در حیاط قدم می زند. بعد آمد بالای سر من و مرا صدا زد و گفت: حاج شیخ احمد منزل این اقا که گفتی کجاست؟ گفتم: نمی دانم گفت: برخیز برویم منزل این اقا، گفتم نصف شب درب منزل مردم رفتن صحیح نیست، گفت: فایده ندارد نوکرش را بیدار کرد چراغ را روشن کرد و به اتفاق به طرف منزل آقا روانه شدیم.

در بین راه از ایشان سؤال کردم با آن تشدد و امتناع چه شد که این موقع شب درب منزل مردم را بزنیم؟ گفت: چون خوابیدم در عالم خواب دیدم از دارلشفاء و مدرسه فیضیه داخل صحن قدیم حضرت معصومه شدم تا به حرم مشرف شوم. شخص محترمی لب ایوان طلا ایستاده از من سؤال کرد کجا می روی؟ گفتم: زیارت دختر موسی بن جعفر علیهم السلام گریبان من را گرفت و گفت مگر آن دختر موسی بن جعفر نبود که به عیادتش نرفتی؟! او بعد من را به شدت وسط صحن انداخت و ناگهان از وحشت از خواب بیدار شدم (۱).

۱- - جامع الدرر، حاج آقا حسین فاطمی قمی، ج ۱، مقدمه کتاب، با اندکی دخل و تصرف در عبارت.

حکایت پدر

مرحوم حاج سید اسحاق فاطمی رضوی قمی از مردان نیک سیرت و وارسته از دنیا بود. وی از خواص شاگردان شیخ انصاری الی الله مقامه و به ایشان بسیار نزدیک بود. حاج سید اسحاق از عنایت هایی که خداوند به ایشان داشته، حکایتها نقل کرده است و نیز داستانهای مفید و روشنفکری از حالات استادش شیخ مرتضی انصاری نقل کرده که ما در اینجا به اندکی بسنده می کنیم .

در گذشته چنین بود که موقع تشریف مؤمنین به زیارت و آستا بوسی امام معصوم علیه السلام حیوان داران که مرکب مسافرتی داشتند، حیوان های خود را در شهر می گرداندند و چاووش خوانی می کردند و در سر چهار راه ها و مراکز شلوغ به مردم قیمت مرکب و روز حرکت را اعلان می کردند این کار شور هیجان عجیبی را در مردم و خانواده ها ایجاد می کرد به طوری که از شوق تشریف و زیارت ائمه صدای گریه از خانه ها بلند می شد و حتی بعضی زنها مهرشان را به شوهرهایشان می بخشیدند تا آنها را به زیارت امامان معصوم ببرند.

آقا سید اسحاق فاطمی نقل می کند روزی مرکب در شهر می گرداندند و چاووش می خواندند چون به نزدیکی منزل ما رسید مادر من گریه کنان گفت: آقا سید اسحاق من را کربلا- نمی بری؟ گفتم: مادر می دانی که توان مالی ندارم. اگر حضرت پول برساند مضایقه نمی کنم. از این حکایت سه روز گذشت یک روز بعد از نماز صبح به دیدن یکی از آقایان تهرانی که تازه همسایه ما شده بود. در آن خانه بودم که خادم آمد و گفت یک درویشی که تن پوش چندانی

ندارد با یک نفر و دو رس اسب شما را می خواهد.

این شخص درویش بود به نام کریمی لختی که غالباً در کوه بی بی شهر بانو در نزدیکی حضرت عبدالعظیم علیه السلام منزل داشت. در اواخر عمرش به عتبات عالیات رفت و همانجا از دنیا رفت. وی در تابستان و زمستان لباس چندانی نداشت، وقتی از دنیا رفت بسیاری از خانواده های آبرومند فقیر فهمیدند آنکه شبها در خانه آنها پول و غذا می برده، او بوده است. بنده خود او را دیده بودم.

از نزد آن تاجر بیرون آمدم دیدم کریم درویش به طرف ما می آید سلام کرد. جواب گفتم. گفت: میهمان می خواهید؟ گفتم: بسم الله سؤال کرد جای حیوان هم دارید؟ به نوکر گفتم حیوان ها را در طویله ببر. آمد در اطاق نشست و گفت: آقا من کریم درویشم در کوه بی بی شهر بانو بودم مولا به من فرمود برو سید اسحاق قمی را بفرست کربلا.

برخاستم و پیش نائب السلطنه کامران میرزا رفتم و قضیه را به او گفتم و به نوکرش گفتم خورجین را بیاور، نوکر آورد و نایب السلطنه یک کیسه که در آن صد اشرفی دو تومانی بود با یک اسب و یک طاقه شال ترمه داد. رفتم منزل مستوفی الممالک تمام قضایا را به مستوفی نیز گفتم او هم این کیسه صد اشرفی با آن قاطر و این جبه خزمال را داد. به مستوفی الممالک گفتم نوکرت را به همراهم بفرست. او هم فرستاد حالا شما به این نوکر یک رسید بدهید، من نیز چنین کردم و او رفت و بعد همراه مادر وعده ای از بستگان با قافله ای بر کربلا رهسپار شدیم.

مرحوم سید اسحاق فاطمی قمی از استاد فرزانه اش چند حکایت ارزشمند نقل کرده که علاوه بر اینکه مقام معنوی شیخ بزرگوار انصاری را آشکارتر می کند از ارتباط و ارادت و نزدیکی این دو فرزانه عارف به همدیگر حکایت

می کند. آقا سید اسحاق نقل می کند: هنگامی که در نجف اشرف بودم شبی در عالم خواب دیدم مژده دادند که امام زمان عج ظهور کرده اند. با کمال شوق و شمع خدمتشان رسیدم دیدم حضرت سواره و شیخ انصاری پای رکاب ایستاده است و حضرت چیزی به ایشان می فرماید چون چشم مبارک حضرت به بنده افتاد سه مرتبه فرمود والله شیخ مرتضی نایب ما است بعد به طرف من آمدند و فرمودند: آن آجر و کچ را ببر فلان مسجد را تعمیر کن، از خواب بیدار شدم. موقع زیارتی حضرت سیدالشهداء فرا رسید به کربلا-رفتم و پس از نماز صبح به خدمت شیخ انصاری رسیدم و جریان را نقل کردم ایشان گریه کردند و گفتند: حضرت نسبت به من چنین فرمود؟ گفتم بله فرمود نفهمیدی حضرت چه چیزی به من فرمود؟ گفتم خیر. پس سجده شکر کرد (۱).

تحصیلات و استادان

حاج آقا حسین فاطمی پس از گذراندن دوران کودکی به تحصیل پرداخت و نردبان کمال و علم و ادب را به سرعت طی کرد و به مدارج عالی علمی رسید. اولین استاد او در این راه پدر بزرگوارش حاج سید اسحاق رضوی فاطمی قمی بود که از محضر شخی انصاری بهره مند بوده اند. از دیگر کسانی که حاج آقا حسین فاطمی به محضرش راه یافته مرحوم ایت الله سید محمد تقی فاطمی عموی ایشان می باشد. پس از گذشت چندین سال مرحوم قدوه الخائفین و شیخ السالکین حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی به قم تشریف آوردند، این افتخار برای حوزه پربرکت قم و فضیلتی برخاسته از آن بسیار مغتنم بود، علاقمندانی که در این فرصت ارزشمند بهره شایان توجهی بردند و حاج آقا حسین از این خیل فرزندان ادب آموخته است.

وی به راستی از محضر پرفیض حاج میرزا جواد ملکی بهره‌ها برد و این استاد به خصوص در تعیین مسیر زندگی ایشان هم بسزائی داشت و شعاع وجودی که مرد شریف را گسترش داده چهره‌ای ملکوتی و جذاب داشت و جلسات اخلاقی وی از فروغی خدایی برخوردار بود. در آن زمان یکی از جلسات با حالی که طلاب جوان و نیکو سیرت قم از آن بهره می‌بردند، منبر و عظ اخلاقی وی بود.

حضرت استاد حسن زاده آملی از دیدار خویش با آن فرزانه عارف جنین یاد می‌کند. چون خدمتش رسیدم دیدم پیرمردی است در حدود صد سال و از کار افتاده بود، پس از ادای آداب ورود از مرحوم آقا میرزا جواد آقا سخن به میان آوردم، تشویق کردند و فرمودند: «آقا کسی که در این اوضاع از من در این گوشه خبر بگیرد و دنبال احوال و آداب اقا میرزا جواد آقا ملکی (رحمه‌الله علیه) باشد معلم است که در او چیزی است.»

عرض کردم از مرحوم آقای ملکی دستورالعلمی به ما مرحمت فرمایید گفت: او خودش دستورالعمل بود، شب که می‌شد دیوانه می‌شد و در صحن خانه دیوان وار قدم می‌زد و زبانش به این شعر مترنم بود که:

گر بشکافند سراپای من *** جز تو نیابند در اعضای من

آخرین حرفش این بود که گفت: الله اکبر و جان تسلیم حق کرد. آن جناب اجازه نمی‌فرمودند که از او عکس بگیرند و بعضی از دوستان و ارادتمندانش این نقشه را طرح کردند که در حال نماز از او عکس بگیرند که نتواند مانع شود و در حالی که از عکس گرفتنش بی‌خبر بود از او در حال قنوت نماز عکس گرفتند (۱).

حضرت حجه الاسلام و المسلمین یعسوبی نیز یکی از کسانی است که

ارتباط زیادی با ایشان داشته است و درباره حالات آن سالک پرهیزگار نکات ارزشمندی بیان داشته اند که در اینجا می آوریم.

خدا رحمت کند حاج آقا حسین فاطمی را، ما با ایشان زیاد ارتباط داشتیم. خصوصی خدمتشان می رفتیم در حالی که زیر کرسی نشسته بودند موعظه می فرمودند. چهره اش به راستی ملکوتی بود. واقعا انسان نگاه به چهره این سید می کرد در انسان اثر می گذاشت. ایشان مرد معروفی بود و شب های جمعه دعای توسلی داشتند. اهل توسل و یکی از شاگردان خوب مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی بریزی بودند. کتابی هم نوشته اند به نام «جامع الدرر» دارای نکات ارزشمندی است. حاج آقا حسین فاطمی شب های جمعه کتاب «منیه المرید» شهید ثانی را می بردند و سپس مداحی و روضه خوانی می شد. مجلس وعظ ایشان مجمع فضلاء و اهل کمال حوزه بود (۱).

استاد محمد علی مجاهدی که خود مجالس موعظه ایشان را دیده اند می فرمودند: ایشان خیلی پیر بودند و قادر نبودند به خوبی راه بروند زیر بغل ایشان را می گرفتند و روی منبر کوچکی می نشانند و حضرتش موعظه می فرمودند. خیلی به خودشان عتاب می کرد و گریه می کردند به خودشان می گفتند: وای بر من، خاک بر سر من و با دست بر سر و پیشانی خودشان می زدند و گریه می کردند واقعا مجلس منقلب می شد. سپس مداحی و روضه خوانی می شد (۲).

۱- در مصاحبه با جه الاسلام یعسوبی امام جمعه محترم ایلام.

۲- در گفتگو با استاد محمد علی مجاهدی در تاریخ ۱۳۷۴/۸/۲۶.

شاگردان

محفل درس اخلاق حاج آقا حسین فاطمی شاگردان زیادی را از حوزه علمیه قم گرد می آورد. اکثر فضلاء معاصر و زیدگان حوزه قم به درس اخلاق حاضر می شدند و از انفاص ملکوتی آن فرزانه عارف که به حق عطر دل انگیز استادش حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی را داشت بهره مند می شدند در اینجا به یاد کرد نام عده ای که خدمت آن جناب را درک کرده اند می پردازیم:

- ۱ - حضرت استاد حاج شیخ رضا استاد.
- ۲ - حضرت استاد سید محسن خرازی.
- ۳ - حضرت استاد حاج شیخ علی عراقچی همدانی.
- ۴ - حضرت استاد حاج شیخ روح الله شاه آبادی.
- ۵ - حضرت استاد سید ضیاء الدین اشکوری.
- ۶ - حضرت استاد حاج شیخ علی پهلوانی.
- ۷ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ محمد عمانی.
- ۸ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ علی ثابتی.
- ۹ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ رضا معینی.
- ۱۰ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ حسین جاویدی کرمانی.
- ۱۱ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ رضا مؤیدی.
- ۱۲ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ ابوالحسن مصلحی فرزند حضرت آیت الله العظمی اراکی.
- ۱۳ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ علی رضا الهی داماد آیت الله اراکی.

۱۴ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ علی اصغر باقری.

۱۵ - حضرت حجه الاسلام حاج شیخ سید صادق شمس.

پشتیبان امام خمینی (قدس سره)

در سال ۱۳۴۰ قمری در عید نوروز دژخیمان رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه حمل کردند و طلاب را دند و از بام مدرسه به زیر انداختند. عده ای را شهید و مجروح کرد و عده ای را نیز دستگیر کردند. در همان ایام بود که جرقه انقلاب زده شد. شروع حرکت حضرت امام و ایجاد جو رعب و وحشت در قم باعث شد که مسافرت ها به قم بسیار کم شود و عید آن سال قم بسیار خلوت شد.

یکی از کسانی که مرید حاج آقا حسین فاطمی بود و مسافرخانه داشت و از جو حاکم بر قم ضرر مالی دیده بود به خدمت حاج آقا حسین فاطمی آمد و از امام گلایه کرد که: کار آقا خمینی خوب نیست و ابراز ناراحتی کرده بود که تخت های من با شبی دویست تومان کرایه خالی مانده است. خلاصه حاج آقا حسین فاطمی نیز از گفته های ایشان متأثر شده بود و در سخنرانی شب جمعه در منبر از امام انتقاد تندی کرده و گفتند: معلوم نیست کار شما درست باشد؟ چه کار دارید به این مردم؟ چه کار دارید به این دولت؟

نزدیک محرم بود و حاج آقا حسین فاطمی به مشهد مقدس رفتند پس از بازگشت به قم عده ای از دوستان به خدمتش رفتند. ایشان فرمودند شب اول که وارد مشهد شدیم در خواب دیدم که حضرت رضا نشسته اند و طرف راست ایشان آقای خمینی نشسته و طرف دیگر هم من نشسته بودم حضرت امام رضا در عالم خواب رو کردند به من و به امام اشاره کردند و فرمودند: ((این مجاهد

فی سبیل الله)) و این جمله را دو سه بار تکرار کردند و ما از خواب بیدار شدیم.

پس از آن رؤیای صادق حاج آقا حسین فاطمی در قم فرستادند منزل امام که به دیدارشان بیایند چون خودشان پیر بودند و نمی توانستند به خدمت ایشان بروند. حضرت امام نیز با حاج اقا مصطفی خمینی به منزل ایشان رفتند و ایشان خیلی به امام ابراز محبت کردند و از آن روز به بعد یکی از پشتیبانان حضرت امام بودند و درباره حرکت امام تشویق و ترغیب می کردند (۱).

تالیفات

از آن مرد پارسا تألیفات زیادی باقی نمانده است بلکه می توان گفت به راستی از فکر تألیف و پرداختن نوشته و اثر علمی فارغ بوده است آنچه از ایشان باقی است کتابی ارزشمند در دو جلد به نام (جامع الدرر) است که گوهرهای فراوانی شامل حکایت خوبان و کلمات نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیه السّلام را در خود جای داده است. این کتاب به همت برخی از ارادتمندان ایشان از میان یادداشتهایشان در زمان حیات آن بزرگ فراهم آمده و خود آن بزرگوار در تنظیم آن زحمت کشیده است.

در مقدمه این کتاب آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی نور صدور العارفين بانوار الكشف و الشهوده و ثبت اقدام السالكين فی طریق الوصول الى المقصود، و وفق المطيعين لاقامه مرضاته من اطهاره الى الحدود، و زين لسان الشاكرين بالثناء على الملك المعبود و الصلوه و السلام

۱- - مصاحبه با حضرت حجه الاسلام و المسلمین یعسوبی امام جمعه محترم ایلام؛ یادداشتهای آقا شیخ محمد تعمیر کاری از ارادتمندان حاج آقا حسین فاطمی.

علی جامع الصفات المحمود و محور اراده الوجود و علی اولاده و خلفانه معدن الكمال و الوجود الی قیام یوم الورد.

و بعد شکر بیحد و ثناء خداوندی را سزا است که توفیق را شامل حال این فقیر سراپا تقصیر فرمود و توجه اجداد طاهرینم یاریم نمود، با حال ضعف و ناتوانی و همکاری بعضی از اخیار و احباء دینی، جلد اول کتاب جامع الدرر، از طبع خارج و در دسترس اخوان ایمانی گذاشته شد و مجدد؟ شکر گزارم که نعمت حیات برایم باقی ماند، بلکه موفق شوم متفرقاتی را که به خواهش و تقاضای بعضی از دوستان جمع آوری نموده و به عنوان جلد دوم طبع و بان ضمیمه شود امیدوارم این موفقیت نصیبم شده و یادگاری از این ناچیز بماند.

غرض نقشی است کز ما باز ماند *** که هستی را نمی بینم بقائی

ضمنا از مطالعه کنندگان و ناظرین، تمنا دارم نواقص و معایبی که در این مجموعه به نظرشان می رسد غمض عین فرموده و بر این شکسته از کار افتاده، خورده نگیرند و از دعای خیر فراموشم نفرمایند

در این کتاب پریشان بینی از ترتیب *** عجب مدار که چون حال من پریشان است

و چون اغلب مطالب این کتاب، از لسان، اهل بیت طهارت علیهم السلام اخذ شده، لذا تیمنا مصدر ندمم به ذکر

مختصری از فضائل و مناقب ابی الائمه و سراج الائمه ابی الحسنین علی بن ابیطالب و مقدمه برای اداء وظیفه، به برادران عزیزم عرضه می دارم که برای علاقه و محبت به خودتان گوش به عرایض این پیر سالخورده گناهکار بدهید و فکر کنید خدا به ما نعمت وجوه بخشیده، در حالی که در سابق از ما نام و نشانی نبوده چنانچه اول سوره مبارکه هل اتی آن اشاره فرموده انهم از نطفه پست نجس که دارای شعور و ادراک نبده، به ما گوش شنوا و چشم بینا و دل حافظ مرحمت فرموده: «و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده لعلکم تشکرون» (۱).

و بدیهی است این چشم و گوش و دلی که به انسان ارزانی داشته، غیز از چشم و گوش است که به سایر مخلوقات داده چرا که انسان می تواند به وسیله آن سیر در عوالم خلقت نموده و خالق و موجد خود را بشناسد و او را به یگانگی پرشش نماید، چنانچه امام هفتم علیه السلام به هشام فرمود: ان الله علی الناس حجتین، حجه ظاهره که وجو مقدس انبیاء می باشند و حجه باطنه همان چشم و گوش باطنند و یا قوه عاقله انسانی که راهنمای بنده است به خودشناسی اولاً و خداشناسی ثانیاً. فرمودند: من عرف نفسه فقد عرف ربه بالنتیجه می فهمد که انسان عنصریست که تمام مخلوقات از جمادات و نباتات و حیوانات، بلکه نترس و بگو ملانکه، از

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند الخ»

اکنون بیاری خالق مهربان و مساعدت جدم امیر المؤمنین (صلوات الله علیه و علی اولاده الطاهرین)، ابتدا میکنم به ذرک پاره ای از فضائل مولی الموالی امیر مؤمنان و با این شعر زبانم و قلبم مترنم است (۱)

از تو مدد می طلبم یا علی *** جز تو مرا نیست مدد یا علی

شعر

عارف فاطمی علاوه بر دم مؤثر و پندآموز از قریحه شعری نیز برخوردار بود و گهگاهی ذوق و حال خویش را در غالب شعر نیز بیان نموده است.

متأسفانه نه آن بزرگوار در قید جمع آوری مکتوبات خویش داشتند و نه اطرافیان بیش از آنچه هست توفیق یافته اند، به هر حال ابعاد شعر او و اندیشه او نیز از این زاویه قابل تحقیق است و ممکن محصول مبارکی را به ارمغان گذارد ما در اینجا به یک شعر از ایشان که به همراه موعظه مختصر آمده است، نقل می کنیم:

ای برادر دل از ما سوی ببر یک جهت به سوی حق نما اینها از تو خواهی نخواهی جدا خواهند شد آن کسی که با تو است و در حال محتاج اوئی و از رفاقت و صالح با او چاره ای نداری، خداست حدیث قدسی لابد شنیده ای انا بدکم فرمود من بد شمایم چاره ای از من ندارید، در ورقات لابد خواهی دید حضرت صادق علیه السلام به یکی از تلامذه خود چه فرمود چه از من آموختی؟ عرض نمود هشت چیز فرمود بگو ببینم عرض کرد دیدم هر کس از محبوبش به مرگ

۱- - جامع الدرر، حاج اقا حسین فاطمی قمی، ج ۲، ص ۶ - ۴، چاپخانه علمیه قم.

جدا می شود اهتمام نمودم دوستی بگیرم از من جدا نشود. وقت مرگ قبر و برزخ با من باشد و او عمل صالح است فرمود احسنت والله خوق فهمیدی.

هر صورت دلکش که تو را روی نمود *** آخر فلکش ز دور چشم تو ربود

رو دل به کسی ده که در اطوار وجود *** با تست همیشه با تو هم خواهد بود

این چند شعر از خود این غافل است با قریحه خامده گفته ام بامیدی

گفت پیغمبر آن فخر عرب *** اصدق شعر قالبته العرب

قول آن مردی لبیدش بود نام *** غیر حق باطل بود بی اسم و نام

کل شی ما خلا الله باطلند *** مفلس و لا شیء با حق قائمند

غیر او چیزی نبینی روز و شب *** هستی او مدرک آید بی سبب

با وجود او سببها شد پدید *** جملگی اعدام با هستی پدید

چشم بگشا جلوه حق را بین *** مینماید خویش در هر مه جبین

بارالها برطرف کن این غرور *** ده شفا از فضلت این چشمان کور

جز تو در عالم نبیند چشمان *** جز تو گردد محو از انظارمان

مواعظ

اشاره

از مرحوم آیت الله حاج آقا حسین فاطمی قمی اندرزها و نصیحت های دلکش و پرفروغی آمده است اندیشه هایی که روزی با نورانیت خود شمع قلوب سحر خیزان نیمه شب بوده است، ما گزیده ای سودمند و زیبا از آن را برگزیده ایم و به آستان خداجویان تقدیم می کنیم.

توصیه به تقوی

ای آقایان تأملی بفرمائید و مفاد این دو حدیث شریف را از نظر نیندازید و نصب العین خود سازید بپرهیزید از صعودی که نزولش طاقت فرسا است با این همه خطیئات و جرائم بی شمار، شما ملا-حظه کنید در مقابل عطایای بی شمار پروردگار مهربان او سر خجلت بزیر افکنده به خود آئید، مهربان خدائی که با این همه تجری شما در معاصی، او عجله در عقاب و مجازات نمی فرماید این هم از فرط رحمت اوست تا بلکه بیدار شویم و بازگشت به او نمائیم و گرنه خوف و عجزی در قادر متعال راه ندارد. شما خود همه روز در وقت برخاستن از زمین بین رکعات نماز اقرار می کنید و می گوئید بحول و قوه تو می ایستم و می نشسنم و لا- حول و لا قوه الا بالله می گوئید و در دعای افتتاح در ماه مبارک رمضان ان شاء الله با تأمل و تدبر و تفکر عرض می کنید (الحمد لله قاصم الجبارین مبیح الظالمین و الحمد لله الذی یؤمن الخائفین و ینجی الصالحین و یرفع المستضعفین و یضع المستکبرین و یهلک ملوکا و یتخلف آخرین، جناب امیر المؤمنین علیه السلام به پیشگاه رب العزه عرض می کند بیدک ناصیه کل دابه و الیک مصیر کل نسمة، چنین وجود مقدس و منزهی که غالب بر همه ماسوی و همه مغلوب اویند، نباید علم مخالف بر افراشت، مادر طرفیت با هر اولای میزان ضعف و قوت او را در نظر می گیریم، ولی نسبت به حق جل ذکره ابدأ این اندیشه را نداریم، امروز روز بالا رفتن ماست، پائین آمدنی هم در عقب داریم، فکر پائین آمدن خود باش این دعا را در نظر داشته باش:

«و استولت علی المظالم و طالت شکایه الخصوم و اتسلت دعوه المظلوم صل علی محمد و آل محمد و ارض خصومی عنی مظلمتها»

یعنی بر من مستولی شد شکایت خصمان من و طولانی شد شکایت آن‌ها و نفرین کسانی که بر آنها ظلم کردم پیاپی در عقب من است (صلوات بر محمد و آل محمد پروردگار من خصمان مرا از من راضی کن و احسان خود یکی از خصمان ما اطفال بی‌گناه ما هستند، هر گاه در مقام شکایت بر آیند و عرض کنند خدایا حکم کن بین ما و پدر و مادر ما، که به ما غذاهای حرام خوراندند ما را بی‌پرده و بی‌حیا بار آوردند، از اینکه اسباب ساز و رقص برای ما، در خانه مهیا کردند و ما را فرستادند دنبال تحصیل علمی که به درد دیانت ما نمی‌خورد، لذاست که معصوم علیه السلام می‌فرماید «ویل لاطفال آخر الزمان من ابائهم» و ای به حال بچه‌های آخر الزمان از پدران آنها، عرض کردند پدران کافر آنها فرمودند نه بلکه پدران مسلمان آنها، دقت کنید بالاتر مصیبت ما این است که فرزندانیکه برای رشد و پرورش آنها دقت کنید بالاتر مصیبت ما این است که فرزانی که برای رشد و پرورش آنها از همه چیز خود صرف نظر کردیم و دنیا و آخرت خود را فدای آنها نمودیم، فردا بزرگترین خصم ما همین فرزندان ما هستند، اگر خوب اندیشه کنیم خواهیم فهمید که ما دنیا هم نداریم تا چه رسد به آخرت برای اینکه قانون مقدس پیغمبر محترم اسلام را زیر پا گذاشتیم و قانون لامذهبی را بر آن ترجیح می‌دهیم، بی‌جهت نبود که صدیقه کبری مادرم فاطمه زهرا در جواب زن‌های مهاجر و انصار که پس از صدقات وارده به پاره تن پیغمبر، به عیادت او آمدند و سؤال می‌کنند ای دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چگونه شب را بروز آوردی؟ شکایت از بی‌وفائی مردان آنها فرمود؛ زیرا می‌دانست با آن کثرت آرائی که حق ثابت پسر عمش را غصب کردند این قانون بی‌عدالتی و حق‌کشی، برای همیشه تا ظهور فرزندش مهدی در میان امتان پدرش حکیم فرماست، لذاست که بزنها فرمود چرا علی را نخواستند به خدا از تیزی شمشیر او و بیم و هراس نداشتن او از مرگ و پایمال نمودن شجاعان و صدمه حملات

او در معرکه های حرب و غضب او را در راه خدا دیده بودند که به خاک مذلت مالیده باد دماغها جماعتی که گمان می کنند نیکوکارند و حال آنکه مفسد و بدکارند و لکن نمی دانند آیا کسیکه دیگر آن را به سوی حق هدایت کند سزاوارتر است است که پیروی شود یا آن کس که خود راه هدایت نیافته. جز آن که دیگری او را به راه ندارد، چه شده است شما را به جان خودم سوگند امروز این کردار شما آبستن است، پس صبر کنید آن مقدار که زمان حل منقضی شود و هنگام نتایج فرا رسد، آن گاه بدوشید به مقداریکه ظرفها بزرگ و عمیق مملو از خون تازه شود، و زهر مهلک و کشنده در آن در آن وقت زیان کاران اهل ضلالت و بطالت را خواهند دانست، آنان که بعد از این به عرصه وجود آیند عاقبت آن چه را پیشینیان تأسیس کردند، پس از آن با طیب خاطر از دنیای خود، دست طمع بردارید و با اطمینان دل آماده فتنه و بلا باشید، مسرور و فرحناک شوید به مژده شمشیر برنده و سطوت جابرین ظلم کننده، و هر جی عام و فرو گیرنده و غلبه استیلائی از ستم ستمکاران که باقی نگذارد از فیؤ و غنیمت شما مگر اندکی و بدروند جمع شما را و باقی نمانید مگر قلیلی، چه بسیار حسرت و ندامت که خواهید خورد و چه خواهید کرد و حال آن که از طریقه حقه کور نابینا گردیده اید.

حال برادر نیک تأمل کن در امر دنیا و اهل آن، اکنون که راحتی موقت و خیالی را هم از دست ما گرفته اید کسی که اهل آخرت باشد دلخوش است که در آن عالم راحت و لذت جاوید دارد، من و تو چه دلخوشی داشته باشمی که نه دنیا داریم و نه آخرت.

از جناب ابی ذر پرسیدند که «ماسلنا نکره الموت؟» چه شده ما را که از مرگ کراهت داریم؟ فرمود زیرا شما دنیا و آخرت را خراب کردید، شخص

کراهت دارد از جای اباد به محل خراب برود ما که هم دنیامان خراب و هم آخرتمان، گدای ارمنی شده ایم چاره نیست اگر در پی چاره جوئی هستیم جز این که توجه پیدا کنیم به آن کسی که از مادر بلکه از خود ما به ما مهربان تر است و الحاج و التماس نمائیم تا هر دو را اصلاح فرماید که «من یتق الله يجعل له مخرج؟ و یرزقه من حیث لا یحتسب» علی علیه السلام می فرماید: «و اعلموا انه من یتق الله يجعل له مخرج؟ من الفتن و نورا من الظلم و یرزقه من حیث لا یحتسب»، تقوی سرمایه راحتی دو دنیا است سرمایه رزق از جائیکه گمان ندارد سرمایه بیرون آمدن از ظلمت به عالم نور است، بیا تجربه کن اگر به مقصد نرسیدی. اسباب کجی و بی دیانتی همه وقت موجود است، دوباره برگرد، فرمود: من انقطع الی کفیته و ان دعانی اجبته و ان استکفانی کفیته؛ خالق من با تو وعده فرموده کسی که از غیر برید و به من پیوند کرد او را کفایت کنمن و اگر از من برید و به غیر پیوند کرد او را واگذار به آن غیر کنم، و ای به حال آن کسی که خدا او را به غیر واگذار نماید «ان الله لا یخلف المیعاد» خداوند خلف وعده نمی کند امتحان خود را داده ما کور و کر هستیم مولی علیه السلام می فرماید حب الدنیا یعمی و یصم و ینزل الرقاب. یعنی دنیا شخص را کور و کر و گنگ و گردنها را ذلیل نموده.

این است تأثیر علاقه مندی به دنیا و گرنه خداوند بنده نواز و کریم چاره ساز از عبادات و حسنات ما بی نیاز است و برگناه، بنده را به زودی نمی گیرد (۱).

همت بلند

مؤلف گوید: به برادران خود برای تذکر خدمتشان عرض می کنم که قیمت هر کس به قدر همت اوست اگر همت مرد دنیا است او را هیچ قیمت نیست، زیرا

۱- - جامع الدرر، حاج اقا حسین فاطمی قمی، ج ۲، ص ۶ - ۴، چاپخانه علمیه قم.

که لقب دنیا لا- شیء است و کسیرا که همتش ناچیز باشد، قیمتش نیز مثل آن باشد و هر که را همت عقبی است. قیمت او نعیم عقبی است، عارفی گوید حق تعالی دنیا را بیافرید و فرمود: بر قومی بیاراستند و ندا در داد که این جای بلاست و بهشت و آخرت را بیاراست و فرمود: این نشان عطا است آن گاه فرمود: هر دو گیتی از آن ما است بلی «الدنیا حرام علی اهل الاخره و الاخره حرام علی اهل الدنیا و هما حرامان علی اهل الله (۱)»

توبه واجب فوری

برادران عزیز اگر شخصی تریاک بخورد باید او را فوری بمریضخانه برساند که طیب به وسیله دواجات عملی نماید که سم را استفراغ کند و اگر از مریض مسموم قدری غفلت نمایند یا دیرتر برسانند او را به طیب، قطعاً تلف خواهد شد.

ای عزیزان نفس ها مسموم شده، زیرا از قلوب خالی از ایمان بیرون می آید و عموم مردم، خاصه جوانان را مسموم می کند بر شما باد بعدم معاشرت و مخالطه با امثال این مردم که ایمان و عقیده را فاسد می نماید.

حق سبحانه برای بندگان خود دو حجت قرار داده، حجت ظاهر که انبیا و رسل و ائمه طاهرین باشند که فرمایشات آنها را به گوش مبارکتان رساندیم در باب ریش تراشی و گرفتن شارب، و حجت باطن که عقل باشد جلالت و شرافت آن را نیز ذکر نمودم، حال اگر دارای ملکه عقل هستید که فرمودند عقل شرافت آن را نیز ذکر نمودم، حال اگر دارای ملکه عقل هستید که فرمودند عقل چیزی است که با او تمیز داده می شود بین قبیح و حسن ببینید عقلتان چه حکم می کند در این گفته ها، البته خطاب این ناچیز به آن دسته اشخاص می باشد که

ساختمان عالم و ساختمان خود را از دیگری می دانند او را بنائی ساخته و نقشه معماریست عالم و حکیم و قادر، می بیند تمام اجزاء و ساختمان مرد و زن از جهت مویکیست؛ در سراپای مرد، هر چه مو باشد در سراپای زن هم می باشد، الا صورت مرد که حسن او را در ریش قرار داده و حسن زن را در بی موئی و صافی قرار داده. اگر حب دنیا فکرتان را خراب ننموده و از بین نبرد که فرمود: مولی امیرالمؤمنین (ع) حب الدنیا یعمی و یصم و یبکم و یذل الرقاب، یعنی حب دنیا شخص را کور می گرداند و گردنها را ذلیل می کند، با اندکی تأمل و تفکر خواهید یافت که این مخالفت و سرکشی یا از جهت آن است که خود را مستقل در این بناء و این بناء را از خود می دانید، یا از جهت عناد و لجاج با آن معمار از لیست که آن را ساخته، و یا شعور و ادراک خود را بهتر آن می دانید، خوب است مثالی ذکر شود اگر اول معما، نقشه بکشد و بر طبق آن، خانه و ساختمانی بنا نماید شاگرد بنائی، تیشه بردارد. قطعه از بنا را خراب نماید آیا مورد غضب آن معمار نخواهد شد؟ ای جامعه که خود را بنده می دانید و آن معمار ازلی را رب خود می دانید، عالم و قادر و حکیم و شفیق و مهربان حتی از مادر به تو مهربان تر، بلکه خودت به تو مهربان تر است این چه جسارت و بی حیائی است؟ تیشه بر دست گرفته، این قطعه از بنا که حسن و عزت و وقار و زینت تو قرار داده، از بین ببری؟ این چه جنگی است با خالق خود؟ مردم جامعه از هر طبقه که باید این را مشاهده نمایند و زیر سیل بگذارند برای نفع خسیس دنیا با آنها مدهانه نمایند کأن لم یکن شیئا بلکه برای نفع پست دنیا بر عزت و احترامشان بیفزایند. آیا فرمایش: الراضی الراضی بفعل المحسن؛ شریک فی احسانه و الراضی بفعل المسیء شریک فی اسائه را قبول ندارند؟ و مورد توجه در نزد موالیانشان نمی دانند؟ نظر نما در عظمت

این گناه بزرگ، که امروز در نظر ما بی وقع شده و کار ما به جایی رسیده که علمای ما و اخیار، دیگر این منکر بزرگ را کمتر نمی می کنند ولی علماء گذشته، چون مردم را علاقمند بدین می دیدند، این عمل را جدا نمی می نمودند، از جمله به ذکر یکی از آنها می پردازیم؛ عالم جلیل زاهد جناب آقای سید محمد علی، معروف به آقا مجتهد که نادره عصر خود بوده، و از تلامذه او شیخ الطائفه، علامه انصاری و سید صاحب «روضات» بوده و این سید جلیل بکاء و کثیر المناجات بوده، شبی از شب های ماه مبارک رمضان در حرم مطهر پشت سر مقدس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به خواندن دعای ابو حمزه شروع کرد در کلهم اول: الاهی لا- تؤدبنی بعقوبتک گریه او را گرفت، و پیوسته این کلام را مکرر می کرد تا غش کرد او را از حرم مطهر بیرون آوردند.

روزی در مجلسی که بر پا شده بود برای اقامه عزای حضرت سید الشهداء (ارواحنا فداه) حاضر شد در آن مجلس، جماعتی از اعیان و اشراف بودند، ناگاه وارد شد آن مجلس، یکی از شاهزادگان که ریشش را تراشیده بود؛ سید چون نظرش به صورت او افتاد؛ فرمود: حلق اللحیه من شعائر المجوس و صار من عمل اهل الخلاف.

تراشیدن ریش از شعار گبران بوده و حال عمل اهل خلاف است و این مرد ریش خود را تراشیده و آم ده است برای عزاداری سید الشهداء علیه السلام و می ترسم که هر گاه روضه خوان بالای منبر رود و این مرد، در اینجا باشد، سقف فرود آید پس از آن مجلس برخاست و بیرون رفت، و حق هم همین است آن طور که بین ما رسم است که در مجالس، نوعاً اهل معاصی خصوصاً جوان های ریش تراش. برای پذیرائی، در مجالسی که مخلوط از زن و مرد

است خدمت می کنند؛ و اسفا بر این اوضاع و احوال بر این خدمت ها؛ درست مصداق آیه شریفه «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا الذین صل سعیمهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسبون صنعا (۱)»

هستیم و ای بر ما (یوم تبلی السرائر) که این اعمال صالحه و حسنات خود را در کفه سیئات مشاهده می کنیم، زیرا مجالسی که محل تردد و آمد و رفت ملائکه و حضور ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، باید به وسیله افرادی پاکیزه و منزّه و ظاهر الصلاح و خوش سیرت، و بالأخره به بهترین وجهی که مورد رضای خداوند تبارک و تعالی و حضرات ائمه هدی (سلام الله علیهم) است باید باشد.

و برای اینکه پس به عظمت این گونه محافل برده شود «رجوع شود به این قسمت از کتاب «کبریت احمر» مرحوم بیرجندی (رضوان الله تعالی علیه) که می فرماید: باید دانست که حضور در این مجالس؛ ثواب عظیم دارد، بلکه عناوین عدیده دارد که به هر کدام می شود قصد قربت کرد مثلا مجالس مذاکره علم است، مجالس لقاء اخوان و زیارت ایشان است، مجالس کسب برادر صالح فی الله است، مجالس تعیت و سلام بر مؤمنین است، مجالس قضاء حاجت است، مجالس احسان بعباد است، مجالس زیارت علماء است، و مجالس نظر به صورت علماء و ذریه طاهره است، مجالس فضائل و مناقب آل الله است، و فضایح و مثالب اعداء الله است. و مجالس زیارت و سلام بر ائمه طاهرین است، و مجالس تعزیه است؛ و مجالس صلّه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت زهرا علیهم السلام است، و مجالس اداء حقوق است؛ و مجالس دعا از برای برادران دینی است؛ مجالس احیاء ائمه است، مجالس احتراز از فسق و فجور و خلاصی از غیبت و تهمت و سایر معاصی است.

شاذان بن جبرئیل، در کتاب «فضائل» از ام السلمه روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جمع نمی شود جماعتی که ذکر کنند فضائل علی ابن ابی طالب را، مگر آنکه ملائکه نازل می شوند، و اطراف آن جماعت را می گیرند، تا آنکه متفرق شوند، آن گاه به آسمن عروج می کنند، پس ملائکه آسمان می گویند: از شما بوئی استشمام می کنیم که بهترین بوها است جواب می گویند: ما در نزد قومی نشستیم که ذکر می کردند، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت او را و از بوی آن ها معطر شدیم، ملائکه آسمان می گویند ما را ببرید تا ما نیز با ایشان بنشینیم، آن ملائکه می گویند آنها متفرق شدند و هر یک به منزل خود رفتند می گویند: ما را ببرید تا از آن مکان معطر شویم.

و مثل این را در منتخب طریحی در مجالس ذکر و مراثی اهل بیت آورده. مخفی نباد که بوی بهشت آن قدر معطر است که اگر حور العین از گیسوی خود؛ چیزی باین عالم بگشایند؛ اهل این عالم طاقت نیاورند، و از بوی خوش آن هلاک شوند اما بوی مجالس ذکر فضائل و مصائل اهل بیت بر آن غلبه دارد.

بگو به خادم جنت که خاک این مجلس *** به تحفه بر، سوی فردوس و عود مجمر کن

و بعد می فرماید: در نهایت ادب و کمال؛ خضوع و خشوع بنشیند و خود را از محرومات و هزلیات، مثل نظر بنا محرم و عیب جوئی قاری و غضب کردن مکان مستمعین، تنگ کردن مکان برایشان، و خنده و غیر ذلک محافظت کند، بر خلاف مجالس زمان که مشتمل بر کثیری از محرمات است کما ذکر بعضها

این برادر ایمانی و ای منتظر ظهور موعود السرور آن نور الهی قضیه دجال

و آن نان و آب نعمات دل ربای آن دشمن و ربایرا شنیدی که بهم را به صداهای دلفریب خود از طرف آن مصلح عالم و ذخیره خداوند یگانه می رباید، اکنون مایه و استعداد ایمان خود را تا وقت نگذشته ملاحظه نما تا آن روز را مشاهده نمودی، ای بیچاره تو که از این طربهای بی ثبات که مشحون به جمیع آلام و اسقام است صرف نظر نکنی، چگونه امیدواری که آن روز تو ثابت بمانی؟ و از طرف ولی عصر عج نگریدی بطرف آن آوازا که همه را از خود بی خود می نماید؟ نمی ماند مگر به قدر نمک طعام و سرمه چشم، حلاوه الدنیا و مراره الاخره حدیث معصوم را شنیدی که جمع بین دو شیرینی نمی شود و دو تلخی هم نمی شود و نیز شنیدی دنیا و آخرت ضررتان هر کدام از آن دو هوو را اراضی نمائی دیگری دلتنگ می شود.

در «سفینه البحار» در لغت غنا مرقوم فرموده اند در جلد اول «جامع الدرر» ذکر شد اینجا هم به مناسبت مقام تذکر داده می شود، شاید در قلوب قاسیه نرمی پیدا شود. عن عاصم بن حمید عن ابی عدالله علیه السلام فی حدیث قال قلت: جعلت فداک انی اردت ان اسئلک عن شیء استحیی منه قلب أفی الجنة غناء قال علیه السلام ان فی الجنة شجرا یأمر الله ریاحها فتهب فتضرب تلك الشجرة باصواب لم یسمع الخلاقین بمثلها، ثم قال هذا عوض لمن ترک السماع فی الدنیا من مخافه الله.

و فی حدیث النبوی ما من عبد دخل الجنة الا و یجلس عند رأسه و عند رجليه ثنتان من الحور العین تغنیانه بأحسن صوت.

در تفسیر در ذیل آیه «فی روضه یحبرون» در وصف تغنی و آواز در بهشت در خب است روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وصف بهشت را می فرمود مردی

برپا خاست عرض کرد یا رسول اله در بهشت آواز خوش هست؟ من آن را دوست دارم، فرمود. بخدائی که جانم در ید قدرت اوست که در بهشت درختی است که چون آوازهای خوش خود را دور داشتند، آن درخت به آواز درآید به تسبیح و تهلیل، چنان آوازی که خلائق مانند آن را نشنیده باشند.

در «اسرار الصلوه» مرحوم حاج میرزا جواد آقا (طاب ثراه) مرقوم است؛ در روایت مهمانی اهل بهشت خبری وارد شده که بعد از قرآن استدعای استماع مدت مدیدی بیهوش می شوند، بعد که به هوش می آیند استدعای زیارت جمال جمیل تعالی را می نمایند نوری تجلی می نماید که از تجلی آن نور بیهوش میافتند، احتمال صدق این فرمایشات کافی است که شخص عاقل را شوق آورد، و برای تحصیل آن ترک نماید، آنچه را منافی به رسیدن به این مقام است که فرمود سعد غیور است من که رسولم غیرتم از سعد زیادتر است و پروردگار من از من غیرتش زیادتر است و غیرت حق سبحانه فرمودند ترک فواحش است در این عالم، این مستبها و این حرکات منافی رضای اوست فواره چون بلند شود سرنگون مشود؛ رسوائی را که از حد گذراندی، غیرت او سبحانه در تلاطم آید، یا جزاء عالم امر (کن) می رسد فرو بر و بگیر او را «فیکون» عقب او حاضر است.

رحلت

باری آن بزرگمرد عمری در خدمت به دین با پاکی و معنویت زیست و در ۲۷ شوال سال ۱۳۸۹ مطابق با ۱۶ دی ماه ۱۳۴۸ این سرای خاکی را بدرود

گفت و در جایگاه صدق و صفا نزد سلطان مقتدر هستی جای گرفت و در قبرستان نورانی شیخان و محل قبور بسیاری از اولیاء خدا به خاک سپرده شد. اینک تربت آن سید عارفان محل زیارت بزرگان و معرفت کیشان قم است. بر لوح قبر مبارکش چنین آمده است.

انما الدنيا فناء

قد ارتحل العالم الناسك العابد السالك العارف المتأله حجه الاسلام و المسلمین الحاج اقا حسین الفاطمی نجل افقه السعید آیت الله الحاج سید اسحاق الرضوی القمی قدس سرهما ليله ۲۷ شوال ۱۳۸۹/۱۶.

دی ماه ۱۳۴۸ - هی الدنيا يقول بلا فیها.

حاج سید صادق قمی (آیت تدبیر) / ناصر الدین انصاری قمی

مقدمه

اینک در این مقاله به گوشه ای از زندگی علمی و خدماتی دینی و اجتماعی آیهالله حاج سید صادق روحانی یکی از ستارگان درخشان حرم و سر سلسله خاندان روحانی اشارتی می رود.

ولادت

آیهالله حاج سید صادق قمی، در یکی از خاندان های محترم و متدین تجارت پیشه در سال ۱۲۵۵ ق، در قم زاده شد. او از اول کودکی به تحصیل علم علاقه بسیار داشت و پدر بزرگوارش حاج میراز زین العابدین - که از اهل علم بود (۱) - نیز او را به فراگیری دانش تشویق کرد و تا هیجده سالگی در قم به فراگیری مقدمات اشتغال داشت.

تحصیلات

این فقیه بزرگ، پس از فراگیری ادبیات همراه با دوست و هم بحثش مرحوم ملا غلامرضا قمی به اصفهان مهاجرت کرد و دو سال در آنجا اقامت گزید.

سپس به تهران رفت و نزد حکیم معروف مرحوم آقا علی مدرس زنوزی به تحصیل حکمت و فلسفه پرداخت (۲).

هجرت به نجف

معظم له در حدود سال ۱۲۷۹ ق، همراه دوست دانشمند آیهالله

۲- - آیت الله سید مهدی روحانی می فرمود: این قطعه را از مرحوم عمویم ایت الله حاج میرزا محمود شنیدم و ایشان از والدشان نقل می کردند که من نزدیک چهار سال در حکمت و فلسفه زحمت کشیدم، ولی همه آنها از یادم رفته است .

ملا غلامرضا به نجف اشرف رهسپار شد و در محضر خاتم الفقهاء و المجتهدین مرحوم شیخ انصاری زانوی ادب به زمین زد و به دمت دو سال از بحث های وی بهره مند شد و کتاب «فوائد الاصول» را نیز در همان زمان تصحیح نمود.

پس از درگذشت شیخ اعظم (۱۲۸۱)، به درس فقه و اتصوّل آیات عظام: میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی حاضر شد و از محضر آنان توشه های بسیار برگرفت (۱) و با مهاجرت میرزای شیرازی به سامراء (۱۲۹۱ ق)، وی در نجف ماند و تنها از درسهای میرزا حبیب الله رشتی بهره برد. و در همان زمان بود که ملکه استنباط و قوه اجتهادش، شکوفا گردید و این از تقریرات درس فقه استادش - که آمیخته با نظرات اوست - بر می آید (۲) وی در آن هنگام در حوزه، به قدس و ورع و تقوی و صلاح و درستی مشهور شده بود (۳).

او پس از ۱۷ سال اقامت در نجف، سال ۱۲۹۶ ق، به همراه دوست و هم بحثش - ملا غلامرضا - به سامراء کوچید و به دمت دو سال هم از محضر میرزای شیرازی استفاده برد و با مکتب فقهی سامراء و میانی اصولی آن، آشنا گردید.

بازگشت به قم

معظم له، در سال ۱۲۹۸ ق، با هم بحث خویش، مرحوم آیهالله ملا غلامرضا به زاد گهش و مورد توجه عموم علما و مردم شهر واقع شد، به ویژه آن که چند نفر از مراجع و مجتهدین شهر مانند: مرحوم آیهالله حاج ملا صادق و مرحوم آیهالله حاج سید جواد قمی (م ۱۳۰۳ ق) ایشان را

۱- - نقباء البشر ۲/ ۸۵۵۵.

۲- - مقدمه «سرالسعاده»، د.

۳- - نقباء البشر ۲/ ۸۵۶.

از نظر علم و فقاہت و تقوا ستودند.

آیت الله حاج سید مهدی روحانی می فرمود:

آقای حاج سید جواد در آن زمان در قم ریاست تامه داشت و چون از مطالب شیخ انصاری چیز مهمی در دست نداشت و از طرفی حاج سید صادق به تازگی وارد قم شده بود و چندان موقعیتی نداشت، مرحوم حاج سید جواد با ایشان مباحثه خصوصی قرار داده و در حقیقت از او استفاده می کرد. آن مرحوم وصیت کرد که مُهرم را تحویل حاج سید صادق بدهید و نماز جنازه ام را هم ایشان بخوانند(۱).

هم ایشان می فرمود:

مرحوم والد و عمویم آقای حاج میرزا محمود گفتند: مرحوم آیت الله آقا سید علی قزوینی (صاحب حاشیه بر قوانین) قم آمده بود و با مرحوم حاج سید صادق مباحثه می کردند، در جاهایی که مربوط به مطالب شیخ انصاری نبود، مرحوم حاج سید علی برتری داشت و حاج سید صادق ایشان را به مطالب شیخ می کشانید و غلبه می کرد. مرحوم عمویم آقای حاج آقا احمد می گفتند: در این مجالس حاج آخوند - ملاغلامرضا قمی - هم بوده و طرف بحث نیز بوده اند، پس از آن مجلس یا مجالس، از مرحوم سید قزوینی پرسیدند: که این دو کدام بهترند؟

در پاسخ گفته بود: حاج سید صادق قوی تر است.

مرجعیت امور

مرحوم آیت الله حاج سید صادق، پس از وفات آیت الله حاج سید جواد قمی، یگانه مرجع مراجعات و فصل خصومات و رفع دعاوی بود(۲). تمام

۱- ایشان این مطلب را از عمویم (آیت الله حاج میرزا محمود) و پدرش (حاج میرزا ابوالحسن) نقل می نمود .

۲- مقدمه (سرالسعاده)، د نویسنده «رجال قم» می نویسد: حل و عقد امور جامعه و حکومت شرعی، به امضاء و حکم ایشان منوش شده است علاقمندان و مردم دانش دوست و حقیقت جو وی را در بر گرفتند و به تکریم و تجلیل او کوشیدند .

عقود و اسناد به مهر و امضای او رسید و ذکاوت عجیبی در امر قضاوت حل و فصل منازعات از ایشا مشاهده می شد تا آنجا که بعضی، آنها را حمل بر کرامات کرده و حکایاتی نقل نموده اند (۱) از جمله گفته اند: روزی پس از خواندن نماز صبح، در مسجد جنازه مقتولی را به صحن خانه ایشان می آوردند و از آقا تقاضای دادرسی می کنند.

مرحوم آقا پس از لحظاتی تأمل آقا! من قصد کشتن او را نداشتم، اما هر چه به او گفتم برو فلان کار را انجام بده. او گوش نکرد و من با عصبانیت تبر را به طرف او پرتاب کردم و به گیجگاه او اصابت کرد و مرد.

همگان از این تفرس و ذکاوت، بسیار تعجب کردند و آن را حمل بر کرامت نمودند، آن آقا خود فرمود: من در این مدت که به حاضرین نگاه می کردم پدر مقتول خیلی مضطرب و رنگ پریده است و چشمانش حالت ترس دارد. لذا احتمال دادم قاتل همو باشد و این پیش بینی هم درست در آمد (۲).

از ویژگیهای دیگر ایشا، نظم و ترتیب در زندگی بود. وی با کثرت مراجعات در امور شرعی و عادی، باز وقت تدریس و مطالعات و عبادات شرکت در مجالس و تألیفاتش، هر یک به جای خود محفوظ بود از هیچ کدام غفلت نمی کرد. دیگر از ویژگیهایش عشق به کار و حل مشکلات مردم بود. از کاری که وظیفه او بود هیچ وقت اظهار خستگی نمی کرد، چه بسا نیمه شب در سرما یا

۱- همان کتاب، ص «۵» .

۲- به نقل از آیت الله سید مهدی روحانی .

گرما برای رفع حاجتی سراغ او می آمدند، و او متغیر نمی شد (۱).

از خصوصیات دیگر وی - که در میان اهالی قم در تواتر رسیده بود - ملاقاتش با حضرت ولی عصر (عج) بوده است وی، بسیار اوقات در نیمه های شب از منزلش - در محله «سلطان محمد شریف» در خیابان چهارمردان، به سمت مسجد امام زین العابدین - در چهارراه سجادیه - بیرون می رفت و در آنجا به عبادت می پرداخت و بسیار اوقات هم می شد که در آن مکان شریف، رهگذران شاهد نوری تابان و گفتگوش با شخص دیگر بودند.

آیت الله سید مهدی روحانی می فرمود: من از پدرم در مورد این قضایا و شهرت آنها پرسیدم. پدرم - که مرد روشنفکری بود و این گونه قضایا را به آسانی قبول نمی کرد فرود: من از جزئیات قضایا خبر ندارم، اما پدرم لیاقت و صلاحیت این قضایا را داشت و از مقام قدس و ورع او دور نیست.

شاگردان

در محضر آن فقیه فرزانه، شاگردانی چند پرورش یافتند که عبارتند از آیات عظام و حجج اسلام (۲).

۱ - حاج شیخ حسن فاضل (م ۱۳۶۶ ق)

۲ - حاج سید فخر الدین سیدی - نوه دختری مرحوم میرزای قمی - (م ۱۳۶۳).

۳ - حاج شیخ محمد کبیر قمی ۱۲۹۰ - ۱۳۶۹ ق).

۴ - آخوند ملا علی اکبر قمی

۵ - شیخ ابوالقاسم صغیر (۱۳۵۲).

۱- - مقدمه سرالسعاده، ه .

۲- - مقدمه سرالسعاده، ه .

و از میان این گروه، مرحوم حاج حسن فاضل از قم مهاجرت نکرد و اختصاص به شاگردی آن استاد عالیقدر پیدا کرد و به درجات عالییه فقاہت و اجتهاد نائل آمد (۱).

تالیفات

از آنجا که ایشان به جز امامت جماعت و مرجعیت امور دینی مردم، متصدی امر قضاوت، و فصل دعاوی و رفع خصومات بود و لذا کمتر تألیفی از او به یادگار مانده است. اما همان نوشتجات اندک او، گواه روشنی بر فضل و فقاہت اوست. به گفته آیت الله سید مهدی روحانی وی مجلدی از مباحث عقلیه را نگاشته بود، که در جریان سیل معروف قم (سال ۱۳۵۲ ق) از میان رفت، و نیز حدود هزار ورق - یا بیشتر - از مباحث مختلفه در فقه و اصول نگاشته است که متفرق می باشد و چون اوراق بسیاری از آنها مفقود شده، مرتب ساختن آنها غیر ممکن است. اما کتابی که هم اینک از او در دسترس است، «شرح کتاب الزکاه» شرایع (از آغار زکات تا اصناف مستحقین) می باشد، که نزد نوادگان وی است.

بنای مسجد مدرسه

سال ۱۳۱۱ ق بود که مرحوم آقای حاج سید صادق، شروع به ساختمان مسجد و مدرسه نزدیک خانه مسکونی اش نمود و بنیاد مسجد در سال ۱۳۱۳ ق تمام شد و به تدریج حجرات مدرسه نیز در سالیان بعد تکمیل گردید و اینک مورد استفاده، جمعی از طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم است.

(این مدرسه به خواست آیت الله سید صادق روحانی) در سال ۱۳۹۵ ق مورد بازسازی و تعمیرات اساسی قرار گرفت و امامت جماعت مسجد را سالیان بسیاری است آیت الله آقای حاج مهدی روحانی بر عهده دارد)

درگذشت

مرحوم آیت الله حاج سید صادق، پس از ۸۳ سال زندگی آکنده از خدمات دینی و اجتماعی در تاریخ پنجشنبه پنجم ماه (۱) ربیع الاول ۱۳۳۸ ق بدرود حیات گفت و پس از یک تشیع با شکوه، در سمت شمال مرقد میرزای قمی - در قبرستان شیخان کبیر - به خاک خفت.

در ماده تاریخ وفات وی گفتند:

«قد ذهب نور الدجی

و اندک طود العلی»

«بدا بعده فی الاسلام ثلمه لا یسدها شیء»

مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن فاضل - شاگرد برجسته اش - بر روی قبر وی چنین نوشت:

۱- - هر چند روی قبرش، چهارم ربیع الاول نگاشته شده است، اما این تاریخ را آیت الله روحانی به نقل از والد خویش بیان نمود .

از آن فقیه بزرگ فرزندان متعددی بر جای ماند، که هر یک از مفاخر روحانیت و حوزه علمیه قم بوده اند.

آنان عبارتند از:

۱ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمود روحانی

وی در سال ۱۳۰۷ به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح نزد حضرات آیات: حاج شیخ حسن فاضل و آخوند ملاغلامرضا - صاحب قلائد - و حاج آقا احمد طباطبائی، در سال ۱۳۳۰ ق به نجف مشرف شد و از محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی بهره مند گردید و مدتی نیز در مشهد، از محضر آیت الله حاج آقا حسین قمی استفاده نمود، سپس به قم مراجعت کرد و سالیان فراوان از درسهای فقه و اصول آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، بهره برد، تا بدانجا که یکی از معاریف علمای قم به شمار می رفت و پس از پدر بزوارش به جای وی اقامه جماعت می نمود. او عالمی عامل و فقیهی زاهد و متباعد بود و (۱) از جمله عالمان قم بود که با پیامی از نهضت ملی شدن صنعت نفت و اهداف آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی پشتیبانی نمود (۲).

وفاتش در ۱۸ شعبان المعظم ۱۳۸۱ ق رخ داد و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیهم السلام مدفون گردید.

او والد مروم حاج سید محمد روحانی و آیت الله حاج سید صادق روحانی بود.

۲ - مرحوم آیت اله حاج میرزا ابوالحسن روحانی.

۱- - گنجینه دانشمندان ۳۳۸/۲، رجال قم، ۱۵۶، آثار الحججه ۷۲/۲ - ۷۳.

۲- - آثار الحججه ۳۶/۲، گنجینه دانشمندان ۳۳۶/۲، رجال قم ۸۵.

وی در سال ۱۳۰۹ ق به دنیا آمد و پس از تحصیل سطوح عالیّه در محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف اشرف به قم آمد و در درسهای آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری شرکت جست تا به مقام اجتهاد نائل آمد، وی پس از سالها اقامت در قم و خدمات دینی و اجتماعی، به نجف اشرف مهاجرت نمود و بعد از سالی چند، در ۶ ذیقعده الحرام ۱۳۸۲ ق بدرود حیات گفت و در مقام هود و صالح در قبرستان وادی السلام نجف به خاک سپرده شد، وی والد آیت الله حاج سید مهدی روحانی و حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سیدهای روحانی است.

۳ - مرحوم آقای میرزا فخرالدین روحانی

او در عنوان جوانی، در اوج فصل و کمال در ۱۰ شواک المکرم ۱۳۶۹ ق در گذشت و در صحن موزه حرم مطهر حضرت معصومه علیهم السلام به خاک سپرده شد.

۴ - آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم روحانی

او در ۱۳۱۶ ق در خاندان فقاها و تقوا زاده شد و پس از تکمیل سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات عظام، میرزا نائینی آقا ضیاء الدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهان بهره برد تا به مقام اجتهاد نائل آمد و به وطن خویش بازگشت و در مسجد امام حسن عسکری به اقامه جماعت و ترویج شعائر دینی پرداخت، وی در ۲۷ رمضان ۱۳۸۴ ق در گذشت و در قبرستان شیخان، به خاک آرمید (۱) وی والد حضرات حجج السلام آقایان، حاج سید فضل الله و حاج سید محمد علی و حاج سید مهدی روحانی است.

۵ - مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا احمد روحانی

وی در ۱۳ شوال ۱۳۲۲ ق به دنیا آمد و پس از وفات پدر، در محضر

۱- - گنجینه دانشمندان، ۳۳۷/۲، رجال قم ۸۷.

آیات عظام سید محمد تقی خوانساری، میر سید علی یثربی کاشانی و مرحوم حاج شیخ حسن فاضل سطوح فقه و اصول را فرا گرفت، سپس در محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری (در قم) و حضرات آیات میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی، و میرزا ابوالحسن مشکینی (در نجف اشرف) و آیت الله حاج آقا حسین قمی (در کربلا) مبانی فقهی و بنیه علمی خویش را استوار ساخت.

وی در این مدت برای تبلیغ دین، بارها به هندوستان سفر کرده و در ملازمت آیت الله قمی برای اعاده حجاب زنان، به ایران آمد و پس از موفقیت دینی ایران، به وطن خود باز آمد و در سال ۱۳۷۴ ق به اصرار گروهی از علما و مردم متدین تهران، امامت جماعت مسجد بنی هاشمی را بر عهده گرفت و به نشر احکام دین پرداخت. از تألیفات وی کتاب «سر السعاده» در فضیلت صلوات، و کفایه النحو، «تسلیه المریض» و «خاطرات» است، وی در دوم صفر ۱۳۸۴ ق بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد (۱).

دامادها

مرحوم آیت الله حاج سید صادق قمی، دارای دامادهای بزرگواری بود که برخی از آنها عبارتند از:

۱ - حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد علی شاه آبادی - قدس سره - استاد حضرت امام خمینی (۱۲۹۲ - ۱۳۶۳ ق)، صاحب «رشحات البحار»، «شذرات المعارف»، «مفتاح السعاده»، «منازل السالکین»، «رساله عقل و جهل»، «حاشیه بر کفایه»، «نجات العباد»، «فصول» (۲).

۱ - گنجینه دانشمندان، ۳۳۹/۲ رجال قم ۹۳، مقدمه «سرالسعاده» صفحات ز - ح .

۲ - شرح بیشتر زندگی او را ببینید در: مجله نور علم، ش ۹، ص ۱۲۶، مجله پیام حوزه ش ۱۰، ص ۱۷۱، ۱۸۴ نقباء البشر ۱۳۷۰/۳ .

۲ - مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی حرم پناهی قمی (۱۳۱۹ - ۱۳۷۴ ق) قدس سره (۱).

۳ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد قمی (۲).

۴ - مرحوم آیت الله حاج میرزا سید حسن برقی قمی (۳).

۵ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد باقر جوادیان قمی (۴).

نوادگان

از آن فقیه بزرگ و فرزندان، نسلی صالح و عالم و متدین بر جای ماند که تاکنون چراغ علم و فضیلت را در حوزه علمیه قم روشن نگاهداشته اند، برخی از آنان عبارتند از:

۱ - مرحوم آقای حاج سید محمد روحانی (۱۳۳۸ - ۱۴۱۹ ق) صاحب «منتقى الاصول» - ۷ ج، «المرتضى الى الفقه الارقى» در زکات، صوم، خمس، حج، «حاشیه بر عروه»، «توضیح المسائل»، «منهاج الصالحین»، و «مناسک حج» (۵).

۲ - آیت الله حاج سید صادق روحانی (متولد ۱۳۴۲ ق) صاحب «زیده الاصول» شش جلد - «فقه الصادق» - ۲۷ جلد - «توضیح المسائل»، «المسائل المستحدثه»، «منهاج الفقهاه» ۴ ج - «شرح کفایه»، «حاشیه وسائل»، «اجتهاد و تقلید»، «فروع علم اجمالی»، «جبر و اختیار»، «ولایت فقیه»، «قواعد فقیه»، «مناسک حج»، «حاشیه عوه» (۶).

۳ - آیت الله حاج سید مهدی روحانی (متولد: ۱۳۴۳ ق) صاحب «بحوث مع اهل السنه و السلفیه»، «الوتر ثلاث رکعات»، «احادیث العتره عن طریق اهل السنه»، «تاریخ فرق و مذاهب اسلامی»، «و فرقه السلفیه و تطوراتها»، «تفسیر

۱- - شرح زندگی او را ببینید، در گنجینه دانشمندان ۲/۲۳۳ - ۳۳۴، رجال قم، ۱۶۳.

۲- - وی عموم مرحوم حاج شیخ محمد تقی قمی، بنیانگذار «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» است.

۳- - رجال قم، ۱۰۰.

۴- - رجال قم، ۱۴۲.

۵- - گنجینه دانشمندان، ۲/۱۶۳.

۶- - گنجینه دانشمندان، ۲/۱۶۰ - ۱۶۲.

سوره الفجر»، حاشیه بر تفسیر جوامع الحجاج، وی عضو مجلس خبرگان رهبری و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از علمای مشهور حوزه است، و هم اینک در مسجد حاج سید صادق، در هر سه وعده اقامه جماعت می نماید و بسیاری از مشکلات مردم را به سرپنجه تدبیر خویش می گشاید(۱).

۴ - حضرات حجج اسلام، آقایان: مرحوم حاج سید فضل الله، حاج سید محمد علی(۲) حاج سید مهدی، حاج سید هادی روحانی، از علمای محترم تهران.

۵ - آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی (متولد: ۱۳۴۷ ق) صاحب «شرح وسیله النجاه»، «شرح کفایه الاصول»، برخی از مجلدات «جامع احادیث الشیعه»، (۳) وی عضو جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم و امام جماعت مسجد محمدیه - یکی از مساجد معروف قم - است.

۶ - مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج اقا مصطفی برقی - امام جماعت مسجد محمدیه قم.

۷ - حضرات حجج اسلام آقایان: حاج آقا نصرالله شاه آبادی و حاج آقا نورالله شاه آبادی - فرزندان مرحوم آیت الله العظمی شاه آبادی - از علمای محترم تهران.

...

۱- گنجینه دانشمندان، ۱۶۴/۲، و مجله نور علم، ش ۲۹، (دی ۶۷)، ص ۱۶ - ۲۶.

۲- گنجینه دانشمندان، ۱۶۴/۲.

۳- گنجینه دانشمندان، ۱۳۴/۲.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

